



دولت جمهوری اسلامی افغانستان



وزارت تحصیلات عالی

پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات

بورده ماستری

ملا علی قاری و منهج آن در مرقات المفاتیح

رساله ماستری

محقق: روح الله "رحیمی"

اسناد رهنما: پوهاند دکتور عبدالباری "حمیدی"

سال: ۱۳۹۷ هـ.ش



دولت جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات  
بورد ماستری

ملاعلی قاری ومنهج آن در مرقات المفاتیح

رساله ماستری

محقق: روح الله "رحیمی"  
استاد رهنا: پوهاند دکتور عبدالباری "حمیدی"

سال: ۱۳۹۷ هـ. ش





# پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپیارتمنت تعلیمات اسلامی

بورد ماستری

## تصدیق نامه

محترم روح الله ولد عبد الکریم ID نمبر Sh-mst-95-156 (از دور دوم تعلیمات اسلامی) از پایان نامه ماستری خویش زیر عنوان: ملا علی قاری و منهج آن در مرقعات المفاتیح به روز چهارشنبه تاریخ ۱۳۹۸/۱/۷ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و از نظر هیأت ژوری مستحق 86 (نمره به عدد) هستاد و شش (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

امضاء اعضای هیأت ژوری:

نمبره	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور محمد اسماعیل لیبب بلخی	عضو هیأت	
۲	دکتور عبد الرحمن شاه	عضو هیأت	
۳	دکتور عبد الباری حمیدی	رهنما و رئیس جلسه دفاعیه	

..... معاون علمی

..... امر بورد ماستری

## خلاصه بحث

خلاصه بحث که تحت عنوان ( ملاعلی قاری و منهج آن در مرآة المفاتیح ) از طرف اداره ماستری پوهنتون سلام، جمت نیل به درجه ماستری به عهده بنده سپرده شده، قرار ذیل است:

در مقدمه این رساله تمام موارد که در اصول مونوگراف نویسی باید مراعات گردد از قبیل: حمد و ثنای الله متعال، درود به پیامبر - صلی الله علیه وسلم -، سبب اختیار موضوع، اهداف تحقیق، سوالات را که این کتاب به آن جواب می دهد و خطه بحث گنجانیده شده؛ در تمهید پیرامون اصل و بنیاد کتاب (مشکاة المصابیح) و زندگی نامه مؤلف آن (خطیب تبریزی - رحمه الله -) همچنان راجع به شروحات کتاب (مشکاة المصابیح) نیز بحث مفصل صورت گرفته است، زیرا اساس کتاب (مشکاة المصابیح) کتاب (مصایح السنة) تألیف امام بغوی - رحمه الله - می باشد.

این تحقیق از دو قسمت اساسی یعنی: (ملاعلی قاری) و (منهج آن در مرآة المفاتیح) ساخته شده، لذا در این رساله پیرامون زندگی نامه و معرفی ملاعلی قاری - رحمه الله - از مقدمه تصنیفات وی و اقوال سیره نگاران راجع به زندگی نامه او، و راجع به تألیفات و تصنیفات ملاعلی قاری در علوم مختلف مانند: توحید و عقیده، تفسیر و علوم قرآنی، حدیث و علوم آن، سیرت و تاریخ، فقه و اصول فقه، مناسک و ادعیه، تراجم و فضائل مفصل بحث گردیده است.

همچنان راجع به شناخت و معرفی کتاب (مرآة المفاتیح)، سبب تألیف آن، ویژگی های این کتاب، دیدگاه علماء راجع به مرآة المفاتیح، منابع و مصادر مرآة المفاتیح و روش ملاعلی قاری در علوم حدیث (روایتاً و درایتاً) با مثالهای تطبیقی آن بحث گردیده است.

در اخیر چون منهج ملاعلی قاری - رحمه الله - در شرح احادیث کتاب (مشکاة المصابیح) (منهج مزجی) می باشد، لذا منهج ملاعلی قاری - رحمه الله - در شرح احادیث کتاب (مشکاة المصابیح) در برگرفته موضوعات همچو: شرح کتب و ابواب مشکاة، شرح الفاظ غریب الحدیث، شرح قواعد نحوی حدیث، شرح حال روای حدیث، بیان مشکل الحدیث و مختلف الحدیث، و تخریج حدیث و حکم بالای حدیث گردیده است.

همچنان ملاعلی قاری - رحمه الله - در استنباط حکم از احادیث کتاب (مشکاة المصابیح)، اسباب ورود حدیث،

احکام عقیده وی، مسائل فقهی حدیث و مسائل مربوط به فوائده و نکات حدیث را نیز بیان نموده است.

در پایان این رساله نتایج بحث، پیشنهادات بحث، فهرست آیات قرآن کریم، احادیث نبوی - صلی الله علیه وسلم -، فهرست اعلام، فهرست مصادر و مراجع و فهرست موضوعات و داشته های بحث نیز شامل می باشد.

## شکران و سپاس گذاری

بر اساس آیه کریمه: ﴿وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ﴾<sup>(۱)</sup> «و هرکس سپاس گذارد تنها برای خود سپاسگذاری می کند».

و همچنان به تاسی از این فرموده رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - (من لا یشکر الناس لا یشکر الله)<sup>(۲)</sup>. «کسیکه مردم را ستایش نکند، الله متعال را هم ستایش نمی کند».

بنابر ارشادات فوق، ایجاب می نماید تا سر آغاز این تحقیق و بررسی را با سپاس و قدر دانی از جناب استاد عالیقدر پوهاند دکتور «عبدالباری حمیدی» استاد بخش تفسیر و حدیث پوهنهی شرعیات پوهنتون سلام بخاطر لطف و مرحمت ایشان به اشراف و همکاری بنده در این رساله بنامیم، استاد گرامی در جریان ترتیب این بحث اوقات نهایت با ارزش خود را همیشه با پیشانی باز برای بنده وقف نموده که با نظریات نیک و نصائح کریمانه ایشان توانستم پایان نامه دوره ماستری را تحت عنوان (ملاعلی قاری و منهج آن در مرقاة المفاتیح) به اكمال برسانم. همچنان جا دارد که از استادان گرامی هریک: استاد دکتور «...» و استاد دکتور «...»؛ که تقویم و مناقشه این بحث را عهده دار گردیده اند ابراز امتنان و تشکری بنمایم؛ و از دولت جمهوری اسلامی افغانستان بخصوص وزارت جلیله تحصیلات عالی، بخاطر رشد و انکشاف بخش تعلیمات عالی خصوصی که پوهنتون سلام نیز شامل آن می گردد تشکری بنمایم، و همچنان جا دارد تا از کدرهای علمی و استادان محترم پوهنتون سلام بالاخص برنامه ماستری بخش تفسیر و حدیث پوهنهی شرعیات قدر دانی خاص بنمایم که وظیفه تدریس علوم اسلامی را در چوکات مقررات و لواحق ریاست تحصیلات عالی خصوصی عهده دار هستند، همچنان از تمام دوستان و عزیزان که بنده را در تهیه و ترتیب این رساله کمک های مادی و معنوی نموده اند تشکر می کنم؛ خصوصاً از برادر محترم استاد معشوق الله "انصاری" که بنده را همیشه وقت در دیزاین این تحقیق همکاری نمودند، در اخیر از خانواده نهایت علم پرورم بخاطر مساعد ساختن زمینه تعلیم و تربیه ام قدر دانی می کنم، از بارگاه الله متعال تمنا دارم که ذوات فوق را کامیابی دنیا و آخرت نصیب فرماید.

(۱) سوره النمل: آیه ۴۰.

(۲) سنن الترمذی، تألیف ابو عیسی محمد بن عیسی الترمذی السلمی، ناشر: دار احیاء التراث العربی - بیروت، تحقیق: احمد محمد شاکر و همکارانش، عدد الأجزاء: ۵ الأحادیث مذیلة بأحكام الألبانی علیها، کتاب البر والصلة، باب الشکر لمن احسن الیه، ج ۴، ص ۳۳۹، شماره حدیث (۱۹۵۴)؛ حدیث را ابو عیسی ترمذی، حسن صحیح گفته و علامه آلبانی نیز آنرا صحیح خوانده است.

## مقدمه

الحمد لله الذي خلق الجن والإنس ليعبدوه مخلصين له الدين، و أرسل الرسل إليهم وأنزل الكتب عليهم لهدايتهم بنور العلم واليقين، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، الملك القدوس السلام، المؤمن المهيم، العزيز الجبار، القهار الوهاب الرزاق ذو القوة المتين.

وأشهد أن محمداً عبده ورسوله الصادق الناصح الأمين؛ صلى الله عليه وعلى آله الأتقياء المخلصين، وسلم تسليماً كثيراً إلى يوم الدين.

حقاً كه الله متعال قرآن كريم و سنت نبوی - صلى الله عليه وسلم - را منبج حیات برای بشریت تعیین نموده است، و بواسطه آن انسان را از قید ظلمات جاهلیت و بندگی برای بشریت نجات و خلاصی بخشیده است، و در آن بهترین عقیده و شریعت را مطابق با طاقت و توان بشری و نیازمندیهای انسانی انتخاب کرده است، و الله - تبارک و تعالی - این کتاب را از هرگونه تحریف و تغیر، تصحیف و تبدیل، زیادت و نقصان و هر آنچه که سبب تحریف و دگرگونی قرآن کریم می شود حفظ نموده است، چنانچه فرموده است: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (۱).

ترجمه: «بی گمان ما قرآن را فرو فرستاده ایم و قطعاً خود نگهبان آن هستیم».

بدون شک مراد از ذکر در این آیه، قرآن کریم می باشد، الله متعال در جای دیگر می فرماید: ﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ﴾ (۲).

ترجمه: «آن جز پندی و قرآنی آشکار نمی باشد».

نصوص قرآنی فوق بیانگر نعمت حفظ و مصوونیت قرآن کریم است که از طرف الله تعالی برای امت محمدی - صلی الله علیه وسلم - داده شده است؛ همچنان الله - جل جلاله - سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را که مبین و بیانگر قرآن می باشد نیز توسط حفاظ و امامان دین و شرع متین و دانشمندان برجسته علوم حدیث حفظ نموده است.

واقعا جای بس سعادت و افتخار است که امامان برجسته حدیث در گذشته ها، مخصوصاً در قرون سه گانه و طلابی صدر اسلام با ایجاد و معرفی نمودن علم مصطلح الحدیث و علم تخریج احادیث، مسئولیت های خویش را در زمینه حفظ احادیث به وجه احسن ادا نمودند.

علم مصطلح الحدیث که در اساس بخاطر تمحیص و تفکیک حدیث ثابت از غیر ثابت، و یا شناخت حدیث مقبول از مردود وضع شده است، فشرده علوم متعددی است که در رأس آنها علم علل حدیث، علم جرح و تعدیل

(۱) سوره حجر، آیه ۹.

(۲) سوره یس، آیه ۶۹.

قرار دارد. و علمای حدیث با وضع این علم و معرفی نمودن قواعد کلی آن توانستند احادیث پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را از دس و تزویر، اشتباه و تغییر حفظ نمایند.

واقعا کسیکه با علم مصطلح الحدیث و کتب تالیف شده پیرامون آن آشنایی داشته باشد بخوبی می تواند این حقیقت را درک کند که علمای مصطلح در راستای تفکیک حدیث مقبول از مردود چه انداز تلاشهای را به خرج دادند؟. طوریکه می بینیم علمای حدیث در نتیجه بروز حوادث و ظهور فتنه های مختلف که سبب روی کار آمدن فرق و گروه های مختلف سیاسی و غیر سیاسی شد، در پهلوی نقد و بررسی متن حدیث، تمام حالات و کوائف زندگی راویان حدیث را از ولادت تا وفات بطور علمی و دقیق ارزیابی نموده، بدون در نظر داشت روابط فردی و یا اجتماعی مراتب ایشان را از لحاظ جرح و تعدیل روشن ساختند.

امام مسلم در مقدمه صحیح مسلم نظر امام ابن سیرین را در مورد تاریخچه ظهور علم رجال نقل کرده گفته است: (لم یكونوا یسألون عن الإسناد فلما وقعت الفتنه قالوا سمو لنا رجالکم فینظر إلی أهل السنة فیؤخذ حدیثهم وینظر إلی أهل البدع فلا یؤخذ حدیثهم).

یعنی مردم در گذشته بخاطر حاکم بودن فضای صداقت و امانت، از وضعیت و چگونگی اسانید و روایات سوال نمی نمودند، اما زمانیکه فتنه بزرگ - که بقول مشهور منظور ابن سیرین از آن فتنه بشهادت رسیدن عثمان رضی الله می باشد - رخ داد، مردم گفتند: اکنون از رجال روایات تان نام ببرید، پس دیده می شد اگر راوی از اهل سنت می بود روایتش مورد قبول قرار می گرفت، و اگر از اهل بدعت می بود روایتش مورد قبول قرار نمی گرفت.

بار دیگر زمانیکه سنت و عبارت دیگر احادیث و روایات پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در کتب مختلف بکثرت ثبت و درج گردید، و اکثریت مؤلفین با عدم بیان نمودن مراجع و منابع آن احادیث، و نیز با عدم تعیین مرتبه و درجه آنها از لحاظ قبول و رد به وجیه تمحیص و تثبت خود عمل نکردند، اینجا هم علمای حدیث خود را مکلف دیدند تا مسئولیت خویش را در این راستا بوسیله تخریج نمودن احادیث ذکر شده در آن کتابها، و بیان نمودن درجه و مرتبه آنها از لحاظ قبولیت و عدم قبولیت ادا نمایند، تا کسانی که از علم و آگاهی کامل برخوردار نیستند با استفاده از کتب تخریج از حقیقت آن احادیث آگاه شوند. و واقعیت هم همین طور شد که بر اساس عامل وانگیزه فوق، علم و یا فن تخریج بوجود آمد، و کتب زیادی در قرون مختلف زیر عنوان کتب تخریج حدیث تالیف و طبع گردید.

**فهم و بینش درست، و یا درک سالم از سنت:**

در این شکی نیست که فهم و بینش سالم از سنت نیز از اهمیت ویژه برخوردار می باشد؛ زیرا یکی از اسباب انحراف همانا تاویل و تفسیر افراد بی علم و یا کم علم است؛ لذا علمای حدیث بعد از انجام دادن مسئولیت تمحیص و تمحیص سنت، به غرض فهم و بینش صحیح و درک سالم از سنت به شرح و توضیح احادیث جمع و تدوین شده پرداختند.



نا گفته نماند که علمای امت و امامان برجسته حدیث در گذشته های نه چندان دور بخاطر درک و فهم درست سنت، علوم و معارف مخصوصی را در حاشیه علوم حدیث ایجاد نمودند که با استفاده از آن علوم و معارف، می توان معنای صحیح سنت و احادیث را درک کرد، و آن علوم و معارف عبارت اند از: علم غریب الحدیث، علم مختلف الحدیث، علم ناسخ الحدیث و منسوخه، علم اسباب ورود الحدیث.

یکی از علمای برجسته ای علم حدیث که به کشور ما افتخار بخشیده است و یکی از کتابهای مهم علم حدیث را که مشکاة المصابیح می باشد شرح نموده است، امام ملا علی قاری هروی می باشد که شرح منهج و شیوه وی را به عنوان تیزس ماستری خویش انتخاب نمودم.

### اسباب اختیار موضوع:

از اسباب مهم و اساسی انتخاب این موضوع، موارد آتی می باشد:

۱ - آگاهی از سیرت و شرح حال زندگی یکی از علماء و دانشمندان پر آوازه کشور مان افغانستان؛ زیرا تأسی به سیرت بزرگان و دانشمندان و مطالعه زندگی شان در روند کار و زندگی قشر جوان بخصوص طلبه علم، تأثیر مثبت و بسزایی دارد. و بدون شک ملا علی قاری هروی یکی از دانشمندان بزرگ و فاضل، و یکی از محققین الگو و نمونه وقت خود بود. او چنانکه در قرائت امام بود، فقیه، محدث، اصولی زبردست، مفسر، متکلم، زاهد و پارسا، مؤرخ، نحوی و ادیب وقت خود نیز بود.

۲ - عامل دوم انتخاب موضوع شهرت و اهمیت کتاب مرقاة المفاتیح است که در حوزه های علمی تمام کشورها و مراکز اسلامی یکسان رواج داشته اما تا هنوز منهج و روش وی به شکل علمی و تحقیقی به بررسی گرفته نشده است.

۳ - عدم موجودیت معلومات مستند به زبان فارسی در مورد ملا علی قاری.

۴ - تکمیل شروط فراغت از بخش ماستری؛ زیرا یکی از شروط فراغت از دوره ماستری همانا تحقیق پیرامون یکی از موضوعات علمی و مهم است.

۵ - شوق و علاقه شخصی بنده پیرامون شناخت روش امامان حدیث.

۶ - میسر شدن زمینه مطالعه در یکی از شروح معتبر علم حدیث؛ زیرا تحقیق در شیوه ملا علی قاری ایجاب می نماید تا کتاب مورد نظر را از اول تا آخر مطالعه نموده و نکات مورد ضرورت را از آن استخراج نمایم.

۷ - عدم آشنایی تعداد زیادی از علماء و طلبه علم با نام و کارنامه های علمی ملا علی قاری، طوریکه دیده میشود تعداد زیادی از علماء و دانشمندان ما از شخصیت علمی و آثار گرانبهای وی آگاهی درست ندارند؛ لذا بنده بعد از مشوره با استادان و توافق ایشان تصمیم گرفتم تا معرفی ملا علی قاری و توضیح روش آن را در مشهور ترین و برجسته ترین اثرش که همانا مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح می باشد، عنوان تیزس ماستری خود قرار دهم.

## سوالات تحقیق:

این اثر تحقیقی در کل پاسخ‌گوی سؤالات ذیل می باشد:

- ۱- ملاعلی قاری کی بود و در کجا زندگی می کرد؟
- ۲- ملا علی قاری در کدام فنون تبخّر و مهارت داشت؟
- ۳- ملا علی قاری نزد سایر دانشمندان از کدام مقام و جایگاه برخوردار بود؟
- ۴- تالیفات ملا علی قاری در چه حد و در کدام رشته ها بوده است؟
- ۵- کتاب مرقاة المفاتیح به شرح کدام کتاب پرداخته و این شرح میان سایر شروح مشکاة المصابیح از کدام اهمیت برخوردار است؟
- ۶- ملاعلی قاری در شرح احادیث مشکاة المصابیح از کدام روش استفاده نموده؟

## اهمیت موضوع:

اهمیت موضوع تحقیق از این قرار است:

تحقیق حاضر طوریکه از نامش پیدا است، دو موضوع را احتوا نموده و هر موضوع آن از اهمیت ویژه برخوردار می باشد که شرح آن از این قرار است:

۱ - معرفی چهره های تابناک و درخشان تاریخ اسلام ، وبه ویژه چهره های تاریخی افغانستان در شرایطی بس حساس که دشمنان اسلام در پهلوی سایر ابزار گمراه کننده خود میخواهند با بیگانه ساختن ما مسلمانان از فرهنگ و فرهنگیان اصیل مان، ارتباط و پیوند تاریخی و فرهنگی ما را با گذشته های روشن و درخشان مان قطع نمایند، امری است نهایت ضروری ؛ چرا ما اگر خواسته باشیم با بدست گرفتن چراغ علم ودانش بطرف یک آینده درخشان و شکوفا حرکت کنیم ناگزیر هستیم تا با اسلاف و نیاکان خود ، مخصوصا آن چهره ها و شخصیت های بزرگ علمی که نام ها و اسامی گرامی شان تاهنوز در هر صفحه از صفحات مراجع دینی ما ثبت است، و تا قیام قیامت نیز ثبت خواهد ماند آشنا شویم ؛ زیرا رفتن به یک آینده درخشان بدون مطالعه و بررسی تاریخ گذشتگان ، والهام گرفتن از زندگی علمی و مجاهدات عملی ایشان امکان پذیر نمی باشد.

و در مورد اهمیت بخش دوم موضوع باید گفت که: این تحقیق در مجموع به شیوه شرح و توضیح احادیث نبوی بر میگردد که شرح آن به شیوه درست و معیاری و بدور از هر نوع غلو، تاویل و تفسیرهای جاهلانه و مغرضانه - طوریکه در بالا تذکر گردید - یکی از مسئولیت های مهم علمای حدیث به شمار میرود.

۲ - اهمیت دیگر موضوع تحقیق این است که علمای کشور باستانی ما افغانستان نیز مسئولیت خویش را درک نموده و در شرح و توضیح یکی از کتابهای معتبر حدیث که مشکاة المصابیح می باشد، پرداخته اند.

۳ - شکی نیست که استنباط احکام فقهی و برملا ساختن نکات علمی و تربیتی از احادیث نبوی با استفاده از شیوه های مخصوص علمی میسر خواهد بود که در این تحقیق به شرح و توضیح شیوه های علمی بکار رفته در یکی از شرح های پر آوازه پرداخته شده است.

۴ - اهمیت دیگر موضوع تحقیق این است که این موضوع بالآخره به کتاب مشکاة المصابیح خطیب تبریزی ارتباط میگیرد که همانند چراغ درخشان در تمام مراکز علمی و دینی مسلمانان می درخشد، پس شرح و توضیح منهج و روش

ملا علی قاری یک خدمت غیر مستقیم به کتاب مشکاة المصابیح تلقی می گردد.

### اهداف تحقیق:

از اهداف اساسی این تحقیق موارد آتی می باشد:

۱- معرفی جایگاه ملاعلی قاری در حوزه علم روایة الحدیث و درایة الحدیث که یکی از بخشهای مهم و اساسی علم حدیث به شمار میرود.

۲- آگاه شدن و آگاه ساختن دیگران از منهج و روش علمی ملاعلی قاری در شرح مشکاة المصابیح تا کسانیکه میل و علاقه به شرح احادیث کدام کتاب حدیث داشته باشند، می توانند از شیوه ملا علی قاری استفاده نموده و به شرح احادیث همان کتاب پردازند.

۳- آگاهی از مذهب اعتقادی و فقهی ملاعلی قاری و مؤلفات وی در بخش های مختلف علوم معارف دینی.

۴- آگاه شدن از تعامل و برخورد ملاعلی قاری با مذاهب دیگر در اثنای شرح احادیث، و متابعت نمودن از شیوه تعامل وی.

۵- مهمتر از همه آگاه شدن از شیوه و روش تحقیقی ملا علی قاری در تعامل با احادیث نبوی، مخصوصا احادیثی که با نصوص دیگر بگونه در ظاهر متعارض باشند، پس در این تحقیق روشن خواهد شد که ملا علی قاری به حیث عالم برجسته قرن یازدهم هجری در تعامل با آن نصوص چه روشی را اختیار نموده است.

### پیشینه تاریخی تحقیق:

با توجه به جایگاه علمی و مقام والای ملا علی قاری در علوم و فنون مختلف، تحقیقات و پژوهش های مختلف علمی پیرامون نقش وی در حوزه حدیث صورت گرفته است که از آن جمله می توان از تحقیقات ذیل نام برد:

۱- ( الامام علی قاری وأثره فی علم الحدیث ) تألیف خلیل ابراهیم قوتلای.

۲- ( ملا علی قاری محدثا ) تیزس دکتورا توسط استاد نظام الدین نافع در جامعه پنجاب - پاکستان.

همچنان تعداد دانشمندان دیگر که برخی آثار و کتبه های ملاعلی قاری - رحمه الله - را تحقیق نموده اند در ضمن آن به تحریر بیوگرافی وی پرداختند، از آن جمله:

۱- شیخ عبدالفتاح (أبوغده) در مقدمه کتاب ( المصنوع في صناعة الموضوع).  
۲- شیخ خلیل المیس در مقدمه تحقیق ( شرح مسند امام ابو حنیفه ) .  
تعداد دیگری مقالات کوچکی را پیرامون معرفی و زندگی نامه ملاعلی قاری - رحمه الله - به رشته تحریر در آوردند.

اما در مورد منهج و شیوه ملا علی قاری در مرقة المفاتیح کدام کتاب و اثری تا هنوز تالیف نگردیده است لذا بنده به مشوره استادان و برخی افراد آگاه و متخصص تصمیم گرفتم تا منهج و شیوه ملا علی قاری را در مرقة المفاتیح به حیث عنوان تیزس ماستری خود انتخاب نمایم.

### روش تحقیق:

شکی نیست که هر تحقیق روش خاص خود را دارد، و روشی را که در تحقیق حوزه های تفسیر و علوم القرآن، حدیث و علوم آن به کار برده میشود بیشتر روش استقرائی، وصفی و تحلیلی می باشد که بنده نیز در این تحقیق خود از تتبع و استقراء کار گرفته و موضوعات را به شکل وصفی و تحلیلی مورد بررسی قرار دادم که فشرده آن طی نکات ذیل بیان میدارم:

۱- در ارتباط به بخش اول موضوع که به شرح زندگی و معرفی شخصیت علمی ملاعلی قاری - رحمه الله - تعلق می گیرد، سعی نمودم تا در قدم اول از کتب تراجم و رجال، تاریخ و طبقات، سپس از برخی تحقیقات و مقاله های علمی که پیرامون ملا علی قاری نگاشته شده است، استفاده نمایم.

۲- کتاب (مرقة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح) اثر ملاعلی قاری چندین بار مطالعه گردیده که از خلال آن اصل کتاب تعریف شده، همچنان نظریات علماء و دانشمندان علوم اسلامی نیز از کتابهای معتبر نقل و بیان گردیده است.

۳- منهج ملاعلی قاری در علوم حدیث از کتاب مرقة المفاتیح گرفته شده است، زیرا با مجرد مطالعه این کتاب خواننده به آسانی درک کرده می تواند که ملاعلی قاری در اثنای شرح حدیث به علوم روایت الحدیث و درایت الحدیث توجه جدی نموده و تمام مسائل مربوطه آنرا بیان کرده است.

۴- منهج ملاعلی قاری در شرح احادیث مشکاة المصابیح نیز از اثر مطالعه کتاب مرقة المفاتیح گرفته شده. در شرح حدیث، ابتداء به اصل حدیث مراجعه شده و از کتابهای حدیثی تخریج گردیده بعداً ترجمه شده و بعد از ترجمه متن کتاب مرقة المفاتیح پیرامون شرح همان حدیث نقل و ترجمه گردیده است.

۵- احادیث بعد از تخریج از کتابهای مربوطه در داخل علامه اقتباس جایجا شده و ترجمه آن از مراجع معتبر در علامه اقتباس اخذ گردیده است.

۶- احکام و نظریات محدثین در باره احادیث غیر از صحیحین نیز بیان گردیده است.

۷- قبل از پرداختن به اصل بحث هر فصل دارای یک مدخل می باشد، تا خواننده محترم به آسانی بتواند راجع به داشته های همان فصل معلومات حاصل نماید.

۸- آیات مربوطه در داخل قوس کلان و مرجع آن آیه در قوس خورد بشکل پاورقی، ابتداء نام سوره و بعدا شماره آیه ذکر شده است.

۹- ترجمه آیات عموماً از کتابهای تفسیر خرم دل و تفسیر محمد گل گمشاد زهی که اصل آن در کتابخانه شامله فارسی موجود می باشد گرفته شده، همچنان احیاناً ترجمه آیات از تفاسیر انوار القرآن و در بعضی موارد ترجمه آیات از تحلیل تفاسیر عربی نیز شده است؛ ترجمه آیات در داخل علامه اقتباس نشانی شد گردیده.

۱۰- شرح حال برخی از اعلام که مشهور نمی باشند در این بحث در قسمت پاورقی معرفی گردیده است.

۱۱- هنگام نقل عین متن مرقاة المفاتیح در پاورقی جلد، صفحه و شماره حدیث کتاب مشکاة المصابیح نیز ذکر گردیده است، و در صورت که مفهوم کدام موضوع از کتابها گرفته شده به کلمه (نگاه) که نزد محققین معمول است اشاره گردیده است.

۱۲- در خاتمه یک نتیجه گیری و پیشنهادات بحث نیز گنجانیده شده است.

۱۳- در مراجع بحث ابتداء نام کتاب، نام مولف، مکان نشر، طبع کتاب، جلد و شماره صفحه ذکر گردیده است.

۱۴- فهرست آیات قرآن کریم به اساس ترتیب سوره (مصحف عثمانی) و شماره آیات همان سوره تنظیم گردیده، همچنان فهرست احادیث نبوی - صلی الله علیه وسلم - به اساس حروف معجم دسته بندی شده، و فهرست مصادر و مراجع نیز مطابق حروف الفباء ترتیب گردیده است.

۱۵- در اخیر این رساله ورق نخست برخی از کتابهای مهم و اساسی ملاعلی قاری نیز ضمیمه گردیده است تا خواننده و محقق بتواند به آسانی به آن دسترسی پیدا نماید.

### پلان و خطه بحث:

مقدمه که شامل: اهمیت موضوع، اسباب اختیار موضوع، اهداف تحقیق، روش تحقیق، سوالات تحقیق، پلان و خطه بحث می گردد.

تمهید که شامل عناصر ذیل می شود: اصل کتاب مشکاة و سبب تألیف آن، تعریف کتاب مشکاة، معرفی مؤلف مشکاة المصابیح، شروحات مشکاة و مراجع و مصادر مشکاة المصابیح و سه فصل که تفصیل آن قرار ذیل است.

### فصل اول:

ملا علی قاری و جایگاه علمی وی

مبحث اول: شناخت و معرفی ملا علی قاری رحمه الله

مطلب اول: نام و نسب، ملا علی قاری.  
مطلب دوم: ولادت و پرورش، طلب و تحصیل، سفرهای علمی، و تاریخ وفات ملا علی قاری.  
مطلب سوم: استادان ملا علی قاری.

مطلب چهارم: حلقات علمی و شاگردان ملا علی قاری.

مطلب پنجم: اقوال علماء راجع به ملا علی قاری.

مطلب ششم: زهد و تقوی، و گرایش تصوفی ملا علی قاری.

مطلب هفتم: مصادر ترجمه و معرفی ملا علی قاری

مطلب هشتم: مذهب فقهی و اعتقادی ملا علی قاری.

### **مبحث دوم: تألیفات و وظائف علمی ملا علی قاری**

مطلب اول: تألیفات ملا علی قاری در توحید و عقیده.

مطلب دوم: مؤلفات وی در تفسیر و علوم قرآنی.

مطلب سوم: مؤلفات وی در حدیث و علوم آن.

مطلب چهارم: مؤلفات وی در سیرت و تاریخ.

مطلب پنجم: مؤلفات وی در فقه و اصول آن.

مطلب ششم: مؤلفات ملا علی قاری در مناسک و ادعیه.

مطلب هفتم: مؤلفات ملا علی قاری در تراجم و فضائل.

مطلب هشتم: وظایف و فعالیت های ملا علی قاری.

### **فصل دوم:**

**شناخت مرقاة المفاتیح، و روش ملا علی قاری در علم حدیث**

**مبحث اول: شناخت و آگاهی راجع به مرقاة المفاتیح**

مطلب اول: نام شرح ملا علی قاری و سبب تألیف آن.

مطلب دوم: اهمیت شرح ملا علی قاری

مطلب سوم: دیدگاه علماء پیرامون شرح ملا علی قاری.

مطلب چهارم: موقف ملا علی قاری با صاحب مشكاة.

مطلب پنجم: موقف ملا علی قاری در قبال بقیه شارحین مشكاة.

مطلب ششم: مصادر و منابع ملا علی قاری در مرقاة المفاتیح.

مطلب هفتم: ملاحظات بالای کتاب مرقاة المفاتیح.

**مبحث دوم: روش و منهج ملا علی قاری در علم حدیث**

مطلب اول: منهج ملا علی قاری در روایت علم حدیث.

مطلب دوم: منهج ملاعلی قاری در درایت علم حدیث.

### فصل سوم:

منهج ملاعلی قاری در شرح احادیث مشکاة واستنباط حکم از آن

مبحث اول: منهج ملاعلی قاری در شرح احادیث مشکاة

مطلب اول: توجه ملاعلی قاری در شرح کتب و أبواب مشکاة.

مطلب دوم: منهج ملاعلی قاری به الفاظ غریب حدیث و اعراب آن.

مطلب سوم: منهج ملاعلی قاری در بیان قواعد نحوی حدیث.

مطلب چهارم: عنایت ملاعلی قاری به تراجم راوی حدیث.

مطلب پنجم: موقف ملاعلی قاری در باره راوی مبهم.

مطلب ششم: توجه ملاعلی قاری به علم مشکل الحدیث.

مطلب هفتم: منهج ملاعلی قاری در علم مختلف الحدیث.

مطلب هشتم: روش ملاعلی قاری در تخریج و حکم بر حدیث.

مطلب نهم: منهج ملاعلی قاری در بیان اقوال متصوفه، نصوص ادبی و شعراء.

مبحث دوم: منهج و روش ملاعلی قاری در نحوه استنباط احکام از حدیث در شرح مشکاة

مطلب اول: منهج ملاعلی قاری در علم أسباب ورود حدیث.

مطلب دوم: منهج ملاعلی قاری در بیان احکام عقیده.

مطلب سوم: توضیح دید فقهاء، همراه با دلائل هر دید.

مطلب چهارم: بیان بدعات و ظلم حکام هنگام شرح حدیث.

مطلب پنجم: توجه ملاعلی قاری به ذکر فوائد و نکات.

نتایج بحث.

پیشنهادات.

فهرست آیات، فهرست احادیث، فهرست اعلام، فهرست منابع و مصادر و فهرست موضوعات.

بدون شك این رساله عاری از نقص و خطا نخواهد بود، لذا از تمامی کسانی که این کتاب را مطالعه می کنند می

خواهم نکته نظرات، راهنمایی ها و ارشادات خویش را از بنده دریغ نفرمایند.

در اخیر جا دارد بگویم: مَا أَصَبْتَ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَخْطَأْتَ فَمِنَ نَفْسِي وَمِنَ الشَّيْطَانِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

« سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ »

امید است خداوند - تبارک و تعالی - این تحقیق را جزء اعمال حسنه بنده و تمامی عزیزانی که در این راستا

راهنمایی و یاری ام نموده اند، قرار بدهد.

## تهید

دین مقدس اسلام یک دین کامل و شامل در تمام امور و مراحل زندگی بشری بوده و می باشد، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (۱).

ترجمه: « امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان دین و آئین الله پسند برای شما برگزیدم ».

و الله متعال بخاطر تبلیغ احکام این کتاب بهترین بنده اش (حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم -) را مکلف و مبعوث ساخته؛ تا شریعت الهی را برای بندگانش برساند، چنانچه می فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ (۲).

ترجمه: « وقرآن را بر تو نازل کرده ایم تا اینکه چیزی را برای مردم روشن سازی که برای آنان فرود آمده است ». و پیامبر - علیه الصلاوة و السلام - نیز مکلفیت را که الله متعال به وی سپرده بود به شاگردان مکتب نبوت (صحابه کرام) با بهترین وجه رسانید، همچنان صحابه و یاران گرامی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نیز احساس مسؤولیت نموده و این امانت مقدس را به شاگردان شان (تابعین) به طریقه احسن رسانیدند، که این مرحله را محدثین بنام مرحله حفظ سینه به سینه نام نهادند؛ سپس دانشمندان مسلمان در ابعاد مختلف دین، روایات را جمع آوری نمودند و احادیث پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را در متون نوشته نمودند که این مرحله را بنام تدوین حدیث نام نهادند، و آنرا در بخش های مختلف همانند: سنن، صحاح، مسانید، معاجم، جوامع، مشیخات، اجزاء و غیره تقسیم بندی کردند، و توانستند که در کنار علوم دیگر علم حدیث شریف را به اعلی ترین درجه برسانند؛ همچنان محدثین توجه جدی در قبال جمع آوری روایات از حیث قبول و رد، و پایه گذاری قواعد و اصول برای پذیرفتن و رد آن نمودند، و در علم تاریخ رجال حدیث یک ثروت نادر را برای امت مسلمه به میراث گذاشتند، که نظیر آن در امت های دیگر هنوز دیده نشده است، و در علم جرح و تعدیل نیز قوانین و بنیاد های محکم را اساس گذاری نمودند تا در هیچ مقطع زمانی کوشش به جعل و خیانت در حدیث پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - صورت نگیرد، درکنار این مجاهدت های علماء حدیث، برخی از علماء کوشش های دیگری را زیر چتر شروح حدیث نیز انجام دادند، و به شرح احادیث که قبلاً در کتاب های معتبر مانند: صحاح، مسانید، معاجم

(۱) سوره المائده: آیه ۳.

(۲) سوره النحل: آیه ۴۴.



و غیره جمع آوری گردیده بود پرداختند، که علم شروح حدیث نیز از دیگر علوم عقب نمانده بلکه نزد دانشمندان و متخصصین علوم اسلامی جایگاه والا خود را حفظ نموده است.

به همین خاطر این رساله، تحقیق پیرامون یکی از دانشمندان (ملاعلی قاری و منهج آن در مرآة المفاتیح) می باشد، که جهت پایان نامه دوره تحصیلی به موافقه بورد ماستری انتخاب نموده ام.

چون محور اصلی بحث این رساله مرتبط به ملاعلی قاری و منهج وی در کتاب (مرآة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح) می باشد، مهتر است تا قبل از معرفی ملاعلی قاری و منهج وی در (مرآة المفاتیح) معلومات مختصری پیرامون کتاب (مشکاة المصابیح) و مصنف آن (خطیب تبریزی) ارائه نمائیم.

## ۱- اصل کتاب مشکاة المصابیح و سبب تألیف آن:

اساس و بنیاد کتاب (مشکاة المصابیح) تصنیف خطیب تبریزی، کتاب (مصایح السنة) تألیف امام بغوی - رحمه الله - (۱) می باشد، معلومات مختصر پیرامون کتاب (مصایح السنة) قرار ذیل است:

## ۲- کتاب (مصایح السنة):

کتاب (مصایح السنة) تألیف امام حسین بن مسعود الفراء البغوی الشافعی، درگذشت سال (۵۱۶) می باشد، کتاب (مصایح السنة) دارای (۴۰۱۹) حدیث می باشد، که (۱۱۵۰) حدیث آن را از احادیث متفق علیه (به روایت بخاری و مسلم) و (۳۲۵) حدیث آنرا کتاب (صحیح بخاری) و (۸۷۵) حدیث آنرا از کتاب (صحیح مسلم) نقل نموده است؛ متباقی احادیث کتاب (مصایح السنة) از کتابهای دیگر از قبیل: سنن، مسانید و غیره کتاب های حدیثی نقل گردیده است.

روش امام بغوی - رحمه الله - در تصنیف این کتاب کاملاً مغایر با روش هم عصران اش بوده است، زیرا امام بغوی - رحمه الله - احادیث را در این کتاب بدون سند نقل کرده، و آنرا به دو بخش تقسیم نموده است: (

---

(۱) ابو محمد الحسین بن مسعود بن محمد بن الفراء (البغوی)، رکن الدین ملقب به (محبی السنه) در بغ که از شهرهای خراسان قدیم است (بغ در میان مرو، و هرات واقع است)، امام بغوی رحمه الله متولد سال (۴۳۳هـ) می باشد، امام بغوی فقیه، محدث و مفسر قرآن کریم و یکی از علماء بزرگ عصر خود بوده است، که شاگردان و مولفات زیادی را برای جامعه اسلامی به ارث مانده است، از جمله مصنفات وی: التهذیب در فقه شافعی، شرح السنة در حدیث، لباب التأویل فی معالم التنزیل در تفسیر قرآن کریم و الجمع بین الصحیحین را می توان نام برد، از جمله استادان و شیوخ امام بغوی رحمه الله: شیخ الشافعی القاضی حسین بن محمد المروزی، صاحب و غیره علماء هم عصر اش بوده است، همچنان شاگردان وی: عمر بن الحسن الرازی، پدر امام رازی صاحب (تفسیر الکبیر)، محمد بن الحسین بن محمد بن الحسین بن علی بن یعقوب المروزی الزاغولی، ابي عمر عبد الواحد بن أحمد الملیحی، وأبي الحسن محمد بن محمد الشیرزی، جمال الاسلام ابي الحسن عبد الرحمن بن محمد الداوودی، یعقوب بن أحمد الصیرفی، ابي الحسن علي بن يوسف الجوبنی، ابي الفضل زیاد بن محمد الحنفی و غیره را می توان نام برد، امام ذهبی می گوید: امام بغوی حلقه درسی را بدون طهارت شروع نمی کرد و یک عامه خورد سفید را به سر می کرد، بلاخره امام بغوی رحمه الله در شهر مرو خراسان در سال (۵۱۰هـ و یا ۵۱۶هـ) وفات نموده است، رحمه الله. نگاه: سیر أعلام النبلاء، امام ذهبی، موقع یعسوب، ج ۱۹، ص ۴۳۹؛ و الاعلام، انخیز الدین الزرکلی، ج ۲، ص ۲۵۹؛ و مرآة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، العلامة الشیخ علی بن سلطان محمد القاری، درگذشت: ۱۰۱۴، تحقیق الشیخ جمال عیثانی، المكتبة الحیبیة کانسئ رود کویت، ج ۱، ص ۹-۱۳.

احادیث صحاح که آنرا مسلم و بخاری و یا یکی آن روایت نموده است؛ و احادیث حسان، که آنرا کتابهای دیگر همچو: سنن ابی داود، سنن ابن ماجه، سنن ترمذی، سنن نسائی، مسند امام احمد، سنن الدارمی، شعب الایمان بیهقی و غیره سپس احادیث صحاح را نیز به دو بخش تقسیم نموده، بخش اول آنچه بخاری و مسلم به آن اتفاق دارند، بخش دوم آنچه که صرف بخاری و یا مسلم به تنهای خود روایت کرده<sup>(۱)</sup>.

### ۳- شرح کتاب (مصایح السنة):

کتاب (مصایح السنة) تصنیف امام بغوی - رحمه الله - را تعداد زیادی از علماء و دانشمندان علوم حدیث نبوی - صلی الله علیه وسلم - منحیث یک کتاب ارزشمند پذیرفته اند، و بالای آن مختصرات شروح و تخریجات زیادی نوشته کرده اند<sup>(۲)</sup>، برخی از این شروح قرار ذیل است:

۱- (ضیاء المصایح) تألیف شیخ أبو نجیب عبدالقاهر بن عبد الله السهروردی<sup>(۳)</sup>، درگذشت: سال (۵۶۳هـ).

۲- (المیسر) تصنیف أبو عبد الله، شهاب الدین، فضل الله بن حسین توربشتی<sup>(۴)</sup>، الحنفی، محدث و فقیه، درگذشت: سال (۶۶۱ هـ)، این کتاب را عبدالحمید هنداوی، تحقیق نموده، و در مکتبه (نزار مکه) در ۴ جلد چاپ شده است<sup>(۵)</sup>.

۳- (تحفة الأبرار فی شرح المصایح)، تألیف شیخ إمام القاضي ناصرالدین ابی سعید عبدالله بن عمر بن محمد بن البیضاوی الشیرازی<sup>(۶)</sup>، الشافعی درگذشت: سال (۶۸۵هـ).

(۱) نگا: مقدمه، مرفاة المفاتیح شرح مشکاة المصایح، العلامة الشیخ علی بن سلطان محمد القاری، المتوفی ۱۰۱۴، تحقیق الشیخ جمال عینانی، المکتبه الحبیبه کانسی رود کویت، ج ۱، ص ۶-۷؛ و: مقدمه کتاب: مصایح السنة، امام بغوی، و کتاب الرسالة المستطرفة لیبیان مشهور کتب السنة المشرفة، علامه محدث، ابی عبد الله محمد بن جعفر الکنانی الإدربیسی المغربي، ص ۱۳۳؛ و کتاب: کشف الظنون علی اسامی الکتب والفنون، لحاجی خلیفه، طبع: مکتبه المنئی، بغداد، ج ۲، ص ۱۶۹۸.

(۲) مرفاة المفاتیح شرح مشکاة المصایح، ملاعلی قاری، ج ۱، ص ۷.

(۳) نام وی: عبدالقادر بن عبد الله بن محمد البکری الصدیقی، ابونجیب (سهروردی) است، او از جمله فقه های مذهب امام شافعی رحمه الله می باشد، او را واعظ، امام در تصوف خوانده اند، که در شهر سهرورد نزدیک (زنجان) در سال (۴۹۰هـ) متولد گردیده است، در علوم مختلف تصنیفات دارد، منجمله: (آداب المریدین)، (شرح الاسماء الحسنی) (غریب المصایح)، (فوات الوفیات)، (مفتاح السعادة)، (طبقات الشافعیة) و غیر از این کتابها، مصنفات دیگر را نیز در علوم مختلف تألیف نموده است، وی بلاخره در سال (۵۶۳هـ) وفات شده است؛ نگاه: الاعلام، خیرالدین الزرکلی، ج ۴، ص ۴۹، و کتاب هدیة العارفين، اسماعیل باشا، ج ۱، ص ۳۲۱.

(۴) نام وی: فضل الله بن حسن (التوربشتی) شهاب الدین أبو عبد الله، از جمله فقهای احناف می باشد، وی در علوم مختلف تصنیفات دارد مثل: (تحفة السالکین فی التصوف فارسی)، (تحفة المرشدين فی اختصار تحفة السالکین)، (مطلب الناسک فی علم الناسک)، (المعتمد فی المعتقد)، (المیسر فی شرح مصایح السنة للبغوی)، بلاخره امام توربشتی رحمه الله در سال (۶۶۱هـ) وفات نموده است؛ نگاه: هدیة العارفين، اسماعیل باشا البغدادی، مطبعة استانبول سنه ۱۹۵۱، ج ۱، ص ۴۳۴.

(۵) الرسالة المستطرفة، ص ۱۳۴.

(۶) نام و نسب وی: عبد الله بن عمر بن محمد بن علی الشیرازی الإمام ناصر الدین أبو سعید القاضي (البیضاوی)، از جمله فقهای مذهب امام شافعی رحمه الله می باشد، در بخشهای مختلف شریعت اسلامی تصنیفات دارد، منجمله: (أنوار التنزیل فی أسرار التاویل فی تفسیر القرآن)، (تحفة الأبرار فی شرح المصایح)، (تذکرة فی الفروع)، (رسالة فی موضوعات العلوم وتعاريفها)، (شرح مصایح السنة للبغوی)، (شرح الألباب فی علم الأعراب)، (مختصر الکافیة فی النحو)، (طوالع الأنوار فی علم الکلام)، (مرصاد الأفهام إلى مبادئ الأحکام)، (مصباح الأرواح فی الکلام)، (منتهی المنی فی شرح أسماء الله الحسنی)، (منهاج الوصول إلى علم الأصول)، (نظام التواریخ فارسی) و غیر ذلك، گفته شده که وی در سال (۶۹۱ یا ۶۹۶ یا ۶۸۵هـ) وفات شده است؛ نگاه: هدیة العارفين، اسماعیل باشا، ج ۱، ص ۲۴۱.

۴- (المفاتيح في حل المصايح) تأليف مظهرالدين حسين بن محمود بن الحسن الزيداني<sup>(۱)</sup>، درگذشت: سال(۷۲۷هـ).

۵- (كشف المناهج والتناقيح في شرح أحاديث المصايح) تصنيف شيخ صدر الدين أبو عبد الله محمد شرف الدين بن إبراهيم السلمى المناوى<sup>(۲)</sup> الشافعى، درگذشت: سال ( ۷۴۷هـ).

۶- (تنوير المصايح) تأليف عبد الرحمن بن خليل<sup>(۳)</sup>.

۷- (مشكاة المصايح) تأليف امام خطيب التبريزى درگذشت: سال (۷۳۷هـ)، وى نیز کتاب(مصايح السنة) را شرح نموده و احاديث آنرا تخریج کرده است، معلومات مفصل پیرامون کتاب (مشكاة المصايح) ومصنف آن قرار ذیل است:

#### ۴- کتاب مشكاة المصايح:

کلمه (المشكاة) را صاحب لسان العرب چنین تعریف نموده است: « قال والمشكاة من كلام العرب قال ومثلها و إن كان لغير الكوة الشكوة وهي معروفة وهي الرقيق الصغير أول ما يعمل مثله قال »<sup>(۴)</sup>.

از تعریف فوق ثابت می گردد که: مشكاة به معنی چراغ دان ویا تاقچه که درآن چراغ را می گذارند (چراغ دان که هیچ منفذ نداشته باشد)، و (المصباح) به معنی قندیل و سراج ویا چراغ که از خود نور تولید می کند می باشد.

بناء وجه نام گذاری این کتاب به (مشكاة المصايح) بخاطر شده است که احاديث رسول الله - صلى الله عليه وسلم - همانند چراغهای درخشان است که پرده های تاریکی را می برد، و این کتاب چون احاديث را جمع و

(۱) حسين بن محمود بن حسن الزيداني (مظهر الدين)، از علماء حديث شريف می باشد، نسبت وى به صحراى که در شهر کوفه موقعيت دارد گردیده است، وى کتابهای زيادى دارد، منجمله: (المفاتيح في شرح المصايح للبعوي) اين کتاب در التجويرية وقونية ومكتبات ديگر به چاپ رسیده است، مصنف، اين کتاب را در سال(۷۲۰هـ) در دو مجلد تکميل نموده است، (معرفة أنواع الحديث)، (فوائد في أصول الحديث) وغيره، امام مظهر الدين در سال (۷۲۷هـ) وفات شده است؛ نگاه: هدية العارفين، ج ۱، ص ۱۶۶؛ و کتاب: الاعلام، خيرالدين زرکلى، ج ۲، ص ۲۵۹.

(۲) محمد بن إبراهيم بن إسحاق السلمى، (المناوى)، القاهري، الشافعي، صدر الدين، أبو المعالي مشهور به المناوى می باشد، وى از جمله علماء حديث شريف در قاهره بوده است، همچنان وى در مسند قضاء نیز وظيفه انجام داده است، گفته شده که وى در حکم وقضا از جمله علماء نامى ومطرح مصر بوده است که در دار العدل مصر وظيفه انجام داده است، از جمله کتابهای وى (كشف المناهج والتناقيح في تخریج أحاديث) در سال (۸۰۳هـ) وفات شده است؛ نگاه: الاعلام، خير الدين زرکلى، ج ۵، ص ۲۹۹.

(۳) عبد الرحمن بن خليل بن سلامة، زين الدين الاذري القابوني به ابن شيخ خليل معروف است، وى از جمله فقهای شوافع می باشد، که در سال(۷۸۷هـ) تولد شده، اصل جاگه وى در (أذرع) یکی از مناطق قاهره است علوم حديث را در قاهره فرا گرفته است در سال (۸۶۹هـ) وفات شده، وى خطيب و استاد نیز بوده است، از کتابهای او: (بشارة المحبوب بتكفير الذنون) ( حواشی على تخریج الاحياء للعراقي)؛ نگاه: الاعلام، خيرالدين الزرکلى، ج ۳، ص ۳۶۰، و معجم المؤلفين العراقيين، ج ۲، ۲۴۷.

(۴) لسان العرب، محمد بن مكرم بن منظور الأفریقی المصري، دارصادر - بيروت، الطبعة الأولى، مصدر الكتاب: برنامج المحدث المجاني، مادة (ش)، ج ۱۴، ص ۴۳۹.

احتوا نموده حیثیت چراغدان را دارد که اطراف اش را نورانی نموده است، و بدون تردید احادیث پیامبر - صلی الله علیه وسلم - که در این کتاب گنج‌نایده شده تاریکی های جهل را از میان بر می دارد<sup>(۱)</sup>.  
 اصل و بنیاد کتاب (مشکاة المصابیح تألیف خطیب تبریزی)، کتاب (مصایح السنة نوشته امام بغوی - رحمه الله -) می باشد، زیرا خطیب تبریزی کتاب (مصایح السنة) را شرح نموده و ابواب آنرا توضیح داده است، همچنان نام صحابی که حدیث را روایت نموده نیز ذکر نموده، و مرجع حدیث را نیز نقل کرده است، و کتاب اش را تحت عنوان (مشکات المصابیح) نام گذاری نموده، که در جمعه اخیر رمضان سال (۷۳۷هـ) آنرا تکمیل نموده و به شکل نهائی اش ترتیب داده است<sup>(۲)</sup>.

علامه عبدالحق محدث دهلوی<sup>(۳)</sup>، در باره کتاب (مشکاة المصابیح) می گوید: «کتاب (مشکاة المصابیح) اثر خطیب تبریزی کتاب مفید و مبارک و مصوّن از هر نقص و خلل، شامل احادیث و آثار متعلق به علم و عمل هر دو می باشد، مؤلف این کتاب در ترتیب، تهذیب، تنقیح و تصحیح آن نهایت کوشش و توجه نموده است»<sup>(۴)</sup>.

## ۵- مؤلف مشکاة المصابیح:

در مقدمه کتاب (مرقاة المفاتیح)، و در برخی از متون عربی مصنف کتاب مشکاة المصابیح به طوری اجمالی و مختصر معرفی گردیده است، چنانچه در مقدمه مرقاة المفاتیح در باره او چنین گفته شده است:  
 « شیخ ولی الدین أبو عبد الله: محمد بن عبد الله الخطیب العمری التبریزی، نسب وی بخاطر تبریزی خوانده شده است، که تبریز زادگاه او و یکی از شهرهای آذربایجان می باشد؛ چون علامه خطیب تبریزی یکی از دانشمندان علوم شرعی و علماء چیره دست عصر خود اش بوده، و در جامعه اسلامی از جایگاه و منزلت خاص برخوردار می باشد، چنانچه ملاعلی قاری در مقدمه مرقاة المفاتیح راجع به جایگاه علمی وی می گوید: مولانا الحبر العلامة والبحر الفهامة مظهر الحقائق وموضع الدقائق الشيخ التقى النقى»<sup>(۵)</sup>.

(۱) نگاه: ملا علی القاری الهروی محدثاً (رسالة الدكتوراه)، نظام الدین نافع ابوبکر، جامعة البنجاب لاهور پاکستان، ص ۹۰.

(۲) این کتاب: در مکتب اسلامی در سال (۱۹۸۵م) در (۳) جلد طبع شده است، که آنرا (محمد ناصر الدین الألبانی) رحمه الله تحقیق و تخریج نموده است، و تعداد احادیث آنرا (۶۲۸۵) حدیث گفته است، همچنان کتاب (مشکاة المصابیح) در دار الکتب العلمیة درسال، ۱۴۲۴ چاپ شده است، و آنرا (جمال عیناتی) تحقیق نموده است؛ نگاه: الرسالة المستطرفة، ص ۱۳۳-۱۳۴.

(۳) عبد الحق بن سیف الدین بن سعد الله أبو محمد (دهلوی) المحدث الحنفی، وی تخلص اش را حقی گفته است، در سال (۹۵۸هـ) تولد شده، کتاب های زیادی را به رشته تحریر در آورده، منجمله: أخبار الخیار فی أسرار الأبرار. أشعة للمعات فی شرح مشکاة عربي وفارسي. تکمیل ایمان وتقویة الإیقان فی العقائد فارسي. جذاب القلوب إلى دیار المحبوب فی أحوال المدينة المنورة. دیوان شعره فارسي. زیادة الآثار فی أخبار قطب الأخیار. زیادة الأسرار فی مناقب غوث الأبرار. شرح سفر السعادة. الصراط المستقیم. فتح المنان فی مذهب النعمان. ما ثبت بالسنة فی أيام السنة. مطلع الأنوار. مفتاح الغیب فی شرح فتوح الغیب للجلیلی، وی در سال (۱۰۵۲هـ) وفات شده است؛ نگاه: هدیه العارفين، اسماعیل پادشاه، ج ۱، ص ۲۶۰.

(۴) لمعات التنقیح شرح مشکاة المصابیح، عبد الحق محدث دهلوی، طبع معارف العلمیة لاهور پاکستان، مقدمه ص ۲.

(۵) مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج ۱، ص ۱۴.

صاحب (معجم المطبوعات العربية) راجع به خطیب تبریزی می گوید: « شیخ ولی الدین او ولی الله أبو عبد الله محمد بن عبد الله الخطیب العمري التبريزي، از علماء قرن هشتم هجرى می باشد »<sup>(۱)</sup>. همچنان در باره وی گفته شده: « ولی الدین أبو عبد الله محمد بن عبد الله الخطیب الشافعي، در گذشت: سال (۷۴۹هـ) (۲).

« إمام ولی الدین، (بقية الأولیاء وقطب العلماء)، أبو عبد الله محمد بن عبد الله الخطیب العمري التبريزي )، نسبت وی به تبریز یکی از شهرهای آذربایجان می باشد »<sup>(۳)</sup>. مؤلفات خطیب التبریزی نیز بیان گر وسعت علم او می باشد که در علوم مختلفه شاگردان وتصنیفات زیاد را از خود به میراث مانده طوریکه کتاب (مشکاة المصابیح) یکی از تصنیفات او می باشد، و جمع کثیر از علماء آنرا شرح نموده اند.

## ۶- شرح مشکاة المصابیح:

مهمترین شرح (مشکاة المصابیح) قرار ذیل است<sup>(۴)</sup>:

۱- (التعلیق الصبیح علی مشکاة المصابیح)، مؤلف: محمد ادریس الکاندهلوی، این کتاب در (۵) مجلد چاپ گردیده است.

۲- (الکاشف عن حقائق السنن) شرح علامه حسن بن محمد الطیبی<sup>(۵)</sup> درگذشت: سال (۷۴۳ هـ)، طبع مکتبه (الباز مکه) در (۱۲) جلد چاپ شده است، و در مکتبه دار الکتب العلمیة بیروت با تحقیق (أبی عبد الله محمد علی سمک) نیز به چاپ رسیده است.

۳- (المرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح) شرح شیخ علی بن سلطان محمد الهروي القاري در گذشت: سال (۱۰۱۴ هـ) این شرح یکی از شروح جامع است که بالای کتاب (مشکاة المصابیح) نوشته شده است، ملاعلی قاری در این شرح از تمامی شروح و حواشی که بالای کتاب (مشکاة المصابیح) نوشته شده استفادۀ نموده، مرقاة المفاتیح در مکتبه دار الفکر بیروت در (۱۰) جلد چاپ شده، همچنان این کتاب در دار الکتب العلمیة در سال

(۱) معجم المطبوعات العربية، لیان سرکیس، تحقیق احمد باشاه تیمور، موقع یعسوب، ص ۶۲۷.

(۲) هدیة العارفین، اسماعیل باشاه، ج ۲، ص ۲۸.

(۳) الرسالة المستطرفة لیان مشهور کتب السنة المشرفة، الکتانی، شماره (۱۲۴۳).

(۴) نگاه: مقدمه مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ملاعلی قاری، ج ۱، ص ۷-۸؛ و کشف الظنون، حاجی خلیفه؛ و کتاب هدیة العارفین، اسماعیل پادشاه، و رسالة المستطرفة.

(۵) شرف الدین: حسن بن محمد بن عبد الله (الطیبی) دمشقی الحافظ، از جمله مصنفات وی (التبیان فی المعانی والبیان)، (الخلاصة فی أصول الحدیث)، (شرح أساء الله الحسنی)، (فتوح الغیب فی الکشف عن قناع الریب حاشیة علی الکاشف)، (الکاشف عن حقائق السنن فی شرح مصابیح السنة للبیغوی)، وی در سال (۷۴۳هـ) وفات شده است؛ نگاه: کشف الظنون، حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۷۲۰.

(۱۹۹۸ م) به تحقیق (جمال عیتانی) در (۱۲) جلد چاپ شده، معلومات مفصل پیرامون کتاب (مرقاة المفاتیح) در لابلای همین رساله گنجانیده شده است.

۴- (لمعات التنقیح شرح مرقاة المصابیح) شیخ علامه عبدالحق بن سیف الدین البخاری الدهلوی، درگذشت: سال (۱۰۵۲هـ).

۵- (مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح)، مؤلف: أبو الحسن عبید الله بن محمد عبد السلام بن خان محمد بن أمان الله بن حسام الدین الرحمانی المبارکفوری<sup>(۱)</sup>، درگذشت: سال (۱۴۱۴هـ)، چاپ اداره بحوث علمیة والدعوة والإفتاء (الجامعة السلفية) بنارس الهند سال چاپ: - ۱۴۰۴ هـ.

۶- (منهاج المشکاة)، مؤلف: عبدالعزیز بن محمد بن عبدالعزیز الأبهری<sup>(۲)</sup>، درگذشت: سال (۸۹۵هـ).

۷- (هدایة الرواة إلى تخریج أحادیث المصابیح والمشکاة)، احادیث این کتاب را حافظ ابن حجر<sup>(۳)</sup>، تخریج نموده است و آنرا به (هدایة الرواة) نام گذاری نموده، و در مکتبه ابن عفان الریاض درسال (۱۴۲۰هـ) به تحقیق (علی حسن عبدالحمید الحلبي) در (۶) جلد طبع گردیده است.

۸- (هدیة الصبیح فی شرح مشکاة المصابیح) این کتاب را شیخ اکمل الدین یوسف بن ابراهیم بن محمد الشروانی<sup>(۴)</sup>، الدمشقی، الحنفی، درگذشت: سال (۱۳۴هـ)، شرح نموده است.

(۱) عبید الله بن عبد السلام الرحمانی (المبارکفوری) متولد سال ۱۳۲۷هـ ق مطابق ۱۹۰۹م، علوم اسلامی را از علماء کبار هند فرا گرفته است، در سال ۱۳۴۵هـ از مدرسه (رحمانی) دهلی علوم اسلامی را به اكمال رسانده و به صفت استاد نیز در همین مدرسه انتخاب گردید، و به تحقیقات علمی و تألیف کتب پرداخت، وی قائد جماعت اهل حدیث در شبه قاره هند نیز بوده است، و به صفت معاون رئیس انجمن مسلمانان هند و غیره پست های اجتماعی و دینی نیز وظیفه اجرا نموده است، مؤلفات زیادی دارد که در رأس آن شرح است که بنام: (مرقاة المفاتیح فی شرح مشکاة المصابیح)، وی در سال (۱۴۱۴هـ ق مطابق ۱۹۹۴م) وفات شده است؛ نکات: کتاب: المعجم الجامع فی تراجم العلماء و طلبة العلم المعاصرين، المؤلف: أعضاء ملتقى أهل الحديث، مصدر الكتاب: ملتقى أهل الحديث، ص ۲۲۸.

(۲) عبد العزيز بن محمد بن عبد العزيز عماد الدين معروف به (الأبهري) از جمله مصنفات وی: (منهاج المشکاة علی مشکاة المصابیح فی الحدیث)، (بدیع المعانی فی علم البیان والبدیع والمعانی)، (جنة السائرين الأبرار وروضة المتوكلين الأخيار) (الخلاصة شرح مختصر الخرقی أربع مجلدات)، (شرح الجمل للجرجاني فی النحو)، (شرح حرز الأمانی للشاطبي)، (عمدة الناسك فی المناسك) و غیره؛ نگاه: هدیة العارفين، ج ۱، ص ۳۰۷.

(۳) أحمد بن علي بن محمد بن محمد بن محمد بن حجر الكنايني، الحافظ، أبو الفضل شهاب الدين العسقلاني، المصري، الشافعي، مشهور به ابن حجر العسقلاني، وی در اکثر علوم تصنیفات دارد، منجمه: (آیات النیران للخوارق المعجزات)، (اتباع الأثر فی رحلة ابن حجر)، (لتحاف المهرة بأطراف العشرة)، (أعني الكتب الستة والمسائيد الأربعة)، (الإيقان فی فضائل القرآن)، (هدایة الرواة إلى تخریج المصابیح والمشکاة)، (هدی الساری لمقدمة فتح الباری فی شرح صحیح بخاری)، وی در سال (۷۷۳هـ) متولد گردیده، و در سال (۸۵۲هـ) وفات شده است؛ نگاه: ثبت مؤلفات الألبانی، عبد الله بن محمد الشمراني، ص ۵۵؛ و کتاب: جامع المقدمات العلمية لهم المصنفات والكتب الشرعية، جمع وإعداد: أبي يعلى البيضاوي، ج ۲، ص ۱۶۷، و کتاب: كشف الظنون، حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۲۰۳؛ و کتاب: هدیة العارفين، اساعیل پادشاه البغدادی، ج ۱، ص ۶۹.

(۴) اکمل الدین یوسف بن ابراهیم بن محمد (الشروانی) الدمشقی الحنفی، از جمله تصنیفات وی (رسالة فی کراهة اقتداء الحنفی الشافعی)، (شرح ملتقى الأبحر فی الفروع فی مجلد)، (هدیة الصبیح فی شرح مشکاة المصابیح) و غیره، وی درسال ۱۱۳۴هـ وفات شده است؛ نگاه: الرسالة المستطرفة، و هدیة العارفين، ج ۲، ص ۲۴۲.

بالای کتاب (مشکاة المصابیح) توسط علماء و دانشمندان دیگر نیز شروح، تخریجات و حواشی زیادی نوشته کرده اند، خطیب تبریزی کتاب ( مشکاة المصابیح) را در سال (۷۳۷) تکمیل نموده، که برخی دانشمندان سال وفات وی را نیز همین سال تخمین نموده اند، لکن امام الزرکلی سال وفات وی را (۷۴۱هـ) خوانده است<sup>(۱)</sup>.

## ۷- مراجع ومصادر مشکاة المصابیح:

امام خطیب تبریزی در کتاب مشکاة المصابیح از مصادر ومراجع معتمد حدیثی و دیگر کتابها استفاده نموده که مهمترین آن قرار ذیل است:

۱- جامع الأصول من أحادیث الرسول؛ مؤلف: مجد الدین أبو السعادات المبارك بن محمد الجزري ابن الأثیر (المتوفی : ۶۰۶هـ)<sup>(۲)</sup>.

۲- الحجة على تارکی سلوک المحجة للشيخ أبي الفتح مضر بن إبراهيم المقدسی<sup>(۳)</sup>.

۳- الدعوات الكبرى للبيهقي، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي بن موسى البيهقي<sup>(۴)</sup>.

۴- الرسالة و الأم للإمام الشافعي؛ المؤلف: أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف المطلبي القرشي المكي الشافعي<sup>(۵)</sup>.

۸- سنن ابن ماجه؛ مؤلف: محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني<sup>(۶)</sup>.

۹- سنن ابی داود؛ سنن أبي داود، مؤلف: أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني<sup>(۷)</sup>.

۱۰- سنن الترمذی؛ الجامع الصحيح سنن الترمذی، مؤلف: محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذی السلمي<sup>(۸)</sup>.

۱۱- سنن الدارمی؛ مؤلف: عبدالله بن عبدالرحمن أبو محمد الدارمي<sup>(۹)</sup>.

۱۲- السنن الكبرى للبيهقي؛ أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي<sup>(۱۰)</sup>.

۱۳- سنن النسائي الكبرى، مؤلف: أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي<sup>(۱۱)</sup>.

(۱) الاعلام قاموس تراجم اشهر الرجال والنساء من العرب والعجم والمستعمرين والمستشرقين، خير الدين الزرکلی، دارالعلوم الملايين بيروت، لبنان، طبق ششم سال: ۱۹۸۴م، ج ۵، ص ۱۲.

(۲) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب الصلوة، باب القصد في العمل، حديث شماره (۱۲۵۰).

(۳) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب الايمان، باب الاعتصام بالكتاب والسنة، حديث شماره (۱۶۷).

(۴) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب الصلاة، باب التشهد، فصل اول، حديث شماره (۹۱۳).

(۵) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب الصلاة، باب الاوقات النهی، فصل اول، حديث (۱۹۴۶).

(۶) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب المناسک، حديث (۲۵۲۷).

(۷) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب الطهارة، باب آداب الخلاء، فصل اول، حديث (۳۴۴).

(۸) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب المناسک، باب فصل اول، حديث (۲۵۲۸).

(۹) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب المناسک، فصل اول، حديث (۲۵۳۵).

(۱۰) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب العلم، حديث (۲۴۸).

(۱۱) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب الصلاة، باب التعجيل الصلوات، فصل اول، حديث (۶۲۰).

- ١٤- شرح السنة امام بغوی - رحمه الله - (١).
- ١٥- شعب الإيمان للبيهقي؛ شعب الإيمان، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الحُسْرُو جَرْدِي الخراساني، أبو بكر البيهقي (٢).
- ١٦- الجامع الصحيح المختصر من امور رسول الله - صلى الله عليه وسلم -، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي (٣).
- ١٧- جامع صحيح مسمى بصحيح مسلم، مؤلف: أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري (٤).
- ١٨- مسند إمام أحمد بن حنبل (٥).
- ١٩- مسند الحميدي، عبدالله بن الزبير أبو بكر الحميدي (٦).
- ٢٠- مسند شافعي محمد بن إدريس أبو عبد الله الشافعي (٧).
- ٢١- مصنف عبد الرزاق؛ أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني (٨).
- ٢٢- معالم السنن للخطابي؛ كتاب معالم السنن إمام أبي سليمان احمد بن محمد ابن إبراهيم الخطابي البستي (٩).
- ٢٣- موطاء امام مالك؛ مؤلف مالك بن أنس (١٠).
- امام خطيب تبریزی - رحمه الله - از مراجع فوق و دیگر کتابهای حدیث شریف استفاده اعظمی نموده است، خواننده با مجرد مطالعه کتاب (مشکاة المصابیح) آنرا به آسانی درک خواهد کرد.

(١) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب العلم، فصل اول، حدیث (٢٣٨).

(٢) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب المناسک، فصل اول، حدیث (٢٥٣٥).

(٣) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب الايمان، حدیث (١٣).

(٤) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب الايمان، حدیث (٣٧).

(٥) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب الايمان، حدیث (٤٠).

(٦) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب الصلاة، باب ماقرأ بعد التکبیر، فصل اول، حدیث (٨١٩).

(٧) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب الصلاة، باب من صلى صلاة مرتين، فصل اول ف حدیث شماره (١١٥١).

(٨) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب العلم، حدیث (٢٤٦).

(٩) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب الطهارة، باب الغسل، فصل اول، حدیث (٥١٩).

(١٠) نگاه: مشکاة المصابیح، کتاب الجهاد، باب الصلح، فصل اول، حدیث (٤٠٤٨).



# فصل اول

## ملاعلی قاری وجایگاه علمی وی

مدخل:

در این فصل پیرامون زندگی نامه علامه ملاعلی قاری - رحمه الله - ضمن دو مبحث جداگانه بحث شده است، که مبحث اول آن ( معرفی ملاعلی قاری)، شامل موارد همچو: نام و نسب، ولادت و نشأت، طلب و تحصیل، محل و تاریخ وفات، استادان و شاگردان، اقوال و نظریات علماء، زهد و تقوی و مذهب اعتقادی و فقهی ملاعلی قاری و مصادر زندگی وی می باشد؛ و در مبحث دوم آن (مؤلفات و آثار علمی ملاعلی قاری)، که شامل: تألیفات ملاعلی قاری در توحید و عقیده، تفسیر و علوم قرآنی، حدیث و علوم آن، سیرت و تاریخ، فقه و اصول آن، مناسک و ادعیه و تألیفات وی در تراجم و فضائل؛ همچنان وظائف و مصروفیت های علمی ملاعلی قاری، هر یک ضمن مطالب و موضوعات جداگانه بحث مفصل گردیده است.

# مبحث اول

## شناخت و معرفی ملاعلی قاری

هرات یکی از شهرهای قدیمی کشور عزیز ما افغانستان است، که در دامان خود علماء و دانشمندان زیادی را تربیه و به جامعه تقدیم نموده است، از جمله ای این علماء یکی هم ملاعلی قاری - رحمه الله - می باشد. از طرف دیگر چون سیرت بزرگان دین و دانشمندان علوم اسلامی و مطالعه زندگی آنها در روند کار و زندگی مان تأثیر مثبت و بسزای دارد، بنابر همین اساس توضیح مختصری از زندگی نامه این عالم بزرگ، مرد دانشمند و با تقوا (علامه ملاعلی قاری هروی مکی حنفی - رحمه الله -) قرار ذیل است:

### مطلب اول: نام و نسب ملاعلی قاری

راجع به اسم و نام ملاعلی قاری - رحمه الله - میان سیره نگاران و علماء تراجم رجال اختلاف وجود ندارد، مگر نام پدر وی را برخی از سیره نگاران و مؤرخین (سلطان بن محمد) گفته اند، در حالی که نام پدر وی (سلطان محمد) می باشد؛ که تفصیل آن قرار ذیل است:

### أ: مراجع که در آن نام پدر ملاعلی قاری (سلطان ابن محمد) ذکر شده

- ۱- محمد الشوکانی در کتاب (البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع) راجع به معرفی ملاعلی قاری می گوید: «الشیخ ملا علی قاری بن سلطان بن محمد الهروی الحنفی ولد بهراة ورحل الی مکة»<sup>(۱)</sup>.
- ۲- عبدالمملک العصامی در کتاب اش (سمط النجوم العوالي فی أبناء الأوائل والتوالي) نام پدر ملاعلی قاری را چنین ذکر نموده است: «ملاعلی قاری بن سلطان بن محمد الهروی المکی الحنفی مشهور به القاری، ملقب به نورالدین عالم قرن دهم و یازدهم هجری قمری می باشد»<sup>(۲)</sup>.
- ۳- الزبیدی صاحب کتاب (تاج العروس) در مقدمه کتابش وی را چنین معرفی نموده: «والعلامة ملا علی بن سلطان الهروي»<sup>(۳)</sup>.

(۱) البدر الطالع بمحاسن من بعد السابع، الشیخ محمد بن علی بن محمد الشوکانی، المتوفی سنه ۱۲۵۰هـ، الموسوعة العربية العالمیه، ج ۱، ص ۴۴۵.

(۲) نگاه: سمط النجوم العوالي فی أبناء الأوائل والتوالي، العلامة عبد المملک العصامی، موقع الوراق، ج ۴، ص ۳۹۴. و کتاب: البدر الطالع بمحاسن من بعد السابع، محمد الشوکانی، ج ۱، ص ۴۴۵.

(۳) تاج العروس من جواهر القاموس، محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسینی، أبو الفیض، الملقب بمرتضی، الزبیدی توفی سنه ۱۲۰۵هـ، تحقیق مجموعه من المحققین، دار الهدایة، مقدمه.

۴- همچنان در کتاب ( الدرر فی اخبار القرن الحادی عشر) نام پدر ملاعلی قاری چنین بیان شده: « ملاعلی قاری بن سلطان بن محمد »<sup>(۱)</sup>.

### ب: مراجع که در آن نام پدر ملاعلی قاری (سلطان محمد) ذکر شده

ملاعلی قاری در مقدمه اکثر تصنیفات اش نام پدرش را (سلطان محمد) می گوید، و کسانی که کتابهای او را تحقیق نموده اند نام پدر او را نیز (سلطان محمد) گفته اند، همچنان برخی علماء و دانشمندان دیگر نیز نام پدر وی را (سلطان محمد) بیان داشته اند، مانند:

۱- (مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح) ملاعلی قاری در مقدمه این کتاب می گوید: « فبقول أفقر عباد الله الغنی الباری، علی بن سلطان محمد الهروی القاری عاملها الله الحنفی، و تجاوز عنها بكرمه الوافی »<sup>(۲)</sup>.

۲- (موعظة الحبيب و تحفة الخطيب) ملاعلی قاری در مقدمه این کتاب می گوید: « فبقول أفقر عبادالله إلى بر ربه الباری علی بن سلطان محمد القاری الحنفی عاملها الله بلطفه الحنفی، وكرمه الوفی »<sup>(۳)</sup>.

۳- ( ادلة معتقد أبي حنيفة الاعظم في أبوی الرسول عليه الصلوة والسلام ) وی در مقدمه این کتاب اش می گوید: « فبقول أحقر عباد الله الباری، علی بن سلطان محمد القاری »<sup>(۴)</sup>.

۴- ( رساله فی بیان افراد الصلاة عن السلام هل یکره ام لا؟ ) در مقدمه وی چنین می گوید: « فبقول أحقر عباد الله الباری، علی بن سلطان محمد القاری »<sup>(۵)</sup>.

۵- و در مقدمه کتاب (الموضوعات الكبرى)، می فرماید: « فبقول خادم الكلام القديم ولازم الحديث القويم علي بن سلطان محمد القاري الراجي عفو ربه الباري »<sup>(۶)</sup>.

(۱) الدرر فی اخبار القرن الحادی عشر، جمال الدین محمد بن ابی بکر بن احمد بن ابی بکر الشلی الحضرمی، ص ۱۱۱.

(۲) مقدمه، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ملاعلی قاری، ج ۱، ص ۳۹.

(۳) موعظة الحبيب و تحفة الخطيب ( من خطب النبی صلی الله علیه وسلم والخلفاء الراشدين)، علامه شیخ علی بن سلطان محمد القاری الحنفی المکی، تحقیق: دکتر عبدالحمید الأنیس، چاپ: دائرة الشؤون الإسلامیة و العمل الخیریة، دبی، طبع اول سال ۲۰۰۹م، ص ۴۷.

(۴) أدلة معتقد أبي حنيفة الاعظم في أبوی الرسول عليه الصلوة والسلام، علی بن سلطان محمد القاری، تحقیق: مشهور بن حسن بن سلمان، مکتبه الغرباء الأثریة، سعودی، چاپ اول سال ۱۹۹۳م، ص ۶۱.

(۵) رساله فی بیان افراد الصلاة عن السلام هل یکره ام لا؟ رساله فی تقویة بحث الامام الجزری مع الهام النووی، امام الفقیه المحدث المقری علی بن سلطان محمد القاری، تحقیق: محمد فاتح قایا، دارالبشائر الإسلامیة، طبع اول سال: ۲۰۰۸م، بیروت لبنان، ص ۳۹.

(۶) الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة المعروف بالموضوعات الكبرى، نور الدین علی بن سلطان محمد مشهور به ملاعلی القاری، تحقیق: محمد الصباغ، دار الأمانة / مؤسسة الرسالة، سال نشر: ۱۳۹۱ هـ - ۱۹۷۱م، بیروت، مقدمه ص ۱.

۶- همچنان خیر الدین الزرکلی در کتاب (الاعلام قاموس تراجم اشهر الرجال والنساء من العرب والعجم والمستعمرین والمستشرقین) نام پدر ملاعلی قاری را (سلطان محمد) بیان داشته می فرماید: «الملا علی القاری بن سلطان محمد، نور الدین الملا الهروی القاری»<sup>(۱)</sup>.

۷- عبدالفتاح أبو غدة، در مقدمه کتاب ملاعلی قاری: (المصنوع فی معرفة الحديث الموضوع)، پیرامون معرفی ملاعلی قاری می فرماید: «هو نور الدین علی بن سلطان محمد الهروی، المکی، الحنفی، المعروف بالقاری»<sup>(۲)</sup>. از آنچه ملاعلی قاری در مقدمه کتابهای خود، و نظریات دانشمندان دیگر که فوقاً بدان اشاره شده، ثابت می گردد که شهرت مکمل ملاعلی قاری - رحمه الله - (نور الدین أبوالحسن علی بن سلطان محمد القاری الهروی ثم المکی الحنفی) می باشد، و قول راجح نیز همین است، لکن کسانی که نام پدر ملاعلی قاری را سلطان بن محمد گفته اند کاملاً خطاء بوده و با معرفی ملاعلی قاری از خودش در مقدمه مؤلفات وی در تضاد قرار دارد.

ملاعلی قاری - رحمه الله - یکی از دانشمندان بزرگ و فاضل، و یکی از محققین الگو و نمونه وقت خود بوده است، زیرا بر علاوه از اینکه ملاعلی قاری - رحمه الله - فقیه، محدث، اصولی، مفسر، متکلم، صوفی، مؤرخ، نحوی و ادیب وقت خود بود، همچنان وی در علم قرائت قرآن کریم نیز عالم چیره دست بوده است. و نسبت وی به (ملا) بخاطر است که این کلمه نزد عجم و در زبان فارسی یک درجه علمی محسوب می شود؛ و بخاطر به قاری ملقب گردیده که در علم (قرائت) امام بوده است، همچنان نسبت وی به (الهروی) این است که در شهر هرات کشور عزیز مان افغانستان متولد گردیده، چنانچه در مقدمه کتاب (المقدمة السالمة فی خوف الخائفة) خود را به (الهروی) منسوب نموده می فرماید: «فیقول الملتجیء الی حرم ربه الباری: علی بن سلطان محمد الهروی»<sup>(۳)</sup>.

همچنان نسبت وی به (المکی) بخاطر است که جهت کسب و فراگیری علم به مکه معظمه رحلت نموده، و نسبت وی به (الحنفی) بخاطر است که وی در فقه پیروی مذهب امام اعظم ابوحنیفه - رحمه الله - بود<sup>(۴)</sup>. ملاعلی قاری - رحمه الله - را می توان شیخ القراء، امام، علامه، نویسنده، عالم، محدث، مفسر، خوشنویس، فقیه، جامع معقول و منقول و عالم برجسته و توانای عصر خود اش نامید؛ چنانچه لقب وی به قاری این را می

(۱) الاعلام، خیر الدین زرکلی، ج ۵، ص ۱۲.

(۲) نکا: المصنوع فی معرفة الحديث الموضوع، ملاعلی قاری، ص ۹.

(۳) المقدمة السالمة فی خوف الخائفة، ملاعلی القاری، تحقیق: مشهور حسن سلمان، دار عمار عمان، طبع اول سال: (۱۹۸۹م)، ص ۱۱.

(۴) منح الروض الأزهر فی شرح الفقه الأكبر، تألیف: ملا علی القاری، ومعه: التعليق المبسر علی شرح الفقه الأكبر، تألیف: الشیخ وهی سلیمان غاوجی، دار البشائر الإسلامية، طبع اول سال: ۱۹۹۸م، ص ۱۵؛ و مقدمه کتاب: المصنوع فی معرفة الحديث الموضوع، ملاعلی قاری، ص ۹. وکشف الظنون علی اسامی الکتب والفنون، لحاجی خلیفه، ج ۱، ص ۴۴۵.

رساند که وی از علماء و دانشمندان برجسته، راسخ و وارد در علم قرائت بوده است، که این مواصفات در آثارش بخوبی نمایان است.

## مطلب دوم: ولادت و پرورش، طلب و تحصیل، سفرهای علمی، و تاریخ وفات ملاعلی قاری

### الف: ولادت ملاعلی قاری

« در مورد ولادت ملاعلی قاری - رحمه الله - در شهر هرات افغانستان میان محققین و مؤرخین که ملاعلی قاری را معرفی نموده اند اختلاف وجود ندارد، ولی در باره سال تولد وی معلومات دقیق در دست نیست زیرا مردم معمولاً در این باره بی تفاوت می باشند و معمولاً ضرورت به نوشتن تاریخ تولد نوزاد محسوس نمی گردد، به همین خاطر است که تعداد زیادی از شخصیت های بزرگ جهان هستند که تاریخ دقیق ولادت ندارند و این از اثر عدم توجه والدین آنها به سال تولد طفل هنگام ولادت آن می باشد»<sup>(۱)</sup>.

درباره مکان ولادت ملاعلی قاری اختلاف وجود ندارد، مؤرخین و سیره نگاران محل تولد ملاعلی قاری را شهر هرات دانسته اند<sup>(۲)</sup>، و بخاطر ولادت ملاعلی قاری - رحمه الله - در هرات است که وی به (الهروی) ملقب گردیده است، همچنان تعداد از دانشمندان تاریخ ولادت ملاعلی قاری را از بعضی قرائن حوالی سال (۹۰۰هـ) خوانده اند<sup>(۳)</sup>، زیرا وی در هنگام حکمرانی اسماعیل بن حیدر الصفوی الرافضی<sup>(۴)</sup> در هرات سال (۹۲۳هـ) طالب العلم بوده است، « چنانچه بعضی از مؤرخین این سخن را ذکر نموده اند»<sup>(۵)</sup>.

### ب: نشأت و پرورش علمی ملاعلی قاری و اوضاع سیاسی آن زمان

#### ۱- نشأت علمی ملاعلی قاری:

ملاعلی قاری در شهر هرات کشور عزیز مان افغانستان متولد گردید، و در همان جا تعلیم قرآن و قراءت قرآن کریم را در نزد شیخ خود قاری مشهور آن زمان حافظ معین الدین پسر حافظ زین الدین هروی به پایان رسانید،

(۱) نگاه: مقدمه مرفاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ملاعلی قاری، ج ۱، ص ۱۶؛ کشف الظنون علی اسامی الکتب والفنون، لحاجی خلیفه، طبع: مکتبه المنشی،

بغداد، ج ۱، ص ۴۴۵؛ هدیه العارفین فی اسماء المؤلفین و آثار المصنفین، اسماعیل باشا البغدادی، ۱۹۵۱، ج ۱، ص ۷۵۱؛ الاعلام قاموس تراجم اشهر الرجال والنساء من العرب والعجم والمستعمرین والمستشرقین، لخبیر الدین الزرکلی، دارالعلوم الملایین بیروت، لبنان، الطبعة السادسة عام ۱۹۸۴م، ج ۱۰، ص ۱۵۷.

(۲) نگاه: خلاصة الأثر فی أعیان القرن الحادي عشر، تقي الدين داود المحبي، دار صادر للطباعة والنشر، ط ۲، ۱۹۹۰، ج ۳، ص ۱۸۵.

(۳) نگاه: اعراب القاری علی اول باب البخاری، ملاعلی قاری، دراسة وتحقیق: وسام عبدالطیف امین الهیعی، وزارت تریبه، ص ۳.

(۴) سلطان اسماعیل بن حیدر الصفوی مؤسس رافضی یکی از اولین حکمرانان صفوی رافضی در هرات است که در سال (۹۲۳) حکمروای داشت، که جمع کثیر از مسلمانان را در زمان حکومت خود از طریق ظلم به کام مرگ و هلاکت کشانید، مذهب او رافضی بود، تاجای که فضا را بالای پیراوان اهل سنت و الجماعت تنگ نمود و اکثر آنها به شهرهای دیگر فراری شدند، که در این جمله ملاعلی قاری نیز از شر او از شهر هرات خارج و عازم دیار عربستان گردید؛ نگاه: کنز العمال فی السنن الاقوال والافعال، ج ۱، ص ۴۸۴.

(۵) افغانستان در مسیر تاریخ، غلام محمد غبار، ص ۲۸۹. و کتاب: میراث ایران، اثر آریبری و خورشناسان دیگر، ترجمه عزیزالله حاتمی و دستیارانش، چاپ تهران، ص ۲۱۶.

و دیگر کتب و علوم متداوله را در شهر هرات نزد علمای متبحر زمان و عصر خودش، خصوصاً شیخ الإسلام أحمد بن یحیی بن محمد سعدالدین مسعود بن عمر نفتازانی هروی فرا گرفته است<sup>(۱)</sup>.

## ۲- اوضاع سیاسی در زمان ملاعلی قاری:

در عصر وایام زندگانی ملاعلی قاری خاندان تیموری در هرات حکمفرما بوده، و شهر هرات در آن زمان یکی از مراکز مهم علوم و ثقافت در دنیا محسوب می شد، ولادت علامه ملاعلی قاری نیز هم زمان در عصر شکوفائی علمی در هرات بوده است، اما این وضعیت زیاد دوام نکرد، و هرات محل کشمکش قوای ازبکیه ماوراء النهر و صفویان قرار گرفت با تسلط قزلباشان صفوی در هرات و ظهور حکومت اسماعیل بن حیدر اولین شاه صفوی مسلمانان هرات بخصوص علمای اهل سنت و جماعت مورد تعقیب های ظالمانه مذهبی قرار گرفتند، و تعداد زیادی از مسلمانان در زمان او قتل عام گردیدند، که جمع کثیری از مردم و خاصتاً دانشمندان علوم اسلامی، این سرزمین علم و فرهنگ را ترک نموده و به دیار غربت شتافتند؛ یعنی: چون شهر هرات زادگاه اصلی ملاعلی قاری و پایتخت دولت تیموریان<sup>(۲)</sup> در آن عصر و مرکز علم و تمدن آن وقت بشمار می رفت؛ لذا ملاعلی قاری در (هرات) نشو و نما نموده و در آنجا قرآن کریم و علم تجوید را آموخته و قرآن کریم را حفظ نیز نموده که ملقب به همین اسم می باشد<sup>(۳)</sup>.

## ۳- خروج ملاعلی قاری از هرات و سبب آن:

هنگام که شاه اسماعیل فرزند حیدر صفوی معروف به (شاه اسماعیل) اولین پادشاه صفوی رافضی به هرات حاکم شد، به قتل مسلمانان به خصوص اهل سنت آن دیار اقدام نمود و ظلم و جبر گوناگون را بر آنها روا داشت، با چنین اوضاع و احوالی یکی از کسان هم که فرار را بر قرار ترجیح دادند، و حد اقل توانستند از دم تیغ ظالمان صفوی بگریزند، ملاعلی قاری هروی بود، که به مکه مکرمه هجرت نمود، مؤرخین تاریخ دقیق هجرت او از هرات به مکه را ذکر نکرده اند، اما مسلم آن است که این هجرت بعد از سال (۹۵۲) هجری قمری به مکه مکرمه بوده است<sup>(۴)</sup>. ملاعلی قاری - رحمه الله - (یکی از افاضل قرن یازدهم هجری قمری) وقت به مکه مکرمه هجرت

(۱) نگاه: المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع (الموضوعات الصغری) علی القاری، تحقیق: عبدالفتاح او غده، طبع: المطبوعات الاسلامیه حلب، و دارالبشائر الاسلامیه آنرا نیز در بیروت لبنان طبع نموده است، ص ۹-۱۰؛ و کتاب موعظة الحییب و تحفة الخطیب (من خطب النبی صلی الله علیه وسلم والخلفاء الراشدين)، علامه شیخ علی بن سلطان محمد القاری الحنفی المکی، ص ۱۴.

(۲) تیموریان خانواده بودند که از سال (۸۱۷-۹۱۲) در هرات حکومت می کردند.

(۳) نگاه: خلاصة الأثر فی أعیان القرن الحادی عشر، تقی الدین داود المحبی، دار صادر للطباعة والنشر، ط ۲، ۱۹۹۰، ج ۳، ص ۱۸۵. و کتاب: مرفاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ملاعلی قاری، ج ۱، ص ۱۶.

(۴) مرجع قبلی ج ۱، ص ۱۷.

کرد، زندگی را در آن دیار شروع نمود، به حلقه‌های علمی علماء و دانشمندان آن سرزمین متبرک داخل گردید، و از بستان دانش آنها بهره گرفت، او در دیار هجرت همین راه را انتخاب نمود، و به دانش گرد آوری احادیث، علوم تفسیر و فقهات اشتغال ورزید، و چنان بود که او را کسی بدون کتاب و یا حلقه‌ی درس عالمی نمی‌دید، تا اینکه یکی از مشهورترین علمای عصر خود و از جمله مولفان بسیار معروف گردید.

الله رب العزت سینه ملاعلی قاری را برای تعلیم و تعلم علم باز نموده و برای وی خیر را اراده نموده یعنی گویا همان حدیث شریف رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در حق وی متحقق شده چنانچه معاویه - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت نموده می‌فرماید: (من یرد الله به خیرا یفقهه فی الدین)<sup>(۱)</sup>. ترجمه: «الله متعال خیر و نیکی هرکس را بخواهد او را فقیه در دین و دانای به احکام فقه می‌کند».

### ج: طلب و تحصیل علمی ملاعلی قاری

ملاعلی قاری - رحمه الله - دائماً در حلقه‌های درس حضور می‌داشت و الله متعال به وی یک حافظه قوی داده بود که به اساس همین حافظه و نعمت الهی ایشان در حفظ قرآن کریم و متون دیگر نهایت کوشا بود، که بعداً این متون را جمع آوری نموده به شکل یک کتاب ترتیب می‌نمود، در مورد شخصیت ملاعلی قاری گفته شده که هیچ وقت بالای وی نگذشته مگر اینکه ایشان در یک کار علمی مصروف نبوده باشد (یعنی وی در تمام اوقات مصروف تحقیقات علمی بوده و وقت فارغ هرگز نداشت، که کثرت مؤلفات وی نیز گواه به این امر است زیرا ملاعلی قاری در مکان زندگی می‌کرد که محل تجمع علماء و اجلاء آن عصر بود و مکه معظمه علاوه بر اینکه مکان مقدس نزد مسلمانان است، همچنان محل تجمع علماء اسلام در هر عصر و زمان نیز می‌باشد، لذا گفته می‌توانیم که ملاعلی قاری همیشه با علماء جهان اسلام و کشورهای اسلامی مانند: مصر، شام، هند و غیره در تماس بوده چون علماء امت اسلامی دائماً جهت ادای حج عمره به بیت الله شریف عازم می‌شدند که این بهترین فرصت و مساعدترین زمینه برای ملاعلی قاری بخاطر فراگیری علوم اسلامی محسوب می‌گردید، همچنان در مورد ملاعلی قاری گفته شده که وی بدون از علماء با عوام الناس کم اختلاط و کم نشست بوده است، و زیاد عبادت الله - تبارک و تعالی - را می‌نمود و همیشه وقت در مقابل الله متعال متقی و پرهیزگار بوده است، ملاعلی قاری زندگی خود را از کسب دست و از شغل کتابت خود تمویل می‌نمود، چنانچه وی به دست خط بسیار جالب و جذاب مصاحف قرآن کریم و متون عربی را نوشته می‌کرد و بعداً آنرا می‌فروخت و از پول آن امرار معیشت می‌کرد.

(۱) الجامع الصحیح المختصر، معروف به صحیح بخاری محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار ابن کثیر، الیامة - بیروت، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا أستاذ الحدیث و علومه فی کلیة الشریعة - جامعة دمشق، ، کتاب العلم (باب من یرد الله به خیرا یفقهه فی الدین)، ج ۱، حدیث شماره (۷۱).

کرد، طوریکه محمد طاهر الکردی<sup>(۱)</sup> در مورد وی در کتاب مشهورش بنام (تاریخ الخط العربی وآدابه) چنین می فرماید: «شیخ علی قاری به خط بسیار حسن و زیبا نوشته می کرد، که غالباً این روش خط نوشته کردن را از شیخ حمد الله الاماسی آموخته بود، ملاعلی قاری در هر سال یک مصحف شریف را نوشته می کرد و آنرا می فروخت و با پول آن ضرورت های زندگی خویش را مرفوع می ساخت»<sup>(۲)</sup>.  
همچنان در مقدمه کتاب (الموضوعات الصغری) وی نیز چنین ذکر شده است: «و ذکر أنه کان یکتب کل عام مصحفاً بخطه الجمیل»<sup>(۳)</sup>.

### د: سفرهای علمی ملاعلی قاری

هر چند که ملاعلی قاری - رحمه الله - یکی از علماء برجسته و عالم متبحر جهان اسلام بشمار میرود لکن در مورد سفرهای ملاعلی قاری - رحمه الله - با وجود که به اکثر کتابها و مقدمه کتابهای وی حتی در سایت های اینترنتی و مکتبه شامله نیز مراجعه نمودیم، لکن صرف از سفر ملاعلی قاری - رحمه الله - از شهر هرات کشور عزیز مان افغانستان به مکه معظمه معلومات حاصل شد و بس، که الی اخیر عمر در همان جا اقامت کرده و در مکه معظمه وفات نیز نمود است<sup>(۴)</sup>.

همچنان در مقدمه کتاب (المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع (الموضوعات الصغری) ) در باره سفر وی به مکه معظمه چنین بیان گردیده است: «ثم رحل الی مكة المكرمة، فاستوطنها واخذ عن نبغاء جهابذتها»<sup>(۵)</sup>.  
یعنی: هرچند که ملاعلی قاری به سرزمین های زیاد بخاطر فراگیری علوم نرفته است لکن نکته قابل عطف این است که چون مکه معظمه نقطه اتصال و محور علماء بزرگ هر عصر و زمان بوده و می باشد، که ملاعلی قاری از ملاقات با این بزرگان دین استفاده اعظمی در علوم و فنون مختلفه نموده است.

### ه: محل و تاریخ وفات ملاعلی قاری

(۱) محمد طاهر الکردی بن عبدالقادر الکردی المکی یکی از خطاطان مشهور می باشد که در این باره تعداد زیاد از مولفات نیز دارد مانند (حسن الدعا به فیما ورد فی الخط وادوات الكتابة) و (تحفه الحرمین فی بدائع الخطوط العربیه) و (تاریخ الخط العربی وادابه). نگا: تاریخ الخط العربی وادابه" للشیخ محمد طاهر بن عبد القادر الکردی المکی الخطاط المتوفی سنة (۱۴۰۰هـ) - رحمه الله - تعالی، طبع فی المطبعة التجاریة الحدیثة بمصر، نشر مكتبة الهلال فی مصر سنة (۱۳۵۸هـ)،

(۲) مرجع سابق، ص ۲۹۲-۲۹۳.

(۳) المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع (الموضوعات الصغری) علی القاری، ص ۱۰.

(۴) نگاه: موعظة الحبيب و تحفة الخطیب (من خطب النبی صلی الله علیه وسلم والخلفاء الراشدين)، علامه شیخ علی بن سلطان محمد القاری الحنفی المکی، ص ۱۴؛ و کتاب وی: المسألة فی البسملة، العلامة علی بن سلطان محمد القاری الهروی المکی، (۹۳۰-۱۰۱۴)، تحقیق د. عبدالحکیم الاییس، الطبع: دائرة الشؤون الاسلامیة والعمل الخیری، حکومت الامارات العربیه المتحدة دبی، ص ۱۰.

(۵) المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع (الموضوعات الصغری) علی القاری، ص ۹-۱۰.



علامه بدر الدین الزرکلی در باره سال وفات ملا علی قاری می گوید: «وی بالآخره در ماه شوال سال (۱۰۱۴ هـ ق) در مکه مکرمه وفات شده است و در (جنت المعلی) دفن گردیده است»<sup>(۱)</sup>.

شیخ عبدالستار در نشانی قبرش می گوید: در قسمت اول در راه رو دست چپ همانجا که بطرف حجون می رود، علامه شیخ ملاعلی قاری هروی دفن است<sup>(۲)</sup>.

سال وفات ملاعلی قاری (۱۰۱۴ هـ) بوده و محل وفات او در شهر مکه معظمه بوده است، چنانچه در مقدمه کتاب او (اعراب القاری) نیز همین قول ترجیح داده شده است: «أنه توفی بمكة المكرمة في سنة اربع عشره و ألف من الهجرة (۱۰۱۴ هـ) في شهر شوال، و دُفن بمقبرة (المعلآة) وهي مقبرة مشهورة في مكة المكرمة»<sup>(۳)</sup>.  
وهنگام که خبر وفات او به علماء مصر رسید در جامع ازهر، با گروه اضافه از چهار هزار تن بر وی نماز جنازه غائبانه خوانده شد<sup>(۴)</sup>.

### مطلب سوم: استادان ملاعلی قاری

إمام ملاعلی قاری هروی از بزرگ ترین عالمان و اساتید عصر خود علوم و معارف اسلامی را در مکه مکرمه فرا گرفته است، که مهمترین آنها، شیوخ و افاضل ذیل می باشند:

۱- إمام، محقق، فقیه و مفتی معروف شیخ شهاب الدین ابوالعباس أحمد بن محمد بن محمد بن علی بن محمد بن علی بن حجر هیتمی سعدی انصاری شافعی مصری مکی مشهور به ابن حجر هیتمی درگذشت: سال ۹۷۳ هجری قمری<sup>(۵)</sup>.

۲- علامه، مفسر و فقیه مشهور شیخ زین الدین عطیه بن علی بن حسن السلمی المکی الشافعی مشهور به شیخ المسلمین و مفید الطالبین عالم و فقیه زمانه اش در مکه مکرمه و درگذشت: سال ۹۸۲ هجری قمری در آن شهر<sup>(۶)</sup>.

(۱) نگاه: نگاه: اعراب القاری علی اول باب البخاری، ملاعلی قاری، ص ۳؛ و الاعلام قاموس تراجم اشهر الرجال والنساء من العرب والعجم والمستعمرین والمستشرقین، لخیر الدین الزرکلی، ج ۵، ص ۱۲.

(۲) مقدمه مرقاة المفاتیح شرح مشکاة، ملاعلی قاری، ج ۱، ص ۲۸. و کتاب الامام ملاعلی قاری و اثره فی علم الحدیث، ص ۶۵.

(۳) اعراب القاری، علی قاری، ص ۳؛ و کشف الطنون، حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۴۵۴.

(۴) خلاصة الأثر فی أعیان القرن الحادی عشر، المحبی، ج ۳، ص ۱۸۶؛ و المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع (الموضوعات الصغری) علی القاری، ص ۹-۱۰.

(۵) مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج ۱، ص ۲۷.

(۶) الاعلام، لزرکلی، ج ۴، ص ۲۳۸.

- ۳- علامه محدث و مسند مکه شیخ علامه سید زکریا علی بن حسام الدین متقی حنفی حسنی الهندی والیمنی از شاگردان شیخ إسماعیل بن عبدالله زوانی<sup>(۱)</sup>؛ ودر مورد وی گفته شده که «از جمله استادان ملاعلی قاری زیده الفضلاء عمدة العلماء مولانا السید زکریا می باشد»<sup>(۲)</sup>.
- ۴- علامه، محدث، مسند و فقیه قاضی شیخ ملا عبدالله بن سعد الدین عمری سندی مکی حنفی عالم، نویسنده و پژوهشگر درگذشت: سال ۹۸۴ هجری قمری در مکه مکرمه<sup>(۳)</sup>.
- ۵- علامه، مفسر، مؤرخ، مدرس و مفتی شیخ ابو عیسی قطب الدین محمد بن علاء الدین أحمد بن محمد نهروالی هندی مکی حنفی مشهور به قطبی درگذشت: سال ۹۹۰ یا ۹۹۹ هجری قمری در مکه مکرمه از جمله مولفانش طبقات الحنفیه و تاریخ المکه می باشد<sup>(۴)</sup>.
- ۶- علامه فقیه شیخ شهاب الدین أحمد بن بدرالدین عباسی شافعی مصری هندی درگذشت: سال ( ۹۹۲ هـ ق) در أحمد آباد هند، و آنچه را ملاعلی قاری از وی آموخت در مکه مکرمه بود.
- ۷- علامه محدث و فقیه شیخ محمد بن أبی الحسین محمد بن جلال الدین محمد بن عبدالرحمن بکری صدیقی شافعی مصری درگذشت: سال ۹۹۳ یا ۹۹۴ هجری قمری در مکه مکرمه وی به تمام علوم عالم بود و در تقوی و پرهیز گاری نام داشت<sup>(۵)</sup>.
- ۸- شیخ مسند شمس الدین محمد بن علی بن احمد بن سالم القاهری الازهری المکی المالکی حافظ قرآن کریم درگذشت: سنه ۹۵۳ هـ در مکه مکرمه<sup>(۶)</sup>.
- ۹- علامه، محدث و فقیه مشهور شیخ علاء الدین بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان قرشی جونغوری رهانفوری هندی مدنی مکی مشهور به علی متقی الهندی صاحب کتاب معروف کنز العمال من سنن الأقوال والأفعال درگذشت: سال ۹۷۵ هجری قمری در مکه مکرمه<sup>(۷)</sup>.

(۱) خلاصة الاثر، لمحبی، ج ۲، ص ۱۸۵.

(۲) شم العوارض فی ذم الروافض، ص ۳۰۰.

(۳) نگاه: کشف الظنون عن أسامی الکتب والفنون، مصطفی بن عبدالله القسطنطینی الرومی الحنفی، سنة الولادة ۱۰۱۷ / سنة الوفاة ۱۰۶۷، دار الکتب العلمیة، سنة النشر ۱۴۱۳ - ۱۹۹۲، مکان النشر بیروت، ج ۲، ص ۱۹۳.

(۴) النور السافر عن أخبار القرن العاشر، عبدالقادر العید روسی، مصدر الکتب: مکتبه العربیة بغداد سنة ۱۳۵۳ هـ، فی مجلد واحد، ص ۳۸۳-۳۹۰.

(۵) شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، لابن عماد الحنبلی، دارالفکر للطباعة والنشر الطبعة الاوولى سنة ۱۳۹۹، ج ۸، ص ۴۲۱-۴۲۲.

(۶) نگاه: النور السافر فی اخبار القرن العاشر، ص ۱۹۹-۲۰۰.

(۷) کشف الظنون علی اسامی الکتب والفنون، لحاجی خلیفه، طبع: مکتبه المثنی، بغداد، ص ۵۶۱.

۱۰- عالم و محدث مشهور شیخ محمد سعید بن مولانا خواجه حنفی خراسانی مشهور به میر علان درگذشت: سال ۹۸۱ هجری قمری در شهر آگره هندوستان، تعلیمات خود را از علامه عصام الدین ابن عرب شاه الإسفرایینی و دیگر علماء نموده است (۱).

۱۱- علامه فقیه و واعظ مشهور شیخ یوسف بن حسام الدین اماسی رومی حنفی مکی مشهور به سنان المحشی درگذشت: سال ۱۰۰۰ هجری قمری در مکه مکرمه، از جمله تصانیف وی حاشیه علی تفسیر البیضاوی و شرح دو کتاب هدایه (کتاب الکراهیه و کتاب الوصایا) نیز از مؤلفاتش می باشد (۲).

۱۲- شیخ حمدالله بن شیخ مصطفی دده الاماسی معروف به ابن شیخ، علم خط و کتابت را از استادش خیرالدین المرعشی فراگرفت که در این فن از نبوغ فوق العاده برخوردار بود که آثار خطی آن به خط زیبا و دلنشین دلالت به آن دارد و اضافه از (۴۷) مصحف قرآن کریم را به رشته تحریر آورده است، ملاعلی قاری علم خط را از همین استادش فرا گرفته است، در سال (۹۲۶) ویا (۲۳۶) وفات نموده که در آن وقت (۱۱۰) سال عمر داشت (۳).

۱۳- علامه شیخ سراج الدین عمر یمینی شوافی استاد القراء از اساتید برجسته علم قراءت در مکه مکرمه و استاد ملاعلی قاری هروی بود، و علامه ملاعلی قاری هروی که به علم قراءت توجه خاصی داشت، در نزد او قراءت سبعة را آموخت.

برعلاوة ذوات فوق ملاعلی قاری - رحمه الله - از شیوخ و بزرگان دیگر نیز، علوم اسلامی را در حرمین شریفین و جاهای دیگر فرا گرفته است، که در مقدمه کتابهای خود برخی از آنها را معرفی نموده است.

### مطلب چهارم: حلقات علمی و شاگردان ملاعلی قاری

بعد از اینکه ملاعلی قاری امام درعلوم و فنون مختلفه گردید در مجالس علمی و درسی او جمع کثیر از شاگردان و علاقه مندان وی حاضر می شدند، ایشان حلقات درسی علوم تفسیر، حدیث، فقه، و قراءات را در حرم شریف ایجاد نموده، همچنان شاگردان علامه ملاعلی قاری هروی، چنانکه به اثر دانش و فهمش او را امام عصر و فرید دهر می گفتند، و موصوف عالم بزرگوار، محدث، فقیه و مفسر بود، و در اکثر علوم دست بالا داشت، و به علوم و معارف زمانه اش آگاه بود، به همان سبب بیش تر اشخاص که به جستجوی فراگرفتن علم و دانش

(۱) نزهة الخواطر و محجة المساع و النواظر، للشریف عبدالحی الحسینی، الطبع الاول دائرة المعارف العثمانية حیدر آباد الدکن سنه ۱۲۷۸هـ، ج ۴، ص ۳۳۱-۳۳۲.

(۲) مرجع سابق، ج ۸، ص ۴۱۲.

(۳) الخط العربی و آدابه، لمحمد طاهر الکردی، ص ۳۲۱.

بودند، از محضر درسش مستفیض می گشتند، لهذا شاگردان او بی شمار اند، و ما به ذکر عده ای از بزرگان شان اکتفا می کنیم، که از جمله ایشان اند:

۱- عبدالقادر الطبری: شیخ محبی الدین عبدالقادر بن محمد بن یحیی بن مکرم الحسینی الطبری، مکی، شافعی، وی از جمله علماء متبحر بوده است، که تألیفات زیادی از خود بجا گذاشته، در سال: (۱۰۳۳هـ) وفات نموده است<sup>(۱)</sup>.

۲- إمام، خطیب و مفتی شیخ محی الدین عبدالقادر بن محمد بن یحیی بن مکرم بن محب بن محمد بن حسین طبری شافعی مکی إمام و خطیب مسجدالحرام درگذشت: سال ۱۰۳۳ هجری قمری مدفون در جنت المعلی مکه مکرمه<sup>(۲)</sup>.

۳- علامه فقیه شیخ الإسلام قاضی عبدالرحمن بن عیسی بن مرشد عمری مرشدی مکی حنفی معروف به خاتم العلماء مفتی مکه مکرمه که در سال ۱۰۳۷ به شهادت رسید<sup>(۳)</sup>.

۴- شیخ محمد ابو عبدالله ملقب به عبدالعظیم مکی حنفی بن ملا فروخ بن عبدالمحسن بن عبدالحالق موروی که اصلاً از موره که از توابع روم (آسیای صغیر یعنی ترکیه امروزی) بوده، و در سال ۱۰۱۶ هجری قمری وفات یافته است<sup>(۴)</sup>.

۵- سید معظم حسینی بلخی نیز از شاگردان ملاعلی قاری بوده که از وی روایت نموده است<sup>(۵)</sup>.

۶- سلیمان بن صفی الدین جانی ورد که از طرف علامه ملاعلی قاری هروی اجازه تدریس علم فقه، حدیث و تفسیر را یافت<sup>(۶)</sup>.

همان طوریکه ملاعلی قاری - رحمه الله - علوم اسلامی را از علماء بزرگ عصر خود آموخته، جمع کثیر از دانشمندان همان وقت از وی نیز طلب فیض نموده اند، که در اینجا صرف چند تن از آنها را معرفی نمودیم.

(۱) البدر الطالع، شوکانی، ج ۱، ص ۳۷۱، و مقدمه کتاب: الحظ الاوفر فی الحج الاکبر، ملاعلی قاری، هروی، حنفی، تحقیق د. محمد نبهان ابراهیم و د. مجاهد محمود اسماعیل، قسم اصول فی کلیه العلوم الاسلامیه، جامعه الابرار، ص ۱۰.

(۲) هدیه العارفین فی اساء المؤلفین و آثار المصنفین، اسماعیل باشا البغدادی، مطبعة استانبول سنه ۱۹۵۱، ج ۱، ص ۶۰۰.

(۳) مرجع سابق ج ۱، ص ۵۴۸.

(۴) مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ملاعلی قاری، ج ۱، ص ۱۹.

(۵) همان مرجع.

(۶) خلاصة الاثر فی اعیان قرن الحادی عشر، للمحیی، ج ۳، ص ۱۸۵.

## مطلب پنجم: اقوال علماء راجع به ملاعلی قاری

قانون مسلم است هرکه درین دنیا پای گذاشت باید عده ای موافق وعده ای مخالف را باخود داشته باشد که علامه ملاعلی قاری هروی نیز از این امر مستثنی نیست، اما هواداران و توصیف کننده گان علامه موصوف نظر به منتقدینش زیاد بوده، و منتقدینش کم هستند، و نجسته باد از برای کسانی که شمار مخالفان و منتقدان شان کم هستند، و آنهایی که آن علامه بزرگوار را توصیف نموده اند، از جمله اعظم، افاضل و دانشمندان روزگار خود بوده اند، و او را به صفات حمیده توصیف نموده اند، لهذا در این مطلب می خواهیم اقوال تعداد از علماء و صاحب نظران را راجع به ملاعلی قاری در دو قسمت (مدح و ذم) ذیلاً بیان نمائیم:

### الف: مدح ملاعلی قاری

کسانیکه علامه ملاعلی قاری - رحمه الله - را مدح نموده به مراتب زیاد می باشند، اسامی برخی آنها قرار ذیل است:

۱- محمد امین محبی صاحب کتاب خلاصه الأثر فی تراجم القرن الحادی عشر درگذشت: سال (۱۱۱۱ هـ) می گوید: « علی بن محمد سلطان الهروی المعروف بالقاری الحنفی نزیل مکه وأحد صدور العلم فرد عصره الباهر السمیت فی التحقیق وتنقیح العبارات وشهرته كافية عن الإطراء فی وصفه »<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « علی بن محمد سلطان هروی که به قاری و حنفی مشهور است، وی در مکه سکونت نموده از جمله صدور علم و یگانه روزگارش بوده است، کثرت آوازه اش بسنده است از اینکه در مبالغه در وصف اش پرداخته شود ».

۲- علامه ابن عابدین در رساله رفع التردد فی عقد الأصابع عندالتشهد می نویسد: ملاعلی قاری هروی خاتمه القراء برگزیده فقهاء ومحدثین و برجسته محققین و مدققین بوده است، چنانچه می فرماید: « خاتمة القراء والفقهاء والمحدثین ونخبة المحققین والمدققین »<sup>(۲)</sup>.

۳- إمام عبدالحق لکهنوی در مقدمه کتاب التعلیق المجید می نویسد: علامه ملاعلی قاری هروی صاحب علم باهر و فضل ظاهر بوده، و او را از جمله مجددین آورده می گوید: « صاحب العلم الباهر والفضل الظاهر »<sup>(۳)</sup>.

(۱) خلاصه الاثر فی تراجم اعیان القرن الحادی عشر، ج ۳، ص ۱۸۵-۱۸۶.

(۲) مجموعه الرسائل ابن عابدین، رساله ۵.

(۳) مقدمه مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ملاعلی قاری، ج ۱، ص ۲۰.

۴- شیخ عبدالستار دهلوی در کتاب اُزهار البستان می نویسد: علامه ملاعلی قاری هروی عالم شهر بلد الحرام و آگاه به علوم قرآن و سنت و إمام آن بوده است: « عالم البلد الحرام والمتضلع فی علوم القرآن والسنة وفيها كان الامام »<sup>(۱)</sup>.

۵- شیخ محمد زاهد کوثری در رساله فقه اهل العراق و حدیثهم علامه ملاعلی قاری هروی را در شمار بزرگان حفاظ و کبار محدثین از اصحاب ابو حنیفه و اهل مذهبش دانسته است<sup>(۲)</sup>.

۶- شیخ محمد ادریس کاندهلوی (۱۳۲۵-۱۳۹۴) در کتاب التعلیق الصبیح می نویسد: علامه ملاعلی قاری هروی محدث بزرگوار، دانشمند برجسته، شخصیتی آگاه و یگانه روزگارش بوده است: « المحدث الجلیل والفاضل النبیل فرید دهره و وحید عصره »<sup>(۳)</sup>.

۷- علامه شیخ محمد عابد السنندی المدنی درگذشت: (۱۲۵۷هـ) می گوید: ملاعلی قاری شیخ علامه الحبر الفهامة بوده است وی می گوید: « الشیخ العلامة الحبر الفهامة »<sup>(۴)</sup>.

۸- علامه شیخ حسین بن محمد سعید عبد الغنی المکی الحنفی در باره ملاعلی قاری می گوید: او علامه زمان و یکتاز عصر خود بود که در علوم عقلی و نقلی و علوم قرآنی و سنت نبوی - صلی الله علیه وسلم - نظیر نداشت، و همچنان وی عالم بلاد الله یعنی مکه معظمه بوده است: « علامة زمانه و واحد عصره و أوانه و المتفرد الجامع لانواع العلوم العقلية و النقلية المتضلع من علوم القرآن و السنة النبوية و عالم بلاد الله الحرام والمشاعر العظام و أحد جماهير الاعلام و مشاهير أولى التحقيق و الأفهام »<sup>(۵)</sup>.

۹- علامه محدث عبدالفتاح ابو غده در باره شخصیت ملاعلی قاری می فرماید: ملاعلی قاری امام قراءات و از جمله صدور علم بوده است، وی اضافه می کند که ملاعلی قاری امام، محدث، فقیه، اصولی، مفسر، متکلم، صوفی، مؤرخ، لغوی، نحوی، ادیب عصر خود بوده است، که الله - تبارک و تعالی - به وی ذکاوت خاص و نادر داده است و صاحب عقل راجح، فهم دقیق، صبر، و بیان مسائل به شیوه سهل عنایت نموده است: « كان إماماً في القراءات وكان أحد صدور العلم الافاضل وعمدة المحققين الأمثال الامام المحدث الفقيه الاصولي المفسر

(۱) مرجع سابق.

(۲) مرجع سابق.

(۳) التعلیق الصبیح علی مشکاة المصابیح، محمد ادریس الکاندهلوی، مطبعه الاعتدال دمشق، الطبعه الاولى، مقدمه ص ۶.

(۴) البضاعة المزجاة لمن يطالع المرقاة، محمد عبد الحلیم الجیشی، ص ۳۰.

(۵) ارشاد الساری الی مناسک الملا علی القاری، حسین بن محمد سعید عبدالغنی، دارالکتاب العربی بیروت لبنان، ص ۵.

المقرى المتكلم النظار الفرضى والصوفى، المورخ، اللغوى، النحوى، الأديب و قد أناه الله الذكاء النادر و العقل الراجح والفهم الدقيق، والصبر على التنقيح والتدقيق والشغف العجيب بالتحقيق، مع البيان السهل القريب»<sup>(١)</sup>. همچنان جمع كثير از علماء زمان، ملاعلى قارى را به الفاظ وكلمات بسيار با عزت ياد نموده و او را از جمله علماء بزرگ جامعه اسلامى خوانده اند، كه ذكر همه آن در اين رساله خارج از اهداف بحث است، خواننده مى تواند جهت آگاهى پيش تر در اين باره به مطلب كه تحت عنوان (مراجع ترجمه ملاعلى قارى) كه در اين رساله گنجائده شده است مراجعه نمايد.

خلاصه اينكه بسيارى از بزرگان و علماء ملاعلى قارى را بعنوان يكي از مجددين قرن يازدهم مى دانند؛ و ملاعلى قارى در نزد علماء عالم اسلامى بطور عام از منزلت و جايگاه خاص وعالى برخوردار است و اين جايگاه نزد احناف بطور خاص و ويژه مى باشد، چنانچه علامه عبدالحى الكنوى ملاعلى قارى را مجدد رؤس سال (١٠٠٠ هجرى شمسى) مى داند<sup>(٢)</sup>.

### ب: منتقدين ملاعلى قارى

هر انسان در زندگى موافقين و مخالفين داشته مى باشد، بخصوص علماء و شخصيت هاى بزرگ جامعه به اين امر زياد گرفتار هستند، علامه ملاعلى قارى - رحمه الله - نيز از جمله همين دانشمندان است كه بر علاوه اى كه او را جمع كثيرى از علماء علوم اسلامى توصيف و تمجيد نموده اند، لکن در مواردى از طرف برخى صاحب نظران در مسائلى نقد و جرح نيز گرديده است، كه در اينجا به ذكر دو مثال آن اکتفا مى كنيم:

#### ١- اعتراض ملاعلى قارى بالاي برخى علماء سلف:

علامه محمد أمين بن فضل الله الدمشقى المحبى صاحب كتاب (خلاصه الأثر فى تراجم القرن الحادى عشر) درگذشت: سال (١١١١ هـ) و شيخ عبدالملك بن حسين العصامى المكي الشافعى درگذشت: سال (١١١١ هـ) صاحب كتاب (سمط النجوم والعوالى فى أبناء الأوائى والتوالى)، مى گویند: «ملاعلى قارى بالاي تعداد از علماء بخصوص امام شافعى - رحمه الله - و اصحاب او اعتراض نموده است، همچنان بالاي امام مالك - رحمه الله - در آزاد گذاشتن دستها در نماز نيز اعتراض کرده است؛ تاجاى كه شيخ عبدالملك العصامى مى گوید: در مؤلفات ملاعلى قارى نور علم ديده نى شود، و مردم را به عدم مطالعه كتاب هاى ملاعلى قارى تشويق نموده مى فرمايد: (ولهذا نجد مؤلفاته ليس عليها نور العلم ومن ثم نهي عن مطالعتها كثير من العلماء والأولياء)»<sup>(٣)</sup>.

(١) المصنوع فى معرفة الحديث الموضوع (الموضوعات الصغرى) على القارى، مقدمه ص ٩-١٠.

(٢) نگاه: الفوائد البهيبة فى تراجم الحنفية، محمد عبدالحى الكنوى، ص ٨-٩.

(٣) خلاصه الأثر، محبى، ج ٣، ١٨٥-١٨٦؛ و كتاب: سمط النجوم العوالى، العصامى، ج ٤، ص ٢٩٤؛ و مقدمه مرقاة المفاتيح.

نظریه فوق از چندین نگاه قابل رد می باشد:

- نخست اینکه، خود شیخ عبدالملک العصامی در کتابش ملاعلی قاری را یکی از شخصیت های متبحر جامعه اسلامی معرفی نموده است که این نظریه با نقد اش در تضاد می باشد، چنانچه می فرماید: «الشیخ الملا علی القاری بن سلطان بن محمد الهروی الحنفی الجامع للعلوم العقلية والنقلية، والمتضلع من السنة النبوية، أحد جماهير الأعلام، ومشاهير أولي الحفظ والأفهام، ولد بهرة ورحل إلى مكة وتديرها»<sup>(۱)</sup>؛ یعنی: وی می گوید: علامه ملاعلی قاری هروی حنفی جامع علوم عقلی و نقلی، شارح سنت نبوی - صلی الله علیه وسلم - و یکی از برجسته گان و بزرگان حفاظ بوده است.

- دوم اینکه، علامه محمد بن علی الشوکانی این اعتراض آنها را در کتاب اش تحت عنوان (البدر الطالع بمحاسن من بعد السابع) چنین جواب داده است: «وأقول هذا دليل على علو منزلته فان المجتهد شأنه أن يبين ما يخالف الأدلة الصحيحة ويعترضه سواء كان قائله عظيماً أو حقيراً»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: «گفته می توانیم که این از علو منزلت و جایگاه ملاعلی قاری - رحمه الله - است، زیرا از خصوصیات و عادت مجتهد این است که: آنچه را که مخالف دلائل صحیحه و مخالف نظر او باشد باید توضیح گردد، و باید اعتراض خود را در برابر مخالفین اش اگرچه شخص بزرگ باشد و یا یک هم یک شخص حقیر بیان کند.»

- سوم اینکه، از مؤلفات و تصانیف ملاعلی قاری بوضوح دانسته می شود که وی نسبت به دیگر علماء و مذاهب تعصب نداشته است، بلکه هر مسئله را بنابر وضاحت دلائل ترجیح کرده، بعداً بالای آن حکم نموده است، که این روش اکثر علماء کرام نیز می باشد، چنانچه در بسا موارد امامان دین و اصحاب آنها یکدیگر را نقد نموده اند و نظریات خویش را بر یکدیگر نسبت دلائل موجه ترجیح داده اند<sup>(۳)</sup>.

یعنی: ملاعلی قاری هروی هیچ گونه تعصب مذهبی نداشته، و آراء و نظریات فقهاء کرام را اعم از حنفی و شافعی و دیگران در صورت که صحیح تر و قوی می بود می پذیرفت.

## ۲- عقیده ملاعلی قاری در مورد والدین رسول الله

ملاعلی قاری بر این باور است، که پدر و مادر رسول الله - صلی الله علیه وسلم - کافر از دنیا رفته اند، چنانچه در این باره کتابی را نیز تحت عنوان (أدلة معتقدة أبي حنيفة الأعظم في أبوي الرسول - صلی الله علیه

(۱) نگاه: سمط النجوم العوالی، العصامی، ج ۴، ص ۲۹۴.

(۲) البدر الطالع بمحاسن من بعد السابع، محمد الشوکانی، ج ۱، ص ۴۴۵-۴۴۶.

(۳) البضاعة المزجاة لمن يطالع المرقاة، محمد عبد الحليم الجیشی، ص ۳۳-۳۴.



وسلم -) نوشته کرده است، در حالی که امام سیوطی - رحمه الله - به عدم کفر پدر و مادر رسول الله - صلی الله علیه وسلم - حکم نموده است(۱).

به نسبت همین نظریه ملاعلی قاری توسط برخی از دانشمندان مورد نقد قرار گرفته است، « زیرا این نظریه وی با قول امام سیوطی - رحمه الله - و قول کسانی که از حدیثی عائشه - رضی الله عنها - بر عدم کفر والدین پیامبر - صلی الله علیه وسلم - استدلال می کنند، در تضاد قرار دارد؛ زیرا جمع کثیری از محدثین حدیث نجات والدین آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - را ضعیف و متروک دانسته اند، که شرح این اختلاف در کتاب ملاعلی قاری تحت عنوان (أدلة معتقد أبي حنيفة الاعظم في أبوی الرسول - صلی الله علیه وسلم -)، مفصل بیان گردیده است «(۲).

این قول ملاعلی قاری نیز در نقاط ذیل قابل توجیه می باشد:

- نظام الدین نافع ابوبکر در رساله دکتورا تحت عنوان (ملاعلی قاری محدثاً) این نظریه ملاعلی قاری را چنین توجیه نموده است: « ممکن است وی در این مورد به این گمان بوده باشد، که ایمان به عقل نیز واجب می شود(۳)، و از این قول الله متعال استدلال نموده است که می فرماید:

﴿ قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَلِيَّ اللَّهُ شَكُّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴾(۴).

ترجمه: « پیامبران نشان گفتند: آیا درباره الله آفریننده آسمانها و زمین شک و تردیدی وجود دارد؟ (هیچ شک و شبهه در مورد وجود الله متعال دیده نمی شود) «.

و یا این قول الله متعال:

﴿ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ﴾(۵).

ترجمه: « و اگر از آنان بپرسی که چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده است؟ حتماً می گویند: الله متعال «.

همچنان حدیث را که امام بخاری - رحمه الله - به روایت حضرت ابی هریره - رضی الله عنه از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روایت نموده می فرماید: ( كل مولود يولد على الفطرة الاسلام... ) (۶)، یعنی: « هر

(۱) نگاه: مرقاة المفاتیح، ج ۱، ص ۲۲؛ و کتاب: عقود الجوهر فی تراجم من لهم خمسون تصنیفاً فائده فاکثر، جمیل بک العظم، طبع: مکتبه الاهلیه بیروت، سال طبع: ۱۳۲۶هـ، ص ۲۶۵-۲۶۶؛ و کتاب: أدلة معتقد أبي حنيفة الاعظم في أبوی الرسول عليه الصلوة والسلام، علی بن سلطان محمد القاری، ص ۶.

(۲) نگاه: أدلة معتقد أبي حنيفة الاعظم في أبوی الرسول عليه الصلوة والسلام، علی بن سلطان محمد القاری، ص ۱۴.

(۳) نگاه: ملا علی القاری الهروی محدثاً (رسالة الدكتوراه)، نظام الدین نافع ابوبکر، پوهنتون پنجاب لاهور پاکستان، ص ۴۳؛ و کتاب: الحواشی البهیة علی شرح العقائد النسفیة، حسن التاوی، طبع: دارالطباعة العامره آستانه، ج ۱، ۲۳، ملا علی القاری الهروی محدثاً (رسالة الدكتوراه)، نظام الدین نافع ابوبکر، پوهنتون پنجاب لاهور پاکستان، ص ۴۳.

(۴) سوره الابراهیم، آیه ۱۰.

(۵) سوره لقمان، آیه ۲۵.

(۶) صحیح بخاری، کتاب الجنائز، باب ما قيل في أولاد المشركين، ج ۱، ص ۴۶۵، حدیث (۱۳۱۹).

فرزندی بر فطرت (دین اسلام) به دنیا می آید». از این آیات واضح می گردد که ایمان به الله متعال بالای هر انسان واجب است و در این راستا هیچ عذر بندگان پذیرفته نمی شود، ممکن ملاعلی قاری نیز همین مفهوم را در نظر داشته باشد<sup>(۱)</sup>.

همچنان، عدم اسلام (والدین) پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و وفات آنها در حالت کفر از دنیا در احادیث صحیح نیز از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ثابت است، و برخی از علماء و محدثین نیز در کتابهای شان بر عدم اسلام آنها حکم نموده اند، که پاره از این دلایل قرار ذیل است:

أ: ( عن أنس - رضی الله عنه - أن رجلاً قال: يا رسول الله - صلی الله علیه وسلم - أين أبي؟ قال ( في النار)؛ فلما قفي دعاه فقال: إن أبي وأباك في النار )<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « از حضرت انس - رضی الله عنه - روایت است: مردی از رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - پرسید: یا رسول الله - صلی الله علیه وسلم -! پدرم در کجاست؟ فرمودند: در دوزخ؛ پس چون پشت گردانید، آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - او را فراخواندند و فرمودند: إن أبي وأباك في النار: پدر من و پدر تو هر دو در دوزخ اند.»

امام نووی - رحمه الله - در شرح این حدیث می فرماید: « فيه أن من مات على الكفر فهو في النار ولا تنفعه قرابة المقرين »<sup>(۳)</sup>؛ یعنی: این حدیث دلیل است برای کسانی که در حالت کفر از دنیا رفته و آنها در آتش دوزخ می باشند، و قرابت اشخاص صاحب شفاعت برای آنها سودی ندارد.

ب: ( عن أبي هريرة - رضی الله عنه - قال: قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - استأذنت ربي أن أستغفر لأمي فلم يأذن لي واستأذنته أن أزور قبرها فأذن لي )<sup>(۴)</sup>.

ترجمه: « از حضرت ابی هریره - رضی الله عنه - روایت است، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: از پروردگارم اجازه خواستم تا برای مادرم استغفار کنم، به من اجازه نداد، اما از او تعالی اجازه خواستم تا قبرش را زیارت کنم. به من اجازه داد.»

ج: امام ابن جریر الطبری - رحمه الله - در سبب نزول این قول الله متعال: ﴿وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ﴾<sup>(۵)</sup>.

(۱) ملا علی القاری الهروی محدثاً (رسالة الدكتوراه)، نظام الدین نافع ابوبکر، پوهنتون پنجاب لاهور پاکستان، ص ۴۳.

(۲) صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب بیان أن من مات على الكفر فهو في النار ولا تناله شفاعة ولا تنفعه قرابة المقرين، ج ۱، ص ۱۳۲، حدیث (۵۲۱)

(۳) المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، أبو زکریا یحیی بن شرف بن مری النووی، دار إحياء التراث العربي - بیروت، طبع: سوم سال ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۷۹.

(۴) صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب استئذان النبی صلی الله علیه وسلم - ربه عز وجل في زيارة قبر أمه، ج ۳، ص ۶۵، حدیث (۲۳۰۳)

(۵) سورة البقرة، آیه ۱۱۹.

اقوال تعدادی از مفسرین را نقل نموده می فرماید: « قال: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : ليت شعري ما فعل أبوي؟ فنزلت: (ولا تسأل عن أصحاب الجحيم)»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « پیامبر - صلى الله عليه وسلم فرمود: ای کاش! می دانستم که با پدر و مادر من در روز آخرت چی برخورد می شود، این آیه نازل شده ؛ ( از تو درباره اهل جهنم و دوزخ هرگز پرسیده نخواهد شد) ». د: امام بیهقی - رحمه الله - در کتاب اش (دلائل النبوة) می فرماید: « وکانوا يعبدون الوثن حتى ماتوا، ولم يدينوا دين عيسى ابن مريم عليه السلام»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « آنها یعنی ابوطالب و والدین رسول - صلى الله عليه وسلم - تا لحظه مرگ مشرک بودند و به بتها عبادت می نمودند، و از دین و شریعت حضرت عیسی - صلى الله عليه وسلم - پیروی نکردند ». ه: همچنان امام بیهقی در کتاب اش (السنن الکبری) می فرماید: « وأبواه كانا مشرکین»<sup>(۳)</sup>.

و: شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - در جواب این سوال که آیا از پیامبر - صلى الله عليه وسلم - ثابت است که الله متعال (والدین) آنحضرت - صلى الله عليه وسلم - را زنده نموده است و اسلام آوردند، بعداً دوباره وفات شدند؟ می فرماید: این سخن به نظر جمهور اهل حدیث قابل رد می باشد، بلکه اهل حدیث با هم اتفاق دارند که این یک ادعای کذب و دروغ محض است و در اسناد این روایات مجاهیل و متروکین وجود دارد»<sup>(۴)</sup>.

- حکم بر کفر والدین رسول الله - صلى الله عليه وسلم - توسط ملاعلی قاری در مقدمه کتاب اش (مرقاة المفاتیح) چنین توجیه گردیده است: نظریه کفر والدین آنحضرت - صلى الله عليه وسلم - از این جا ناشی می شود، که گویا ملاعلی قاری پنداشته است که در فقه اکبر کتاب امام ابو حنیفه - رحمه الله - نگاشته شده است: ( و والدا رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ماتا علی الکفر)؛ یعنی: « والدین رسول الله - صلى الله عليه وسلم - بر کفر وفات نموده اند ». در حالی که این اشتباه در نگارش بوده، و اصل آن چنین است: ( و والدا رسول - علیه الصلوة و السلام - ما ماتا علی الکفر)، یعنی: والدین رسول الله - صلى الله عليه وسلم - بر کفر نمرده اند؛ چنانکه در بعضی از نسخه های فقه اکبر کلمه (ما) در نگارش از جمله فوق افتاده است و

(۱) جامع البیان فی تأویل القرآن، ابن جریر الطبری، ج، ص ۵۵۸.

(۲) نگاه: دلائل النبوة، امام بیهقی، موقع جامع الحدیث، ج ۱، ص ۱۹۲-۱۹۳.

(۳) السنن الکبری وفي ذیلہ الجوهر النقی، أبو بکر أحمد بن الحسین بن علی البیهقی، مؤلف الجوهر النقی: علاء الدین علی بن عثمان المارذینی الشهیر بابن التزکانی، مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة هند حیدر آباد، طبع اول سال ۱۳۴۴ هـ، موقع وزارة الأوقاف المصرية، ج ۷، ص ۱۹۰.

(۴) نگاه: أدلة معتقد ابی حنیفة الاعظم فی ابوی الرسول - صلى الله عليه وسلم -، ملاعلی قاری، ص ۱۳؛ و مجموعة الفتاوى، ج ۴، ص ۳۲۴.

علامه ملاعلی قاری هروی نیز در بعضی از مؤلفاتش مطلب فوق را اذعان نموده، و اسلام والدین رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را تأیید نموده است.

- نظریه دیگری راجع به کفر والدین آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - این است که: ملاعلی قاری - رحمه الله - در اخیر عمر اش، وفات والدین پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را در حالت کفر انکار نموده و از قول اش رجوع کرده است، یعنی: اسلام والدین رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را تأیید نموده است، چنانچه در کتاب اش (شرح الشفاء للقاضی عیاض) که آنرا در سال: ( ۱۰۱۱ هـ) سه سال قبل از وفات اش به اکمال رساند چنین گفته است: « و أما إسلام أبویه ففيه أقوال، و الأصح إسلامهما علی ما اتفق علیه الأجلة من الأمة، كما بينه السيوطی فی رسالته الثلاث المؤلفه »<sup>(۱)</sup>.

لکن قول راجح که از نصوص و دلائل فوق پیرامون کفر و عدم کفر والدین رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نگاشته شد ثابت می گردد که آنها مثل ابوطالب درحالت عدم ایمان از دنیا رفته اند که این نظریه نخست و راجح ملاعلی قاری نیز می باشد، والله اعلم.

### مطلب ششم: زهد و تقوی، خوش نویسی و گرایش تصوفی ملاعلی قاری

#### ۱- زهد و تقوای ملاعلی قاری:

« ملاعلی قاری - رحمه الله - در خوراک و پوشاک حلال، عفیف و محتاط بود و دائماً از دسترنج و زحمات خود ضروریات مورد نیاز زندگی خود را مرفوع می ساخت، همین موارد است که به زهد و تقوی وی دلالت دارد، ملاعلی قاری از امکانات دست داشته خود راضی بوده و آنرا برای پیشبرد امور خود کافی می دانست، چنانچه در باره وی خیرالدین الزرکلی می فرماید: « كان الملا علي القاري معروفا بالتدين، والورع، والتقوى، والتعفف، وكان يأكل من كد يمينه وعرق جبينه، وقد غلب عليه الزهد والورع، و أخذ الخشية والزهد والعفاف والرضاء بقضاء الله منه كل مأخذ، وكان قليل الاختلاط بالناس، كثير العبادة، والتقوى، وكان يكتب كل عام مصحفاً بخطاً جميل، ويهمشه بالقراءات والتفسير، فيبيعه، ويكفيه قوتاً له من عام إلى عام »<sup>(۲)</sup>.

یعنی: ملاعلی قاری - رحمه الله - در تقوی، دیانت و پرهیزگاری معروف بود، و از دسترنج خود امرار معیشت می کرد، و با مردم کم نشست داشت، از حکام دوری می جست، وی در سال یک (مصحف شریف)

(۱) نگاه: شرح الشفاء، قاضی عیاض، شرح: ملاعلی قاری هروی حنفی، تصحیح، عبدالله محمد الخلیلی، دار الکتب العلمیة بیروت لبنان، ج ۱، ص ۱۰۶ - ۶۴۸؛ و کتاب: مرقاة المفاتیح، شرح مشکاة المصابیح، ج ۱، ۲۲.

(۲) نگاه: خلاصة الاثر فی اعیان قرن الحادی عشر، للمحبی، ج ۲، ص ۱۸۶. و الاعلام لزرکلی، ج ۵، ص ۱۲.

می نوشت که در آن حواشی را از علم قراءات و تفسیر نیز اضافه می کرد بعداً آنرا می فروخت و از قیمت آن بخاطر پیش برد زندگی خود استفاده می کرد که معیشت زندگی یکساله او را کفایت می کرد.»

## ۲- خوشنویسی و قناعت ملاعلی قاری:

ملاعلی قاری هروی شخصیت متدین، با تقوا، پرهیزگار، زاهد و عقیف بوده، و مانند امام ابو حنیفه، سفیان ثوری، فضیل بن عیاض، امام أحمد بن حنبل و دیگر بزرگان دین با حکام تقریبی نداشته است، چنانچه در این باره می فرماید:

« ورحم الله والدي كان يقول لي ما أريد أن تصير من العلماء خشية أن تقف على باب الأمراء »<sup>(۱)</sup>، همچنان وی از صاحبان قدرت دوری می جست، و هیچ گونه مال و مقامی را از حکام و عالمان سوء نمی پذیرفت، چنانچه قبلاً نیز گفته شد وی از عمل دست خود امرار معیشت می کرد، بعضی از کسانی که شرح حال و زنده گی نامه او را نوشته اند، می نگارند: ملاعلی قاری هروی در زادگاهش هرات که مرکز هنر و فن بود و در دوره تیموریان شهرت آن به اوج خود رسیده بود، هنر خوشنویسی را از نزد اساتید برجسته هرات آن دوران آموخته، و با این فن دسترسی کامل داشت، خطوط اسلامی را بسیار زیبا کتابت می کرد، و به یکی از زیبا نویسندگان عصر خود شهرت داشت، ملاعلی قاری مصاحف قرآن کریم را با خط زیبا و خوش نگارش نموده و آنرا می فروخت، و از فروش آن قوت و معاش خود را تهیه می نمود، چنانکه شیخ عبدالحق محدث دهلوی می گوید: ملاعلی قاری مردی از اهل عجم بود، که خط بسیار زیبایی داشت، حتی بعض از مؤرخین می گویند: علامه ملاعلی قاری هروی قسمتی از آن پول را نیز به فقراء حرم می داد، او فردی بود که با مردم کمتر در هم می آمیخت، بسیار عبادت می کرد، و شدیداً تقوی داشت، و بیش تر علاقه داشت، که در عالم سر و نجوی بسر برد<sup>(۲)</sup>؛ ملاعلی قاری فقیه برجسته و محدث متبحر بود، او را در ردیف علماء و صاحب نظران بزرگ در مکتب احناف آورده اند، و او مذهب فقهی احناف را بر اساس کتاب و سنت توضیح و تشریح کرده است.

## ۳- گرایش تصوفی ملاعلی قاری:

در باره گرایش تصوفی ملاعلی قاری گفته شده چنانکه او در قراءت امام بود، فقیه، محدث، اصولی توان مند، مفسر، متکلم، صوفی، مؤرخ، نحوی و ادیب وقت خود نیز بود، چنانچه این مطلب در مقدمه کتاب اش (المصنوع فی معرفة الحديث الموضوع) به تحقیق شیخ عبدالفتاح أبو غدة وارد گردیده است<sup>(۳)</sup>.

(۱) مرقاة المفاتیح، کتاب العلم، فصل سوم، ج ۲، ص ۱۹۳.

(۲) موعظة الحییب و تحفة الخطیب ( من خطب النبی صلی الله علیه وسلم والخلفاء الراشدین)، ملاعلی قاری، ص ۱۳-۱۸؛ و کتاب:

(۳) المصنوع فی معرفة الحديث الموضوع (الموضوعات الصغری) علی القاری، ص ۹.

علامه ملاعلی قاری از عرفان و تصوف نیز بهره‌ کامل داشت، و مراحل سلوک و تزکیه باطن را در سلسله نقشبندیه طی نموده بود، که در مذهب حنفی و در طریقت نقشبندی بوده است، همچنان، در مجله علمی تحت عنوان: ( مجلة الداعی الشهرية الصادرة عن دارالعلوم دیوبند) به قلم رفعی الدین حنیف القاسمی، نشره شده نیز ملاعلی قاری را در کنار مواصفات دیگر اش صوفی نیز خطاب نموده است<sup>(۱)</sup>.

دکتر شمس الدین السلفی - رحمه الله -، مؤسس جامعه اثریه در پشاور پاکستان در رساله تحت عنوان ( الماتردیه وموقفهم من الأسماء والصفات ) می گوید: ملاعلی قاری محدث، فقهی از اکابر ائمه متأخرین احناف می باشد که پیروی مذهب ماتریدی است، همچنان ملاعلی قاری در تصوف نیز دسترسی دارد که در این راستا پیروی طریقه نقشبندیه و قادریه و چشتیه می باشد<sup>(۲)</sup>.

از دلائل فوق ثابت می گردد که بر علاوه اینک ملاعلی قاری در علوم دیگر اسلامی دست بالای داشته است، لکن از عرفان و تصوف نیز بهره ای داشته است.

### مطلب هفتم: مذهب فقهی و اعتقادی ملاعلی قاری

چون ملاعلی قاری از هرات به مکه معظمه بخاطر کسب و فراگیری علوم رحلت نموده به همین خاطر وی با جمع کثیر از علماء آن زمان دیدار و ملاقات های نموده و از آنها طلب علم کرده است، زیرا مکه معظمه مرکز تمدن اسلام می باشد، که علماء بزرگ بخاطر حج بیت الله شریف به آنجا عازم می شدند که ملاعلی قاری از داشته های علمی آنها استفاده اعظمی نموده است؛ لذا در این مطلب مذهب فقهی و اعتقادی وی را طی مطالب و موضوعات جداگانه ذیلاً بیان می کنیم:

### أ: مذهب فقهی ملاعلی قاری

معمولاً برای شناخت مذهب فقهی و اعتقادی یک شخص از اصول ذیل استفاده می کنند، مانند: تصریحات خود شخص در مورد مذهب که اختیار نموده است، اقوال دانشمندان و صاحبان کتب طبقات پیرامون مذهب او و مؤلفات وی، بناء مذهب فقهی ملاعلی قاری نیز در همین اصول تعقیب شده است، که تفصیل آن قرار ذیل است:

### ۱- اعتراف ملاعلی قاری به پیروی از مذهب حنفی:

(۱) نگاه: مجلة الداعی الشهرية الصادرة عن دارالعلوم دیوبند، طبع: برج شعبان ۱۴۳۸ مطابق ۲۰۱۷ م، به قلم رفعی الدین حنیف القاسمی.  
(۲) الماتردیه وموقفهم من الأسماء والصفات، دکتر شمس الدین السلفی الافغانی، الجامعة العالمية، طبع: مكتبة الصديق الطائف، طبع دوم سال ۱۹۹۸ م، ج ۱، ص ۴۹۰. البضاعة المرجاة لمن يطالع المرقاة في شرح مشکاة، محمد عبد الحليم بن عبد الرحيم چشتی الهندی، الطبع: مكتبة الامدادیه ملتان پاکستان سال ۱۳۹۲، مقدمه.

ملاعلی قاری در اکثر تصنیفات خود به شکل صریح و کنایه خود را در فقه پیروی مذهب امام اعظم ابی حنیفه - رحمه الله - دانسته، که برخی از شواهد ذیل بیان می گردد:

ملاعلی قاری سبب تألیف بزرگترین کتاب اش (مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح) را حمایت و نصرت از مذهب امام اعظم - رحمه الله - عنوان نموده می فرماید: « و أيضا من البواعث أن غالب الشراح كانوا شافعية في مطلبهم وذكروا المسائل المتعلقة بالكتاب على منهاج مذهبهم واستدلوا بظواهر الأحاديث على مقتضى مشرهم وسموا الحنفية أصحاب الرأي على ظن أنهم ما يعملون بالحديث بل ولا يعلمون الرواية والتحديث لا في القديم ولا في الحديث، مع أن مذهبهم القوى تقديم الحديث الضعيف على القياس المجرد»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « همچنان از اسباب دیگر تألیف کتاب مرقاة المفاتیح، این است که غالباً شارحین حدیث شریف متعلق به مذهب امام شافعی - رحمه الله - می باشد، و پیروان مذهب امام شافعی - رحمه الله - مسائل را بر وفق و مقتضی مذهب شان به ظاهر حدیث، در آن استدلال نموده اند، و پیروان امام ابو حنیفه - رحمه الله - را به گمان خود اصحاب رأی خوانده و می گویند: (پیروان امام اعظم ابو حنیفه - رحمه الله -) به حدیث عمل نمی کنند، بلکه به علوم حدیث و روایت در حال و گذشته علم ندارند، با آنکه مذهب قوی احناف آنست که حدیث ضعیف را از قیاس مجرد مقدم می دانند.»

- همچنان وی در کتاب (مرقاة المفاتیح) از مذهب خود به کلمه عندنا (عند احناف) (۳۲۹) مرتبه یاد نموده است که اکثر این موارد به مذهب فقهی وی در مذهب احناف دلالت دارد<sup>(۲)</sup>، چنانچه در تعریف (فرض) می گوید: « وعند أبي حنيفة رحمه الله ما ثبت بدليل قطعي والواجب بدليل ظني كذا في شرح الأربعين والواجب (عندنا) فرض عملي أيضا يترتب»<sup>(۳)</sup>.

۲- اقوال علماء ودانشمندان راجع به مذهب فقهی ملاعلی قاری:

- خیر الدین الزرکلی در کتاب: (الاعلام قاموس تراجم اشهر الرجال والنساء من العرب والعجم والمستعمرین والمستشرقین) ملاعلی قاری را از جمله فقهای حنفی دانسته می گوید: « الملا علي القاري بن سلطان محمد، نور الدين الملا الهروي القاري: فقيه حنفي، من صدور العلم في عصره»<sup>(۴)</sup>.

(۱) مقدمه: مرقاة المفاتیح.

(۲) مرقاة المفاتیح.

(۳) مرقاة المفاتیح، کتاب ایمان، باب الاعتصام بالکتاب والسنة، ج ۲، ص ۸۷.

(۴) الاعلام، خیر الدین زرکلی، ج ۵، ص ۱۲.

- الشيخ محمد بن علي بن محمد الشوكاني صاحب كتاب (البدر الطالع بمحاسن من بعد السابع) در باره مذهب فقهی ملاعلی قاری می گوید: « الشيخ ملا علی قاری بن سلطان بن محمد الهروی الحنفی ولد بهراة ورحل الى مكة واستقر بها وأخذ عن جماعة من المحققين كابن حجر الهيثي »<sup>(۱)</sup>؛ یعنی: شیخ ملاعلی قاری بن سلطان بن محمد الهروی از علماء حنفی در مذهب بوده که در شهر هرات تولد شده است و به مکه معظمه رحلت نموده است، و در همانجا سکونت نموده و از جمع کثیر از محققین علوم اسلامی را فرا گرفته است، مانند ابن حجر هیثمی.
- شیخ عبدالملک العصامی در کتابش ملاعلی قاری را از جمله پیروان مذهب احناف خوانده می فرماید: « الشيخ الملا علي القاري بن سلطان بن محمد الهروي الحنفي الجامع للعلوم العقلية والنقلية، والمتضلع من السنة النبوية، أحد جماهير الأعلام، ومشاهير أولي الحفظ والأفهام، ولد بهراة ورحل إلى مكة »<sup>(۲)</sup>؛ یعنی: وی می گوید: شیخ ملاعلی قاری هروی حنفی جامع علوم عقلی و نقلی، شارح سنت نبوی - صلی الله علیه وسلم - و یکی از برجسته گان و بزرگان حفاظ بوده است در هرات متولد گردیده و به مکه معظمه هجرت نموده.
- عبدالفتاح أبو غدة، در مقدمه کتاب ملاعلی قاری: (المصنوع في معرفة الحديث الموضوع)، پیرامون مذهب فقهی وی می گوید: « هو نور الدين علي بن سلطان محمد الهروي، المكي، الحنفي، المعروف بالقاري؛ وكان أحد صدور العلم الافاضل، وعمدة المحققين الأمثيل، الامام المحدث القهيه الاصولي »<sup>(۳)</sup>.
- همچنان علماء و دانشمندان دیگر که کتابهای ملاعلی قاری - رحمه الله - را تحقیق و درسه نموده، وی را پیروی مذهب امام اعظم - رحمه الله - معرفی نموده اند<sup>(۴)</sup>.
- ۳- کتابها و مؤلفات ملاعلی قاری - رحمه الله - در حمایت از مذهب حنفی:
- ملاعلی قاری در حمایت از مذهب امام اعظم - رحمه الله - کتابها و رسائل زیادی را به رشته تحریر درآورده ، که این عمل وی نیز بیانگر مطابعت و حمایت او از مذهب احناف می باشد، پاره از این مصنفات وی در مذهب احناف قرار ذیل است:

(۱) البدر الطالع بمحاسن من بعد السابع، محمد الشوكاني، ج ۱، ص ۴۴۵-۴۴۶.

(۲) نگاه: سمط النجوم العوالي، العصامی، ج ۴، ص ۲۹۴.

(۳) نگاه: المصنوع في معرفة الحديث الموضوع، ملاعلی قاری، ص ۹.

(۴) نگاه: موعظة الحبيب و تحفة الخطيب ( من خطب النبي صلى الله عليه وسلم والخلفاء الراشدين)، علامه شیخ علی بن سلطان محمد القاری الحنفی المکی، ص ۴۷؛ و مقدمه مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ۱، ص ۳۹. أدلة معتقد أبي حنيفة الاعظم في أبوي الرسول عليه الصلوة والسلام، ص ۶۱؛ و رساله فی بیان افراد الصلاة عن السلام هل يكره ام لا؟ رساله فی تقوية بحث الامام الجزري مع الهمام النووي، ص ۳۹؛ و كتاب: الأسرار المرفوعة في الأخبار الموضوعة المعروف بالموضوعات الكبرى، مقدمه ص ۱؛ و كتاب: الاحاديث القدسية الاربعينية، لشيخ العلامة ملاعلی قاری، خرج احاديثه ابو اسحاق الحويني الاثري، طبع: مكتبة الصحابه جده الشريفة، ص ۸.



- ادله معتقد أبي حنيفة في ابوى الرسول الله - صلى الله عليه وسلم -، طبع: المطبعة السلفية بمكة المكرمة، سلا: (١٣٥٣هـ).

- شرح الفقه الاكبر، طبع: مطبعة دارالكتب العلمية، بيروت، سال: (١٤٠٤ هـ ق).

- شرح مسند الإمام أبي حنيفة، طبع: (مؤسسه دارالكتب علميه) سال: (١٤٠٥ هـ ق).

- رساله في حمايه مذهب الإمام أبي حنيفة.

- الاثمار الجنيه في أسماء الحنيفيه.

- مناقب الإمام الاعظم و أصحابه، طبع: حيدرآباد دكن سال: (١٣٣٢).

- رساله في الرد على من ذم مذهب الإمام أبي حنيفة.

- تشييع فقهاء الحنيفيه في تشييع سفهاء الشافعيه.

- منح الروض الأزهر في شرح الفقه الأكبر، طبع: دار الكتب علميه بيروت، سال: (١٤٠٤ هـ ق).

- شرح الهدايه للمرغيناني.

### ب: مذهب اعتقادی ملاعلى قارى

راجع به اعتقاد ملاعلى قارى - رحمه الله - اقوال ذيل ذكر و بيان گرديده است:

أ: وى خود را در عقیده ماتريدى گفته است، چنانچه مى فرمايد:

ملاعلى قارى درباب اعتقاد خود را از پيروان ابو منصور الماتريديه<sup>(١)</sup> خوانده چنانچه در شرح فقه اكبر، مى

فرمايد: « أصحابنا الماتريديه، وهو موافق لما عليه أصحابنا الماتريديه »<sup>(٢)</sup>.

ب: برخى از علماء نیز او را ماتريدى گفته اند

١- دكتور شمس الدين السلفى مؤسس جامعه اثريه در پشاور پاكستان در رساله تحت عنوان (الماتريديه وموقفهم

من الاسماء والصفات)، ملاعلى قارى - رحمه الله - را در جمله مشهور ترين اعيان و بزرگان مذهب ابى منصور

(١) فرقه ماتريديه از گروهى اهل سنت والجماعت است، كه به اتباع ابى منصور الماتريدى متوفى سال (٣٣٣ هـ) اطلاق مى گردند، عقیده آنها از عقیده امام ابو حنيفة رحمه الله گرفته شده و در مسائل عقیده وى و فقهى از آن پيروى نموده اند، همچنان آراء ابو حنيفة را استدلال نموده اند، اين مذهب قرابت زياد با مذهب اشعري دارد تا جايكه تعداد اين دو مذهب را يكى مى دانند؛ نگاه: المدخل الى دراسة علم الكلام، الدكتور حسن الشافعى، مطبعة النموذجية بمصر، طبع اول، ص ٨٢.

(٢) نگاه: شرح فقه اكبر، ملاعلى قارى، تصحيح مولانا حافظ محمد عبد الواحد، طبع: مطبعة مجتباتى واقع دهلى، ص ٤٦.

الماتريدية ذكر نموده است، چنانچه می فرماید: « الامام العلامة المحدث الفقيه علي بن سلطان أبو الحسن الهروي المكي المعروف بالملا على قارى وهو من اكبر أئمة الحنفية المتأخرين، ذكره الكوثري في قائمة كبار أئمة الحنفية(١)، ولقبه (بناصر السنة)(٢)، فيكون كثير من أقواله حجة على الكوثري؛ لأنه كثيراً ما يقرر عقيدة السلف ويثني على شيخ الاسلام(٣).

ترجمه: « علامه ملاعلى قارى محدث، فقهى، الهروي، از اكبر أئمة متأخرين احناف مى باشد، كه در عقیده پیروی از مذهب ماتريدی نموده است، ولقب ناصر السنة را نیز كسب نموده است، از شيخ الاسلام ابن تيميه و ابن قيم - رحمهما الله - دفاع نموده است. »

٢- دكتور احمد بن عوض الله الحربي، در رساله خود تحت عنوان (الماتريدية دراسةً وتقويمها) در باره مذهب اعتقادی ملاعلى قارى می فرماید: « إن ملاعلى قارى من أشهر رجال الماتريدى و أئمة »(٤)؛ يعنى: ملاعلى قارى از جمله پیروان و أئمة مشهور مذهب ماتريدیه بوده است.

ج: برخی اقوال بر این گواه است كه ملاعلى قارى در عقیده پیروی از سلف صالح نموده است، مانند:

١- دكتور احمد بن عوض الله در رساله خود می گوید: « وكان الذب (يدفع) عن شيخ الاسلام ابن تيميه، والشيخ ابن القيم الجوزي - رحمهما الله -، و كامل التعظيم لهما، و مما قال في الدفاع عنهما: « ومن طالع شرح منازل السائرين تبين له أنهما من أكبر أهل السنة والجماعة، ومن أولياء هذه الأمة » و أطلال في كثير من مؤلفاته ببيان حالهما والذب عنهما »(٥).

ترجمه: « ملاعلى قارى - رحمه الله - از شيخ ابن تيميه و ابن قيم - رحمهما الله - در بسا موارد دفاع نموده است، كه این امر در كتاب اش (منازل السائرين) بخوبی متصور می باشد، همچنان ملاعلى قارى در مؤلفات اش به دفاع از این دو عالم جهان اسلام سخن گفته است. »

(١) الماتريدية وموقفهم من الأساء والصفات، دكتور شمس الدين السلفي الافغاني، مؤسس جامعه اثريه، ج ١، ص ٣٥٠. و كتاب: البضاعة المزجاة لمن يطالع المرقاة في شرح مشكاة، محمد عبد الحليم بن عبد الرحيم چشتي الهندي، الطبع: مكتبة الامداديه ملتان باكستان سال ١٣٩٢، مقدمه.

(٢) نكا: تبديد الظلام، ص ١٠٠ و كتاب: الماتريدية وموقفهم من الأساء والصفات، دكتور شمس الدين السلفي، ج ١، ص ٣٥٠.

(٣) الماتريدية وموقفهم من الأساء والصفات، دكتور شمس الدين السلفي، ج ١، ص ٥٣٧-٥٤٠، و ج ٢، ص ٢٧٦، ٢٧٧، ٣٤٣ و ٥٠٤.

(٤) الماتريدية دراسةً وتقويمها، دكتور احمد بن عوض الله بن داخل الحربي، استاذ مساعد در بخش اصول دين در پوهنتون ملك عبدالعزيز بن سعود الاسلاميه، طبع: دارالعصامة للنشر والتوزيع، چاپ اول سال: (١٤١٣ هـ ق) ص ١١٥ و ١٢٧.

(٥) الماتريدية دراسةً وتقويمها، د. عوض الله، ص ١٢٩.

چون ملاعلی قاری به علوم حدیث و محدثین مکه دسترسی داشت به همین خاطر او از شیخ الاسلام ابن تیمیه، والشیخ ابن القیم الجوزی - رحمهما الله - دفاع نمود که این امر گواه و دلالت بر پیروی او از علماء سلف و اهل سنت و الجماعت می نماید.

۲- همچنان راجع به عقیده وی گفته شده که ملاعلی قاری - رحمه الله - در باب اعتقاد بر منہج سلف صالح بوده، و آنچه این مدعی را ثابت می کند، دفاع وی از مقوله ( منہج السلف أعلم و منہج الخلف أحکم ) و رد آن به استاد خود ابن حجر الهیتمی و دفاع آن از شیخ الاسلام ابن تیمیه و ابن القیم الجوزی - رحمهما الله - بر ضد شیخ خود (ابن حجر الهیتمی) که ابن حجر ایشان را جرح نموده نیز دلالت به اختیار عقیده وی بر وفق منہج سلف می کند(۱).

### مطلب هشتم: مصادر ترجمه و معرفی ملاعلی قاری

تعداد زیادی از علماء کرام ضمن کتابهای خود علامه ملاعلی قاری - رحمه الله - را نیز معرفی و ترجمه نموده، و تعداد دیگر از دانشمندان بشکل خاص ملاعلی قاری - رحمه الله - و کتاب های وی را معرفی کرده است، همچنان نام و اقوال وی را جمع غفیر از دانشمندان جهان اسلام در کتابهای خود نقل نموده خصوصاً علماء که در عرصه ( ترجمه بزرگان دین) تصنیفات دارند، که در این مطلب به تعداد از این مراجع ذیلاً می پردازیم (۲):

- ۱- إسماعیل پاشا بغدادی در کتاب (هدیه العارفین)(۳).
- ۲- احمد بن عوض الله الحرّبی، در رساله تحت عنوان (الماتریدیه دراسةً وتقویمها) نیز ملاعلی قاری را معرفی نموده است(۴).
- ۳- حاجی خلیفه درگذشت: (۱۰۶۸هـ) ملاعلی قاری را در کتابش تحت عنوان (کشف الظنون عن أسامی الکتب والظنون) آنرا ترجمه نموده از ملاعلی قاری یاد نموده است(۵).
- ۴- حسین بن محمد سعید بن عبدالغنی مکی حنفی در کتاب إرشاد الساری إلی مناسک ملاعلی قاری(۶).
- ۵- خلیل ابراهیم قوتلای در رساله ماستری خود تحت عنوان (الامام علی قاری وأثره فی علم الحدیث)(۷).

(۱) نگاه: جمع الوسائل فی شرح الشائل (شرح کتاب شائل امام ترمذی)، ملاعلی قاری، طبع: فی القسطنطینیة سنة ۱۲۹۰هـ، ج ۱، ص ۲۱۵، ج ۲، ص ۱۹۱-۱۹۲.

(۲) نگاه: مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ملاعلی قاری، ج ۱، ص ۲۸-۳۰.

(۳) نگاه: هدیه العارفین فی اساء المؤلفین و آثار المصنفین، ج ۱، ص ۷۵۱.

(۴) الماتریدیه دراسةً وتقویمها، دکتور احمد بن عوض الله بن داخل الحرّبی، ص ۱۱۵ و ۱۲۷.

(۵) کشف الظنون، حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۷۰۰.

(۶) إرشاد الساری إلی مناسک الملا علی القاری، حسین بن محمد سعید عبدالغنی، دارالکتب العربی بیروت لبنان، ص ۵.

(۷) کتاب الامام ملاعلی قاری وأثره فی علم الحدیث، ص ۶۵.

- ۶- خیرالدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس زرکلی درگذشت: ( ۱۳۹۶ هـ ق ) در کتاب (الأعلام) (۱).
- ۷- شمس الدین السلفی الافغانی، در رساله اش تحت عنوان (الماتردیه وموقفهم من الأسماء والصفات ) نیز وی را معرفی نموده است (۲).
- ۸- عبدالملک بن حسین العصامی المکی الشافعی درگذشت: ( ۱۱۱۱ هـ ) در کتاب خود ( سمط النجوم والعوالی فی أنباء الأوائل والتوالی ) نیز وی را معرفی کرده (۳).
- ۹- عمر رضا کحالة درگذشت: ( ۱۴۰۷ هـ ق ) در کتاب (معجم المؤلفین) (۴).
- ۱۰- محمد بن ابی بکر الشلبی در ( ۱۰۹۳ هـ ) در کتاب (جواهر الدرر فی اخبار القرن الحادی عشر) او را معرفی نموده است (۵).
- ۱۱- محمد بن جعفر کتانی درگذشت: ( ۱۳۴۵ هـ ق ) در رساله (المستطرفه لبیان مشهور کتب السنه المشرفه) (۶).
- ۱۲- محمد بن عبدالحی الکنوی درگذشت: ( ۱۳۰۴ هـ ) در کتاب ( الفوائد البهیة من تراجم الحنفیه مع التعليقات السنیه ) ملاعلی قاری را معرفی نموده است (۷).
- ۱۳- محمد بن علی شوکانی درگذشت: ( ۱۲۵۰ هـ ق ) در کتاب (البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع) (۸).
- ۱۴- محمد طاهر بن عبدالقادر کردی مکی درگذشت: ( ۱۴۰۰ هـ ق ) در کتاب (تاریخ الخط العربی و آدابه).
- ۱۵- محمد عبد الحلیم بن عبدالرحیم الجیشتی در کتاب (البضاعة المزجاة لمن یطالع المرقاة فی شرح المشکاة) نیز وی را معرفی نموده است (۹).
- ۱۶- نظام الدین نافع ابوبکر در رساله دکتورا تحت عنوان ( ملا علی القاری الهروی محدثاً ) در پوهنتون پنجاب شهر لاهور پاکستان نیز ملاعلی قاری را معرفی نموده اند (۱۰).
- همچنان تعداد از دانشمندان دیگر که کتابهای ملاعلی قاری - رحمه الله - را تحقیق نموده در ضمن آن بیوگرافی وی را نیز تشریح و تعریف نموده، چنانچه شیخ عبدالفتاح (أبوغدة) در مقدمه کتاب ( المصنوع فی صناعة الموضوع)

(۱) الاعلام قاموس تراجم اشهر الرجال والنساء من العرب والعجم والمستعربین والمستشرقین، لخير الدين الزركلي، ج ۱۰، ص ۱۵۷.

(۲) نگاه: الماتردیه وموقفهم من الأسماء والصفات، دكتور شمس الدين السلفی الافغانی، مؤسس جامعه اثريه، ج ۱، ص ۳۵۰.

(۳) نگاه: سمط النجوم العوالی فی أنباء الأوائل والتوالی، العلامة عبد الملك العصامی، ج ۴، ص ۳۹۴.

(۴) معجم المؤلفین، عمر کحالة، موقع يعسوب، ج ۱۳، ص ۲۱۶.

(۵) الدرر فی اخبار القرن الحادی عشر، جمال الدين محمد بن ابی بکر بن احمد بن ابی بکر الشلبی الحضرمی، ص ۱۱۱.

(۶) الرسالة المستطرفه، ص ۱۳۳-۱۳۴.

(۷) نگاه: الفوائد البهیة فی تراجم الحنفیه، محمد عبدالحی الکنوی، ص ۸-۹.

(۸) البدر الطالع بمحاسن من بعد السابع، الشيخ محمد بن علی بن محمد الشوکانی، ج ۱، ص ۴۴۵.

(۹) البضاعة المزجاة لمن یطالع المرقاة، محمد عبد الحلیم الجیشی، ص ۳۰.

(۱۰) نگاه: ملا علی القاری الهروی محدثاً (رسالة الدكتوراه)، نظام الدین نافع ابوبکر، جامعه البنجاب لاهور پاکستان، ص ۹۰.

و شیخ خلیل در مقدمه تحقیق خود پیرامون کتاب (شرح مسند الامام ابی حنیفه) نیز ملاعلی قاری را معرفی نموده است، و غیر از اینها، دانشمندان دیگری نیز است که فعالیت ها و زندگی نامه ملاعلی قاری - رحمه الله - را به تصویر کشیده و چگونگی حالت زندگی وی را بیان نموده است، همچنان تعدادی از تصنیفات ملاعلی قاری در مکتبه شامله نیز موجود می باشد، مانند کتاب (مرقاة المفاتیح شرح مشکوٰاة المصابیح) و کتاب اعراب القاری و غیره.

## مبحث دوم

### تصنیفات و وظایف علمی ملاعلی قاری

در کنار اینکه ملاعلی قاری - رحمه الله - یکی از بزرگان و دانشمندان علوم اسلامی و یک شخصیت متدین، با تقوا، پرهیزگار، زاهد و عقیف بوده، همچنان وی در سائر علوم شرعی کتابهای را نیز بدست نشر سپرده است، چنانچه از یکی نواسه های علامه ملاعلی قاری در مکه مکرمه شنیده شده، که گفته است: « پدر بزرگ ما (ملاعلی قاری) (۳۰۰) تألیف داشته است، که همگی را برای اولادش وقف نموده، و شرط وی این بود، که مانع استنساخ آنها نشوند»<sup>(۱)</sup>.

در مقدمه کتاب (المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع) گفته شده: «ملاعلی قاری در علوم مختلفه از قبیل: عقیده و توحید، تفسیر، حدیث، فقه، قراءت، اصول فقه، علم کلام، میراث، تصوف، تاریخ، طبقات، تراجم، ادب، لغت، صرف و نحو تألیفات زیاد دارد، که در این راستا برای امت مسلمه ثروت عظیم علمی را بجا گذاشته است»<sup>(۲)</sup>.

لکن در ارقام، آثار و تألیفات ملاعلی قاری - رحمه الله - نظریات متعددی از جانب دانشمندان علوم اسلامی نقل شده است، منجمله:

۱- در مقدمه کتاب (المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع) تعداد مؤلفات ملاعلی قاری (۱۲۵) عدد گفته شده است<sup>(۳)</sup>.

۲- در مقدمه کتاب (اعراب القاری) تعداد مصنفات او را (۱۴۸) کتاب گفته اند<sup>(۴)</sup>.

۳- حاجی خلیفه در (کشف الظنون) تعداد مؤلفات ملاعلی قاری را (۳۳) کتاب خوانده است<sup>(۵)</sup>.

۴- البغدادی در کتاب (هدیه العارفین) تعداد مؤلفات وی را (۱۰۵) عدد خوانده است<sup>(۶)</sup>.

(۱) مقدمه مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج ۱، ص ۲۳.

(۲) نگاه: المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع (الموضوعات الصغری) علی القاری، ص ۹-۱۰.

(۳) نگاه: مرجع سابق، ص ۱۰.

(۴) اعراب القاری علی اول باب البخاری، ملاعلی قاری، ص ۳.

(۵) کشف الظنون، حاجی خلیفه، در بسیار موارد و کتاب المسأله فی بسمله، ملاعلی قاری، ص ۱۲.

(۶) هدیه العارفین فی اسماء المؤلفین و آثار المصنفین، اسماعیل باشا البغدادی، مطبعة استانبول سنه ۱۹۵۱، ج ۱، ص ۷۵۱-۷۵۳.

۵- تعداد دیگر از علماء عدد کتابهای ملاعلی قاری - رحمه الله - را (۱۲۸)، (۱۷۰)، (۱۲۵)، (۱۴۸) و سر انجام (۲۶۳) کتاب و اثر خوانده اند<sup>(۱)</sup>.

۶- راجح ترین قول این است که: تعداد کتابهای ملاعلی قاری در حدود (۲۶۳) کتاب می باشد، زیرا اکثر کسانی که راجع به ملاعلی قاری و کتابهای وی تحقیق نموده اند تعداد تصنیفات وی را بیش تر از دوصد اثر گفته اند. بنابر کثرت تصنیفات ملاعلی قاری - رحمه الله -، در یک تقسیم بندی کلی مؤلفات او را می توان به دسته های ذیل تقسیم بندی نمود<sup>(۲)</sup>:

أ: مؤلفات (مخطوطات موجود) ملاعلی قاری در علوم مختلفه (۱۸۳) اثر می باشد.

ب: مؤلفات (مخطوط) ملاعلی قاری را در علوم مختلفه که فعلاً این تصنیفات در دسترس قرار ندارد، (۲۵) اثر گفته اند<sup>(۳)</sup>.

ج: مؤلفات (مطبوع موجوده)، از مؤلفات ملاعلی قاری در علوم و فنون مختلف طبع گردیده و کتابهای مطبوع آن به نسبت کتابهای غیر مطبوع و مفقود وی کمتر است، و کتاب (مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح) نیز از جمله کتابهای مطبوع وی می باشد.

لکن در این مبحث می خواهیم آثار و تألیفات علامه ملاعلی قاری - رحمه الله - را به اساس دسته بندی علوم مختلفه اسلامی مانند: توحید، عقیده، تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه، قراءت، تجوید، سیرت، تاریخ، تراجم، أدعیه، فضائل و غیره را ضمن مطالب جداگانه ذیلاً بیان کنیم<sup>(۴)</sup>:

### مطلب اول: مؤلفات ملاعلی قاری در توحید و عقیده

۱- منح الروض الأزهر فی شرح الفقه الأكبر، طبع دار الکتب علمیه بیروت، سال: (۱۴۰۴ هـ ق).

۲- شرح قصیده بدء الأمالی در توحید.

۳- الرد علی القائلین بوحده الوجود.

۴- رساله فی ترکیب لا اله الا الله.

(۱) نگاه: لمسأله فی سمله، ملاعلی قاری، ص ۱۲؛ و مقدمه کتاب وی: موعظة الحیوب و تحفة الخطیب (من خطب النبی صلی الله علیه وسلم و الخلفاء الراشدین)، ص ۱۵.

(۲) نگاه: ملا علی القاری الهروی محدثاً (رسالة الدكتوراه)، نظام الدین نافع ابوبکر، پوهنتون پنجاب لاهور پاکستان، ص ۴۳-۸۹.

(۳) خلاصة الاثر، لمحی، ج ۳، ص ۱۸۵-۱۸۶، و هدیه العارفین، البغدادی، ج ۲، ص ۷۵۱-۷۵۲.

(۴) نگاه: مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ملاعلی قاری، ج ۱، ص ۲۳-۲۷. و کتاب: اعراب القاری علی اول باب البخاری، ملاعلی قاری، ص ۴-۵. و کتاب: ملا علی القاری الهروی محدثاً (رسالة الدكتوراه)، نظام الدین نافع ابوبکر، ص ۴۳-۸۹.

۵- التجريد في إعراب كلمه التوحيد و ما يتعلق بها من التمجيد، آنرا مؤسسه دارالصحابه للتراث به چاپ رسانیده است، همچنان در مجله (البحوث و الدراسات الاسلاميه در عراق بغداد در سال ۲۰۰۹ میلادی نیز نشر شده است.

۶- ادلة معتقدة أبي حنيفة في ابوى الرسول الله - صلى الله عليه وسلم -، المطبعة السلفية بمكة المكرمة، سال (۱۳۵۳هـ).

۷- شرح الفقه الاكبر مطبعة دارالكتب العلمية، بيروت، سال: (۱۴۰۴هـ ق).

۸- شرح الامام على القارى على كتاب ألفاظ الكفر للعلامة بدرالرشيد، دراسة و تحقيق: الطيب بن عمر بن الحسين بن عمر، رسالة مقدمة لنيل درجة الدكتوراه في العقيدة، سال ۱۴۱۹ هـ ق.

۹- شم العوارض في ذم الروافض، آنرا مؤسسه دارالصحابه للتراث در سال (۱۹۹۰م) چاپ نموده است.

۱۰- ضوء المعالى في شرح منظومة بدء الامالى، مطبعة عامرية در سال ۱۳۰۲ هجرى قمرى و نیز در مطبعه مصطفى البابى الحلبى، القاهرة، ۱۳۴۹ آنرا چاپ نموده اند.

۱۱- كشف الحذر عن حال الخضر، آنرا مؤسسه دارالقلم دمشق در سال ۱۹۹۱ میلادی چاپ نموده است، همچنان در مطبعه قازان روسيه قديم نیز چاپ گردیده است.

۱۲- المرتبة الشهودية في منزلة الوجودية، که بعنوان رساله آى در باره وحده الوجود در استانبول ترکیه در سال ۱۲۹۴ هجرى قمرى چاپ گردیده است.

۱۳- المشرب الوردى في مذهب المهدي، آنرا مطبعه محمود شاهين در قاهره، سال (۱۲۷۸ هـ ق) چاپ نموده است<sup>(۱)</sup>.

### مطلب دوم: مؤلفات وی در تفسیر و علوم قرآنی

علامه ملاعلى قارى به اکثر علوم اسلامى دسترسى كامل داشت طوریکه علوم تفسیرقرآن کریم، قراءات، تجويد، نحو وغيره نمونه هاى آن مى باشد که وی در اين علوم تألیفات مستقل داشته از جمله:

۱- أنوارالقرآن و أسرارالفرقان في التفسير.

(۱) نگاه: المصنوع في معرفة الحديث الموضوع (الموضوعات الصغرى) على القارى، ص ۹-۱۰؛ و مقدمه كتابهاى ديگر ملاعلى قارى که آنرا دانشمندان علوم اسلامى تحقيق نموده اند.



- ۲- البينات في تباين بعض الآيات.
- ۳- حاشیه علی تفسیر الجلالین سماه الجمالین.
- ۴- حاشیه علی فتح القدير.
- ۵- العلامات البينات في فضائل بعض الآيات.
- ۶- المسئلة في شرح البسمة.
- ۷- شرح ابيات ابن المقرئ، آنرا مؤسسه قرآت چاپ نموده است.
- ۸- حاشیه علی شرح الجعبري للقصيدة الشاطبية، كه مطبعه العامره درسال (۱۳۰۲هـ) آنرا چاپ نموده است؛ كه راجع به علم قراءات می باشد.
- ۹- الهيئة السنیه العلیه علی ابيات الشاطبية.
- ۱۰- المنح الذکریه بشرح المقدمة الجزریه، آنرا دار إحياء الكتب العربیه مصر درسال (۱۳۴۴ هـ) چاپ نموده است، همچنان مطبعه مصر آنرا درسال (۱۳۰۲هـ) نیز چاپ نموده است.
- ۱۱- رسالة الرد علی ابن عربي فی كتابه الفصوص بالحلول و الاتحاد.
- ۱۲- النعت المرصع فی الجنس والمسجع.
- ۱۳- اربعون حديثاً فی فضائل القرآن.
- ۱۴- جمع الأربعین فی فضل القرآن المبین<sup>(۱)</sup>.

### مطلب سوم: مؤلفات وی در حدیث و علوم آن

علامه ملاعلی قاری - رحمه الله - نسبت علاقه خاص که به علوم حدیث داشت، کتابهای زیادی را در این علم و علوم آن تألیف نموده است، چنانچه کتاب (مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح) از عظیم ترین کتابهای وی در علم حدیث محسوب می گردد، برخی از تصنیفات وی در این علم مقدس قرار ذیل است.

- ۱- مرقاة المفاتیح فی شرح مشکاه المصابیح، آنرا مطبعه میمنیه درسال (۱۳۰۹ هجری قمری) و دار إحياء التراث العربی درسال ۱۹۹۱ میلادی چاپ کرده اند.

(۱) نگاه: مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ملاعلی قاری، ج ۱، ص ۲۳-۲۷. و کتاب: اعراب القاری علی اول باب البخاری، ملاعلی قاری، ص ۴-۵. و کتاب: ملا علی القاری الهروی محدثاً (رسالة الدكتوراه)، نظام الدین نافع ابوبکر، ص ۴۳-۸۹.

- ۲- الاسرار المرفوعة في الأخبار الموضوعة في الحديث، آنرا مؤسسه دارالقلم و مؤسسه الرساله درسال (۱۹۸۵م) به چاپ رسانیده اند.
- ۳- رساله المصنوع في معرفة الحديث الموضوع، آنرا مطبعه دار محمدی در شهر لاهور پاکستان درسال (۱۳۱۵ هجری قمری)، در حلب به تحقیق شیخ عبدالفتاح أبوغدة در سال (۱۳۸۹ ه ق) و در بیروت به سال ۱۳۹۸ هجری قمری چاپ نمودند.
- ۴- تعليقات القاری علی ثلاثیات البخاری.
- ۵- شرح الجامع الصغیر للسيوطی.
- ۶- مبین المعین فی شرح الاربعین، آنرا مطبعه جمالیه در قاهره به سال (۱۳۲۷ ه ق) به چاپ رسانیده است.
- ۷- الأزهار المنثورة فی الاحادیث المشهورة، آنرا مؤسسه مکتب سلفیه درمکه مکرمه به چاپ رسانیده است.
- ۸- فرائد القلائد علی أحادیث شرح العقائد، طبع: مکتب اسلامی درسال: (۱۹۹۱م) آنرا چاپ کرده.
- ۹- تخریج احادیث شرح عقائد النسفية.
- ۱۰- الناسخ والمنسوخ من الحديث.
- ۱۱- شرح مشکلات مؤطاء إمام مالک.
- ۱۲- شرح اربعین نووی.
- ۱۳- دفع الجناح و خفض الجناح فی فضائل النکاح بأربعین حديثاً، آنرا مکتب اسلامی و مکتبه الصفحات الذهبیه چاپ نموده اند.
- ۱۴- لهية السنیات فی تبیین أحادیث الموضوعات.
- ۱۵- الاحادیث القدسیة الاربعینة، آنرا مؤسسه آستانه درسال (۱۳۱۶ هجری قمری) به چاپ رسانیده است.
- ۱۶- الأحادیث القدسیة الأربعیة الجوینی.
- ۱۷- شرح کتاب عین العلم المختصر من الاحیاء.
- ۱۸- رساله مشتملة علی أحادیث الصحیحة لخروج المهدي.
- ۱۹- شرح مسند الإمام أبی حنیفة، آنرا مؤسسه دارالکتب علمیه درسال (۱۴۰۵ ه ق) چاپ نموده است.

۲۰- شرح نخبه الفكر، آنرا دارالكتب علميه درسال (۱۳۹۸ هجری قمری) چاپ نموده است.

۲۱- تذكرة الموضوعات.

۲۲- فرائد القلائد على أحاديث شرح العقائد، آنرا مکتب اسلامي درسال (۱۹۹۱ م) به چاپ رسانیده است<sup>(۱)</sup>.

### مطلب چهارم: مؤلفات وی در سیرت و تاریخ

چون ملاعلی قاری - رحمه الله - بخش اعظم زندگی خود را در مکه معظمه سپری کرده است، که زندگی در دیار رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آنرا به این وا داشت تا در مورد سیرت و شمائل پیامبر محبوب مان حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - و یاران با وفایش، مصنفاً داشته باشد، در این مطلب به برخی از آن ذیلاً می پردازیم:

۱- الزبدة فی شرح قصیده البردة، آنرا دانشگاه لیدن کشور هالند چاپ نموده است.

۲- المورد الراوی فی مولد النبوی.

۳- الحزم الأعظم و الورد الأحم لاقتسابه و استناده إلى الرسول الأكرم - صلی الله علیه وسلم -.

۴- رسالة فی بیان صفة مزاح النبی - صلی الله علیه وسلم -.

۵- شرح الشفا فی حقوق المصطفى، آنرا مؤسسه بولاق درسال (۱۲۷۵ هجری قمری) و مطبعه عثمانیه در سال

۱۳۱۹ هجری قمری) و مؤسسه الازهر مصر درسال (۱۳۲۷ هجری قمری) چاپ نموده اند.

۶- جمع الوسائل فی شرح الشمائل، آنرا مصطفی بابی حلبی درسال (۱۳۱۷ هجری قمری) به چاپ رسانیده، و

در کتاب هدیه العارفين صفحه ۷۵۳ از وی نام برده شده است.

۷- عمدة الشمائل.

۸- الدرر المضیة فی الزیارة المصطفویة، آنرا مؤسسه بولاق درسال (۱۲۸۷ هجری قمری) و مؤسسه دارالصحابه

للتراث چاپ نموده اند.

۹- الإنباء بأن العصاء من سنن الأنبياء.

۱۰- الاستئناس بفضائل ابن عباس، آنرا مؤسسه دارالصحابه به چاپ رسانیده است.

(۱) نگاه: مقدمه الحظ الاوفر فی الحج الاکبر، ملاعلی قاری ص ۱۱-۱۴؛ مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ملاعلی قاری، ج ۱، ص ۲۳-۲۷؛

۱۱- حکم سب الشیخین و غیرهما من الصحابة.

۱۲- القول الحقیق فی موقف الصدیق (۱).

### مطلب پنجم: مؤلفات ملا علی قاری در فقه و اصول آن

راجع به مذهب فقهی ملا علی قاری قبلاً معلومات ارائه گردید، که وی در فقه از پیروان مذهب امام ابو حنیفه - رحمه الله - بوده است، که مطابعت از مذهب احناف در تمامی کتابهای وی به وضوح دیده می شود، که در این راستا نسبت به دیگر بخش های علوم اسلامی کتابهای زیاد را نیز تصنیف نموده است منجمله:

۱- رسالة فی حمایه مذهب الإمام أبي حنيفة.

۲- رسالة فی الرد علی من ذم مذهب الإمام أبي حنيفة.

۳- رسالة فی الرد من نسبه إلى تنقیص الإمام الشافعی.

۴- إقتداء الحنیفیه بالساده الشافعیة.

۵- رسالة فی جمع الصلاتین.

۶- رسالة فی مسائل الإمامة.

۷- حدود الأحکام.

۸- رسالة الاقتداء فی صلاة للمخالف.

۹- رسالة البرة فی الهرة.

۱۰- شرح الوقایه فی مسائل الهدایة.

۱۱- شرح الهدایة للمرغینانی.

۱۲- شم العوارض فی ذم الروافض، آنرا مؤسسه دارالصحابه للتراث در سال (۱۹۹۰م) چاپ نموده است.

۱۳- صلات الجنائز فی صلاة الجنائز.

(۱) نگاه: ملا علی قاری الهروی محدثاً (رسالة الدكتوراه)، نظام الدین نافع ابوبکر، ص ۴۳-۸۹.

- ١٤- الفصل المعمول في الصف الأول.
- ١٥- سلاله رساله في ذم الروافض من اهل الضلاله.
- ١٦- تشييع فقهاء الحنفية في تشييع سفهاء الشافعية.
- ١٧- تطهير الطوية في تحسين النية، آنا مؤسسه دارالصحابه للتراث و مكتب اسلامى به چاپ رسانيده اند.
- ١٨- ذيل رساله الوجودية في نيل مسئلة الشهودية.
- ١٩- شرح رساله البدر الرشيد في أفاظ الكفر.
- ٢٠- شرح الشفاء للقاضى عياض.
- ٢١- فصول المهمة في حصول المئمة، آنا مؤسسه مكتب اسلامى درسال (١٩٩١م) به چاپ رسانيده است.
- ٢٢- فيض الفائض في شرح الروض الرائض.
- ٢٣- قوام الصوام للقيام بالصيام.
- ٢٤- القول السديد في خلف الوعيد، آنا مؤسسه دارالصحابه للتراث درسال (١٩٩٢م) چاپ كرده است.
- ٢٥- المعرفة النساك في معرفة المسواك، آنا مؤسسه مكتب اسلامى چاپ نموده است.
- ٢٦- المقالة العذبه في العمامة والعذبة.
- ٢٧- مقدمة السلامة في خوف الخائمة.
- ٢٨- الاستدعاء في الاستسقاء، آنا مؤسسه مكتب اسلامى درسال (١٩٩٠م) به چاپ رسانيده است.
- ٢٩- رساله في مايتعلق بليلة النصف من شعبان، آنا مؤسسه بولاق درسال (١٣٠٧ هـ ق) چاپ نموده است.
- ٣٠- صلاة الاستسقاء، آنا مؤسسه دارالصحابه للتراث چاپ نموده است.
- ٣١- الكلام على تحريم سماع الأغاني، آنا مؤسسه دارالصحابه للتراث به چاپ رسانيده است.
- ٣٢- فتح الأسماع فيما يتعلق بالسماع من الكتاب والسنة و قول الائمة.
- ٣٣- الذخيرة الكثيرة في رجاء المغفرة للكبيرة، آنا مكتب اسلامى چاپ نموده است.

۳۴- حاشیة على مواهب اللدنية.

۳۵- التصريح في شرح التسيح، اى في تسيح اللحية آنرا مؤسسه دار عمار للنشر در عمان در سال ( ۱۹۹۲ م ) به چاپ رسانیده است.

۳۶- شفاء السالك في إرسال مالك، آنرا مؤسسه مكتب اسلامى در سال ( ۱۹۹۰ هـ ق ) چاپ نموده است.

۳۷- الصنعة الشريفة في تحقيق البقعة المنيفة.

۳۸- الناموس في تلخيص القاموس.

۳۹- الأب في رجب المرجب، آنرا مؤسسه مكتب اسلامى در سال ( ۱۹۹۲ م ) به چاپ رسانیده است.

۴۰- التبيان في بيان ما في ليلة النصف من شعبان و ليله القدر في رمضان.

۴۱- الاصطناع في الاضطباع.

۴۲- توضيح المباني وتنقيح المباني، طبع مع كتاب ( منار الانوار ) للامام النسفى.

۴۳- تزئين العبارة لتحسين الإشاره، آنرا مؤسسه دارالصحابه للتراث به همراه رسائل ابن عابدين در سال ( ۱۹۹۰ م ) به چاپ رسانیده است.

۴۴- شرح مختصر المنار لابن حبيب الحلى في الأصول در چند جلد.

۴۵- الأصول المهمة في حصول المئمة.

۴۶- فتح باب العناية لشرح كتاب النقاية، آنرا مكتبه الشركه در شهر قازان (پایتخت تاتارستان) در سال ( ۱۳۲۲ هجرى قمرى ) چاپ نموده است همچنان اين كتاب در مكتبه المطبوعات الاسلاميه، تحقيق عبدالفتاح ابو غدة در سال ( ۱۳۸۷ هـ ) طبع شده است (۱).

### مطلب ششم: مؤلفات ملاعلى قارى در مناسك وادعيه

همان طوريكه ملاعلى قارى در علوم حديث، تفسير، فقه، سيرت وغيره علوم اسلامى دسترسى كامل داشت، در بخش مناسك حج و مسائل مربوطه آن كتاب هاى زيادى را به رشته تحرير در آورده است، زيرا ملاعلى

(۱) مقدمه الحظ الاوفر في الحج الاكبر، ملاعلى قارى ص ۱۱-۱۴.

- قاری اشتباهات را که حجاج در حین ادای فریضه حج بیت الله شریف مرتکب می شدند خوب می دانست، همچنان در قسمت اذکار و تزکیه نفس و ادعیه تألیفات زیادی دارد، که برخی آن قرار ذیل است:
- ۱- المسلك المقسط فی المنسک المتوسط، که آنرا تحت عنوان إرشاد الساری إلى مناسک ملا علی القاری مصطفی بابی حلبی درسال (۱۳۰۳ هجری قمری) و مؤسسه دارالفکر مکه مکرمه درسال (۱۳۳۰ هجری قمری) چاپ نموده اند.
  - ۲- الحظ الأوفر فی الحج الأكبر، آنرا ندوه العلماء لکهنو هند درسال (۱۳۹۱ هجری قمری) چاپ نموده است.
  - ۳- أنوارالحجیح فی أسرار الحج، آنرا مؤسسه دار البشائر درسال (۱۹۹۰ م) به چاپ رسانیده است.
  - ۴- بداية السالک فی نهاية المسالک فی شرح المناسک.
  - ۵- الإعلام لفضائل بیت الله الحرام.
  - ۶- بیان فعل الخیر إذا دخل مكة من حج عن الغیر، و آنرا مؤسسه بولاق در سال: (۱۲۸۷ ه ق) چاپ نموده است.
  - ۷- الطواف بالبيت و لو بعدالهدم.
  - ۸- العفاف عن وضع اليد فی الطواف.
  - ۹- الفتح الربانی فی شرح تصریف الزنجانی، آنرا مکتبه عامریه در استانبول ترکیه درسال (۱۲۸۹ هجری قمری) چاپ نموده است.
  - ۱۰- لب لباب المناسک فی نهاية المسالک.
  - ۱۱- الحزب الأعظم والورد الأحم، آنرا مؤسسه آستانه درسال (۱۲۶۳ هجری قمری) و مؤسسه بولاق در سال ۱۳۰۴ هجری قمری چاپ نموده اند.
  - ۱۲- المختصر الأوفی فی شرح الأسماء الحسنی.
  - ۱۳- الحرز الثمین للحصن الحصین لابن الجزری، آنرا مکتبه میری در مکه مکرمه به سال (۱۳۰۴ هجری قمری) چاپ نموده است<sup>(۱)</sup>.

(۱) نگاه: اعراب القاری علی اول باب البخاری، ملاعلی قاری، ص ۳؛ وکشف الظنون، حاجی خلیفه، در بسیار موارد و کتاب المسأله فی بسمله، ملاعلی قاری، ص ۱۲.

## مطلب هفتم: مؤلفات وی در تراجم، نحو لغت و فضائل

ملاعلی قاری در قسمت تراجم و شرح حال علماء و فضائل نیز کتابهای نوشته کرده که تعداد این مصنفات وی قرار ذیل است:

- ۱- الاثمار الجنية في أسماء الحنفية.
- ۲- مناقب الإمام الاعظم و أصحابه، که در مطبعة حيدر آباد دکن درسال (۱۳۳۲ هـ) چاپ شده.
- ۳- المعدن العدنی فی فضل أویس القرنی، آنرا در استانبول در سال (۱۳۰۷ هجری قمری) چاپ کرده اند.
- ۴- نزهه خاطر الفاتر فی ترجمة الشيخ عبدالقادر الجیلانی، آنرا در باب عالی استانبول درسال (۱۳۰۷ هجری قمری) چاپ کرده اند.
- ۵- تحقیق الاحتساب فی تدقیق الانتساب.
- ۶- شرح عین العلم و زین الحلم (ترهیب و ترغیب)، آنرا مؤسسه دارالمعرفه چاپ نموده است.
- ۷- شرح مغنی اللیب من کتب الأعراب.
- ۸- فتح الرحمن بفضائل شعبان.
- ۹- لسان الاهتداء فی بیان الاقتداء.
- ۱۰- النسبة المرتبة فی المعرفة والمحبة.
- ۱۱- تحفة الحیب فی موعظة الخطیب.
- ۱۲- الأجوبة المحررة.
- ۱۳- بهجة الإنسان و مهجة الحيوان.
- ۱۴- فتح الأسماع فی شرح السماع.
- ۱۵- فتح باب الإسعاد فی شرح قصيدة بانت سعاد.
- ۱۶- شرح الرسالة القشيرية.
- ۱۷- شرح حزب البحر.
- ۱۸- فرالعون ممن يدعی إیمان فرعون، آنرا مکتبه مصریه در سال (۱۳۸۳ هـ ق) به چاپ رسانیده است.
- ۱۹- التائبة فی شرح التائبة لابن القرى.
- ۲۰- تسلیة الأعمى عن بلیة العمی، آنرا مؤسسه دارالصحابه للتراث درسال (۱۹۹۰ م) به چاپ رسانیده است.



۲۱- تعلیق علی بعض آداب المریدین عبدالقادر سهروردی. این کتاب در باره تصوف می باشد.  
۲۲- میزان المنطق علی ایساغوجی.

۲۳- إعراب القاری علی أول باب البخاری، دراسة وتحقیق: وسام عبدالطیف امین الهیتی<sup>(۱)</sup>.

### مطلب هشتم: وظایف و فعالیت های ملاعلی قاری

همان طوریکه قبلاً تذکر دادیم ملاعلی قاری هروی در زادگاهش هرات که مرکز هنر و فن بود هنر خوشنویسی را از نزد اساتید برجسته آن دوران آموخت، علاوه بر نزد شیخ حمدالله آماسی نیز هنر مشق را تمرین کرده بود، و با این فن دسترسی کامل داشت<sup>(۲)</sup>.

از آنچه در این باره گفته شد به وضاحت دانسته می شود که ملاعلی قاری - رحمه الله - بدون از وظیفه اساسی که عبارت از فراگیری علوم اسلامی و تطبیق آن در زندگی روز مره خویش می باشد دیگر کدام وظیفه و مصروفیت خاص نداشته، زیرا قبلاً نیز اشاره گردید که وی از حکام زمان و مصروفیت های غیر علمی حتی از اختلاط بی مورد با مردم دوری می جست.

الله - تبارک و تعالی - علامه ملاعلی قاری - رحمه الله - را مغفرت کند، و مأوای او را جنة الفردوس نصیب بگرداند، و الله متعال بخاطر این خدمات که در عرصه دین الهی نموده خصوصاً در عرصه احادیث پیامبر محبوبش حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - ملاعلی قاری را در جمله (النبیین والصدیقین والشهداء و الصالحین وحسن أولئک رفیقاً) حشر نماید، و از بارگاه ایزید منان استدعا داریم تا ما را نیز از علوم وی مستفید گردانیده و توفیق عنایت فرماید تا خط و روش این بزرگ مرد تاریخ اسلام و علماء نخبه دیگر امت محمدی - صلی الله علیه وسلم - را تعقیب و دنبال نمائیم.

(۱) نگاه: مقدمه اعراب القاری، ملاعلی قاری، ص ۵.

(۲) نگاه: خلاصة الاثر فی اعیان قرن الحادی عشر، للمحیی، ج ۲، ص ۱۸۶. و الاعلام لزرکلی، ج ۵، ص ۱۲.

## فصل دوم

### شناخت مرقاة المفاتيح، وروش ملاعلی قاری در علم حدیث

مدخل:

در مباحث قبلی پیرامون اصل کتاب (المصایح السنة) اثر امام حسین البغوی - رحمه الله - و کتاب مشکاة المصابیح و مصنف آن امام خطیب التبریزی - رحمه الله -، همچنان راجع به مؤلف کتاب (مرقاة المفاتيح شرح مشکاة المصابیح) علامه ملاعلی قاری - رحمه الله -، جایگاه علمی وی و مصنفات او در علوم مختلفه، صحبت نمودیم؛ در این فصل که دارای دو مبحث جداگانه است، می خواهیم کتاب مرقاة المفاتيح و منهج مصنف آنرا در علوم حدیث مفصلاً بحث و تعریف نمائیم که دربر گیرنده موضوعات ذیل می باشد:

نام شرح ملاعلی قاری و سبب تألیف آن، اهمیت شرح ملاعلی قاری و مزایای آن از لحاظ تبویب و ترتیب، حسن عرض، مناقشه آراء و امور دیگر، دیدگاه علماء پیرامون شرح ملاعلی قاری، موقف وی با صاحب مشکاة المصابیح، موقف او با شراح و کتابهای شروح مشکاة المصابیح، مصادر و مراجع وی در مرقاة المفاتيح، ملاحظات بالای کتاب المرقاة المفاتيح، منهج ملاعلی قاری در روایت حدیث و منهج او در درایت حدیث.

## مبحث اول

### شناخت و آگاهی راجع به کتاب مرآة المفاتيح

همان طوریکه قبلاً گفته شد کتاب (مشکاة المصابیح) توسط برخی از دانشمندان فن حدیث نبوی - صلی الله علیه وسلم - در بسا موارد شرح و تفسیر گردیده است، یکی از این شروح کتاب (مرآة المفاتيح شرح مشکاة المصابیح) اثر گرانمایه علامه ملاعلی قاری - رحمه الله - می باشد، مصنف مرآة المفاتيح در این شرح کوشیده تا تمام مسائل مربوط به حدیث را از دیدگاه محدثین، فقها، نحویین و سائر دست اندر کاران علوم اسلامی به اندازه سعی و توان بشری خویش شرح و تفصیل نماید، به همین خاطر است که این کتاب توجه تعداد زیادی از دانشمندان علوم حدیث و مذاهب اربعه را به خود جلب نموده، و از جمله معتمدترین مرجع و مصدر تحقیق برای محققین علوم اسلامی می باشد.

**مطلب اول: نام کتاب مرآة المفاتيح، مزایا و سبب تألیف آن**

**الف: نام شرح و مزایای آن**

کتاب مرآة المفاتيح از دو کلمه ذیل اشتقاق یافته است:

۱- کلمه مرآة: به معنی نردبان، پله، درجه و زینه گفته شده، که جمع آن مراق است، و به معنی جای بالارفتن می باشد، همچنان به معنی بزرگی و به مشکلات غلبه حاصل نمودن نیز گفته شده<sup>(۱)</sup>.

۲- کلمه مفتاح: از (فتح، الفَتْحُ، فَتَحَهُ يَفْتُحُهُ فَتْحًا و افْتَتَحَهُ و فَتَحَهُ فَانْفَتَحَ و تَفَتَّحَ) گرفته شده که به معنی ضد اغلاق و بسته بودن می باشد، همچنان کلمه (المِفْتَحُ) به کسر میم و (المِفْتَاخُ) که جمع آن مفاتیح است، به معنی

هرآنچه است که بواسطه آن یک مشکل گشاده و باز گردد<sup>(۲)</sup>، چنانچه الله - تبارک و تعالی - می فرماید: ﴿

وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ﴾<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: « و کلیدهای غیب نزد او تعالی است و کسی جز او تعالی آن را نمی داند ».

مفتاح و مفاتیح آله است که برای باز کردن و گشودن چیزهای بسته بکار می رود، همچنان مفتاح به معنی مساعدت نمودن در فهم مسائل و موضوعات نیز به کار برده شده است<sup>(۴)</sup>.

(۱) نگاه: معجم اللغة العربية المعاصرة، الاستاذ الدكتور احمد مختار عمر، کلمه (رق ی).

(۲) نگاه: لسان العرب، ابن منظور، ج ۲، ص ۵۳۶، کلمه (فتح).

(۳) سوره الانعام، آیه ۵۹.

(۴) معجم اللغة العربية المعاصرة، الاستاذ الدكتور احمد مختار عمر، کلمه (ف ت ح).

از تعریف فوق مرقاته المفاتيح را چنین تعریف کرده می توانیم: مرقاته المفاتيح عبارت از پله ها وزینه های است که توسط آن مسائل مشکل و صعب یکی پی دیگر گشایش می یابد، یعنی: مرقاته المفاتيح کلید گشایش مسائل صعب و مشکل می باشد، بخصوص احادیث که در کتاب مشکاة المصابیح گنجانیده شده.

کتاب (مرقاته المفاتيح) شرح کتاب (مشکاة المصابیح) از بهترین و شامل ترین شروح است که آنرا ملاعلی قاری - رحمه الله - تألیف نموده، و از جمله کامل ترین شروح مشکاة المصابیح محسوب می گردد، ملاعلی قاری - رحمه الله - این کتاب را به اساس متن اصل کتاب ترتیب نموده، مانند: کتاب الإیمان، کتاب العلم، کتاب الطهارة، کتاب الصلاة و غیره، آخرین کتاب مرقاته المفاتيح همانند مشکاة المصابیح به کتاب المناقب اختتام یافته است. مصنف مرقاته المفاتيح کوشیده تا معانی الفاظ لغوی و ضبط متون حدیث را بطور واضح در این کتاب بیان نماید، و در تصحیح احادیث و جمع آوری نسخه های متعدد (مشکاة المصابیح) جهد و کوشش های فراوان نموده تا از اصل کتاب استفاده صورت گیرد، که این عمل وی بیانگر نهایت درجه امانت داری و اخلاص وی در تحقیق می باشد، چنانچه در مقدمه مرقاته المفاتيح می گوید:

« بأن جمعت النسخ المصححة المقروءة المسموعة المصححة التي تصلح للاعتماد وتصح عند الاختلاف للاستناد »<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « نسخه های مختلف و تصحیح شده کتاب مشکاة المصابیح را که توسط جمع کثیر از علماء، قراءت، استماع و قابل اعتماد گفته شده بود جمع آوری نمودیم، تا یک شرح جامع و کامل از این کتاب را تقدیم نمایم. » همچنین ملاعلی قاری - رحمه الله - در مرقاته المفاتيح غریب الحدیث، إعراب الحدیث و معانی احادیث مشکاة المصابیح را نیز شرح و توضیح نموده، چنانچه علامه (چشتی) می گوید:

« فقد اجتهد غاية الاجتهاد في تصحيح الكتاب ثم شرح بقدر فهمه شرحاً وافياً للمعاني وضابطاً لمتون الاحاديث مقتصرأ على ما يعرف به في الحديث من الغريب والإعراب والمعاني والفقه والتفسير والاشارات والكلام وما يستنبط منه من الأحكام مرجحاً من الآراء الفقهية ما هو أولى بالترجيح »<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « ملاعلی قاری - رحمه الله - در تصحیح کتاب مرقاته المفاتيح نهایت درجه اجتهاد و کوشش خود را بخرج داده و احادیث آنرا به اندازه فهم خویش کاملاً شرح و معنی کرده، و متون احادیث را بطور امانت داری انتقال

(۱) مقدمه: مشکاة المصابیح، ج ۱، ص ۲.

(۲) البضاعة المزجة لمن يطالع المرقاة، محمد عبد الحليم الجیشی، مقدمه، ج ۱، ص ۳۰.

داده، و آنچه را که از غریب حدیث، اعراب حدیث، معانی حدیث، فقه حدیث، تفسیر حدیث، اشارات حدیث، و احکام که از حدیث استنباط می گردد و قول راجح فقهای کرام را نیز بیان نموده است.»

### ب: سبب تألیف مرقاة المفاتیح

علامه ملاعلی قاری - رحمه الله - در مقدمه کتاب (مرقاة المفاتیح) بواعث تألیف این کتاب را سه سبب گفته است که اینک هر کدام آن ذیلاً بیان می گردد:

#### ۱- اهمیت و جایگاه کتاب (مشکاة المصابیح):

ملاعلی قاری در مقدمه کتاب (مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح) یکی از اسباب تألیف این کتاب را اهمیت و جایگاه کتاب (مشکاة المصابیح) اثر امام خطیب تبریزی گفته است، چنانچه می فرماید:

« فلما حصلت هذه النسخة المذكورة وصححتها من النسخ المعتمدة المسطورة رأيت أن أضبطها تحت شرح لطيف على منهج شريف يضبط ألفاظه مع مبانيه ويبحث عن رواياته ومعانيه »<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « هنگامی که این نسخه (مشکاة المصابیح) را با دریافتم آنرا با نسخه های معتمد آن مقایسه نمودم، و لازم دیدم که برای فهم درست از احادیث روایات و الفاظ این کتاب یک شرح شامل و کامل را انتخاب کنم.»

#### بی توجهی مردم در قبال علوم حدیث:

از اسباب دیگر تألیف کتاب (مرقاة المفاتیح)، بی توجهی مردم در قبال حدیث پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به ویژه علم حدیث شریف خوانده شده، چنانچه مصنف آن در مقدمه مرقاة المفاتیح می گوید:

« فإن هم إخوان الزمان قد قصرت ومجاهدتهم في تحصيل العلوم لا سيما في هذا الفن الشريف ضعفت وهو متقضى الوقت الذي تجاوز عن الألف وبقي ضعف العلم والعمل بل ضعف الإيمان على ضعف »<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « همت اخوان عصر که ما در آن زندگی می نمایم قصیر گردیده است و توجه مردم در قبال علوم شرعی ضعیف گردیده است، بخصوص در علم احادیث پیامبر - صلی الله علیه وسلم -، و علت آن گذشت (۱۰۰۰ سال) از زمان هجرت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است، و در میان مردم ضعف علم و عمل و ضعف ایمان دیده می شود.»

(۱) مرقاة المفاتیح، ج ۱، ص ۴۱.

(۲) مرقاة المفاتیح، ج ۱، ص ۴۱.

یعنی: زمان که این کتاب را ملاعلی قاری نوشته می کرد، حوالی سالهای (۱۰۰۰هـ) بوده است، که در آن زمان توجه مردم نسبت به دین و علوم شرعی ضعیف بوده، لذا ملاعلی قاری یکی از اسباب مهم و اساسی تألیف این کتاب را عدم اهتمام و آگاهی مردم آن عصر به علوم شرعی بخصوص علوم حدیث شریف خوانده است.

## ۲- کثرت شروح حدیث در مذهب امام شافعی:

همچنان ملاعلی قاری - رحمه الله - در مقدمه کتاب (مرقاة المفاتیح) از اسباب دیگری تألیف این کتاب را کثرت شروح کتابهای حدیث، را در مذهب امام شافعی - رحمه الله - گفته است، چنانچه در مقدمه کتاب (مرقاة المفاتیح) به آن اشاره نموده می فرماید:

« و أيضاً من البواعث أن غالب الشراح كانوا شافعية في مطلبهم وذكروا المسائل المتعلقة بالكتاب على منهج مذهبهم واستدلوا بظواهر الأحاديث على مقتضى مشرهم وسموا الحنفية أصحاب الرأي على ظن أنهم ما يعملون بالحديث بل ولا يعلمون الرواية والتحديث لا في القديم ولا في الحديث مع أن مذهبهم القوي تقديم الحديث الضعيف على القياس المجرد»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « همچنین از اسباب دیگر تألیف کتاب مرقاة المفاتیح، این است که غالباً شارحین حدیث شریف متعلق به مذهب امام شافعی - رحمه الله - می باشد، و پیروان مذهب امام شافعی - رحمه الله - مسائل را بر وفق و مقتضی مذهب شان به ظاهر حدیث، در آن استدلال نموده اند، و پیروان امام ابو حنیفه - رحمه الله - را به گمان خود اصحاب رأی خوانده و می گویند: (پیروان امام اعظم ابو حنیفه - رحمه الله -) به حدیث عمل نمی کنند، بلکه به علوم حدیث و روایت در حال و گذشته علم ندارند، با آنکه مذهب قوی احناف آنست که حدیث ضعیف را از قیاس مجرد مقدم می دانند.»

کتاب مرقاة المفاتیح چندین بار به چاپ رسیده، چنانچه مطبعه المینیه در مصر آنرا در سال ۱۳۰۹ هجری در پنج مجلد به چاپ رساند، همچنان در شهر بمبئی کشور هندوستان، و در مکتبه امدادیه ملتان کشور پاکستان نیز در سال ۱۳۸۶-۱۹۶۶ در شش جلد ضخیم به چاپ رسیده است، که بعداً در همین مطبعه در یازده جلد که دارای یک مقدمه طولانی نیز می باشد به چاپ رسیده، این کتاب در مکتبه بنام المکتبه الحبیبیه در کوئته پاکستان که آنرا شیخ جمال عیتانی تحقیق نموده نیز در دوازده جلد چاپ شده، که در این بحث نیز از همین طبع استفاده شده.

(۱) مقدمه: مرقاة المفاتیح، ج ۱، ص.

## مطلب دوم: اهمیت کتاب مرقاة المفاتیح

کتاب مرقاة المفاتیح از مهم‌ترین و اساسی‌ترین شروح مشکاة المصابیح محسوب می‌گردد، بخصوص اهمیت این کتاب نزد احناف بی‌نهایت زیاد است، زیرا این کتاب را می‌توان رد به قول کسان دانست که گمان دارند مذهب حنفی به علوم حدیث اهمی‌تری ندارد، مؤلف در شرح احادیث این کتاب نهایت کوشش نموده، و تمام علم و وقت خود را صرف آن کرده است، که برخی از مزایای آن در فصل سوم همین رساله توضیح گردیده است.

از جانب دیگر چون ملاعلی قاری اکثر عمر خود را در مکه معظمه سپردی نموده است، لذا از علم و داشته‌های جمع‌کثیری علماء و دانشمندان علوم اسلامی استفاده نموده، که این خود به اهمیت کتاب مرقاة المفاتیح افزود نموده است، همچنان تمجید و نظریات علماء و دانشمندان علم حدیث از این کتاب، نیز بیانگر اهمیت آن می‌باشد.

اهمیت شرح ملاعلی قاری را مسائل و موضوعات که وی در مرقاة المفاتیح بیان نموده نیز بالا برده است، چنانچه وی در قدم نخست ابواب کتاب را ترجمه نموده و سبب نام‌گذاری آنرا نیز بیان کرده، همچنان وی کوشیده تا اکثر مسائل مربوط به شرح حدیث را بکار ببرد، که برخی از این موارد قرار ذیل است:

۱- بیان رجال حدیث: ملاعلی قاری اسما، الفاظ، انساب، و دیگر مسائل مربوط به حال راوی حدیث را به اندازه توان خویش شرح نموده است، چنانچه می‌فرماید:

(عن ابن عمر - رضي الله عنهما - أسلم مع أبيه بمكة وهو صغير وأول مشاهدة الخندق على الصحيح وكان من أهل الورع والعلم والزهد قال جابر ما من أحد إلا مالت به الدنيا ومال بها ما خلا عمر وابنه عبد الله وقال نافع ما مات ابن عمر حتى أعتق ألف إنسان أو زاد ولد قبل الوحي بسنة ومات سنة ثلاث وسبعين بعد قتل ابن الزبير بثلاثة أشهر وكان أوصى أن يدفن في الحل<sup>(۱)</sup>).

ترجمه: « ابن عمر - رضي الله عنه - همراه با پدرش در حالیکه صغیر بود در مکه مسلمان گردیده، و در نخستین غزوه که شرکت نمود غزوه خندق بود، این صحابی جلیل‌القدر از اهل تقوی، علم و زهد بوده است، چنانچه حضرت جابر - رضي الله عنه - در باره وی می‌گوید: هیچ‌یکي نخواهد بود که به اندازه حضرت عبدالله بن عمر - رضي الله عنهما - از داشته‌های دنیا نفرت داشته باشد مگر حضرت عمر و عبدالله بن عمر، و حضرت نافع می‌گوید: حضرت عبدالله بن عمر - رضي الله عنهما - قبل از وفات اش اضافه از هزار انسان را آزاد نمود، حضرت عبدالله بن عمر یک سال قبل از وحی تولد گردیده است و در سال (۷۳هـ) سه سال بعد از شهادت ابن‌زبیر وفات شده است و وصیت نموده بود که در مکان بنام حل دفن گردد.»

(۱) نگاه: مرقاة المفاتیح، ج ۱، ص ۱۳۰.

۲- تخریج حدیث: ملاعلی قاری حدیث را تخریج نموده و آنرا مقارنه کرده، وهمچنان اختلاف روایات را از نگاه سند و متن نیز بیان نموده، چنانچه در تخریج این حدیث: وعن مطر بن عکامس قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : ( إذا قضی الله لعبد أن يموت بأرض جعل له إليها حاجة ) . این حدیث را امام احمد و امام ترمذی - رحمهما الله - روایت نموده است.

مصنف مرقاة المفاتیح در تخریج آن می فرماید:

« رواه أحمد والترمذی وقال غریب لا یعرف لمطر غیر هذا الحدیث ورواه الحاکم وقال صحیح وفي الجامع الصغیر إذا أراد الله قبض عبد بأرض جعل له بها حاجة رواه أحمد والطبرانی وأبو نعیم في الحلیة عن أبي عزة بفتح المهملة وتشدید الزای »<sup>(۱)</sup>.

۳- بیان آیات قرآن کریم و نظریات شراح: ملاعلی قاری احياناً الفاظ حدیث را شرح و تحلیل لغوی نیز نموده است و احياناً آیات قرآن کریم، نظریات شراح دیگر مشکاة المصابیح و اقوال لغویین را نیز پیرامون شرح حدیث بیان و مناقشه نموده است، چنانچه می فرماید:

« وقال الطیبي: ويجوز أن يكون التكرار للتأكيد كما في قوله تعالى: ﴿ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا ﴾ (إلى قوله: ﴿ فَلَا تَحْسَبَنَّاهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ ﴾)<sup>(۲)</sup>، إن الله لم يحرم شيئاً إلا ما في هذا القرآن العظيم الشأن الكثير البيان ألا للتنبيه وإني الواو للحال والله قد أمرت ووعظت ونهيت فيه ثلاث تأكيدات ... »<sup>(۳)</sup>.

۴- بیان اعراب حدیث: احياناً در شرح حدیث اعراب آن را نیز بیان نموده و نظریات نحویین را نیز ذکر کرده، چنانچه اعراب اسمای راوی این حدیث: « وعن المقدم بن معديكرب، قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ألا إني أوتيت القرآن ومثله معه ... »<sup>(۴)</sup>.

« ابن معد يكرب بفتح الكاف وكسر الراء، وأما الباء فيجوز كسرهما مع التنوين على الإضافة ويجوز فتحه على البناء كذا في تهذيب الأسماء »<sup>(۵)</sup>.

۵- بیان احکام فقهی: ملاعلی قاری در کتاب (مرقاة المفاتیح) احکام فقهی حدیث را بیان نموده و نظریات و اختلاف علماء و مذاهب را نیز مناقشه و بررسی کرده است، چنانچه می فرماید: « عن سلمان ذلك، لأن الصحابي

(۱) نگاه: مرقاة المفاتیح، کتاب الايمان، باب الايمان بالقدر، ج ۱، ص ۲۸۹، حدیث (۱۱۰).

(۲) سوره آل عمران، آیه ۱۸۸.

(۳) مرقاة المفاتیح، کتاب الايمان، باب الاعتصام بالكتاب والسنة حدیث (۱۶۴).

(۴) مشکاة المصابیح، کتاب الايمان، حدیث (۱۶۳).

(۵) نگاه: مرقاة المفاتیح، کتاب الايمان، باب الاعتصام بالكتاب والسنة، ج ۱، ص ۳۶۶، حدیث (۱۶۳).



لا يطلق ذلك على غير النبي - صلى الله عليه وسلم - فكأنه نفسه صرح به فقال: نهانا رسول الله أن نستقبل القبلة بغائط أو بول قال علماءنا: الإستقبال لهما كراهة تحريم وللإستنجاء كراهة تنزيه أو أن نستنجي قال ابن الملك: أو فيه وفيما بعده للعطف وفي نسخة صحيحة هنا بالواو و أما فيما بعده فبأو اتفاقاً وهو للتنويع قال في الفائق: الإستنجاء قطع النجاسة من نجوت الشجرة وأنجاها واستنجائها أي قطعها من الأرض باليمين نهى تنزيه وكراهة لا تحريم، قاله ابن الملك: أو أن نستنجي بأقل من ثلاثة أحجار قال المظهر: النهي عن الإستنجاء باليمين نهى تنزيه وكراهة لا تحريم والإستنجاء بثلاثة أحجار واجب عند الشافعي»<sup>(١)</sup>.

٦- بیان مناقشه آراء: ملاعلی قاری در اثنای شرح احادیث آراء مذاهب، شرح مشکاة، نحوین، محدثین و غیره را مفصلاً بررسی نموده است<sup>(٢)</sup>.

ملاعلی قاری مسائل و موضوعات دیگر علوم شرعی را نیز در اثنای شرح احادیث کتاب (مشکاة المصابیح) بیان نموده است، که در فصل بعدی از آن ذکر خواهیم نمود.

### مطلب سوم: جایگاه و منزلت کتاب مرقاة المفاتیح

کتاب مرقاة المفاتیح نزد علماء از جایگاه و مکانت عظیمی برخوردار است، و جمع کثیر از محققین و دانشمندان علوم اسلامی آنرا در مؤلفات شان ذکر نموده، و از مزایای آن سخن گفته و راجع به آن ابراز نظر نموده اند، منجمله:

١- حاجی خلیفه - رحمه الله - در (کشف الظنون) می گوید: « ملاعلی قاری شرح بزرگ را بالای کتاب مشکاة المصابیح تحریر نموده است که در آن تمام شروح و حواشی مربوط به شرح حدیث را گنجانیده است»<sup>(٣)</sup>.

٢- علامه محبی - رحمه الله - می گوید: « ملاعلی قاری - رحمه الله - کتاب های زیاد را تألیف نموده که از جایگاه خاص علمی و ادبی برخوردار است، از جمله کتاب مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح از بزرگترین کتاب های وی می باشد»<sup>(٤)</sup>.

٣- شیخ محمد ادريس الكاندهلوی - رحمه الله - راجع به ملاعلی قاری - رحمه الله - و مرقاة المفاتیح گفته است: « پیرامون ضبط کلمات احادیث، وجوهات إعراب حدیث، ذکر اختلاف نسخه های کتاب مرقاة المفاتیح اثر گران مایه علامه ملاعلی قاری - رحمه الله - تحقیق نمودم؛ این کتاب از جمله شروح لطیف به اساس منهج شریف و تضمین کننده الفاظ و معانی احادیث مشکاة المصابیح می باشد، مصنف در این کتاب کوشیده تا روایات

(١) نگاه: مرقاة المفاتیح، کتاب الطهارة، باب آداب الخلاء، ج ٢، ص ٤٩، حدیث (٣٣٦).

(٢) مرقاة المفاتیح، کتاب الطهارة، باب ما یوجب الوضوء، ج ٢، ص ٣٨-٣٩، حدیث (٣٢١ و ٣٢٢).

(٣) کشف الظنون، حاجی خلیفه، ج ٢، ١٧٠٠.

(٤) خلاصة الاثر، ج ٣، ص ١٨٥.

ومعانی الفاظ را شرح نماید، همچنان در این شرح مؤلف تمام شروح و حواشی مرتبط به همان حدیث را جمع آوری، مناقشه و بیان نموده است»<sup>(۱)</sup>.

۴- علامه محمود بن محمد القاضی الحنفی - رحمه الله - می گوید: « ملاعلی قاری - رحمه الله - کتابهای زیاد را به رشته تحریر درآورده وی از تحقیق بسیار پسندیده و همه جانبه استفاده کرده، از جمله این کتاب ها شرح مشکاة المصابیح (مرقاة المفاتیح) می باشد، این کتاب از بزرگترین کتاب های وی است، مصنف در این کتاب مسائل را از تمامی شروح جمع آوری نموده که بالای مشکاة المصابیح نوشته شده»<sup>(۲)</sup>.

۵- شیخ عبد الحلیم (چشتی) - رحمه الله - راجع به این کتاب گفته است: « حقا که ملاعلی قاری - رحمه الله - در این شرح (مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح) آن فوائد و موارد را که در کتب شروح سابقه (مشکاة المصابیح) شارحین مد نظر گرفته بودند جمع آوری نموده و آنرا مناقشه کرده است، وی در این شرح اصلاً هیچ اشکال را پیرامون شرح حدیث باقی نگذاشته و بهترین مسلک را انتخاب نموده، چنانچه دو مسلک و منهج اساسی را پیرامون شرح حدیث انتخاب کرده (منهج الروایة و منهج الدراية) و هردوی آن را بیان نموده است»<sup>(۳)</sup>.

۶- علامه عبدالفتاح ابوغدة - رحمه الله - راجع به ملاعلی قاری - رحمه الله - و کتابش گفته است: « از ملاعلی قاری - رحمه الله - چهل کتاب طبع گردیده است، که بزرگترین و ضخیم ترین کتابش که بیش ترین منفعت و نو آوری را به ارمغان آورده، کتاب (مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح) می باشد»<sup>(۴)</sup>.

۷- دکتر عبد الموجود محمد عبد الطیف - رحمه الله - راجع به شرح ملاعلی قاری - رحمه الله - گفته است: « مرقاة المفاتیح عبارت از کتاب است، که احادیث مشکاة المصابیح اثر خطیب تبریزی - رحمه الله - را شرح نموده و از دقائق فقهی و غریب الألفاظ همچنان درجه حدیث نیز سخن گفته است»<sup>(۵)</sup>.

۸- همچنان دکتر محمد الصباغ - رحمه الله - می گوید: « کتاب (مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح) اثر ملاعلی قاری - رحمه الله - یکی از کتاب های جلیل در شرح حدیث است، که در چندین جلد طبع شده»<sup>(۶)</sup>.

(۱) مقدمه التعلیق الصبیح، ص ۵-۶.

(۲) نگاه: ملا علی القاری الهروی محدثاً، نافع ابوبکر، ص ۹۸.

(۳) نگاه: البضاعة المزجاة، محمد عبد الحلیم بن عبد الرحیم چشتی الهندی، ص ۶۹-۷۰.

(۴) نگاه: مقدمه فتح العنایه، ص ۲۶.

(۵) کشف اللثام عن أسرار تخریج أحادیث سید الأنام صلی الله علیه وسلم، الدكتور عبدالموجود محمد عبدالطیف، استاد علوم حدیث در قاهره، مکتبة الأزهر طبع

اول سال ۱۴۰۴ هـ ق، ج ۱، ص ۳۵۷.

(۶) مقدمه موضوعات الكبرى، ص ۲.

خلاصه اینکه، کتاب (مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح) یکی از کتابهای مفید و ارزشمندی در علوم حدیث شریف است، که در آن مسائل مربوطه حدیثی بخصوص احادیث مشكاة المصابیح به خوبی شرح و تفصیل گردیده است، این کتاب نزد دانشمندان علوم اسلامی مرجع خوبی شناخته شده که جمع کثیر از دانشمندان این عرصه از آن منجیث مرجع استفاده می کنند، همچنان این کتاب اثر ارزشمند مذهب امام اعظم ابو حنیفه - رحمه الله - در علم حدیث نبوی - صلی الله علیه وسلم - است.

### مطلب چهارم: موقف ملاعلی قاری با مصنف کتاب (مشكاة المصابیح)

ملاعلی قاری - رحمه الله - با وجود که کتاب بزرگ حدیث (مشكاة المصابیح) را بنابر اسباب قبلی برای شرح انتخاب نموده است و احادیث آنرا به شیوه لطیف و زیبا شرح و بیان کرده، لکن بعضاً راجع به موارد که مؤلف مشكاة المصابیح در آن به خطا رفته نیز سخن گفته است، و کوشش نموده تا آنرا اصلاح و اشتباه مؤلف را توجیه نماید، همچنان در بسیاری موارد مؤلف مشكاة المصابیح را نقد نیز نموده است، که جهت معلومات در این باره بهتر است برخی از مثالهای آنرا ذکر نمائیم:

#### أ: نفی روایت حضرت عروة از عائشة

صاحب مشكاة المصابیح روایت عروة از عائشه - رضی الله عنها - را نفی نموده، و این قول را به امام ترمذی نسبت داده، در حالی که امام ترمذی در جاهای مختلف به سند حضرت عروه از عائشة - رضی الله عنها - حدیث روایت نموده:

( عن عائشة قالت كان النبي - صلى الله عليه وسلم - يقبل بعض أزواجه ثم يصلي ولا يتوضأ )<sup>(۱)</sup> رواه أبو داود والترمذي والنسائي وابن ماجه.

ترجمه: « عائشه - رضی الله عنها - می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - برخی از همسرانش را می بوسید، آنگاه بدون اینکه تجدید وضو نماید، به نماز می ایستاد و مشغول عبادت و راز نیاز با پروردگار می شد ». صاحب مشكاة المصابیح به نقل از امام ترمذی می گوید: « لا یصح عند اصحابنا بحال إسناد عروة عن عائشة - رضی الله عنها - وأیضا أي لا یصح إسناد إبراهيم التيمي عنها »<sup>(۲)</sup>؛ یعنی: به هیچ صورت روایت عروه از عائشه - رضی الله عنها -، یا اسناد ابراهیم تیمی از وی ثابت نیست ».

(۱) الجامع الصحیح سنن الترمذی، محمد بن عیسی أبو عیسی الترمذی السلمي، دار إحياء التراث العربي - بیروت، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، باب ترک الوضوء من القبلة، ج ۱، ص ۱۳۳، بحی بن سعید القطان این حدیث را ضعیف دانسته است، در حالی که شیخ آلبانی آنرا صحیح گفته است.  
(۲) مرقاة المفاتيح، ج ۲، ص ۳۹، حدیث (۳۲۳).

ملاعلی قاری - رحمه الله - می فرماید: « هذا كلام لا يصح بحال لأنه وقع في الصحيحين كثيرا ما يدل على صحة سماع عروة عن عائشة وسماع عروة عن عائشة مما لا مجال عند علماء أسماء الرجال للمناقشة فيه ويبعد عن الترمذي أن يقول هذا القول مع أن كتابه مملوء مما يدل على صحة سماع عروة عن عائشة »<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « درست نیست که گفته شود عروة از عائشه - رضی الله عنها - سماع نکرده، زیرا در صحیح بخاری و مسلم روایات زیاد مبنی بر سماع عروه از عائشه ثابت شده، تا جاییکه هیچ مجال بحث و مناقشه در بین علماء فن رجال حدیث در رابطه به عدم سماع عروه از عائشه وجود ندارد، همچنان از امام ترمذی بعید است که بگوید عروه از عائشه - رضی الله عنها - حدیث را روایت نکرده، زیرا « عروة بن زبیر خواهر زاده حضرت عائشه - رضی الله عنها - می باشد »<sup>(۲)</sup>؛ و کتاب (جامع الصحیح سنن ترمذی) مملو از روایات است که عروه از عائشه - رضی الله عنها - حدیث روایت نموده است ».

یعنی: « مراد از قول ( لا یصح عند أصحابنا، بحال إسناده عروة عن عائشة - رضی الله عنها -) تضعیف حدیث باب است، وی در تأیید این سخن، قول امام ترمذی را نقل کرده است، حال آنکه در ترمذی چنین قولی نقل نشده »<sup>(۳)</sup>.

ملاعلی قاری می گوید: « والعجب من المصنف أن يعزو هذا القول إليه فإنه ليس في كتابه كذلك بعد إيراد الحديث »<sup>(۴)</sup>؛ یعنی: جای بسا تعجب است برای مصنف مشکاة المصابیح که این قول را به امام ترمذی نسبت داده است حال آنکه این قول از امام ترمذی ثابت نگردیده است ».

خلاصه این اختلاف قرار ذیل است:

۱- صاحب مشکاة المصابیح می گوید: روایت عروة بن زبیر از عائشه - رضی الله عنها - ثابت نگردیده است، همچنان این قول را به امام ترمذی نسبت کرده است.

۲- در کتاب امام ترمذی، صحیح بخاری و صحیح مسلم روایت عروة از عائشه به کثرت ثابت گردیده است.

۳- ملاعلی قاری تعجب می کند از اینکه صاحب مشکاة این قول را به امام ترمذی نسبت کرده است حال آنکه روایت حضرت عروة از حضرت عائشه به مراتب ثابت است.

(۱) مرقاة المفاتیح، ج ۲، ص ۳۹، حدیث (۳۲۳).

(۲) نگاه: ترجمه و شرح مشکاة المصابیح، تألیف شیخ ولی الدین محمد بن عبد الله خطیب تبریزی، ج ۲، ۵۳.

(۳) نگاه: ترجمه و شرح مشکاة المصابیح، تألیف شیخ ولی الدین محمد بن عبد الله خطیب تبریزی، ج ۲، ۵۳.

(۴) مرقاة المفاتیح، ج ۲، ص ۳۹، حدیث ۳۲۳.

## ب: نسبت بعضی روایات صرف به یک کتاب حدیثی

صاحب مشکاة المصابیح حدیث ذیل را فقط به امام مسلم نسبت داده است:

( عن أنس - رضی الله عنه - قال صلیت أنا ویتیم فی بیتنا خلف النبی - صلی الله علیه وسلم - وأمی أم سلیم خلفنا )<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « حضرت انس بن مالک - رضی الله عنه - می فرماید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - برای او و مادر یا خاله اش امامت دادند، انس - رضی الله عنه - می گوید: در هنگام نماز آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - مرا به جانب راست خویش، و زن (مادر یا خاله ام) را پشت سر ما قرار دادند.»

ملاعلی قاری در شرح این حدیث می فرماید: « أخرج البخاري في صحيحه في كتاب الصلاة في باب المرأة وحدها تكون صفا من طريق إسحاق بن عبد الله بن طلحة عن أنس قال صلیت أنا ویتیم فی بیتنا خلف النبی وأمی أم سلیم خلفنا »<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « این حدیث را امام بخاری - رحمه الله - در کتاب (صحیح بخاری) از طریق اسحاق بن عبد الله بن طلحة از حضرت انس - رضی الله عنه - نیز روایت نموده، که فرمود: من و یتیم که در خانه ما بود در عقب رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نماز گذاریدیم، در حالی که مادرم یا خاله ام را پشت سر ما قرار دادند.»

ملاعلی قاری - رحمه الله - در اعتراض به مصنف مشکاة المصابیح می گوید: « فالعجب من المصنف في عزوه الحديث إلى مسلم فقط و أعجب منه أن الشيخ الجزري أيضا عزاه إلى مسلم والنسائي والله الهادي قلت سبحان من لا يغفل ولا ينسى »<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: « تعجب آور است برای خطیب تبریزی که این حدیث را فقط به امام مسلم - رحمه الله - نسبت می دهد، و تعجب آور از آن اینکه شیخ الجزری آنرا فقط به امام مسلم و نسائی نسبت می دهد، و به گونه اعتراض این کلمات را گفت: (والله الهادی) یعنی: هدایت کننده فقط الله است و بس و تقدس و پاکی او تعالی راست که همیشه به امور بندگان آگاه و بینا است و هرگز فراموش کننده نیست.»

خلاصه این اختلاف قرار ذیل است:

(۱) الجامع الصحیح المسمی بصحیح مسلم، أبو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري، دار الجیل بیروت + دار الأفاق الجديدة - بیروت، کتاب المساجد، باب جواز الجماعة فی النافلة والصلاة علی حصیر و خمره وثوب و غيرها من الطاهرات، ج ۲، ص ۱۲۸، حدیث (۱۵۳۴).

(۲) صحیح بخاری، کتاب الصلوة، باب المرأة وحدها تكون صفا، ج ۱، ص ۱۷۷.

(۳) مرآة المفاتیح، ج ۳، ص ۷۶.

۱- صاحب مشکاة المصابيح روایت فوق را فقط به امام مسلم نسبت داد، حال آنکه این حدیث در کتاب صحیح بخاری و سنن نسائی نیز روایت گردیده است.

۲- ملاعلی قاری بطور اعتراض به این قول صاحب مشکاة المصابيح تعجب نموده است.

### ج: اشتباه گرفتن یک راوی با راوی دیگر

مصنف مشکاة المصابيح در یک روایت مطلب بن ابی وداعة را با مطلب بن عبد الله المدني که به مطلب بن عبد الله بن حنطب الخزومی مشهور است، اشتباه گرفته و اشتباه دیگر اینکه آنرا به امام ابی داود - رحمه الله - نیز نسبت داده، است:

« وعن المطلب بن أبي وداعة قال: لما مات عثمان ابن مظعون أخرج بجنارته فدفن، أمر النبي - صلى الله عليه وسلم - رجلا أن يأتيه بججر فلم يستطع حملها فقام إليه رسول الله - صلى الله عليه وسلم - وحسر عن ذراعيه . قال المطلب: قال الذي يخبرني عن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : كأي أنظر إلى بياض ذراعي رسول الله - صلى الله عليه وسلم - حين حسر عنهما ثم حملها فوضعها عند رأسه وقال : " اعلم بها قبر أخي وأدفن إليه من مات من أهلي »<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « از مطلب بن ابی وداعة روایت است که فرمود: وقتی که عثمان بن مظعون فوت کرد، جنازه اش را بیرون بردند و دفن کردند، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به مردی دستور داد تا سنگی برای او بیاورد، آن شخص نتوانست سنگ را حمل کند، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - (به طرف سنگ) رفت و آستینش را بالا زد، مطلب گوید: کسی که از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به من خبر داد گفت: وقتی که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آستینش را برای برداشتن سنگ بالا زد، سفیدی بازوهایش را دیدم، سنگ را حمل کرد و در کنار سر عثمان قرار داد و فرمود: با این سنگ قبر برادرم را نشانه می کنم و هر کس از خویشاوندانم فوت کند نزد او دفنش می کنم ».

صاحب مشکاة المصابيح (خطیب تبریزی) این روایت را به ابی داود نسبت داده است، یعنی: ابی داود از مطلب بن ابی وداعة او از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روایت نموده است.

ملاعلی قاری - رحمه الله - در شرح این حدیث، بالای مصنف مشکاة المصابيح اعتراض نموده می فرماید:

(۱) سنن ابی داود، أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، دار الكتاب العربي - بيروت، مصدر الكتاب : وزارة الأوقاف المصرية وأشاروا إلى جمعية المكنز الإسلامي، كتاب الجنائز، باب في جمع الموق في قبر والقبر يعلم، ج ۳، ص ۲۰۳، حدیث (۳۲۰۸)، این حدیث را شیخ آلبانی حسن گفته است.

« وعن المطلب بن أبي وداعة بفتح الواو، قال الطيبي: هو قرشي أسلم يوم فتح مكة وكذا ذكره المؤلف، قال ميرك: أعلم أن هذا الحديث رواه أبو داود ولم ينسب المطلب راويه وكذا في المصايح وقع غير منسوب، والمصنف جعله منسوباً إلى أبي داود من عند نفسه وأخطأ في ذلك، قال الشيخ الجزري في تصحيح المصايح السلمي في تخریجه، رواه أبو داود من حديث المطلب بن عبد الله المدني وهو المطلب بن عبد الله بن حنطب المخزومي وهو تابعي يروى عن أبي هريرة وعائشة وابن عمر وابن عباس ففي الحديث إرسال وهو الظاهر من السياق حيث قال المطلب قال الذي يخبرني عن رسول الله إلى آخره والدليل على خطأ المصنف ما رواه ابن سعد في الطبقات فقال حدثنا محمد بن عمر حدثنا كثير بن يزيد عن المطلب بن عبد الله بن حنطب قال لما مات عثمان بن مظعون ....»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « مصنف مشکاة المصابيح می فرماید: از مطلب بن ابی وداعة روایت شده، امام طیبی و خطیب تبریزی - رحمه الله - نسب وی را قرشی خوانده که در روز فتح مکه مسلمان شده، لکن میرک شاه - رحمه الله - می گوید: این حدیث را أبو داود روایت نموده که مطلب بن وداعة راوی آن نمی باشد، همچنان در اصل کتاب مصايح نیز روایت این حدیث به مطلب بن وداعة نسبت نگردیده؛ و مصنف مشکاة المصابيح آنرا از نفس خود به ابی داود نسبت داده که در این باره دچار اشتباه گردیده است، شیخ الجزری در تصحيح المصابيح السلمي در تخریج این حدیث می فرماید: ابو داود این حدیث را به روایت مطلب بن عبد الله المدني که به مطلب بن عبد الله بن حنطب المخزومي مشهور است، و از جمله تابعی می باشد که از ابی هریره، عائشة، ابن عمر و ابن عباس - رضی الله عنهم اجمعین - حدیث روایت نموده، لذا از سیاق این حدیث ارسال به وضاحت دیده می شود، چنانچه روایت وی در حدیث فوق به آن گواه است، و دلیل خطاء مصنف - رحمه الله - از طبقات ابن سعد چنین ثابت می گردد: که ایشان این روایت را از محمد بن عمر از كثير بن يزيد و او از مطلب بن عبد الله بن حنطب روایت ثابت کرده است، هنگام که عثمان بن مظعون وفات نمود....».

خلاصه اینکه مصنف مشکاة المصابيح در روایت این حدیث نسبت دلایل ذیل دچار اشتباه شده است:

- ۱- روایت راکه به امام ابی داود - رحمه الله - نسبت داده از وی ثابت نشده، ( در روایت ابی داود راوی اعلی مطلب بن وداعة نبوده، بلکه مطلب بن عبد الله بن حنطب المدني المخزومي است).
- ۲- سند این حدیث در اصل کتاب مصايح السنه اثر امام بغوی - رحمه الله - نیز به مطلب بن وداعة ثابت نمی باشد.

(۱) مرآة المفاتیح، کتاب الجنائز، باب دفن المیت ج ۴، ص ۱۶۷، حدیث (۱۷۱۱).

۳- در طبقات ابن سعد نیز این روایت ثابت نشده بلکه اصل روایت از مُطلب بن عبد الله بن حنطب درست خوانده شده است.

و موارد دیگری از این قبیل زیاد است که صاحب مرقاة المفاتیح بالای مصنف مشکاة المصابیح اعتراض نموده و اشتباهات آنرا تحقیق و بیان کرده است، که این خود از نمونه های بارز امانت داری علمی و دقت مصنف مرقاة المفاتیح و اهمیت تحقیقی این کتاب قلمداد می گردد.

### مطلب پنجم: موقف ملاعلی قاری درقبال شرح مشکاة المصابیح

همان طوریکه کتاب مرقاة المفاتیح از بهترین کتابهای ملاعلی قاری نزد علماء محسوب می گردد، وی در این کتاب از مصادر، متون و مصنفات زیاد استفاده نموده است، بخصوص از شروح (مشکاة المصابیح)، همچنان نظریات و آراء زیاد آنها را نقل و مناقشه علمی دقیق کرده، مانند صاحب کتاب (الکاشف) علامه حسن بن محمد عبد الله الطیبی - رحمه الله - زیرا او از جمله علماء شافعی بوده است، چنانچه ملاعلی قاری در اسباب تألیف مرقاة المفاتیح نیز گفته است که آراء و نظریات مذهب امام شافعی - رحمه الله - و دیگر فقهای کرام را مناقشه خواهم کرد، برخی از شروح و نمونه های را که ملاعلی قاری در اثنای شرح حدیث از آن استفاده نموده قرار ذیل است<sup>(۱)</sup>:

۱- علامه شریف الدین حسین بن محمد عبد الله الطیبی - رحمه الله - درگذشت: سال (۳۴۷هـ)، کتاب وی: الکاشف عن حقائق السنن، این کتاب در (دارالعلوم اسلامی اقبال تاون در شهر لاهور پاکستان) که بخط نستعلیق نوشته شده در چهار جلد به قلم شیخ محمد اسماعیل الکاندهلوی پدر شیخ محمد ادریس الکاندهلوی موجود می باشد، همچنان در مکتبه پوهنتون پنجاب در شهر لاهور پاکستان به شماره (۵۵۹۲) نیز موجود می باشد.

ملاعلی قاری در اثنای شرح احادیث کتاب (مشکاة المصابیح) نظریات امام طیبی - رحمه الله - بیان نموده می فرماید: ( وعن عوف بن مالك قال: صلى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - على جنازة فحفظت من دعائه وهو يقول: " اللهم اغفر له وارحمه وعافه واعف عنه و أكرم نزله ووسع مدخله واغسله بالماء والثلج والبرد ونقه من الخطايا كما نقيت الثوب الأبيض من الدنس وأبدله دارا خيرا من داره وأهلا خيرا من أهله وزوجا خيرا من زوجته وأدخله الجنة وأعذه من عذاب القبر ومن عذاب النار، قال حتى تمنيت أن أكون أنا ذلك الميت )<sup>(۲)</sup>.

(۱) نگاه: کشف الظنون، حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۱۷۰۱.

(۲) صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب الدعاء الميت فی الصلوة، ج ۱، ص ۳۱۱؛ و مرقاة المفاتیح، کتاب الجنائز، باب غسل الميت وتكفينه، ج ۴، ص ۱۲۴، حدیث شماره (۱۶۵۵).



ترجمه: « عوف بن مالک - رضي الله عنه - مي گوید: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - بر جنازه اي نماز خواندند، من از دعایش حفظ کردم که فرمود: «بار الهی! او را مغفرت کن، به او رحم کن و او را از عذاب نجات بده و مورد عفو خویش قرار بده و آمدنش گرامي بدار، و جایگاهش را گشاد و فراخ گردان، و او را با آب، برف و یخ شستشو بده، و او را از گناهان چنان پاک کن که لباس سفید از چرک پاک می شود، و برای او خانه اي بهتر از خانه اش و خانواده اي بهتر از خانواده اش جایگزین فرما، و او را به بهشت داخل فرما و از عذاب قبر و جهنم نجات بده»، (راوي مي گوید: تا اندازه اي اين دعاها عالي و پرمعني بود) که تنها کردم کاش آن مرده، من مي بودم».

ملاعلی قاری در شرح این حدیث نظر امام (طیبی) - رحمه الله - را نقل نموده می فرماید: « وعافه أمر من المعافاة والهاء ضمير، وقيل: للسكت والمعنى خلصه من المكروهات، وقال الطيبي: أي سلمه من العذاب والبلايا واعف عنه أي: عما وقع منه من التقصيرات»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « کلمه عافه از معافات گرفته شده و ضمیر ها برای میت اطلاق گردیده، یعنی: بار الهی این میت را از عذاب اخروی خلاص کن، چنانچه امام طیبی - رحمه الله - در معنای (عافه) می فرماید: (بار الهی، این میت را سالم بدار از عذاب و بلاها و او را عفو و بخشش نما از تقصیرات که مرتکب گردیده است)».

۲- ملاعلی قاری در هنگام شرح احادیث (مشکاة المصابيح) از اقوال و نظریات، شیخ عبد العزیز محمد بن عبدالعزیز (الأبهري) و کتاب او (منهاج المشکاة) نیز استفاده نموده است، چنانچه در شرح حدیث ذیل می فرماید:<sup>(۲)</sup>.

( وعن ابن مسعود قال: سمعت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يقول: « نضر الله امرأ سمع منا شيئاً فبلغه كما سمعه فرب مبلغ أوعى له من سامع»<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: « از ابن مسعود - رضي الله عنه - روایت است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: الله - تبارک و تعالی - فردي را شاد و چهره او را نورانی کند که به سخنان من گوش فرا دهد و آن را حفظ نماید و آنچه که شنیده است همانطور آن را بیان کند، چون خیلی از کسانی که این سخنان را می شنوند از شنونده خوبتر و بهتر آن به یاد و حافظه می سپارند و آن را خوبتر حفظ می کنند».

(۱) مرقاة المفاتیح، ج ۴، ص ۱۲۵.

(۲) نگاه: کشف الظنون، حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۱۲۰۰.

(۳) ترمذی، کتاب العلم، باب الحث علی تبلیغ السماع، ج ۲، ص ۹۰؛ و مرقاة المفاتیح، کتاب العلم، ج ۱، ص ۴۴۳، حدیث (۲۳۰)، شیخ آلبانی این حدیث را صحیح گفته است.

صاحب مرقاة المفاتیح در شرح این جزء حدیث (کما سمعه) قول امام (أبهري) - رحمه الله - را نقل نموده می فرماید: « قال الأبهري إما حال من فاعل بلغه أو من مفعوله وإما مفعول مطلق وما موصولة أو مصدرية خص مبلغ الحديث كما سمعه بهذا الدعاء لأنه سعى في نضارة العلم وتجديد السنة فجازاه بالدعاء بما يناسب حاله وهذا يدل على شرف الحديث وفضله ودرجة طلابه حيث خصهم النبي بدعاء»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « امام (أبهري) در شرح (کما سمعه) می فرماید: یا حال از برای فاعل بلغه است، یا حال از ضمیر مفعول است، یا مفعول مطلق است، یا ما مصدری است و یا هم موصولی، که تبلیغ گران حدیث پیامبر - صلی الله علیه وسلم - مورد دعاء قرار گرفتند، و کسانی که به علوم حدیث مشغول اند مستحق دعای گردیده اند که مناسب حال شان است، زیرا حافظ، احادیث نبوی - صلی الله علیه وسلم - را از نگاه علمی تحقیق می کند که سرانجام آن به تجدید سنت آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - در جامعه می شود، از سوی دیگر این حدیث بیانگر شرف علم حدیث و فضیلت طلاب آن است، چنانچه رسول - صلی الله علیه وسلم - آنها را در این دعا بطور خاص بیان کرده.»

۳- ملاعلی قاری در اثنای شرح حدیث از نظریات شهاب الدین فضل الله بن حسین (توربشتی) الحنفی، و کتاب وی مشهور به (المیسر) نیز استفاده نموده است، منجمله:  
( وعن أبي هريرة - رضي الله عنه - قال قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : « إذا زنى العبد خرج منه الإيمان فكان فوق رأسه كالظلة فإذا خرج من ذلك العمل عاد إليه الإيمان »<sup>(۲)</sup>).

ترجمه: « هنگامی که بنده، مرتکب زنا می شود، ایمان از او خارج می گردد و همانند سایه ای بالای سرش قرار می گیرد و چون از ارتکاب این عمل، خارج می شود، ایمان، به او باز می گردد.»

ملاعلی قاری - رحمه الله - در شرح این حدیث قول امام (توربشتی) را چنین نقل نموده است: « قال التوربشتي: هذا من باب الزجر والتهديد، وهو كقول القائل لمن اشتهر بالرجولية والمروءة ثم فعل ما ينافي شيمته عدم عنه الرجولية والمروءة تعبيراً وتنكيراً لينتهي عما صنع واعتباراً وزجراً للسامعين ولطفاً بهم وتنبيهاً على أن الزنا من شيم أهل الكفر وأعمالهم، فالجمع بينه وبين الإيمان كالجمع بين المتنافيين... »<sup>(۳)</sup>.

۴- در شرح احادیث مشکاة المصابیح از اقوال، امام شمس الدین محمد بن محمد (الجزری) و کتاب وی (تصحیح المصابیح) نیز استفاده شده است، چنانچه در حدیث ذیل از آن نام برده شده:

(۱) مرقاة المفاتیح، ج ۱، ص ۴۴۳.

(۲) الجامع السنن الترمذی، کتاب الايمان، باب لايزرى زانى وهو مؤمن، ج ۵، ص ۱۵، حدیث (۲۶۲۵). شیخ آلبانی این حدیث را صحیح گفته است.

(۳) مرقاة المفاتیح، ج ۱، ص ۲۱۸، حدیث (۶۰).

( وعن ابن عمر - رضی الله عنهما - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : « لا حسد إلا على اثنين : رجل آتاه الله القرآن فهو يقوم به آناء الليل وآناء النهار ورجل آتاه الله مالا فهو ينفق منه آناء الليل وآناء النهار » (١). ترجمه: « ابن عمر - رضی الله عنهما - می گوید: پیامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمود: حسادت بردن تنها به دو کس جایز است: اول: حسادت بردن به کسی که الله متعال علم و فهم قرآن را به او عطا نموده است و او هم در اثنای شب و روز مشغول خواندن آن است؛ دوم: حسادت بردن بر کسی که الله متعال ثروت و مالی به او بخشیده است و او هم شب و روز این ثروت را در راه الله تعالی مصرف می نماید ». مصنف مرقاة المفاتیح در شرح این حدیث می گوید: « قال الجزري: في صحيح المصايح، و رواه الترمذي والنسائي وابن ماجه » (٢).

٥- نقل اقوال و آراء شيخ مظهرالدين الحسين بن محمود بن الحسين الزيداني، و كتاب اش (المفاتيح شرح حل المصايح) مثال آن قرار ذیل است.

( عن أبي موسى - رضی الله عنه - قال : قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : أمتي هذه أمة مرحومة ليس عليها عذاب في الآخرة عذابها في الدنيا: الفتن والزلازل والقتل ) (٣).

ترجمه: « ابوموسی - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - فرمودند: امت من، امت مرحمت شده است، در آخرت عذاب بر او نیست، بلکه عذابش در این دنیا است، که عبارت اند از: فتنه و آشوب ها، زمین لرزه ها، کشتار و مصیبت ها ».

ملا علی قاری در شرح این حدیث قول (امام مظهر) - رحمه الله - را نقل نموده می فرماید: « وقال المظهر هذا حدیث مشکل لأن مفهومه أن لا يعذب أحد من أمة سواء فيه من ارتكب الكبائر وغيره فقد وردت الأحاديث بتعذيب مرتكب الكبيرة اللهم إلا أن يؤول بأن المراد بالأمة هنا من اقتدى به كما ينبغي ويمثل بما أمر الله وينتهي عما نهاه » (٤).

ترجمه: « امام (مظهر) می فرماید: این حدیث اشکال آفرین است، زیرا مفهوم ظاهری آن این است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - می فرماید: امت من در آخرت عذاب داده نمی شوند در حالی که در میان آنها مرتکبین کبیره و غیره نیز هستند، لکن در تعذیب مرتکبین کبائر احادیث زیاد از آنحضرت - صلى الله عليه وسلم

(١) صحیح بخاری، کتاب التوحید، باب قول النبي صلى الله عليه وسلم (رجل آتاه الله القرآن فهو يقوم به آناء الليل وآناء النهار...)، ج ٦، ص ٢٧٣٦، حدیث (٧٠٩٠).

(٢) مرقاة المفاتیح، کتاب فضائل القرآن عموماً وبعض سوره وآياته خصوصاً، ج ٦، ص ٤٥٥، حدیث (٢١١٣).

(٣) سنن أبو داود، کتاب الفتن، باب ما يرجى في القتل، ج ٢، ص ٢٣٨-٢٣٩؛ و مرقاة المفاتیح، کتاب الرقاق، باب التوكل والصبر، ج ٩، ص ٥٦٠، حدیث (٥٣٧٤).

(٤) مرقاة المفاتیح، ج ٩، ص ٥٦٠. شيخ آلبانی این حدیث را صحیح خوانده است.

– وارد گردیده، که مفهوم این حدیث را می توان چنین تأویل نمود: (مراد از اُمت در اینجا کسانی هستند که از الله – تبارک و تعالی – اطاعت و به رسول الله – صلی الله علیه وسلم – به گونه درست اقتداء نموده است، و اوامر و نواهی آنرا بالای خود تطبیق نمایند)».

۶- همچنان ملاعلی قاری در شرح احادیث اقوال قاضی عیاض را نیز نقل نموده، منجمله:

(وعن ابن عمر قال سئل رسول الله – صلی الله علیه وسلم – عن الماء يكون في الفلاة من الأرض وما ينوبه من الدواب والسباع فقال رسول الله صلی الله علیه وسلم : إذا كان الماء قلتين لم يحمل الخبث) (۱).

ترجمه: «ابن عمر – رضی الله عنه – می فرماید: از رسول الله – صلی الله علیه وسلم – پیرامون آب سؤال شد که در صحرا و بیابان های بی آب و علف می باشد و نیز از آب هایی پرسیده شد که چهارپایان و درندگان در آنها رفت و آمد می کنند و از آن می نوشند (تکلیف در چنین آب ها چیست، آیا وضوء گرفتن و غسل نمودن با آنها درست است یا خیر، و آیا چنین آب ها بی پاک اند یا نجس)؟، پیامبر – صلی الله علیه وسلم – فرمود: آب که به اندازه دو (قوله) (۲) باشد، به مجرد رسیدن پلیدی به آن، نجس و پلید نمی شود».

ملاعلی قاری در شرح این حدیث قول (قاضی عیاض) – رحمه الله – را ذکر نموده می فرماید: «قال القاضي الحديث بمنطوقه يدل على أن الماء إذا بلغ قلتين لم ينجس بملاقاة النجاسة» (۳).

ترجمه: «قاضی عیاض در شرح این حدیث می فرماید: ظاهر این حدیث دلالت دارد که هرگاه مقدار آب از دو قله اضافه باشد به اثر تماس با نجاست نجس و پلید نمی گردد».

۷- محمد بن عبدالطیف معروف به ابن الملک الرومی وی در سال (۸۰۶هـ) می زیست، کتاب وی تحت نام (شرح المصابیح) مسمی می باشد، ملاعلی قاری در اثنای شرح مرقاة المفاتیح از نظریات وی استفاده نموده است، منجمله:

(عن عائشة أم المؤمنين – رضی الله عنها – قالت: «دعي رسول الله – صلی الله علیه وسلم – إلى جنازة صبي من الأنصار فقلت يا رسول الله طوبى لهذا عصفور من عصافير الجنة لم يعمل السوء ولم يدركه قال أو غير ذلك يا

(۱) سنن الترمذی، کتاب الطهارة، باب ماجاء ان الماء لاينجس شیء، ج ۱، ص ۱۱ شیخ آلبانی این حدیث را نیز صحیح خوانده است، و مرقاة المفاتیح، کتاب الطهارة، باب احکام المياه، ج ۲، ص ۱۶۳، حدیث (۴۷۷). این حدیث، أحمد وأبو داود والنسائي والدارمي وابن ماجه نیز روایت نموده است.

(۲) مقدار دو قله = «۳۸۴ کیلو بحساب وزن و مکعبی که هر طرف آن ۳/۵ وجب شخص معمولی باشد یعنی هفتاد و پنج سانتی متر مکعب آب است (3) cm (۷۵)؛ نگاه: ترجمه فارسی فقه السننه، سید سابق، ترجمه: دکتر محمود ابراهیمی، دارالکتب العربی، بیروت، الطلبعه الرابعة، عام، ۱۴۰۵هـ، ج ۱، ص ۸۲.

(۳) نگاه: مرقاة المفاتیح، ج ۲، ص ۱۶۳.

عائشة إن الله خلق للجنة أهلا خلقهم لها وهم في أصلاب آبائهم وخلق للنار أهلا خلقهم لها وهم في أصلاب آبائهم «(۱)».

ترجمه: « عایشه - رضی الله عنها - می گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - تشیع جنازه پسرک خورد انصاری فراخوانده شد، به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفتیم: ای رسول الله - صلی الله علیه وسلم - خوشا به حال این پسر بچه، براستی او مانند پرنده ای از پرندگان بهشت است، و مرتکب هیچ گناه و بدی و کار زشت و منکر نشده است، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: ای عایشه! آیا گمان می بری مسئله چنان باشد که تو می پنداری، شاید چنین نباشد و برخلاف چیزی باشد که تو می گوید؛ براستی الله متعال برای بهشت مردمانی را آفرید در حالی که در پشت و صلب پدران شان بودند و برای دوزخ نیز گروه را آفرید در حالی که در پشت پدران شان بودند.»

ملاعلی قاری - رحمه الله - در شرح این حدیث می گوید: « قال ابن الملك: شبهته بالعصفور كما هو صغير إما بالنسبة إلى ما هو أكبر منه من الطيور، وإما لكونه خاليا من الذنوب من عدم كونه مكلفا...»(۲).

۸- الامام القاضي ناصرالدين عبد الله بن عمر البيضاوي درگذشت: سال(۶۸۵هـ) کتابش (تحفة الابرار) نام دارد.

همچنان ملاعلی قاری - رحمه الله - در شرح حدیث فوق قول قاضی ناصر الدین را نیز نقل کرده می فرماید: « قال القاضي: في حديث عائشة - رضي الله عنها - إشارة إلى أن الثواب والعقاب لأجل الأعمال، وإلا لكان ذراري المسلمين والكافرين لا من أهل الجنة ولا من أهل النار...»(۳).

### مطلب ششم: مصادر ومنابع ملاعلی قاری در مرقة المفاتيح

ملاعلی قاری - رحمه الله - در شرح احادیث (مشكاة المصابيح) بر علاوه از شروح که بالای کتاب (مشكاة المصابيح) و کتاب مصابيح السنة نوشته شده از مصادر ومنابع دیگری در علوم مختلفه نیز استفاده اعظمی نموده است، پاره از این کتابها و موارد ذکر شده در کتاب (مرقة المفاتيح) قرار ذیل است:

### أ: مصادر ملاعلی قاری در عقیده

۱- شرح الصدور بشرح حال الموتى والقبور، از حافظ جلال الدین السیوطی(۴).

(۱) صحیح مسلم، کتاب القدر، باب معنی کل مولود یولد علی الفطرة وحکم موت أطفال الکفار وأطفال المسلمین، ج\* ص ۵۴، حدیث(۶۹۳۹).

(۲) مرقة المفاتيح، کتاب الايمان، باب الايمان بالقدر، ج ۱، ص ۲۵۱، حدیث (۸۴).

(۳) مرقة المفاتيح، کتاب الايمان، باب الايمان بالقدر، ج ۱، ص ۲۵۲، حدیث (۸۴).

(۴) نگاه: مرقة المفاتيح، ج ۳، ص ۴۱۰، (۱۳۶۱): ذکرها السیوطی فی کتاب (شرح الصدور) فی أحوال القبور.»

۲- خاتمة القول البديع في الصلوة على الحبيب الشفيع، از امام شمس الدين السخاوي<sup>(۱)</sup>.

### ب: مصادر ملاعلى قارى (در تفسير و علوم القرآن)

۱- الدر المنثور في التفسير بالمأثور، از حافظ جلال الدين السيوطي<sup>(۲)</sup>.

۲- مفردات القرآن، از راغب اصفهاني<sup>(۳)</sup>.

۳- تفسير معالم التنزيل، از امام بغوي<sup>(۴)</sup>.

۴- الجامع لأحكام القرآن، از ابى عبد الله محمد احمد القرطبي<sup>(۵)</sup>.

۵- تفسير القرآن الجليل المسمى بمدارك التنزيل وحقائق التأويل، از امام عبد الله بن احمد النسفي<sup>(۶)</sup>.

### ج: مصادر ملاعلى قارى در (علوم حديث، شروح ومصطلح الحديث)

مصنف مرقاة المفاتيح - رحمه الله - در اثنای شرح احاديث برعلاوه كتابهاى صحاح سته از كتب هاى ذيل نيز

استفاده اعظمى نموده است، كه شرح آن قرار ذيل است:

۱- الادب المفرد، از امام محمد بن اسمعيل البخارى<sup>(۷)</sup>.

۲- الشائيل النبوية والخصائل المصطفوية، از امام ابى عيسى الترمذى<sup>(۸)</sup>.

۳- العلل الكبير، از امام ابى عيسى الترمذى<sup>(۹)</sup>.

۴- فتح البارى شرح صحيح البخارى، از حافظ ابن حجر عسقلانى<sup>(۱۰)</sup>.

۵- التمهيد از ابن عبد البر<sup>(۱۱)</sup>.

(۱) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ۳، ص ۳، كتاب الصلوة، باب الصلوة على النبي وفضلها: « فذهب الشافعي إلى أن الصلاة في القعدة الأخيرة فرض والجمهور على أنها سنة وبسط هذا المبحث في ( القول البديع في الصلاة على الشفيع) للسخاوي رحمه الله ».

(۲) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ۱، ص ۲۷۹، حديث (۱۰۰)، « و ذكر السيوطي رحمه الله في الدر المنثور عن ابى هريره قال: خلقت الكعبة قبل الارض بالفى سنة.. ».

(۳) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ۳، ص ۵۶۵، حديث (۱۵۱۶): « قال: الراغب الروح التنفس وقد راح الإنسان إذا تنفس ».

(۴) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ۴، ص ۱۱۴، حديث (۱۶۴۵): « وفي تفسير (معالم التنزيل للبغوي) قال: سفيان قال: أبو هارون وكان على رسول الله قبضان فقال له ابن عبد الله ألبس قبصك الذي يلي جلدك... ».

(۵) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ۲، ص ۲۳، حديث ۲۹۸: « قال القرطبي في الحديث أن السلام على الأموات والأحياء سواء في تقديم السلام على عليكم ».

(۶) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ۶، ص ۳۲۰، حديث (۳۱۹۱): « وفي تفسير (المدارك) عند قوله تعالى وتذرون ما خلق لكم ربكم من أزواجكم الشعراء.. ».

(۷) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ۹، ص ۱۲۱، حديث (۴۸۹۸): « وروى البخاري في كتاب: (الأدب المفرد) ».

(۸) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ۶، ص ۲۶۴، حديث (۳۱۲۳): « ورواه الترمذي في كتاب: (الشائيل) ولفظه ما نظرت إلى فرج رسول الله أو قالت ما رأيت فرج رسول الله المشكوك... ».

(۹) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ۴، ص ۴۲۰، حديث (۱۹۸۷): « وحكى الترمذي في (العلل) عن البخاري وقفه وعمل بظاهر الاسناد ».

(۱۰) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ۵، ص ۱۲۲، حديث: (۲۲۳۷) « كذا في كتاب (فتح الباري) وعن ابن عمر قال قال رسول الله من فتح له منكم ».

(۱۱) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ۳، ص ۱۵۱، حديث (۱۰۸۴): « ما رواه ابن عبد البر بسنده في (التمهيد) عن عائشة ترفعه أيما الناس امهوا نساءكم عن لبس الزينة والتبختر في المساجد... ».

- ٦- الترغيب والترهيب، از حافظ عبد العظيم المنذرى<sup>(١)</sup>.
- ٧- المنهاج شرح صحيح مسلم، از امام ابى زكريا النووى<sup>(٢)</sup>.
- ٨- المعجم الكبير، المعجم الأوسط والمعجم الصغير، از القاسم بن أحمد الطبراني<sup>(٣)</sup>.
- ٩- مسند أبى يعلى<sup>(٤)</sup>.
- ١٠- مسند الإمام الأعظم<sup>(٥)</sup>.
- ١١- الجامع الصغير فى أحاديث البشير النذير، از حافظ جلال الدين السيوطى<sup>(٦)</sup>.
- ١٢- الأزهار المنتثرة فى الأحاديث المتواترة، از حافظ جلال الدين السيوطى<sup>(٧)</sup>.
- ١٣- مبارق الأزهار شرح مشارق الأنوار، از شيخ عبدالطيف بن عبد العزيز معروف به ابن الملك<sup>(٨)</sup>.

### د: مصادر ملاعلى قارى در (فقه و فتوى)

- ١- المجموع شرح المذهب، الروضة فى الفروع (روضة الطالبين وعمدة المتقين)، از امام ابى زكريا النووى<sup>(٩)</sup>.
- ٢- الاستذكار، از ابن عبد البر<sup>(١٠)</sup>.
- ٣- الهداية شرح بداية المبتدى، از على بن ابى بكر المرغينانى<sup>(١١)</sup>.

(١) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٦، ص ٤٨٤، حديث (٣٣٦٨): «كذا ذكره المنذرى ثم قال الحافظ المنذرى فى (الترغيب والترهيب)». «

(٢) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ١، ص ١٩٠، حديث شماره (١١١): «قال النووى فى (شرح صحيح مسلم) اختلف العلماء فى أطفال المشركين فمنهم من يقول هم تبع لأبائهم فى النار ومنهم من توقف والصحيح أنهم من أهل الجنة». «

(٣) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٢، ص ٣٢٣، حديث (٦٥٢): «روى الطبراني فى (المعجم الكبير) من حديث حفص بن عمر عن بلال أنه أتى النبي يؤذنه بالصلاة فوجده راقدا فقال الصلاة خير من النوم». «

(٤) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٢، ص ٣٣٠، حديث (٦٥٨) «وقد ورد فى بعض الصور طلبها صريحا فى مسند (أبى يعلى) عن أبى أمامة عنه عليه السلام إذا نادى المنادى للصلاة فتحت أبواب السماء واستجيب الدعاء». «

(٥) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ١، ص ١٠٨، حديث (٢): «وفى مسند الإمام الأعظم عن حاد عن علقمة عن ابن مسعود قال جاء جبريل إلى النبي فى صورة شاب عليه ثياب بياض فقال السلام عليك يا رسول الله». «

(٦) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٢، ص ٤٨، حديث (٣٣٤): «وفى (الجامع الصغير) إذا أتى أحدكم الغائط فلا يستقبل القبلة ولا يولها ظهره شرقا أو غربا». «

(٧) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٢، ص ٥٠٣، حديث (٨٢٠): «وفى (الأزهار) قوله وأنا أول المسلمين مخصوص بالنبي». «

(٨) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ١، ص ٢٢٣، حديث (٦٣): «ثم نقل صاحب الأزهار عن الأحياء ما حصله أن لأعمال القلب أربع مراتب الأول الخاطر كما لو خطر له صورة امرأة مثلا خلف ظهره فى الطريق لو التفت إليها يراها والثاني هيجان الرغبة إلى الإلتفات إليها ونسبته ميل الطبع والأول حديث النفس والثالث حكم القلب بأن يفعل أى ينظر إليها فإن الطبع إذا مال لم تتبعث الهمة والنية ما لم تندفع الصوارف وهي الحياء والخوف من الله تعالى أو من عباده ونسبته اعتقادا والرابع تصميم العزم على الإلتفات وجزم النية فيه ونسبته عزم بالقلب». «

(٩) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٣، ص ٤٥٥، حديث (١٤١٠): «قال (النووى فى شرح المذهب) يجوز لبس العمامة بارسال طرفها وبغير ارسالة ولا كراهة فى واحدة منها». «

(١٠) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٤، ص ٢٢١، حديث (١٧٦٧): «وأخرج ابن عبد البر فى (الإستذكار والتمهيد) عن ابن عباس رضى الله عنها قال قال رسول الله ما من أحد يمر بقبر أخيه المؤمن كان يعرفه فى الدنيا فيسلم عليه». «

(١١) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٢، ص ٣٥٠، حديث (٦٨٢): «وقال المحقق ابن الهمام عند قول صاحب (الهداية) الأذان سنة هو قول عامة الفقهاء». «

- ٤- كشف الدقائق شرح كنز الدقائق، از حافظ جمال الدين الزيلعي<sup>(١)</sup>.  
 ٥- المغنى فى الفروع، از امام ابن قدامة الحنبلى<sup>(٢)</sup>.  
 ٦- منية المصلى وغنية المبتدى، از شيخ سديد الدين الكاشغرى<sup>(٣)</sup>.  
 ٧- المبسوط، از سرخسى<sup>(٤)</sup>.  
 ٨- الفتاوى، از قاضى خان<sup>(٥)</sup>.

### هـ: مصادر ملاعلى قارى در (علم الرجال)

- ١- الأربعين و تهذيب الأسماء واللغات از امام ابى زكريا النووى<sup>(٦)</sup>.  
 ٢- تذكرة الحفاظ، از امام شمس الدين الذهبى<sup>(٧)</sup>.  
 ٣- التاريخ الكبير، امام محمد بن اسمعيل البخارى<sup>(٨)</sup>.  
 ٤- الجرح والتعديل، از ابن ابى حاتم الرازى<sup>(٩)</sup>.  
 ٥- مشارق الأنوار على صحاح الآثار فى غريب الحديث از علامه قاضى عياض الحىصبى<sup>(١٠)</sup>.

### و: مصادر ملاعلى قارى در (زهد و الرقاق)

- ١- البدور السافرة فى امور الآخرة، از حافظ جلال الدين السيوطى<sup>(١١)</sup>.  
 ٢- إحياء علوم الدين، از امام أبى حامد محمد الغزالى<sup>(١٢)</sup>.

(١) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٣، ص ١٨٥، حديث (١١٢٦): « قال الزيلعي فى شرحه (للكنز) استدلل الشافعي على أن الاقتداء بالصبي جائز يقول عمرو بن سلمة فقدموني الخ وعندنا لا يجوز لقول ابن مسعود لا يؤم الغلام الذي لا يجب عليه الحدود ».

(٢) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٤، ص ٧٣، حديث (١٦١٥): « وقال صاحب (المغنى) فى قوله تعالى ولقد كانوا عاهدوا الله الأحزاب ».

(٣) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٢، ص ٥٥٤، حديث (٨٧٨): « وفى (شرح منية المصلى) تعديل الأركان وهو الطمأنينة وزوال اضطراب الأعضاء وأقله قدر تسبيحة فرض عند أبى يوسف والأئمة الثلاثة للحديث المذكور ».

(٤) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٦، ص ٤٩٧، كتاب العتق « قال فى (المبسوط) العتق فى الشرع خلوص حكمي يظهر فى الآدى ».

(٥) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٦، ص ٤٠٢-٤٠٣، حديث (٣٢٩٤): « وفى (فتاوى قاضى خان) رجل له امرأة لا تصلى كان له أن يطلقها وإن لم يكن له مال يوفىها مهرها ».

(٦) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٥، ص ٥٤٨، حديث (٢٦٤٢): « وقال فى (تهذيب الأسماء) ناجية الصحابي بالنون والحجم بن جندب بن كعب ابن جندب ».

(٧) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٢، ص ٣٩٨، حديث (٧٢٣): « وقال الذهبى فى إسناده دراج وهو كثير المناكير ».

(٨) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٩، ص ٢٤٣، حديث (٥٠٤٠): « وذكر البخارى إبراهيم هذا فى (التاريخ الكبير) ».

(٩) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٢، ص ٤١٠-٤١١، حديث (٧٣٤): « وقال أبو حاتم الرازى يكتب حديثه ».

(١٠) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٩، ص ٣١٣، حديث (٥١٢٧): « وفى (مشارق الأنوار) وفى بعض نسخ المصاييح من الفلاس ».

(١١) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٢، ص ١٤٥، حديث (٤٥٦): « ذكره السيوطى فى (البدور السافرة) وذكر فى الجامع الصغير ولفظه الذكر الذي لا يسمعه الحفظة يزيد على الذكر الذي تسمعه الحفظة سبعين ضعفاً ».

(١٢) نگاه: مرقاة المفاتيح، ج ٣، ص ٣٩، حديث (٩٦٥): « قال الإمام حجة الإسلام فى كتاب (إحياء العلوم) اعلم أن الناس قد اختلفوا فذهب الجنييد والخواص والأكثرون إلى فضل الفقر وقال ابن عطاء الغنى الشاكر القائم بحقه أفضل من الفقير الصابر ».



۳- منهاج العابدین، امام ابی حامد محمد الغزالی<sup>(۱)</sup>.

۴- عوارف المعارف، از امام شهاب الدین السهروردی<sup>(۲)</sup>.

### ز: مصادر ملاعلی قاری در (سیرت)

المواهب اللدنیة بالمنع المحمدیة، از امام قسطلانی<sup>(۳)</sup>.

### ح: مصادر ملاعلی قاری در (لغت)

۱- الفائق فی غریب الحدیث، از علامه ابی القاسم الزمخشری<sup>(۴)</sup>.

۲- الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، از حافظ جلال الدین السیوطی<sup>(۵)</sup>.

همان طوریکه گفته شد ملاعلی قاری از این مصادر و غیر این مصادر، در شرح احادیث کتاب مرقاة المفاتیح استفاده نموده است، که این امر از مطالعه کتاب وی به خوبی دانسته می شود.

### مطلب هفتم: بعضی ملاحظات بالای کتاب مرقاة المفاتیح

همان طوریکه قبلاً گفتم: کتاب (مرقاة المفاتیح) از مهمترین شروح کتاب (مشکاة المصابیح) اثر گران مایه علامه خطیب تبریزی - رحمه الله - محسوب می گردد، و این کتاب برای عالم و متعلم علوم اسلامی بهترین مرجع و منبع می باشد، لکن هر عمل انسان و بنی آدم خالی از خطا و نسیان نمی باشد، و فقط قرآن کریم کتاب آسمانی است که از هر نقص، عیب و شک و گمان پاک و مبری است، چنانچه الله متعال در آغاز قرآن می فرماید: ﴿ذَلِكَ

الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾<sup>(۶)</sup>، یعنی: «این کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و راهنمای پرهیزگاران است» لذا بعد از انتخاب موضوع رساله ماستری تحت عنوان (ملاعلی قاری و منهج آن در مرقاة المفاتیح) این کتاب (مرقاة المفاتیح) را چندین بار مطالعه دقیق و همه جانبه نمودم، که در این جریان بعضی ملاحظاتی را که از

(۱) نگاه: مرقاة المفاتیح، ج ۶، ص ۱۷۹، کتاب البیوع، باب العطایا: «قال الغزالي رحمه الله في (منهاج العابدین) فإن قلت فما تقول في قبول جوائز السلاطين في هذا الزمان فاعلم أن العلماء اختلفوا فيه فقال قوم كل ما لا يتيقن أنه حرام فله أخذه وقال الآخرون الأولى أن لا يؤخذ ما لا يتيقن أنه حلال لأن الأغلب في هذا العصر على أموال السلاطين الحرام والحلال في أيديهم معدوم».

(۲) نگاه: مرقاة المفاتیح، ج ۵، ص ۱۲۷، حدیث (۲۲۶۲): «وفي (عوارف المعارف) روى عن أنس بن مالك أنه قال ما من صباح ولا رواح إلا ويقاع الأرض ينادي بعضها بعضاً».

(۳) نگاه: مرقاة المفاتیح، ج ۱۱، ص ۲۹۴، حدیث (۶۱۳۱): «وفي (المواهب اللدنیة) أن خروجه عليه الصلاة والسلام إلى الطائف كان بعد موت خديجة بثلاثة أشهر».

(۴) نگاه: مرقاة المفاتیح، ج ۹، ص ۴۳۹، حدیث (۵۲۵۳): «قال صاحب (الفائق) النقل المتاع المحمول على الذابة وإنما».

(۵) نگاه: مرقاة المفاتیح، ج ۵، ص ۳۰۹، حدیث (۲۳۹۷): «وكلام صاحب (الكشاف) في قوله تعالى فلم يك ينفعهم إيمانهم».

(۶) سوره البقره: آیه ۲.

منزلت و جایگاه علمی این کتاب و مصنف آن به اندازه ذره هم نمی‌کاهد، بالای آن نشانی نموده ام، که برخی از مثالهای آن قرار ذیل است:

### أ: عدم تخریج بعضی احادیث در مرقاة المفاتیح

ملاعلی قاری - رحمه الله - احياناً احادیث را که در هنگام شرح به آن استدلال نموده است تخریج نکرده است مثالهای آن قرار ذیل است:

مثال اول: ملاعلی قاری به حدیث که در (صحیحین) روایت شده استدلال نموده، لکن آنرا به هیچ کتاب حدیثی نسبت نداده است، چنانچه می‌فرماید: « كما أن النبي عليه الصلاة والسلام رآه في الدنيا لإينقلابه نورا كما قال في الدعاء اللهم اجعل في قلبي نورا وفي بصري نورا وفي بشري نورا إلى قوله واجعلني نورا »<sup>(۱)</sup>:  
این حدیث در کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم به متن ذیل روایت شده است:

( عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي بَصَرِي نُورًا، وَفِي سَمْعِي نُورًا، وَعَنْ يَمِينِي نُورًا، وَعَنْ يَسَارِي نُورًا، وَفَوْقِي نُورًا، وَتَحْتِي نُورًا، وَأَمَامِي نُورًا، وَخَلْفِي نُورًا، وَاجْعَلْ لِي نُورًا )<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « ابن عباس رضي الله عنهما مي‌گويد: گفت: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - در دعایش چنین مي‌گفت: پروردگارا! در دلم، چشم‌هایم، گوش‌هایم، سمت راستم، سمت چپم، بالایی سرم، زیر پایم، پیش رویم و پشت سرم، نوری قرار بده ».

مثال دوم: همچنان مصنف (مرقاة المفاتیح) از حدیث که آنرا امام ابی داود روایت کرده، استدلال نموده است، مگر آنرا تخریج نکرده، چنانچه می‌فرماید: « ولذا قال - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - من أحب الله وأبغض الله فقد استكمل إيمانه »<sup>(۳)</sup>.

این حدیث را امام ابو داود - رحمه الله - از ابی امامه - رضي الله عنه - چنین روایت نموده است:  
(عن أبي أمامة عن رسول الله - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أنه قال: من أحب الله وأبغض الله وأعطى الله ومنع الله فقد استكمل الإيمان)<sup>(۴)</sup>.

(۱) مرقاة المفاتیح، کتاب الایمان، باب الایمان بالقدر، ج ۱، ص ۱۶۴.

(۲) صحیح بخاری، کتاب الدعوات، باب الدعاء اذا انتبه باللیل، ج ۷، ص ۱۴۸، حدیث (۵۹۵۷): صحیح مسلم، کتاب صلوة المسافرین، باب الدعاء فی صلاة اللیل وقیامه، ج ۲، ص ۱۷۸، حدیث شماره (۱۸۲۴).

(۳) مرقاة المفاتیح، کتاب الایمان، باب الایمان بالقدر، ج ۱، ص ۱۹۴: سنن ابو داود.

(۴) سنن ابی داود، کتاب السنة، باب الدلیل علی زیادة الایمان ونقصانه، ج ۴، ص ۳۵۴، حدیث (۴۶۸۳)، این حدیث را شیخ آلبنی صحیح گفته است.

ترجمه: « کسی که به خاطر الله متعال دوست بدارد، و به خاطر الله متعال خشم گیرد و به خاطر الله متعال نیکی و احسان و به خاطر الله - تبارک و تعالی - باز دارد، به راستی ایمانش را کامل گردانیده است ». مثالهای دیگری نیز در کتاب (مرقاة المفاتیح) موجود است، که ملاعلی قاری احادیث را نقل و استدلال نموده، مگر آنرا به کتاب های حدیثی نسبت نداده است.

### ب: نقل احادیث ضعیف و موضوع

ملاعلی قاری - رحمه الله - در اثنای شرح احادیث کتاب (مشکاة المصابیح)، احیاناً احادیث ضعیف و موضوع را نیز نقل نموده است بدون اینکه علت وضع و ضعف آنرا بیان نماید، برخی از مثالهای آن قرار ذیل است: مثال اول: ملاعلی قاری در معرفی نفس و تزکیه آن می فرماید: « وفي الحديث من عرف نفسه فقد عرف ربه »<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « هر کسی که خود را بشناسد، پروردگار اش را نیز، خواهد شناخت ».

این حدیث را امام بدر الدین زرکشی - رحمه الله - تخریج نموده، و قول امام النووی - رحمه الله - را پیرامون آن نقل نموده، می فرماید: « قال النووي ليس بثابت وإنما هو لفظ محكي عن يحيى بن معاذ الرازي »<sup>(۲)</sup>. ترجمه: « امام نووی - رحمه الله - می فرماید: این حدیث به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ثابت نیست، بلکه این الفاظ از یحیی بن معاذ الرازی حکایت شده است ».

همچنان علامه فیروز آبادی نیز این حدیث را ضعیف خوانده می فرماید: « وقال العلامة الفيروز آبادي - صاحب القاموس (من عرف نفسه فقد عرف ربه) ليس من الأحاديث النبوية، على أن أكثر الناس يجعلونه حديثاً عن النبي صلى الله عليه وسلم ، ولا يصح أصلاً، وإنما يروى في الإسرائيليات »<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: « علامه فیروز آبادی صاحب قاموس نیز می فرماید: (من عرف نفسه فقد عرف ربه) از جمله احادیث نبوی - صلی الله علیه وسلم - نمی باشد؛ لکن اکثر مردم آنرا حدیث رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می پندارند، و اصلاً این حدیث وجود ندارد بلکه از جمله اسرائیلیات می باشد ».

(۱) مرقاة المفاتیح، کتاب الايمان، باب الايمان بالقدر، ج ۱، ص ۱۵۰

(۲) نگاه: اللآلی المنثورة في الأحاديث المشهورة، محمد بن عبد الله بن بهادر الزركشي، دار الكتب العلمية، ص ۱۲۸.

(۳) نگاه: سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة، محمد ناصر الدين بن الحاج نوح الألباني، دارالمعارف الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة الأولى، سنة الطبع: ۱۴۱۲ هـ / ۱۹۹۲ م، ج ۱، ص ۹۶.

مثال دوم: همچنان ملاعلی قاری حدیث را در اثنای شرح خود نقل نموده است که علماء فن حدیث آنرا موضوع دانسته اند، چنانچه می فرماید: « فقد روی کنت کنزاً مخفياً فأحببت أن أعرف فخلقت الخلق لأعرف »<sup>(۱)</sup>. ترجمه: « در حدیثی روایت شده، الله متعال ذات است من گنج مخفی و پنهان بودم دوست داشتم که شناخته شوم پس مخلوقات را آفریدم و بدین وسیله ایشان وجودم را شناختند ».

« شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می گوید: این حدیث موضوع و ساختگی است و کلام پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نیست و سند صحیح و یا ضعیفی برای آن شناخته نشده است؛ همچنان امام زرکشی و حافظ ابن حجر و سیوطی در (الآلی المصنوعة) و غیر ایشان با امام ابن تیمیه موافق اند و از او پیروی کرده اند، تاجیکه امام زرکشی می گوید به اتفاق علماء این حدیث هیچ اصلی ندارد »<sup>(۲)</sup>. در این کتاب احادیث ضعیف و موضوعات دیگری نیز موجود است، که مصنف مرقاة المفاتیح آنرا در اثنای شرح حدیث نقل نموده.

### ج: نقل حکایات و قصه های تصوفی و غیره

ملاعلی قاری در اثنای شرح احادیث برخی قصه ها و حکایات عجیب و غریب را ذکر نموده که اصلاً به نقل آن ضرورت نمی باشد، همچنان سند آن نیز معلوم نیست، از جمله: مثال اول: ملاعلی قاری در اثنای شرح حدیث ذیل که آنرا امام ترمذی - رحمه الله - روایت کرده، قصه های بدون سند را نقل کرده است:

( عن علي ومعاذ بن جبل - رضي الله عنهما - قالوا: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : إذا أتى أحدكم الصلاة والإمام على حال فليصنع كما يصنع الإمام )<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: « از حضرت علی و معاذ بن جبل - رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: هرگاه کسی از شما وارد نماز می شود و امام را در حال انجام نماز می بیند، به پیروی از امام همان عملی را که امام انجام می دهد، انجام دهد ».

ملاعلی قاری در شرح و ادامه این حدیث روایت را نقل نموده می فرماید: « قال الشيخ محيي الدين بن عربي: أنه بلغني عن النبي - صلى الله عليه وسلم - أن من قال لا إله إلا الله سبعين ألفاً غفر له ومن قيل: له غفر له

(۱) مرقاة المفاتیح، کتاب صفة القيامة والجنة والنار، باب بدء الخلق وذكر الانبياء عليهم السلام،

(۲) نگاه: سلسله الاحديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ ج ۱۳، ص ۵۰، حدیث (۶۰۲۳).

(۳) سنن الترمذی، ابواب السفر، باب ما ذكر في الرجل يدرك الإمام وهو ساجد كيف يصنع، ج ۲، ص ۴۸۵، حدیث (۵۹۱)، امام ترمذی این حدیث را ضعیف گفته است.

أیضا فكننت ذكرت التهلیلة بالعدد المروي من غیر أن أنوي لأحد بالخصوص بل على الوجه الإجمالي فحضرت طعاما مع بعض الأصحاب وفيهم شاب مشهور بالكشف، فإذا هو في أثناء الأكل أظهر البكاء، فسألته عن السبب فقال: أرى أمي في العذاب، فوهبت في باطني ثواب التهلیلة المذكورة لها، فضحك وقال: إني أراها الآن في حسن المآب قال الشيخ: فعرفت صحة الحديث بصحة كشفه وصحة كشفه بصحة الحديث «(۱)».

ترجمه: «شيخ محي الدين بن عربي مي گوید: از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - برایم خبر داده شده که اگر کسی هفتاد هزار بار لا إله إلا الله بگوید او شخص مغفرت می شود، همچنان اگر این دعا برای کسی دیگر هم گفته شود نیز مغفرت می شود، لذا من این تحلیل را به اندازه که روایت شده، انجام می دادم بدون آنکه برای شخص مخصوص آنرا نیت کنم، روزی همراه با برخی از دوستانم در یک مجلس طعام آورده شد، در میان آنها یک جوان که به کشف مشهور بود نیز موجود بود، در چهره جوان در هنگام غذا خوردن گریه نمایان شد، از ایشان سبب گریه را پرسیدم، گفت: مادرم را در عذاب دیدم، در این اثنا من با خود ثواب تحلیل و تسبیح مذکور را برای مادر آن شخص تصور نمودم، در این وقت در چهره آن جوان خنده نمایان شد وگفت: حالا مادرم را در بهترین حالت می بینم، شیخ می گوید: من از صحت کشف آن جوان صحت حدیث را دانستم و از صحت حدیث صحت کشف آن جوان را دانستم.»

ملاعلی قاری این روایت را در کتاب اش (مرقاة المفاتیح) نقل نموده که هیچ جنبه علمی ندارد، همچنان صحت حدیث را به کشف یک شخص عادی نسبت داده که این خود از دید علمی مردود می باشد؛ از طرف دیگر آگاهی از احوال قبور در احادیث صحیح پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ثابت نگردیده است، چنانچه در صحیح مسلم به روایت حضرت انس ابن مالک - رضی الله عنه - روایت است، که الله - تبارک و تعالی - احوال و عذاب اهل قبور را از انس و جن پوشیده نگه داشته است، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: (عن أنس - رضی الله عنه - أن النبي - صلی الله علیه وسلم - قال: لولا أن لا تدافنوا لدعوت الله أن يسمعكم من عذاب القبر) (۲).

ترجمه: از انس - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: اگر این ترس وجود نمی داشت که مردگانتان را دفن نمی کردید دعا می کردم الله - تبارک و تعالی -، عذاب قبر را به شما بشنواند.»

(۱) مرقاة المفاتیح، کتاب الصلوة، باب ما علی المأموم من المتابعة للإمام وحکم المسبوق، ۳، ص ۱۹۳، حدیث (۱۱۴۲).

(۲) صحیح مسلم، کتاب الجنة وصفة ونعيمها وأهلها، باب عرض مقعد الميت من الجنة أو النار علیه وإثبات عذاب القبر والتعود منه، ج ۸، ص ۱۶۱، حدیث (۷۳۹۳).

از این حدیث واحادیث دیگر ثابت می گردد که الله - تبارک و تعالی - عذاب قبر را از انس و جن پوشیده نگه داشته است، ورنه با دیدن و شنیدن احوال آنها انسان بی هوش می گردد؛ عقیده به چنین مکاشفات ودعوی های غیبی منهج صوفیانه و مخالف عقیده سلف صالح و امت مسلمه می باشد.

مثال دوم: ملاعلی قاری در شرح حدیث ذیل نیز قصه بدون سند را چنین نقل کرده:

( عن عبد الله بن عمرو - رضی الله عنه - أن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - قال: لم یفقه من قرأ القرآن فی أقل من ثلاث ) (۱).

ترجمه: « از حضرت عبد الله ابن عمرو - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: کسیکه قرآن کریم را در ظرف کمتر از سه یوم ختم نماید معنی و مفهوم آن را ندانسته است ».

ملاعلی قاری در شرح این حدیث نیز یک روایت را نقل نموده می فرماید: « وقد روی عن الشيخ موسى السدرانی من أصحاب الشيخ أبي مدين المغربي، أنه كان یختم فی الليل والنهار سبعین ألف ختمه، ونقل عنه أنه ابتداء بعد تقبیل الحجر وختم فی محاذاة الباب بحيث سمعه بعض الأصحاب » (۲).

ترجمه: « از شیخ موسی السدرانی که وی از جمله ای اصحاب شیخ ابی مدين المغربی است روایت شده، که شیخ مدين المغربی در یک شبانه روز هفتاد هزار ختم می کرده است، همچنان از او روایت شده که ایشان از مقابل حجرالاسود آغاز می کرد و در مقابل باب کعبه آنرا ختم می نمود تا جایکه تعداد از دوستان او صدای وی را می شنیدند ».

خلاصه اینکه مصنف (مرقاة المفاتیح) هنگام شرح احادیث قصه ها و روایات ضعیف و بدون سند را نیز نقل کرده است، چنانچه نقل نموده که شیخ موسی السدرانی در یک شبانه روز هفتاد هزار بار قرآن کریم را ختم نموده است، که این عمل (ختم قرآن کریم در یک شبانه روز هفتاد هزار بار) هیچ امکان ندارد، و این روایت از جمله مستحیلات است، لذا نباید هرآنچه نقل شد باور کنیم.

### د: نقل و روایت اقوال مبهم و غریب

ملاعلی قاری در اثناء شرح حدیث احیاناً اقوال مجمل و مبهم را بدین الفاظ: ( قال بعض الحفاظ، بعض الشراح، بعض المحققین، وغیره) نیز نقل نموده که مثالهای آن قرار ذیل است:

مثال اول: ملاعلی قاری در باره حسن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید:

(۱) سنن الترمذی، کتاب القراءة، ج ۵، ص ۱۹۶، حدیث (۲۹۴۶)؛ شیخ آلبانی اسناد این حدیث را ضعیف دانسته است.

(۲) مرقاة المفاتیح، کتاب فضائل القرآن عموماً و بعض سوره و آیاته خصوصاً، باب فی التوابع الفضائل، حدیث (۲۲۰۱).

« و قال بعض الحفاظ من المتأخرين أنه - صلى الله عليه وسلم - كان أحسن من يوسف عليه السلام »<sup>(۱)</sup>.  
ترجمه: « ملاعلی قاری - رحمه الله - می فرماید: بعضی از حفاظ متأخرین می گویند: حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - نسبت به حضرت یوسف - صلی الله علیه وسلم - زیبا تر بوده ».

باوجود که تمامی مسلمانان به رسالت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - عقیده کامل دارند، لکن نقل چنین روایات که به کلمه (بعض الحفاظ من المتأخرین) آغاز شده مشکوک می باشد، و نباید از آن استدلال گردد.  
مثال دوم: ملاعلی قاری - رحمه الله - در شرح حدیث ذیل:

( وعن ابن عباس - رضي الله تعالى عنها - قال أتيت النبي - صلى الله عليه وسلم -: بدلو من ماء زمزم فشرب وهو قائم )<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « ابن عباس - رضي الله عنها - می گوید: یک دلوی از آب زمزم به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آوردم، در حال که ایستاده بود، آن را نوشید ».

مصنف مرقاة المفاتیح می گوید: « وقال بعض الشراح من علمائنا وعلى هذا الوجه يمكن التوفيق وسيأتي زيادة التحقيق »<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: « ملاعلی قاری می فرماید: (بعضی شراح) از علماء مذهب ما (احناف) گفته اند: بنابراین وجه امکان توانائی بر این عمل است ».

وی در شرح حدیث فوق قول مبهم را ذکر نموده می فرماید: (وقال بعض الشراح من علمائنا) که این خود از جمله ای اقوال مبهم و غیر معروف می باشد، و نباید در اثناى شرح حدیث ذکر گردد.

مثال سوم: ملاعلی قاری احیاناً می گوید: « لكن الله تعالى ستر عن أصحابه كثيرا من ذلك الجمال الباهر، فإنه لو برز لهم لم يطيقوا النظر إليه كما قاله بعض المحققين »<sup>(۴)</sup>.

ترجمه: « لكن الله - تبارک و تعالی - زیبائی های زیادی را در وجود پیامبرانش پنهان و پوشیده نگه داشته است، زیرا اگر این زیبائی های روشن و تابان همه نمایان می شد، یک لحظه هم نگاه و نظر از آنها برداشته نمی شد، چنانچه تعداد از محققین نیز به همین رأی هستند ».

(۱) مرقاة المفاتیح، کتاب الفضائل والشیائل، باب فی المعراج، حدیث (۵۸۶۳).

(۲) صحیح بخاری، کتاب الحج، باب ماجاء فی زمزم، ج ۲، ص ۵۹۰، حدیث (۱۵۵۶).

(۳) نگاه: مرقاة المفاتیح، کتاب الاطعمة، باب الاشریة، حدیث (۴۲۶۸).

(۴) مرقاة المفاتیح، کتاب الفضائل والشیائل، باب فی المعراج، حدیث

## مبحث دوم

### روش و منهج ملاعلی قاری در علم حدیث

علامه ملاعلی قاری - رحمه الله - در علوم حدیث نهایت سعی نموده است تا جای که تعداد از علماء و محدثین او را محدث می گویند، بخصوص علماء احناف آنرا محدث مذهب امام اعظم ابی حنیفه - رحمه الله - خوانده اند، زیرا این دانشمند بزرگ اسلام، به علم حدیثی روایتاً و درایتاً توجه و اهتمام زیادی نموده و در این راستا کتابهای زیاد حدیث را شرح و تألیف نموده است، مانند: شرح مسند امام ابی حنیفه - رحمه الله - به روایت صدرالدین موسی الحصفکی درگذشت: سال ۶۵۰هـ، شرح مشکلات موطاء امام مالک - رحمه الله - به روایت محمد بن الحسن الشیبانی، جمع الوسائل فی شرح الشئائل، المین المعین فی شرح الاربعین النووی و دیگر شروح که در مبحث دوم، فصل اول از آن یاد آوری نمودیم؛ همچنان ملاعلی قاری در علم حدیث اربعینات نیز دارد مانند: اربعینات فی فضائل القرآن الکریم، اربعینات فی الاحادیث القدسیة، اربعینات فی فضائل وغیره از این قبیل رسائل؛ لکن همان طوریکه می دانیم کتاب مهم و مشهور حدیثی وی (مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح) می باشد، که مصنف - رحمه الله - را در علوم حدیث به شهرت زیاد رسانیده است، فلذا تحقیق پیرامون منهج وی در کتاب (مرقاة المفاتیح) نیز در این رساله گنجانیده شده، که تفصیل آن در فصل بعدی این شاء الله بیان خواهد شد، لکن در این مبحث صرف منهج ملاعلی قاری - رحمه الله - در روایت و درایت علم حدیث بطور اجمال بیان می شود.

#### مطلب اول: منهج ملاعلی قاری در روایت علم حدیث

این مطلب دربر گیرنده تعریف علم روایت حدیث، موضوع علم روایت حدیث و منهج ملاعلی قاری صاحب کتاب (مرقاة المفاتیح) در علم روایت حدیث با مثالهای تطبیقی آن طی موضوعات جداگانه می باشد.

#### الف: تعریف علم روایة الحدیث

علم (روایة الحدیث) را تعداد از علماء، به الفاظ و عبارات مختلف تعریف نموده اند که برخی آن قرار ذیل است: أ: الصنعانی در تعریف علم روایة الحدیث می فرماید: « علم یشتمل علی نقل ما أضيف إلى النبی - صلی الله علیه وسلم -، قيل: أو إلى صحابی فمن دونه: قولاً، أو فعلاً، أو همماً، أو تقريراً، أو صفة »<sup>(۱)</sup>.

(۱) توضیح الأفكار المعانی تنقیح الأنظار، أبي إبراهيم محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد المعروف بالأمير الصنعاني ۱۱۸۲هـ، دراسة وتحقيق: أبو عبد الرحمن صلاح بن محمد بن عويضة، دار الكتب العلمية، بيروت- لبنان، الطبعة الأولى ۱۴۱۷هـ/۱۹۹۷م، ج ۱، ص ۱۴.



ترجمه: « علم روایت حدیث شامل نقل آنچه که به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نسبت می گردد است، و گفته شده آنچه که به صحابی از حیث قول، فعل یا قول و فعل یا تقریر یا صفت نسبت گردیده باشد ».

ب: امام السیوطی در کتاب اش (تدریب الراوی) به نقل از ابن الاکفانی<sup>(۱)</sup>، علم روایة الحدیث را چنین تعریف نموده: « هو علم یشتمل علی أقوال النبی - صلی الله علیه وسلم -، وأفعاله، وروایتها، وضبطها، وتحریر ألفاظها »<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « علم روایت حدیث عبارت از علمی است که مشتمل بر اقوال، افعال، روایت، ضبط، تحریر ألفاظ نبی - صلی الله علیه وسلم - می شود ».

لکن تعریفات فوق جامع نبوده زیرا در برخی این تعریفات تقریرات و صفات پیامبر - صلی الله علیه وسلم - تذکر نیافته، همچنان نظریات کسانی که قول صحابی و تابعی را حدیث می دانند مد نظر گرفته نشده، در این قسمت تعریف دکتر نورالدین (عتر) جامع ترین این تعریفات است، وی علم روایت حدیث را چنین تعریف نموده و آنرا نسبت به تعریفات فوق جامع دانسته و این تعریف مشابهت زیادی با تعریف صنعانی دارد، چنانچه می فرماید: « هو علم یشتمل علی أقوال النبی - صلی الله علیه وسلم - وأفعاله وتقریراته وصفاته وروایتها وضبطها وتحریر ألفاظها، ویزید فی التعریف أو الصحابی أو التابعی »<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: « علم روایت حدیث علمی است که گفتار، کردار، تأییدات و صفات، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و هم روایت وضبط آنها و تحریر الفاظ آنها را در بر گرفته است، و در این تعریف قول صحابی و تابعی نیز شامل گردیده است ».

بناء گفته می توانیم که علم روایت حدیث عبارت از علم است که با متن حدیث تعامل دارد، ( علم است که به نفس روایت که متعلق به قول یا فعل نبی - صلی الله علیه وسلم - می شود اطلاق گردیده )؛ و شامل ضبط حدیث، ضبط الفاظ حدیث، تحریر حدیث، بیان معانی حدیث، و دیگر مسائل مربوط آن حدیث است، کتابهای

(۱) ابن ساعد السنجاری متوفی (۷۴۹ ه = ۱۳۴۸ م) محمد بن ابراهیم بن ساعد الانصاری السنجاری، و به ابن الاکفانی، معروف بود کنیه وی أبو عبد الله بوده است، وی یکی از علماء قرن هشتم هجری بوده است، به علم طب، حکمت و ریاضیات دسترسی داشته، در شهر سنجار تولد شده و در همان جا نشأت نموده و در قاهره نیز زندگی نموده، و در همان شهر وفات نیز نموده است، صاحب تصانیف همچو: (ارشاد القاصد إلى أسنى المقاصد) نیز می باشد؛ نگاه: الاعلام (قاموس تراجم لاشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین) والمستشرقین، خیر الدین الزرکلی، دار العلم للملایین، بیروت، ج ۵، ص ۲۹۹.

(۲) نگاه: تدریب الراوی، عبد الرحمن بن ابي بکر السیوطی، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، مکتبة الرياض الحديثة - الرياض، تحقیق: عبد الوهاب عبد اللطیف، ج ۱، ص ۴.

(۳) نگاه: منهج النقد في علوم الحدیث، نور الدین عتر، دار الفكر دمشق سوریه، الطبعة الثالثة ۱۴۱۸ ه - ۱۹۹۷ م، مصدر الكتاب: المکتبة الرقیمة، ص ۳۱.

مهم و اساسی که در این باره نوشته شده و امت مسلمه را از غنا مندی خاص برخوردار ساخته، مانند: صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن اربعه، مسانید، معاجم، اجزاء حدیثی و غیره می باشد.

شایان ذکر است که روایت حدیث به اساس سند متصل به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از خصوصیت های بنیادی امت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می باشد، که نظیر آن در اُم سابقه (یهود و نصاری) و دیگر امتها دیده نشده، زیرا امت های قبلی به روایت از انبیاء شان بشکل سند متصل اهتمام نکرده اند، مگر محدود موارد که آنرا هم بطریق منقطع و مرسل و به روایت کذابین، متروکین و مجهولین روایت نموده اند، که هرگز به روایت حدیث به طریقه متصل از نبی - صلی الله علیه وسلم - برابری کرده نمی تواند؛ بلکه این نور است که از طرف الله - تبارک و تعالی - برای این امت داده شده، چنانچه الله - جل جلاله - می فرماید: ﴿ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴾<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « الله متعال نور ( آئین ) خود را کامل می گرداند، هرچند که کافران دوست نداشته باشند ».

### ب: موضوع علم روایت الحدیث

همان طوریکه موضوع هر علم به دور عوارض همان علم می چرخد، موضوع این علم نیز عبارت از هر آنچه که به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - یا صحابی و یا هم تابعی نسبت داده شده، می باشد، زیرا در این علم از روایت، ضبط، تحقیق اسانید، و معرفت حال حدیث که صحیح است یا حسن است یا ضعیف است یا معنی حدیث و آنچه که از احادیث استنباط می گردد بحث می شود؛ یعنی: موضوع علم روایت حدیث ذات رسول الله - صلی الله علیه وسلم - است، البته از حیث اینکه او رسول و فرستاده الله متعال است. ذات نبی - صلی الله علیه وسلم - عبارت از اقوال، افعال و احوال او می باشد؛ که افعال به اقرار محمد - صلی الله علیه وسلم - گفته شده، و احوال شامل صفات نبی - صلی الله علیه وسلم - می شود مانند: بلندی قامت، کوتاهی قامت، رنگ چهره، قهر و خوشحالی و موارد دیگر.

### ج: مثالهای تطبیقی علم روایت الحدیث نزد ملاعلی قاری

ملاعلی قاری - رحمه الله - پیرامون متن احادیث نبوی - صلی الله علیه وسلم - تحقیقات زیادی نموده است، که کتاب (مرقاة المفاتیح) بهترین نمونه آن می باشد، وی در این کتاب تمامی ابعاد متن حدیث (روایت حدیث یا مروی) را مورد مناقشه و بحث قرار داده است، که اینک به چند مورد آن ذیلاً می پردازیم:

(۱) سوره الصف، آیه ۸.

١- ( وعن ابن عمر قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : بني الإسلام على خمس: شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمدا عبده ورسوله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة والحج وصوم رمضان )<sup>(١)</sup>.  
ترجمه: « از ابن عمر - رضي الله عنهما - روایت است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نخست، گواهی دادن بر اینکه الله متعال، یکی است و جز او تعالی، معبود برحق وجود ندارد و محمد - صلى الله عليه وسلم - رسول الله است؛ دوم: اقامه نماز، سوم: دادن زکات، چهارم: ادای حج، پنجم: روزه گرفتن ماه مبارک رمضان ».

ملا علی قاری - رحمه الله - متن این حدیث را که مربوط به علم روایت می شود، چنین شرح و بیان نموده:  
« الإسلام هو اسم للشيعة دون الإيمان وقد يطلق على الإذعان بالقلب والإستسلام بجميع القوى والجوارح في كل الأحوال وهو الذي أمر به إبراهيم عليه الصلاة والسلام حيث قال له: ﴿إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>(٢)</sup> »<sup>(٣)</sup>.

ملا علی قاری به ادامه شرح این حدیث می فرماید:  
« والحج بفتح الحاء وكسرها مصدران وفي رواية وحج البيت أي قصده لأداء النسك فاللام عوض عن المضاف إليه وقيل: اللام للعهد الذهني »<sup>(٤)</sup>.  
همچنان مصنف می فرماید:

« وصوم رمضان أي أيامه بشرائط وأركان معلومة قيل فيه حذف شهر وفيه أن رمضان اسم للشهر وقوله تعالى ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ﴾<sup>(٥)</sup> إضافته بيانية »<sup>(٦)</sup>.

٢- ( عن عبدالله بن عمر - رضي الله عنهما - أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال: إن أحدكم إذا مات عرض عليه مقعده بالغداة والعشي إن كان من أهل الجنة فمن أهل الجنة وإن كان من أهل النار فمن أهل النار فيقال هذا مقعدك حتى يبعثك الله يوم القيامة )<sup>(٧)</sup>.

(١) صحيح بخاری، کتاب الايمان، باب قول النبي صلى الله عليه وسلم ( بني الإسلام على خمس )، ج ١، ص ١٢، حدیث شماره (٨)؛ صحيح مسلم، کتاب الايمان،

قول النبي صلى الله عليه وسلم ( بني الإسلام على خمس )، ج ١، ص ٣٤ حدیث شماره (٧)؛ و مرقة المفاتيح، ج ١، ص ١٣٠، حدیث (٤).

(٢) سورة البقرة: آیه ١٣١.

(٣) مرقة المفاتيح، ج ١، ص ١٣٠، حدیث (٤).

(٤) مرقة المفاتيح، ج ١، ص ١٣٠، حدیث (٤).

(٥) سورة بقره آیه ١٨٥.

(٦) مرقة المفاتيح، ج ١، ص ١٣٢-١٣٣.

(٧) صحيح مسلم، کتاب الجنة و الصفتها و نعيمها و اهلها، باب عرض مقعد الميت من الجنة أو النار عليه و اثبات عذاب القبر و التعوذ منه، ج ٨، ص ١٦٠،

حدیث (٧٣٩٠)؛ مرقة المفاتيح، کتاب الايمان، باب اثبات عذاب القبر، ج ١، ص ٣١٦، حدیث (١٢٧).

ترجمه: « عبدالله بن عمر - رضي الله عنهما - مي گوید: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: هنگام که يکي از شما فوت کند، صبح و شام، جاگاهش به او نشان داده مي شود؛ اگر از اهل جنت باشد جاگاهش در بهشت است و اگر دوزخي باشد جاگاهش در دوزخ خواهد بود، (چنانچه به او نشان داده مي شود) و به او گفته مي شود: اين، جاي تو است و الی روز قیامت که الله متعال تو را حشر مي نماید به تو نشان داده می شود.»

ملاعلی قاری - رحمه الله - پیرامون شرح متن این حدیث چنین می فرماید:

« إن أحدكم إذا مات عرض عليه مقعده أي أظهر له مكانه الخاص من الجنة أو النار وهو لا ينافي عرض مقعد آخر فرضيا كما تقدم بالغداة والعشي»<sup>(۱)</sup>.

« حتى يبعثك الله إلى يوم القيامة أي هذا مستترك إلى يوم القيامة ويجوز أن يكون التقدير حتى يبعثك الله إلى محشر يوم القيامة»<sup>(۲)</sup>.

یعنی: به میت گفته می شود! این مکان و جاگاه تو الی روز قیامت می باشد، تقدیر سخن چنین می شود: تا هنگام که الله متعال تو را در روز حشر (حساب و کتاب) دو باره زنده می گرداند این جاگاه و اقامت گاه تو است.»

۳- ( عن أبي هريرة - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : يأتي الشيطان أحدكم فيقول: من خلق كذا؟ من خلق كذا؟ حتى يقول: من خلق ربك؟ فإذا بلغه فليستعذ بالله ولينته )<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: ابوهریره - رضي الله عنه - مي گوید: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: شيطان نزد يکي از شما مي آید و مي گوید: فلان چيز را چه کسي آفریده است؟ فلان چيز را چه کسي آفریده است؟ تا جايي که مي گوید: پروردگارت را چه کسي آفریده است؟ وقتي بدان حد او را وسوسه کرد، او استعاذه کند (اعوذبالله من الشيطان الرجيم) بگويد و اين وسوسه را بس کند.»

ملاعلی قاری - رحمه الله - در شرح این حدیث می فرماید:

« يأتي الشيطان أي يوسوس إبليس أو أحد أعوانه من شياطين الإنس والجن على طريق التلبيس أحدكم فيقول من خلق كذا يعني السماء مثلا من خلق كذا يعني الأرض وغرضه أن يوقعه في الغلط والكفر ويكثر السؤال على هذا المنوال حتى يقول من خلق ربك وهو قديم خالق كل شيء فإذا بلغه ضمير الفاعل لأحدكم وضمير المفعول راجع

(۱) مرقاة المفاتيح، کتاب الايمان، باب اثبات عذاب القبر، ج ۱، ۳۱۶، حدیث (۱۲۷).

(۲) مرقاة المفاتيح، کتاب الايمان، باب اثبات عذاب القبر، ج ۱، ۳۱۶، حدیث (۱۲۷).

(۳) صحیح بخاری، کتاب بدء الوحي، باب صفة ابليس وجنوده، ج ۳، ص ۱۱۹۴، حدیث (۳۱۰۲)؛ و مرقاة المفاتيح، ج ۱، ص ۲۲۶، حدیث (۶۵).

إلى مصدر يقول أي إذا بلغ أحدكم هذا القول يعني من خلق ربك أو التقدير بلغ الشيطان هذا القول فليستعذ بالله طردا للشيطان إشارة إلى قوله تعالى إلا عبادك منهم المخلصين»<sup>(١)</sup>.

ترجمه: « شیطان (شیاطین انسی و جنی) بخاطر وسوسه از طریق نیرنگ و فریب کاری برای شما می آید و می گوید: فلان چیز را چه کسی آفریده است؟ یعنی آسمان را، و فلان چیز را چه کسی آفریده است؟ یعنی: زمین را؛ هدف و غرض شیطان از کثرت سؤال به این طریقه به خطا و کفر مواجه ساختن انسان می باشد، تا جای که می گوید: پروردگارت را چه کسی آفریده است؟ پروردگار که ذات اش قدیم است و خالق تمام اشیا و مخلوقات می باشد؛ هنگام که ضمیر فاعل به یکی از شما متوجه گردید، و ضمیر مفعول به مصدر (هذا القول) راجع می باشد، تقدیر سخن چنین می شود: هنگام که به یکی از شما چنین فکر و سخن پیش آید (من خلق ربك) و توسط شیطان وسوسه شود از شر شیطان و طرد آن به الله متعال پناه ببرید، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ﴾<sup>(٢)</sup>.

ترجمه: « مگر بندگان برگزیده و پاکیزه ات از میان آنان ».

از مثالهای فوق نتایج ذیل ثابت می گردد:

- ۱- مصنف در شرح متن احادیث احیاناً از آیات قرآن کریم استفاده نموده است.
  - ۲- ملاعلی قاری در شرح حدیث احادیث دیگر را منحیث شاهد نیز آورده.
  - ۳- مؤلف در شرح احادیث اقوال صحابه، تابعین، امامان مذاهب؛ علماء حدیث، فقه، نحو، و علوم دیگر را به کثرت ذکر و بیان نموده و آنرا مفصلاً مناقشه نموده است.
- همچنان مصنف مرقاة المفاتیح بخاطر شرح متن حدیث مسائل زیاد دیگری را نیز مد نظر داشته است که به مجرد مطالعه این کتاب به خوبی واضح و آشکار می گردد.

### مطلب دوم: منهج ملاعلی قاری در علم درایت حدیث

علم روایت و درایت حدیث همیشه یکی بعد از دیگر ذکر گردیده، بنابر همین اصل طوریکه در تعریف علم (روایت حدیث) گفتیم، علم درایت حدیث را نیز تعداد از محدثین، تعریف نموده که برخی آن قرار ذیل است:

### أ: تعریف علم درایت الحدیث

(١) مرقاة المفاتیح، ج ١، ص ٢٢٦، حدیث (٦٥).

(٢) سوره الحجر، آیه ٤٠.

أ: امام النووی - رحمه الله - در تعریف علم حدیث می فرماید: « إن المراد من علم الحدیث تحقیق معانی المتون، و تحقیق علم الاسناد والمعلل... والبحث عن خفی معانی المتون »<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « مراد از علم حدیث تحقیق پیرامون معانی متون حدیث و تحقیق علم سند و علل حدیث می باشد؛ و بحث راجع به خفی بودن معانی متن حدیث را علم حدیث گویند ».

ب: شیخ طاهر الجزائری درگذشت: سال (۱۳۳۸) علم درایت حدیث را چنین تعریف نموده: « علم درایة الحدیث علم یتعرف منه انواع الرواة واحكامها، وشروط رواة، واصناف المرویات، واستخراج معانیها »<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « علم درایت حدیث علم است که از آن انواع راویان واحکام مربوط به آنها، شروط راویان، اصناف مرویات، واستخراج معانی آنها دانسته می شود ».

ج: الصنعانی علم درایت الحدیث را چنین تعریف نموده: « علم درایة الحدیث: هو علم يعرف به حال الراوی والمروی، من جهة القبول والرد »<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: « علم درایت حدیث عبارت از علمی است که به آن حالت راوی و مروی از نگاه قبول و رد شناسائی می گردد ».

- ابن (الجماعة) علم درایت حدیث را چنین تعریف نموده: « علم بقوانین يعرف بها أحوال السند والمتن »<sup>(۴)</sup>.  
ترجمه: « علم درایت حدیث عبارت از آگاهی به قوانین است که به وسیله آن احوال سند ومتن حدیث از همدیگر تفکیک می گردد ».

ه: دکتر نورالدین (عتر) می فرماید: « علم درایت حدیث به (مصطلح الحدیث)، (علوم الحدیث)، (أصول الحدیث) و به (علم الحدیث) نیز اطلاق گردیده است؛ که راجح ترین این تعریفات، تعریف اخیر از امام عز الدین بن جماعة می باشد، یعنی: علم درایت حدیث علم به قوانین است که از آن احوال سند ومتن حدیث دانسته می شود »<sup>(۵)</sup>.

به مجرد قبولی راوی یا ناقل حدیث، متن حدیثی را که روایت نموده لازم نمی شود؛ زیرا در بسا موارد رجال سند ثقات وعدول می باشند، لکن متن یا روایت آن شاذ یا معلل بوده است که در این صورت آنرا قبول کرده نمی

(۱) المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن حجاج (شرح صحیح مسلم)، النووی، دارالافتاء بالریاض، ج ۱، ص ۴۷.

(۲) توجیه النظر الی اصول الاثر، طاهر بن صالح الجزائری الدمشقی، دار المعرفة، بیروت، ج ۱، ص ۲۳.

(۳) توضیح الأفكار لمعانی تنقیح الأنظار، الصنعانی، ج ۱، ص ۱۴.

(۴) تدریب الراوی، السیوطی، ج ۱، ص ۴۱.

(۵) نگاه: تدریب الراوی، ج ۱، ص ۴۰-۴۱؛ و منهج النقد فی علوم الحدیث، نور الدین عتر، ص ۳۲.

توانیم؛ چنانکه احیاناً رجال سند به حد قبول و ثقه نمی‌رسند، لکن نفس حدیث مقبول می‌باشد، مگر با وجود آنهم برای این روایت شواهد از کتاب وسنت و قواعد شریعت که آنرا تأیید نماید خواسته می‌شود.

از آنچه پیرامون درایت حدیث گفته شد، موارد ذیل ثابت می‌گردد:

۱- تفکیک اسماء که صورت آن یکی است مگر حرکت آن فرق دارد.

۲- معرفی رجال سند و ذکر تاریخ آنها.

۳- معرفی انساب راویان، و فرق بین راوی که به اجداد وامحاطات شان نسبت داده شده همچنان تمیز راوی که به کنیه و القاب شهرت یافته است.

۴- فقه حدیث، و علم به معانی آن و جاری ساختن فتوی به آن.

۵- همچنان از مباحث علم روایت حدیث: شرح حدیث، استنباط معانی حدیث، استخراج مسائل مربوطه حدیث مانند عقیده، احکام فقهی، فوائد حدیث و مسائل مختلف دیگر می‌باشد.

بناء گفته می‌توانیم که: علم درایت حدیث علم است که با سند حدیث تعامل داشته، و علم به قوانین است که توسط آن روایت حدیث ثابت می‌گردد، و آنرا علم تعارف با حقیقت روایت نیز می‌گویند.

### ب: موضوع علم درایت الحدیث

موضوع علم درایت حدیث عبارت از سند و متن یا راوی و مروی از حیث قبول، رد و فقه می‌باشد؛ و در آن از حقیقت روایت، شروط روایت، انواع روایت و احکام مرتبط به آن، و از حال روایات و شروط آنها بحث شده است.

### ج: مثالهای تطبیقی علم درایت حدیث

همان طوریکه ملاعلی قاری - رحمه الله - پیرامون متن احادیث نبوی - صلی الله علیه وسلم - تحقیقات نموده است؛ وی راجع به سند حدیث و ابعاد مربوطه آن (درایت حدیث) نیز تحقیقات نموده است که بعضی از مثالهای آنرا از کتاب مرقاة المفاتیح ذیلاً بیان می‌کنیم:

۱- ( عن عبد الله بن عمرو - رضی الله عنهما - قال: قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - : المسلم من سلم المسلمون من لسانه ویده والمهاجر من هجر ما نهی الله عنه ) (۱).

(۱) صحیح بخاری، کتاب الایمان، باب المسلم من سلم المسلمون من لسانه ویده، ج ۱، ص ۱۳، حدیث (۱۰)؛ و مرقاة المفاتیح، کتاب الایمان، فصل اول، ج ۱، ص ۱۳۷، حدیث (۶)

ترجمه: « از عبدالله بن عمر - رضي الله عنهما - روایت است که نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: مسلمان کسی است که سایر مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند؛ و مهاجر (واقعی) کسی است که از آنچه الله - تبارک و تعالی - منع کرده است، هجرت نماید یعنی: (آنها را ترک کند).

ملاعلی قاری - رحمه الله - در شرح این حدیث چنین می فرماید:

« عبد الله بن عمرو وكتب بالواو ليميز عن عمر، ومن ثمة لم يكتب حالة النصب لتمييزه عنه بالألف، وهو ابن العاص القرشي - رضي الله عنهما - أسلم قبل أبيه وتوفي بمكة، أو الطائف، أو مصر سنة خمس وستين، أو ثلاث وسبعين، وبينه وبين أبيه في السن إحدى عشرة سنة كما جزم به بعضهم، وقال المصنف: (صاحب مشكاة المصابيح) كان أبوه أكبر منه بثلاث عشر سنة، وقيل: باثنتي عشر سنة؛ وكان غزير العلم كثير الاجتهاد في العبادة، عمي آخر عمره، وكان أكثر حديثاً من أبي هريرة لأنه كان يكتب لكن ما روي عنه وهو سبعة مائة حديث قليل بالنسبة لما روي عن أبي هريرة»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « نام حضرت (عمرو بن عاص - رضي الله عنه - ) بخاطر به او نوشته شده که با حضرت عبد الله بن عمر - رضي الله عنهما - فرق شود، نسب عبد الله بن عاص - رضي الله عنهما - قرشی است، قبل از پدرش اسلام آورده و درمکه معظمه یا طائف و یاهم مصر در سال ( ۶۵ یا ۷۳ هـ ) وفات نموده است، طوریکه بعض گفته اند در سن و سال او و پدرش ( ۱۱ ) سال تفاوت بوده، مصنف - رحمه الله - می فرماید: پدرش از وی ( ۱۳ ) سال بزرگتر است، و گفته شده: پدرش ( ۱۲ ) سال از وی تفاوت سنی داشته است، حضرت عبد الله ابن عمرو از جمله وافرالعالم کثیر الاجتهاد در عبادت بوده است، وی در اخیر عمر از حس بینائی می باشد محروم گردیده و ناپیدا شد؛ حضرت عبدالله ابن عمرو - رضي الله عنه - نسبت به ابی هریره - رضي الله عنه - زیاد احادیث را از جناب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نقل نموده است زیرا وی احادیث را نوشته می کرد، لکن آنچه از وی روایت گردیده نسبت به روایت ابی هریره - رضي الله عنه - کمتر است زیرا از وی صرف ( ۷۰۰ ) حدیث روایت شده است، صاحب مشكاة می فرماید: در زمان نبی - صلی الله علیه وسلم - کسانی که صاحب کتابت و قراءت بودند برای شان اجازه نوشتن حدیث داده می شد، ( حضرت عبد الله بن عمرو نیز از همین جمله بوده است ) .»

(۱) مرقاة المفاتیح، کتاب الايمان، فصل اول، ج ۱، ص ۱۲۷، حدیث (۶)



۲- ( عن ابن عمر - رضي الله عنهما - قال : قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : أمرت أن أقاتل الناس حتى يشهدوا أن لا إله إلا الله وأن محمدا رسول الله وبقبوا الصلاة ويؤتوا الزكاة فإذا فعلوا ذلك عصموا مني دماءهم وأموالهم إلا بحق الإسلام وحسابهم على الله إلا أن مسلما لم يذكر إلا بحق الإسلام ) (۱).

ترجمه: « از ابن عمر - رضي الله عنهما - روایت است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: «از جانب الله متعال به من امر شده است تا زمانی که مردم به یگانگی الله - تبارک و تعالی - و به حقانیت رسالت محمد - صلى الله عليه وسلم - شهادت ندهند و نماز را اقامه نکنند و زکات ندهند، با آنان بجنگم ؛ ولی هنگامی که این کارها را انجام دادند، مال و جان شان در برابر هرگونه تعرض محفوظ خواهد ماند مگر در حقی که اسلام تعیین کرده است، و سرانجام کار آنان (در جهان آخرت) با الله متعال خواهد بود ».

ملا علی قاری - رحمه الله - در شرح این حدیث می فرماید:

« وفيه دليل على أن من أظهر الإسلام وأبطن الكفر يقبل إسلامه في الظاهر، وذهب مالك إلى أنه لا تقبل توبة الزنديق، وهو من يظهر الإسلام ويخفي الكفر، فقيل: لا تقبل ويتحتم قتله، لكنه إن صدق في توبته نفعه في الآخرة، وقيل: يقبل منه مرة فقط، وقيل: ما لم يكن تحت السيف، وقيل: ما لم يكن داعية للضلال، وقيل: معنى الحديث أن القتال والعصمة إنما هما في الأحكام الدنيوية، وأما الأمور الآخروية من الثواب والعقاب وكميتها وكيفيتها فهو مفوض إلى الله تعالى لا دخل لنا فيه اه وقد يرجع إلى المعنى الأول » (۲).

ترجمه: « این حدیث دلیل است برای کسانی که در ظاهر تبارز به اسلام می نمایند و در باطن کافر هستند، لذا به ظاهر آن که اسلامیت شخص است حکم می شود، اما امام مالک - رحمه الله - می فرماید: توبه زندق (توبه کسی که اسلامش را ظاهر نماید و کفرش را مخفی دارد) قبول می شود، و گفته شده: که توبه او قبول نمی شود و لازم است که کشته شود، مگر کسی که در توبه خود صادق باشد برایش در آخرت فایده دارد، همچنان گفته شده: صرف یک بار توبه زندق قبول می شود، یا اینکه توبه آن از طریق شمشیر نباشد قبول است، و یا توبه زندق که دعوت کننده بسوی ضلالت و گمراهی نباشد قبول است؛ همچنان گفته شده: که معنی حدیث جهاد علیه آنها و بخشش آنها از جمله احکام و مسائل دنیوی است، اما مسائل اخروی مانند ثواب، عقاب، کمیت ثواب و عقاب، از جمله امور است که فقط به الله واحد و لاشریک تعلق دارد و بنده در آن به هیچ وجه دخالت و صلاحیت ندارد، لکن از جمله وجوهات فوق به معنی اولی مراجعه می شود ».

(۱) صحیح بخاری، کتاب الایمان، باب ﴿فإن تابوا وأقاموا الصلاة وآتوا الزكاة فخلوا سبيلهم﴾ (التوبة ۵)، ج ۱، ص ۱۷، حدیث (۲۵)؛ ومرقاة المفاتیح، کتاب الایمان، فصل اول، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۵۱۷، حدیث (۱۲).

(۲) مرقاة المفاتیح، کتاب الایمان، فصل اول، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۵۱۷، حدیث (۱۲).

مصنف (مرقاة المفاتيح) به ادامه می فرماید:

« ففي هذا الحديث دلالة ظاهرة على أن الإقرار شرط لصحة الإسلام وترتب الأحكام، ورد بليغ على المرجئة في قولهم: أن الإيمان غير مفتقر إلى الأعمال، ودليل على عدم تكفير أهل البدع من أهل القبلة المقربين بالتوحيد الملتزمين للشرائع... (١) ».

ترجمه: « این حدیث دلیل واضح بر این است که اقرار از شروط صحت اسلام و مرتب شدن احکام می باشد، همچنان رد واضح است بر قول مرجئه که می گویند: (ایمان به عمل وابسته نیست، و دلیل است برای عدم تکفیر اهل بدعت ( اهل قبله که به توحید اقرار داشته و به شریعت الهی ملزم هستند) ». از آنچه پیرامون درایت حدیث یا سند حدیث گفته شده مسائل ذیل ثابت می گردد:

۱- علم درایت الحدیث با سند حدیث سروکار دارد، که با آن انساب راوی، کنیه راویان، و مسائل دیگر مربوط به راوی حدیث دانسته می شود.

این بود معلومات پیرامون علم (درایت الحدیث و روایت الحدیث) که تقدیم گردید؛ مسائل دیگر نیز مربوط علم روایت الحدیث و درایت الحدیث می گردد و مسائل زیاد از آن ثابت می شود، که إن شاء الله آنرا در فصل بعدی همین رساله مفصلاً بحث و تحقیق خواهیم نمود.

---

(١) مرقاة المفاتيح، كتاب الايمان، فصل اول، ج ١، ص ١٤٩-١٥١٧، حدیث (١٢).

## فصل سوم

### منهج ملاعلی قاری در شرح احادیث مشکاة واستنباط حکم از آن

مدخل:

در مباحث قبلی پیرامون معرفی ملاعلی قاری - رحمه الله -، کتاب (مرقاة المفاتیح)، و منهج وی در علم حدیث مفصل صحبت نمودیم، چون روش و منهج ملاعلی قاری - رحمه الله - (منهج مزجی می باشد) لذا در این فصل می خواهیم منهج و روش او را در اثنای شرح احادیث کتاب (مشکاة المصابیح) تشریح و بیان نمائیم، که دارای دو مبحث ذیل می باشد:

مبحث اول: منهج ملاعلی قاری در شرح احادیث مشکاة المصابیح، که شامل موارد همچو: توجه ملاعلی قاری به شرح کتب و أبواب کتاب (مشکاة المصابیح)، إعراب، بیان قواعد نحوی، تراجم راوی، شرح حال راوی مبهم، علم مشکل الحدیث، علم مختلف الحدیث، تخریج و حکم بالای حدیث و بیان اقوال متصوفه، نصوص ادبی و شعراء می باشد.

مبحث دوم: منهج ملاعلی قاری در استنباط احکام احادیث مشکاة المصابیح، که این مبحث نیز دارای مطالب همچو: منهج ملاعلی قاری در علم أسباب ورود حدیث، بیان مسائل عقیده وی، استنباط احکام فقهی، بیان بدعات و ظلم حکام هنگام شرح حدیث و توجه وی به ذکر فوائد و نکات حدیث می باشد.

## مبحث اول

### منهج ملاعلی قاری در شرح احادیث مشکاة المصابیح

این مبحث شامل برخی از نکات بارز است که ملاعلی قاری - رحمه الله - آنرا هنگام شرح احادیث در نظر گرفته و به اساس آن احادیث کتاب (مشکاة المصابیح) را توضیح نموده است، که تفصیل این مسائل طی مطالب جداگانه قرار ذیل است:

#### مطلب اول: توجه ملاعلی قاری در شرح کتب و ابواب مشکاة المصابیح

همان طوریکه اکثر شراح احادیث نبوی - صلی الله علیه وسلم - وجوه و مناسبت حدیث را با ابواب کتابهای شان بیان نموده اند، ملاعلی قاری - رحمه الله - نیز کتابها و ابواب مشکاة المصابیح و مناسبت آنها را با احادیث کتاب در اثنای شرح حدیث توضیح و بیان کرده است.

#### الف: منهج ملاعلی قاری در شرح کتابهای مشکاة المصابیح

ملاعلی قاری - رحمه الله - قبل از اینکه به شرح احادیث کتاب (مشکاة المصابیح) پردازد، نخست کتابهای مربوطه آنرا شرح نموده، و اقوال علماء را پیرامون آن بیان و مناقشه کرده است، همچنان مناسبت کتاب را با حدیث نیز بیان نموده؛ چنانچه در کتاب ایمان، اول کلمة کتاب را و بعداً کلمه ایمان را به تفصیل تشریح کرده، از جمله:

۱- کتاب الایمان:

مصنف مرقاة المفاتیح در تشریح آن چنین می فرماید: «الکتاب إما مأخوذ من الکتب بمعنی الجمع، أو الکتابة، والمعنی هذا مجموع أو مکتوب فی الأحادیث الواردة فی الایمان، و إنما عنون به مع ذکره الإسلام أيضا لأنها بمعنی واحد فی الشرع، وعلى اعتبار المعنی اللغوی من الفرق یكون فیہ إشارة إلى أنه الأصل وعلیه مدار الفصل، وقدمه لزیادة شرفه فی الفضل، ولکونه شرطا لصحة العبادات المتقدمة على المعاملات؛ وهو التصدیق الذی معه أمن وطمأنينة لغة، و فی الشرع تصدیق القلب بما جاء من عند الرب فکأن المؤمن یجعل به نفسه آمنة من العذاب فی الدارین، یقال: أمنه إذا صدقه، وقیل: معنی أمنت صرت ذا أمن ثم نقل إلى التصدیق ویعدی باللام، نحو: ﴿وَمَا

أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ﴾ یوسف وقال فرعون قال ءامنتم له طه وقد یضمن معنی اعترف «(۱)».

(۱) مرقاة المفاتیح، کتاب الایمان، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۶.

ترجمه: « کلمه (الکتاب) یا مأخوذ از (الکتب) به معنی جمع است و یا مأخوذ از کلمه (الکتابه) است و یا که به معنی احادیث نوشته شده در باب ایمان می باشد، و معنی اسلام نیز در آن گنجانیده شده است، زیرا اسلام و ایمان در شریعت به معنی واحد است، لکن به اعتبار معنی لغوی (ایمان و اسلام) فرق دارد زیرا ایمان اصل و مدار فصل میان کفر و عدم کفر است، ایمان در اینجا به خاطر شرف و فضیلت آن مقدم بیان شده است، زیرا ایمان شرط اساسی عبادات است نسبت به معاملات؛ و آن عبارت از تصدیق با اطمینان می باشد، و ایمان در شرع به معنی تصدیق قلب است به آنچه که از جانب پروردگار تعین گردیده است، چنانچه گفته شود! مومن کسی است که نفس خود را در دنیا و آخرت از عذاب الهی در امان داشته باشد، یا اینکه گفته شود در امان گردید هنگام که تصدیق نمود، و گفته شده که صاحب امن شدم، بعداً مفهوم آن به تصدیق که متعدی به لام است انتقال میابد، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ﴾<sup>(۱)</sup>، یعنی: « و تو هرگز ما را باور نمی داری هر چند راستگو هم باشیم »؛ و این قول الله تعالی نیز به آن گواه است که می فرماید: فرعون گفت: ﴿ قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ ﴾<sup>(۲)</sup>؛ یعنی: « فرعون گفت: آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید »؛ در این آیات ایمان تضمین کننده اعتراف است.»

مصنف - رحمه الله - بعد از شرح مفصل آن و تشریح (کتاب الایمان) می فرماید: علماء معنی ایمان را به سه دسته تقسیم نموده اند:

- تعدادی گفته اند که: ایمان مجرد تصدیق است.
  - بعضی گفته اند که: ایمان عمل قلب و لسان هر دو می باشد، و گفته شده که: اقرار شرط اجزاء، احکام است نه صحت ایمان.
  - برخی از علماء گفته اند که ایمان فعل قلب، لسان و عمل به سائر جوارح است.
- همچنان مصنف - رحمه الله - در تشریح کلمه ایمان مفصل صحبت نموده و نظریات فقها و فرق دیگر کلامی را نیز بیان کرده است<sup>(۳)</sup>.
- ۲- کتاب الزکاة:

(۱) سوره یوسف، آیه ۱۷.

(۲) سوره طه، آیه ۷۱.

(۳) نگاه: مرآة المفاتیح، کتاب الایمان، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۶.

« هي في اللغة الطهارة وقال تعالى: قد أفلح من تزكى (الأعلى) والنما يقال زكى الزرع إذا نمى سعى بها نفس المال، المخرج حقا لله تعالى: في عرف الشارع قال تعالى وآتوا الزكاة ومعلوم أن متعلق الإيتاء هو المال وفي عرف الفقهاء هو نفس فعل الإيتاء لأنهم يصفونه بالوجوب ومتعلق الأحكام الشرعية»<sup>(١)</sup>.

ترجمه: « زكاة در لغت به معنی طهارت و پاکیزه گی گفته شده، چنانچه الله - تبارک و تعالی - در قرآن کریم می فرماید: ﴿ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ﴾<sup>(٢)</sup>؛ یعنی: « به راستی کسی که خود را پاکیزه داشت رستگار شد »؛ و زکاة به معنی رشد و نمو نیز خوانده شده، وقت کشت و زراعت نمو نماید گفته می شود (زکی الزرع، و زکاة در عرف شارع (الله سبحا) چنین بیان گردیده است، الله متعال می فرماید: ﴿ وَآتُوا الزَّكَاةَ ﴾<sup>(٣)</sup>؛ یعنی: « و زکات را پردازید »؛ که در اینجا چیزی که به کلمه ( إيتا) تعلق دارد مال است، و زکاة در نزد فقها نیز نفس فعل ایتا هدف می باشد و آنرا به وجوب صفت نموده است ».

از آنچه گفته شده چنین نتیجه گرفته می شود که مصنف مرقاة المفاتيح - رحمه الله - در اثنای شرح احادیث توجه جدی و همه جانبه را در شرح کتابهای (مشکاة المصابیح) مبذول داشته.

### ب: منهج ملاعلی قاری در شرح ابواب کتابهای مشکاة المصابیح

همان طوریکه ملاعلی قاری - رحمه الله - کتابهای مشکاة المصابیح را بشکل همه جانبه شرح نموده است؛ ابواب این کتابها را نیز شرح نموده و مناسبت احادیث را با باب مربوطه نیز بیان نموده است، همچنان نظریات علماء را نیز پیرامون همان باب مفصلاً ذکر و مناقشه کرده، مانند:

#### ١- باب الكبائر:

« الكبائر: جمع كبيرة، وهي السيئة العظيمة التي خطيئتها في نفسها كبيرة، وعقوبة فاعلها عظيمة بالنسبة إلى معصية ليست بكبيرة. وقيل: الكبيرة ما أوعد عليه الشارع بخصوصه، وقيل: ما عين له حد... وللشيخ ابن حجر كتاب نفيس في هذا الباب يسمى الزواجر عن الكبائر، وقيل: كل معصية كبيرة نظرا إلى عظمة الله تعالى، وقيل: لا صغيرة مع الإصرار ولا كبيرة مع الإستغفار»<sup>(٤)</sup>.

(١) مرقاة المفاتيح، كتاب الزكاة، ج ٤، ص ٢٢٣.

(٢) سورة الاعلى، آيه ١٤

(٣) سورة البقره آيه ٢٧٧.

(٤) مرقاة المفاتيح، كتاب الايمان، باب الكبائر، ج ١، ص ٢٠٣.

ترجمه: « کبائر جمع کبیره می باشد، و آن عبارت از گناه بزرگ می باشد که خطای آن در نفسش نیز کبیره خوانده شده، و عقوبت فاعل آن نسبت به بزرگی معصیت عظیم نسبت، که بعداً مصنف پیرامون معنی آن می فرماید: گناه کبیره آن است که شارع در باره آن وعید نازل کرده است؛ یا گناه کبیره آن است که در آن حدی تعیین گردیده باشد... مصنف در ادامه می گوید: شیخ ابن حجر در این باره کتاب ارزشمند دارد تحت عنوان (الزواجر عن الكبائر)، و گفته شده: تمام معاصی نظر به عظمت وجبروت الله - تبارک و تعالی - گناه کبیره است؛ و گفته شده: گناه صغیره در صورت اصرار وجود ندارد و گناه کبیره در صورت استغفار وجود نمی داشته باشد (گناه صغیر با تکرار به گناه کبیره مبدل می گردد در حالی که گناه کبیره با استغفار و طلب آمرزش از کبیره بودن خارج می شود ) .»

## ۲- باب الإعتصام بالكتاب والسنة:

« العصمة المنع والعاصم المانع الحامي والإعتصام بالإستمساک بالشيء افتعال منه، قال تعالى: واعتصموا بحبل الله جميعا آل عمران أي تمسكوا بالقرآن والسنة على سبيل الإستعارة كذا قيل: والمشهور أن المراد بحبل الله هو القرآن كما ورد في بعض الأحاديث، والإعتصام به مستلزم للإعتصام بالسنة، لقوله تعالى: وما أتاكم الرسول فخذوه وما نهاكم عنه فانتهوا الحشر، والمراد بالسنة هنا أقواله وأفعاله وأحواله المعبر عنها بالشریعة والطريقة والحقیقة، ولذا قال: بعثت لأتمم مكارم الأخلاق » (۱).

ترجمه: « کلمه عصمه به معنی منع و (العاصم) به معنای مانع می باشد، و کلمه (الاعتصام) چنگ زدن به عملی که قبلاً موجود نبوده می باشد، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿واعتصموا بحبل الله جميعاً﴾ (۲)؛ ترجمه: « و همگي به ريسان (دين) الله متعال چنگ زنيده »؛ يعنى: چنگ بزنيده به قرآن كريم وسنت مطهر نبى - صلى الله عليه وسلم - ، مشهور اين است كه مراد از (حبل الله) قرآن كريم مي باشد چنانچه در بعضى احاديث نيز اين قول وارد شده است؛ و از استلزام به قرآن استلزام به سنت نيز ثابت مي گردد، چنانچه الله متعال مي فرمايد: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ (۳). ترجمه: « و آنچه كه پيامبر - صلى الله عليه وسلم - به شما بدهد آن را بگيريده و از آنچه كه شما را از آن باز مي دارد اجتناب نماييد »؛ و مراد از سنت در اينجا اقوال، افعال و احوال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - است كه از آن به شريعت، طريقت و حقيقت نيز تعبير مي

(۱) مرقاة المفاتيح، كتاب الايمان، باب الاعتصام بالكتاب والسنة، ج ۱، ص ۳۳۵.

(۲) سوره آل عمران، آيه ۱۰۳.

(۳) سوره الحشر، آيه ۷.

گردد، لذا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: « عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ( إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ ) (۱). ترجمه: « از ابی هریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: من فقط برای کامل کردن و تمام گردانیدن ارزش های اخلاقی مبعوث شده ام. »

۳- باب صدقة الفطر:

ملاعلی قاری - رحمه الله - در شرح باب صدقه فطر می فرماید: « صدقة الفطرة وزكاة الفطر أو الفطرة فوجوبها عليها تزكية للنفس أي تطهير لها وتنقية لعملها » (۲).

خلاصه اینکه مصنف - رحمه الله - کتابها و ابواب کتاب مشکاة المصابيح را در شرح خود مفصل بیان نموده و اقوال علماء را پیرامون آن گرد آوری نموده اند، که مثالهای آن فوقاً تحریر یافت.

### مطلب دوم: منهج ملاعلی قاری در بیان غریب الحدیث و إعراب آن

ملاعلی قاری - رحمه الله - به شرح الفاظ غریب و مشکل حدیث همچنان اعراب حدیث اهتمام نموده، و آنرا شرح و بیان کرده است، مانند شرح الفاظ غریب احادیث ذیل:

أ: ( عن عائشة - رضي الله عنها - قالت: « صلى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - في خميسة لها أعلام فنظر إلى أعلامها نظرة فلما انصرف قال: اذهبوا بخميصتي هذه إلى أبي جهم وأتوني بأبجانية أبي جهم فإنها ألهتني أنفا عن صلاتي » (۳).

ترجمه: « عایشه - رضی الله عنها - می فرماید: نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - در لباسی که دارای نقش و نگار بود، نماز خواند؛ و نظرش به نقشهای آن افتاد پس از اتمام نماز، فرمود: این چادر را به ابوجهم بدهید و چادر بی نقش و نگار او را برای من بیاورید زیرا هم اکنون، این نقش و نگارها، توجه مرا از نماز بسوی خود جلب کرده. »

چون کلمه (بأبجانية) از کلمات غریب و نا آشنای در این حدیث می باشد، لذا ملاعلی قاری - رحمه الله - در شرح و توضیح کلمه (بأبجانية) می فرماید:

« وهي بفتح الهمزة وسكون النون وكسر الموحدة وتفتح وتشديد التحتية على ما في النسخ المصححة وقال ابن حجر بكسر الهمزة وفتحها وفيه أنه مخالف للمحفوظ من الرواية والدراية ففي المغني هي بفتح الهمزة كساء لا علم له وفي

(۱) السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي، امام البيهقي، ج ۱۰، ص ۱۹۱، حدیث (۲۰۵۷۱).

(۲) مرقاة المفاتیح، کتاب الزكاة، باب صدقة الفطر، ج ۴، ص ۲۷۹.

(۳) صحیح بخاری، ابواب الصلوة فی الثیاب، باب إذا صلی فی ثوب له أعلام ونظر إلى علمها، ج ۱، ص ۱۴۶، حدیث (۳۶۶).



القاموس منبج كجلس موضع وكساء منبجاني وانبجاني بفتح بائهما نسبة على غير قياس وفي النهاية المحفوظ في انبجانية كسر الباء ويروى بفتحها وهو منسوب إلى منبج بلدة معروفة بالشام وهي مكسورة الباء ففتحت في النسب «(١)».

ترجمه: «كلمه (أنبجانية) به فتح همزة و سکون نون و کسر با تلفظ می گردد، لکن ابن حجر گفته است: که به کسر و فتح همزه که در این قول به اصل (روایت و درایت) حدیث مخالفت صورت می گیرد، و در مغنی نیز به فتح همزه خوانده شده است؛ عبارت از رخت و پارچه است که نام خاص بالای آن گذاشته نشده است، و در قاموس نیز کلمه (منبج) مانند مجلس تلفظ گردیده است، منبجانی و انبجانی بفتح هردو با یک نسبت غیر قیاسی است، که در النهاية فی غریب الحدیث (انبجانية) به کسر با تلفظ گردیده است و همچنان به فتح آن نیز روایت شده است، و این کلمه به شهر (منبج) که در کشور شام یا (سوریه امروزی) موقعیت دارد به کسر با که در مکان نسب منسوب می گردد منسوب می باشد.»

یعنی: (خمیصه) پارچه ای است مربع و خط دار و (انبجانیه) پارچه ای است بدون خط و کلفت ضخیم.

ب: (عن ابن عمر - رضی الله عنه - قال: قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - : بني الإسلام على خمس: شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمدا عبده ورسوله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة والحج وصوم رمضان، متفق عليه) (٢). ترجمه: «از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نخست، گواهی دادن بر اینکه الله متعال، یکی است و جز او تعالی، معبود برحق وجود ندارد و محمد - صلی الله علیه وسلم - رسول الله است؛ دوم: اقامه نماز، سوم: دادن زکات، چهارم: ادای حج، پنجم: روزه گرفتن ماه مبارک رمضان.»

ملاعلی قاری - رحمه الله - پیرامون اعراب این حدیث، چنین می فرماید:

«والحج بفتح الحاء وكسرها مصدران وفي رواية وج البيت أي قصده لأداء النسك فاللام عوض عن المضاف إليه وقيل اللام للعهد الذهني» (٣).

(١) مرقاة المفاتیح، کتاب الصلوة، باب الستر، ج ٢، ص ٤٣٢، حدیث (٧٥٧).

(٢) صحیح بخاری، کتاب الایمان، باب قول النبی صلی الله علیه و سلم (بني الإسلام على خمس)، ج ١، ص ١٢، حدیث شماره (٨)؛ صحیح مسلم، کتاب الایمان،

قول النبی صلی الله علیه و سلم (بني الإسلام على خمس)، ج ١، ص ٣٤ حدیث شماره (٧)؛ و مرقاة المفاتیح، ج ١، ص ١٣٠، حدیث (٤).

(٣) مرقاة المفاتیح، ج ١، ص ١٣٠، حدیث (٤).

ج: ( عن عبد الله بن مسعود قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: « ليس منا من ضرب الحدود وشق الجيوب ودعا بدعوى الجاهلية »<sup>(۱)</sup>).

ترجمه: « عبدالله ابن مسعود - رضی الله عنهما - می فرماید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: کسی که (پس از مردن کسی دیگر و در فراق او) بر چهره اش بزند و گریبان پاره نماید یا فریاد جاهلانه بکشد، از ما نیست ».

مصنف مرقاة المفاتیح در شرح اعراب این حدیث می فرماید:

« ليس منا أي من أهل سنتنا وطريقتنا أو ليس من أمتنا وأهل ملتنا والمراد الوعيد والتغليظ الشديد من ضرب الحدود جمعه لمقابلة الجمع بالجمع فإن من مفرد اللفظ مجموع المعنى وشق الجيوب بضم الجيم وكسر وفي معناه طرح العمامة وضرب الرأس على الجدر وقطع الشعر ودعا بدعوى الجاهلية أي بدعائهم يعني قال عند البكاء ما لا يجوز شرعا مما يقول »<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « از ما نیست ویا از اهل سنت و طریقت ما و از جمله اُمت ما نیست ویا از اهل ملت ما نیست، مراد از آن وعید و شدت در این حدیث شدت و قباحت فعل است برای کسانی که در هنگام مصیبت به روی خود می زنند، گرچه کلمه حدود جمع آمده است، در غیر آن از مفرد این لفظ نیز معنی جمع افاده می گردد، جیوب به ضم و کسر جیم به معنی: پاره نمودن گریبان و دور انداختن دستار، و سرخود را به دیوار زدن، و کندن موها، و در گریه خود شعر، الفاظ کفری که در شریعت جواز ندارد می باشد، یعنی: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از چنین اعمال منع نموده و مرتکبین آنرا از جمله اُمت ندانسته است ( ) ».

### مطلب سوم: منهج ملاعلی قاری در بیان قواعد نحوی حدیث

اکثر علماء حدیث در اثنای شرح حدیث به تحقیق مسائل نحوی حدیث می پردازند، ملاعلی قاری - رحمه الله - نیز از جمله ای همین علماء می باشد، وی در اثنای شرح قواعد نحوی حدیث را تحقیق نموده و اقوال محدثین را پیرامون آن بیان کرده است، بعضی از مثالهای آن قرار ذیل است:

(۱) صحیح بخاری، کتاب الجنائز، باب ليس منا من ضرب الحدود، ج ۱، ص ۴۳۶، حدیث (۱۲۳۵).

(۲) مرقاة المفاتیح، کتاب الزکاة، باب صدقة الفطر، ج ۴، ص ۱۸۱-۱۸۲.

أ: ( عن الفضل بن عباس - رضي الله عنهما - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : الصلاة مثنى مثنى تشهد في كل ركعتين وتخشع وتضرع وتمسكن ثم تقنع يديك يقول ترفعها إلى ربك مستقبلاً ببطونها وجهك وتقول يا رب يا رب ومن لم يفعل ذلك فهو كذا وكذا؛ وفي رواية: فهو خداج ) (١).

ترجمه: « فضل بن عباس - رضي الله عنهما - می گوید: پیامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمود: نماز دو رکعت است که در هر دو رکعت (تشهد) و خشوع و خضوع و تضرع و فروتنی در پیشگاه پروردگار جهانیان و اظهار بینوایی وضعیفی و بی چیزی و مسکنت است، و هنگام که از نماز فارغ شدی دست هایت را در حالی که کف آنها مقابل و ربروی رخسارت باشد به سوی پروردگارت بلند کن و بگو: پروردگارا! پروردگارا! و هرکس این چنین نکند، نمازش چنین و چنان است، یعنی: ناقص و نا تمام است ». »

مصنف - رحمه الله - در شرح این قول رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ( ثم تقنع يدك ) می فرماید: « وأما قوله ثم تقنع يديك من إقناع اليدين رفعها في الدعاء ومنه قوله تعالى مقنعي رؤوسهم إبراهيم أي ترفع بعد الصلاة يديك للدعاء فعطف على محذوف أي إذا فرغت منها فسلم ثم ارفع يديك سائلاً حاجتك... » (٢).

ترجمه: « کلمه تقنع از اقناع گرفته شده و معنی آن بالا کردن دستان است در هنگام دعا و نیایش بسوی پروردگار، چنانچه الله - تبارک و تعالی - می فرماید: ﴿مُقْنِعِي رُؤُوسِهِمْ﴾ (٣)؛ یعنی: و درحالیکه سر بر افراشته اند؛ بعد از نماز دو دست را بخاطر دعا بسوی الله متعال بلند کنید، و گفته شده که کلمه (تقنع يديك) عطف بالای محذوف می باشد، که در آنصورت تقدیر سخن این است که هنگام که از نماز فارغ شدی سلام بگردان، و بعداً دستانت بخاطر دعا، نیایش و طلب حاجت بلند کن ». »

ب: (عن عمر بن الخطاب - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : إنما الأعمال بالنيات وإنما لكل امرئ ما نوى فمن كانت هجرته إلى الله ورسوله فهجرته إلى الله ورسوله ومن كانت هجرته إلى ديار يصيبها أو امرأة يتزوجها فهجرته إلى ما هاجر إليه ) (٤).

ترجمه: « حضرت عمر بن خطاب - رضي الله عنه - می گوید: از رسول الله - صلى الله عليه وسلم - شنیدم که فرمود: اعمال به نیت ها بستگی دارند و با هر کس، مطابق نیتش رفتار می شود، پس هر کس، به خاطر

(١) سنن الرمذی، ابواب الصلاة، باب التخشع في الصلاة، ج ٢، ص ٢٢٥، حدیث (٣٨٥)، شیخ البانی این حدیث را ضعیف گفته است؛ همچنان شعیب الأرنؤوط این حدیث را به روایت امام احمد ضعیف دانسته است، نگاه: مسند الإمام أحمد بن حنبل، أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشیبانی، مؤسسة قرطبة - القاهرة، ج ١، ص ٢١١، حدیث (١٧٩٩).

(٢) مرقاة المفاتیح، کتاب الصلاة، باب صفة الصلاة، ج ٢، ص ٤٨٤، حدیث (٨٠٥).

(٣) سوره ابراهیم، آیه ٤٣.

(٤) صحیح بخاری، کتاب بدء الوحي، باب كيف كان بدء الوحي إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، ج ١، ص ٣، حدیث (١).

مقاصد دنیوی یا ازدواج با زنی، هجرت نماید، به دنیا دست می یابد و با آن زن، ازدواج می کند، در نتیجه، دستاورد هجرت هر کس، همان چیزی است که به خاطر آن، هجرت نموده است.»

ملاعلی قاری - رحمه الله - پیرامون قواعد نحوی این حدیث می فرماید:

« قیل: کلمة إنما بسیطة وقیل: مرکبة من إن وما الکافة أو الزائدة للتأکید وقیل: مرکبة من إن النافية فهي عاملة برکنیها إيجابا ونفيا فيحرف التحقيق تثبت الشيء وبحرف النفي تنفي ما عداه وما اعترض عليه من لزوم اجتماع الضدين على شيء واحد ومن أن إن وما کلاهما يقتضي الصدارة مدفوع بأن هذا إنما هو قبل التركيب...»<sup>(۱)</sup>.

### مطلب چهارم: عنایت ملاعلی قاری به تراجم راوی حدیث

راوی حدیث به کسی گفته می شود که حدیث را به اسناد خویش نقل می کند و لازم است که احوال راوی از حیث تحمل و أداء، جرح و تعدیل قبول و عدم قبول بیان گردد، به همین خاطر است که محدثین به ترجمه راوی حدیث اهتمام زیاد نموده اند، از آن جمله ملاعلی قاری - رحمه الله - می باشد، وی در کل، راوی حدیث را بطور اجمال و اختصار معرفی نموده؛ مانند: معرفی اسم راوی، سال تولد و تاریخ مسلمان شدن راوی، رحلات و سفرهای وی در طلب حدیث، و بعضی اوقات استادان و شاگردان راوی، سال وفات و محل دفن راوی، و مسائل دیگر را نیز شرح و بیان کرده است، همچنان تعداد از راویان حدیث و کبار صحابه - رضوان الله علیهم اجمعین - مثل حضرت عمر فاروق، عثمان بن عفان، انس بن مالک، عبد الله بن عباس، ابی هریره، عبد الله بن عمر، ام المؤمنین عائشه - رضوان الله علیهم اجمعین - و غیر اینها را با تفصیل بیشتر ذکر و تعریف نموده، که برخی از مثالهای آن قرار ذیل است:

أ: ( عن عمر بن الخطاب - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم -: إنما الأعمال بالنيات وإنما لكل امرئ ما نوى فمن كانت هجرته إلى الله ورسوله فهجرته إلى الله ورسوله ومن كانت هجرته إلى دنیا يصيبها أو امرأة يتزوجها فهجرته إلى ما هاجر إليه )<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: عمر بن خطاب - رضي الله عنه - می گوید: از رسول الله - صلى الله عليه وسلم - شنیدم که فرمود: « اعمال به نیت ها بستگی دارند و با هر کس به اساس نیت اش رفتار می شود پس هر کس، به خاطر مقاصد دنیوی یا ازدواج با زنی، هجرت نماید، به دنیا دست می یابد و با آن زن، ازدواج می کند در نتیجه، دستاورد هجرت هر کس، همان چیزی است که به خاطر آن، هجرت نموده است.»

(۱) مرقاة المفاتیح، خطبة الكتاب، ج ۱، ص ۹۳، حدیث (۱).

(۲) صحیح بخاری، کتاب بدء الوحي، باب كيف كان بدء الوحي إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، ج ۱، ص ۳، حدیث (۱).

ملاعلی قاری - رحمه الله - پیرامون راوی این حدیث چنین می فرماید:

« عمر بن الخطاب المسمى بالفاروق على ما دل عليه الكتاب وأول من سمي بأمر المؤمنين فيما بين الأصحاب رضي الله عنه وهو عدوي قرشي يجتمع مع النبي صلى الله عليه وسلم في كعب بن لؤي كناه النبي صلى الله عليه وسلم بأبي حفص وهو لغة الأسد ولقبه بالفاروق لفرقاته بين الحق والباطل قال القاضي في تفسيره عند قوله تعالى يريدون أن يتحاكموا إلى الطاغوت النساء عن ابن عباس رضي الله عنهما أن منافقا خاصم يهوديا فدعاه اليهودي إلى النبي صلى الله عليه وسلم ودعاه المنافق إلى كعب بن الأشرف ثم إنهما احتكما إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم فحكم لليهودي فلم يرض المنافق وقال تتحاكم إلى عمر فقال اليهودي لعمر قضي لي رسول الله فلم يرض بقضائه وخاصم إليك فقال عمر للمنافق أكذاك؟ قال: نعم فقال مكانكما حتى أخرج إليكما فدخل فأخذ سيفه ثم خرج فضرب به عنق المنافق حتى برد وقال هكذا أفضي لمن لم يرض بقضاء الله ورسوله فنزلت وقال: جبريل إن عمر فرق بين الحق والباطل فسمي الفاروق وقيل بإسلامه إذ أمر المسلمين قبله كان في غاية من الخفاء وبعده على غاية من الظهور والجلء أسلم بعد أربعين رجلا وعشرة امرأة سنة ست من النبوة وقيل أسلم مع النبي صلى الله عليه وسلم ثلاثة وثلاثون رجلا وست نسوة ثم أسلم عمر فنزلت يا أيها النبي حسبك الله ومن اتبعك من المؤمنين الأنفال ببيع له بالخلافة بعد موت الصديق بعهد إليه ونصه عليه سنة ثلاث عشرة من الهجرة ففتح البلاد الكثيرة والفتوح الشهيرة واستشهد على يد نصراني اسمه أبو لؤلؤة غلام مغيرة بن شعبة بالمدينة في صلاة الصبح من يوم الأربعاء لأربع بقين من ذي الحجة عام ثلاث وعشرين من الهجرة وهو ابن ثلاث وستين على الأصح وكانت خلافته عشر سنين ونصفا وصلى عليه صهيب روى عنه أبو بكر وباقي العشرة وخلق كثير من الصحابة والتابعين أحاديثه المرفوعة خمسمائة وسبعة وثلاثون له في الصحيحين أحد وثمانون انفرد البخاري منها بأربعة وثلاثين ومسلم بأحد وعشرين نقش خاتمة كفى بالموت واعظا كان شديدا في أمر الله عاقلا مجتهدا صابرا محتسبا جعل الحق على لسانه وأعز الدين به واستبشر أهل السماء بإسلامه وله فضائل لا تحد وشمائل لا تعد» (١).

ترجمه: « در این حدیث ملاعلی قاری - رحمه الله - راوی حدیث (حضرت عمر فاروق - رضی الله عنه - را مفصل معرفی نموده که نکات اساسی آن چنین است: عمر بن خطاب - رضی الله عنه -، مسمی به فاروق و اولین کسیکه از جمله صحابه به امیر المؤمنین ملقب گردید، وی عدوی قرشی النسب است سلسله نسب او با نبی - صلی الله علیه وسلم - در کعب بن لؤی یکجا می شود، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - کنیه او را ابي حفص ولقبش را (الفاروق) خوانده است بخاطر که وی میان حق و باطل فرق نموده است، چنانچه روایت

(١) مرآة المفاتيح، خطبة الكتاب، ج ١، ص ٩٢، حدیث (١).

شده که روزی یهودی با منافق مخاصمه نمودند و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در حق یهودی فیصله کرد آنگاه منافق قبول نکرد و گفت نزد عمر - رضی الله عنه - می رویم و فیصله می کنیم، هنگام که نزد حضرت عمر - رضی الله عنه - رفتند یهودی قصه را گفت، حضرت عمر - رضی الله عنه - برای آنها فرمود: شما لحظه همین جا درنگ کنید من زود بر می گردم، و با شمشیر آمد و گردن منافق را زد و سر از تنش جدا کرد، و فرمود کسیکه فیصله رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را قبول نمی کند فیصله من در حقیقت چنین است<sup>(۱)</sup>؛ حضرت عمر - رضی الله عنه - بعد از چهل مرد و ده زن در سال ششم نبوت مسلمان شده است، هنگام که مسلمان شد این آیه نازل گردید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>(۲)</sup> یعنی: «ای پیامبر - صلی الله علیه وسلم -! الله متعال برای تو و برای مؤمنانی که از تو پیروی کرده اند کافی است»، بعد از حضرت ابو بکر صدیق - رضی الله عنه - مسلمانان در سال (۱۳هـ) با او بیعت نمودند، در زمان خلافت او شهرها و بلاد زیادی توسط مسلمانان فتح گردید، بلاخره این صحابه دلیر و امیر المؤمنین توسط ابو لؤلؤ غلام مغیره بن شعبه در مدینه منوره هنگام ادای نماز صبح روز چهارشنبه تاریخ ۴ ذی الحجه سال (۲۳هـ) در سن (۶۳) ساله گی داعی اجل را لبیک گفت و شهید گردید، دوره خلافت او (ده سال و شش ماه) بوده است، از وی ابو بکر صدیق و عشره مبشره حدیث روایت نموده است، احادیث مرفوع که از وی روایت شده (۵۳۷) حدیث است که در صحیحین (۸۱) حدیث که از آن جمله بخاری (۳۴) حدیث و مسلم (۲۱) حدیث روایت نموده، حضرت عمر فاروق - رضی الله عنه - از جمله واعظین، مجتهدین، صابرين، عاقلین صحابه بوده است که الله متعال حق را به زبانش جاری ساخته بود و الله متعال دین مقدس اسلام را با مسلمانی او عزت بیشتر بخشید، اگر بخواهیم پیرامون فضائل و شمائل حضرت عمر فاروق - رضی الله عنه - سخن بگویم طولانی شده و بیرون از مقصد این پایان نامه است.»

(۱) امام سیوطی - رحمه الله - می گوید: این حدیث را ابن ابی حاتم و ابن مردویه از طریق ابی أسود بشکل مرسل چنین روایت نموده: (ثنا یونس بن عبد الأعلى أنا ابن وهب أخبرني عبد الله بن لهيعة عن أبي الأسود قال اختصم رجلان إلى النبي {صلى الله عليه وسلم} ففضى بينهما فقال الذي فضى عليه ردنا إلى عمر بن الخطاب فقال رسول الله {صلى الله عليه وسلم} انطلقا إليه فلما أتياه قال الرجل يا بن الخطاب إن هذا قضى لي عليه رسول الله {صلى الله عليه وسلم} فقال ردنا إلى عمر فردنا إليك فقال عمر كذلك قال نعم فقال عمر مكانكما حتى أخرج إليكما فأقضي بينكما فخرج إليهما مشتملا سيفه فضرب عنق الذي قال ردنا)، و این حدیث غریب نیز می باشد، زیرا در اسناد آن ابن لهیعه موجود است که او ضعیف است؛ نگاه: تخریج الأحادیث والآثار الواقعة في تفسیر الکشاف للزمخشري، جمال الدین عبد الله بن یوسف بن محمد الزلیعی، دار ابن خزیمه - الرياض - ۱۴۱۴هـ، الطبعة: الأولى، تحقیق: عبد الله بن عبد الرحمن السعد، ج ۱، ص ۳۳۰.

(۲) سوره الانفال، آیه ۶۴.

ب: ( عن أبي هريرة - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : الإيمان بضع وسبعون شعبة فأفضلها: قول لا إله إلا الله وأدناها: إمطة الأذى عن الطريق والحياة شعبة من الإيمان ) (١).

ترجمه: « از ابی هریره - رضی الله عنه - روایت است: که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: ایمان دارای هفتاد و چند شاخه و شعبه است، افضلترین آن، شعار توحید، و پایین ترینش برداشتن چیز زیان آور و مودی از سر راه عمومی مردم می باشد، و حیا بخشی از ایمان محسوب می گردد ».

راوی حدیث در حدیث فوق حضرت ابی هریره - رضی الله عنه - است و صاحب مرقاة المفاتیح وی را چنین معرفی نموده:

« ابی هریره - رضی الله عنه - تصغیر هرة قال: المؤلف قد اختلف الناس في اسم أبي هريرة ونسبه اختلافا كثيرا وأشهر ما قيل فيه أنه كان في الجاهلية عبد شمس أو عبد عمرو وفي الإسلام عبد الله أو عبد الرحمن وهو دوسي قال الحاكم أبو أحمد أصح شيء عندنا في اسم أبي هريرة عبد الرحمن بن صخر وغلبت عليه كنيته فهو كمن لا اسم له أسلم عام خيبر وشهداها مع النبي ثم لزمه وواظب عليه راغبا في العلم راضيا بشعب بطنه وكان يدور معه حيثما دار وكان من أحفظ الصحابة قال البخاري روى عنه أكثر من ثمانمائة رجل ما بين صحابي وتابعي فمنهم ابن عباس وابن عمر وجابر وأنس قيل سبب تلقيبه بذلك ما رواه ابن عبد البر عنه أنه قال كنت أحمل يوما هرة في كمي فرآني رسول الله فقال ما هذه فقلت هرة فقال يا أبا هريرة وبلغ ما رواه خمسة آلاف حديث وثلثمائة وأربعة وستين والصحيح أنه توفي بالمدينة سنة تسع وخمسين وهو ابن ثمان وسبعين ودفن بالبقيع وما قيل إن قبره بقرب عسفان لا أصل له كما ذكره السخاوي وغيره » (٢).

ترجمه: « درباره اسم ابی هریره - رضی الله عنه - در میان علماء اختلاف زیادی وجود دارد، از مشهورترین اقوال این است که اسم وی در جاهلیت (عبدالشمس یا عبد عمرو بوده است) و بعد از ایمان آوردن او نامش به عبدالله یا عبدالرحمان تغییر یافت، نسبت نسب وی به قبیله دوسی گردیده، حاکم ابو احمد می گوید: صحیح ترین قول که راجع به اسم ابی هریره به ما رسیده این است که نام وی ابی هریره عبدالرحمان بن صخر است و کنیه وی نسبت به اسم اش غالب و مشهور است، در سال خیبر به دین مقدس اسلام مشرف گردید، بعد از آن همراه با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - یکجا شده و در فراگیری علوم اسلامی بخصوص علم حدیث شریف کوشش های خسته گی ناپذیری نمود به خاطر رغبتی که در تحصیل علم داشت به فقر مالی قانع بود، وی یکی

(١) صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب شعب الایمان، ج ١، ص ٤٦، حدیث (١٦٢).

(٢) مرقاة المفاتیح، کتاب الایمان، ج ١، ص ١٣٣-١٣٤، حدیث (٥).

از حافظان برتر صحابه - رضوان الله عنهم اجمعين - بوده، امام بخاری - رحمه الله - می فرماید: از ابی هریره - رضی الله عنه - بیشتر از (۸۰۰) صحابی و تابعی حدیث روایت کرده: که مشهورترین آنها عبد الله ابن عباس، عبد الله ابن عمر، جابر و انس - رضی الله عنهم اجمعين - می باشند، سبب تلقیب آن به (ابی هریره) را ابن عبدالبر چنین روایت نموده: ابی هریره می فرماید: روزی در آستینم چوچه پشک را حمل می کردم که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - مرا دید گفت این چی است؟ گفتم: این پشک است، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - برایم گفت: (یا ابا هریره) یعنی: ای پدر پشک که بعد از این به این لقب مشهور شدم، تعداد روایات او را (۵۳۶۴) حدیث گفته اند، سرانجام وی در سال (۵۵۹هـ) در حالی که (۷۸) سال عمر داشت در مدینه منوره داعی اجل را لبیک گفت، و در بقیع بخاک سپرده شده، - رضی الله عنه - «.

### مطلب پنجم: موقف ملاعلی قاری در باره راوی مبهم

یکی از خصوصیات مصنف مرقاة المفاتیح این است: هنگام که در معرفت راوی برایش شک و شبهه ایجاد گردد، وی جمع کثیر از مسلمانان را به این اسم و لقب ذکر می نماید، و احياناً کتبه آنها را نیز بیان می کند، چنانچه در بسا موارد آراء علماء رجال را نیز در این باره بیان و نقل نموده، بعداً راوی را که همان حدیث را روایت نموده توضیح و از دیگر اشخاص تفکیک می کند، برخی از مثالهای آن قرار ذیل است:

أ: ( عن ابن الديلمی قال: أتیت أبی بن کعب فقلت له: قد وقع فی نفسي شيء من القدر فحدثني بشيء لعل الله أن يذهبه من قلبي قال لو أن الله عذب أهل سماواته وأهل أرضه عذبهم وهو غير ظالم لهم ولو رحمهم كانت رحمته خيراً لهم من أعمالهم ولو أفنقت مثل أحد ذهباً في سبيل الله ما قبله الله منك حتى تؤمن بالقدر وتعلم أن ما أصابك لم يكن ليخطئك وأن ما أخطأك لم يكن ليصيبك ولو مت على غير هذا لدخلت النار قال ثم أتيت عبد الله بن مسعود فقال مثل ذلك قال ثم أتيت حذيفة بن اليمان فقال مثل ذلك قال ثم أتيت زيد بن ثابت فحدثني عن النبي صلى الله عليه وسلم مثل ذلك ) (۱).

ترجمه: « ابن ديلمی می فرماید: به نزد ابی بن کعب - رضی الله عنه - رفتم و به او گفتم: در باره قضا و قدر الهی در دلم شک و تردیدها و وسوس و افکار بد و نا مطلوبی (از قبیل مختار بودن انسان و مجبور بودنش) ایجاد شده است، حال شما مرا به چیزی رهنمود سازید تا بر اساس آن الله - تبارک و تعالی - این شک و تردیدها و وسوس را از دلم دور گرداند؛ ابی بن کعب - رضی الله عنه - گفت: این را بدان: که اگر الله متعال تمام

(۱) سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني، دار الفكر - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، كتاب في الايمان و فضائل الصحابة و العلم، باب في القدر، ج ۱، ص ۲۹، حديث (۷۷).



موجودات و مخلوقات آسمانی وزمینی را به عذاب و عقاب خویش گرفتار کند، در این کارش ظالم و ستم پیشه نخواهد بود؛ و بدان: که اگر تمام آنها را در زیر چتر رحمت و لطف و کرم خویش قرار دهد این از فضل و کرم الهی است، چرا که رحم و لطف او از اعمال و کردار ناچیز و اندک بندگان، برای آنها بهتر و برتر خواهد بود؛ و بدان: اگر در راه الله متعال و در راستای دفاع و حمایت از اسلام و مسلمین به اندازه کوه (أحد) طلا انفاق و مصرف کنی، مورد قبول و پذیرش الله متعال قرار نخواهد گرفت تا وقتی که به تقدیر و سرنوشت مکتوب و مقرر ازلی، ایمان بیاوری و معتقد باشی که آنچه به تو رسیده و برایت پیش آمده، خطایی در آن نیست و آنچه از تو خطا رفته است، به تو نخواهد رسید، و همه بر اساس تقدیر و سرنوشت مکتوب ازلی است، یعنی: ( تا زمانی که به تقدیر و سرنوشت و قضا و قدر الهی معتقد نباشی، چیزی از تو پذیرفته نخواهد بود، نه صدقه و نه هیچ عمل نیک دیگری)؛ و اگر تو برخلاف چیزی که گفته شد، عقیده داشته باشی و در همان حال بمیری، راهی دوزخ خواهی شد، این دیلمی در ادامه می گوید: پس از شنیدن این سخن نزد ابن مسعود - رضی الله عنه - رفتم، او نیز بسان ابی بن کعب - رضی الله عنه - برایم توضیح داد و سخن گفت، بعد از آن نزد حذیفه بن یمان و زید بن ثابت - رضی الله عنهما - رفتم آنها نیز مسئله را از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به همین صورت برایم بیان کردند.»

ملاعلی قاری راجع به راوی مهیم (ابن دیلمی) در حدیث متذکره می فرماید:

« ابن الدیلمی - رضی الله عنه - هو أبو عبد الله وقيل أبو عبد الرحمن وقيل أبو الضحاک فیروز الدیلمی، ويقال: له الحمیری لنزوله فی حمیر وهو من أبناء الفرس الذین بعثهم کسری إلى الین، قال: محمد بن سعید ومن أهل الحدیث من یقول فیروز بن الدیلمی وهو واحد وفد فیروز علی رسول الله وهو قاتل الأسود العنسی الکذاب المدعی للنبوۃ قتله فی آخر حیاة النبی ووصل خبر قتله إیاه إلیه فی مرض الموت، فقال: علیه الصلاة والسلام قتله الرجل الصالح فیروز فاز فیروز فاز فیروز، ويقال: أن فیروز ابن أخت النجاشی روی عن ابن الضحاک وعبد الله وغیرهما توفی فی خلافة عثمان، وقیل: فی زمن معاویة بعد الخمسین کذا فی تهذیب الأسماء، قال: میرک شاه هذا کلام صحیح فی نفس الأمر لیس المراد من ابن الدیلمی فی هذا المحل هو فیروز الدیلمی بل المراد ابن الضحاک بن فیروز وهو تابعی مقبول من أوساط التابعین وأبوه معدود فی الصحابة وله أحادیث ویمکن أن یکون المراد به عبد الله بن فیروز أخا الضحاک وهو ثقة من کبار التابعین ومنهم من ذکره فی الصحابة وهذا الإحتمال عندي أظهر والله أعلم، وقد ذکر المصنف فی أسماء الرجال للمشکاة ابن الدیلمی هو الضحاک بن فیروز تابعی... »<sup>(۱)</sup>.

(۱) مرآة المفاتیح، کتاب الايمان، باب ايمان بالقدر، ج ۱، ص ۲۹۳-۲۹۴، حدیث (۱۱۵).

ترجمه: « ابن الدیلمی - رضی الله عنه - ابو عبدالله یا ابو عبدالرحمان ویا ابو الضحاک فیروز الدیلمی می باشد، وی را الحمیری بخاطر گفته اند که در (حمیر) سکونت نموده، حمیر: « نام یکی از شهرهای یمن است که در نزدیک شهر صنعا موقعیت دارد »<sup>(۱)</sup>؛ وی از اهل فارس بود که توسط کسری در یمن توظیف گردیده بود، اهل حدیث می گویند: که صرف یک نفر بنام فیروز ابن الدیلمی می باشد، (أسود العنسی الکذاب) که خود را مدعی نبوت می دانست توسط همین فیروز الدیلمی به قتل رسید، دیلمی او را در اخیر حیات رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بقتل رساند هنگام که خبر مرگ اسود العنسی به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - رسید، گفت: آنرا یک مرد صالح به قتل رساند، پیروز باد آن مرد (فیروز)؛ همچنان بعضی می گویند: فیروز خواهر زاده نجاشی پادشاه حبشه است که از ابن الضحاک و عبدالله - رضی الله عنهما - و غیره حدیث روایت نموده و در زمان خلافت حضرت عثمان - رضی الله عنه - و یا در زمان حضرت معاویه - رضی الله عنه - وفات شده، میرک شاه می گوید: که در این قول مراد از ابن الدیلمی، فیروز الدیلمی نیست بلکه مراد از آن ابن الضحاک بن فیروز که از جمله اوساط تابعین می باشد و پدرش از جمله صحابه کرام است؛ همچنان این احتمال نیز وجود دارد که مراد از (ابن الدیلمی) عبدالله بن فیروز برادر الضحاک از کبار تابعین ثقه می باشد، که بعضی آنرا صحابی نیز گفته است؛ که این قول نزد من (ملاعلی قاری) راجح می باشد، لکن مصنف (مشکاة المصابیح) در اسماء رجال کتاب مشکاة المصابیح او را (ابن الدیلمی الضحاک بن فیروز تابعی) گفته است...».

ب: ( عن عبد الله بن أبي بكر بن محمد بن عمرو بن حزم: « أن في الكتاب الذي كتبه رسول الله - صلى الله عليه وسلم - لعمر بن حزم: أن لا يمس القرآن إلا طاهر »<sup>(۲)</sup>).

ترجمه: « عبدالله بن ابی بکر - رضی الله عنه - می گوید: در نامه که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به عمرو بن حزم نوشت، آمده که: به قرآن دست نزنند، مگر کسی که (از جنابت و بی وضوئی) پاک است ». ملاعلی قاری - رحمه الله - در شرح راوی این حدیث که عبارت از (عبدالله ابن ابی بکر) می باشد، می فرماید:

« وقال: المصنف هو عبد الله بن أبي بكر بن محمد بن عمرو بن حزم الأنصاري المدني أحد أعلام المدينة تابعي روى عن أنس بن مالك وعروة بن الزبير وعنه الزهري ومالك بن أنس وابن عيينة كان كثير الحديث رجل صدوق، قال:

(۱) نگاه: معجم البلدان، یاقوت بن عبد الله الحموی أبو عبد الله، دار الفکر - بیروت، ج ۲، ص ۳۰۷.  
 (۲) الموطأ، مالک بن أنس، المحقق: محمد مصطفی الأعظمی، مؤسسة زاید بن سلطان آل نهيان، الطبعة: الأولى ۱۴۲۵هـ - ۲۰۰۴م، موقع الإسلام، کتاب النداء للصلاة، باب الامر بالوضوء لمن مس القرآن، ج ۲، ص ۲۷۸، حدیث (۲۸۰)؛ امام مالک این حدیث را بطور مرسل روایت نموده است، لکن امام نسائی و ابن حبان آنرا بشکل معلول بطریقه وصل روایت نموده اند.

أحمد حديثه شفاء توفي سنة خمس وثلاثين ومات وله سبعون سنة، و أما محمد بن عمرو بن حزم الأنصاري ولد في عهد رسول الله - صلى الله عليه وسلم - سنة عشر بنجران وكان أبوه عامل النبي - صلى الله عليه وسلم - أمر أباه أن يكنيه بأبي عبد الملك وكان محمد فقيها روى عن أبيه وعن عمرو بن العاص وعنه جماعة من أهل المدينة قتل يوم الحرة وهو ابن ثلاث وخمسين سنة وذلك سنة ثلاث وستين إن في الكتاب الذي كتبه رسول الله - صلى الله عليه وسلم - لعمر بن حزم أن لا يمس القرآن بفتح السين»<sup>(١)</sup>.

ترجمه: « مصنف مشكاة المصابيح - رحمه الله - می گوید: او عبدالله بن ابی بکر بن محمد بن عمرو بن حزم انصاری مدنی یکی از بزرگان مدینه منوره و از جمله ای تابعین می باشد، از حضرت انس ابن مالک و عروة بن زبیر -- رضی الله عنهما - حدیث روایت نموده است، همچنان از وی امام زهری و مالک ابن انس و ابن عیینه حدیث روایت کرده، وی در روایت حدیث از جمله ای مکتوبین و صدوق بوده است، امام احمد - رحمه الله - راجع به عبد الله بن ابی بکر، گفته حدیث که او روایت می کند شفاء است، در سال (۵۳هـ) در حالی که (۷۰) سال عمر داشت وفات نموده است؛ لکن محمد بن عمرو بن حزم الانصاری در زمان حیات رسول الله - صلى الله عليه وسلم - در نجران تولد شده که پدرش عامل و کارگزار نبی - صلى الله عليه وسلم - بوده است، به پدرش گفته بوده که کنیه مرا ابو عبدالمملک بگوید، محمد بن عمرو فقیه بود که از پدرش و از عمرو بن عاص - رضی الله عنه - حدیث روایت نموده است، همچنان از او یک جماعت زیاد از اهل مدینه حدیث روایت کرده است، در «یوم الحرة»<sup>(٢)</sup> یعنی: سال (۶۳هـ) درحالی که (۵۳) سال عمر داشت به قتل رسیده است، - رضی الله عنهم اجمعین - ».

**مطلب ششم: توجه ملا علی قاری به علم مشکل الحدیث**

**الف: تعریف مشکل الحدیث**

صاحب لسان العرب در تعریف لغوی کلمه مشکل می فرماید: « هو اسم فاعل من الإشکال: أي المتنبس؛ يقال أشکل الأمر: التبس واختلط، ومنه قيل للأمر المشتبه مشکل، وأمور أشکال: أي ملتبسة »<sup>(٣)</sup>.

(١) مرآة المفاتیح، کتاب الطهارة، باب مخالطة الجنب، ج ٢، ص ١٥١، حدیث (٤٦٥).

(٢) یوم الحرة روز است که در آن روز عبدالله بن مروان حجاج بن یوسف اللثقی را بخاطر جنگ با عبدالله بن زبیره مکه معظمه فرستاد، حجاج کعبه را با منجنیق مورد هجوم قرار داد و عبدالله بن زبیر رضی الله عنه را با جمع کثیر از خانواده او و مهاجرین و انصار به قتل رساند؛ نگاه: ٦٣- البداية والنهاية في التاريخ، إسماعیل بن عمر بن کثیر، ت: ٧٧٤هـ، تحقیق ومراجعة وتعلیق وتصحیح: محمد عبد العزيز النجار، مكتبة الأصبی، الرياض، ج ٨، ص ٣٥٣.

(٣) لسان العرب، ابن منظور الافریقی، ص ٢٣١٠.

ترجمه: «مشکل، اسم فاعل است که از کلمه إشکال گرفته شده، که بمعنی مشتبه و خلط شده می باشد، چنانچه گفته اند اشکل الامر یعنی: فلان کار باهم خلط گردید، همچنان به یک امر مشتبه و مشابه نیز مشکل گفته شده، یا مشکل به امور باهم خلط شده اطلاق می گردد.»

امام سرخسی - رحمه الله - مشکل را در اصطلاح چنین تعریف نموده است: «وهو اسم لما يشته المراد منه بدخوله في أشكاه على وجه لا يعرف المراد إلا بدليل يميز به من بين سائر الأشكال، والمشكل قريب من المجمل ولهذا خفي على بعضهم فقالوا: المشكل والمجمل سواء ولكن بينهما فرق»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: «مشکل اسم است، که هرگاه مراد وهدف توسط آن به اشتباه گرفته شود، دانسته نمی شود مگر به دلیل که فرق آن از دیگر اشکال نشود، و مشکل نزدیک وقریب به مجمل واقع شده به همین خاطر تعدادی بین این دو فرق نمی کنند، مگر در اصل آنها از هم فرق دارد.»

مشکل نزد محدثین واضح است، چنانچه امام الطحاوی - رحمه الله - می فرماید: «هو الآثار المروية عن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - بالأسانيد المقبولة التي نقلها ذووا الثبوت فيها، والأمانة عليها وحسن الأداء لها، ويوجد فيها أشياء سقطت معرفتها والعلم بما فيها عن أكثر الناس»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: «حدیث مشکل، عبارت از آثار و احادیث روایت شده توسط ناقلین بارسوخ وقابل اعتبار از نبی - صلی الله علیه وسلم - است، بانظر داشت امانت داری راوی در تحمل و اداء، لکن در آن چیزهای یافت می شود که شناخت و آگاهی به محتویات آنها از اکثر مردم ناپدید است.»

از تعریف مشکل الحدیث، دانسته می شود که با مختلف الحدیث فرق دارد، زیرا مختلف الحدیث عبارت از تضاد ظاهری بین دو حدیث یا بیشتر از دو حدیث می باشد، لکن در مشکل الحدیث سبب اعتراض در اصل معنی پوشیده است طوریکه مفهوم یک لفظ به چندین معنی حمل می گردد لکن در اصل معنی واحد را افاده می کند، به همین خاطر پنداشته می شود که حدیث در اشکال واقع گردیده است، که در این صورت محدث و محقق باید در آن اجتهاد نماید؛ ملاعلی قاری - رحمه الله - این امر را نیز در اثنای شرح احادیث در کتاب اش (مرقاة المفاتیح) مراعات نموده است.

## ب: مثالهای تطبیقی مشکل الحدیث در مرقاة المفاتیح

(۱) اصول السرخسی، ابوبکر محمد بن احمد بن ابی سهل السرخسی (ت ۴۹۰هـ)، تحقیق: ابو الوفا الافغانی، دارالمعرفة، بیروت، ج ۱، ۱۶۸.

(۲) شرح مشکل الآثار، احمد ب محمد الطحاوی (ت ۳۲۱)، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة، بیروت، الطبعة الأولى ۱۴۱۵هـ، ج ۱، ص ۶.

۱- ( عن أبي سعيد الخدري - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: « تكون الأرض يوم القيامة خبزة واحدة يتكفؤها الجبار بيده كما يتكفأ أحدكم خبزته في السفر نزلا لأهل الجنة؛ فأتى رجل من اليهود فقال: بارك الرحمن عليك يا أبا القاسم ألا أخبرك بنزل أهل الجنة يوم القيامة؟ قال: بلى، قال: تكون الأرض خبزة واحدة كما قال النبي - صلى الله عليه وسلم - فنظر النبي - صلى الله عليه وسلم - إلينا ثم ضحك حتى بدت نواجذه ثم قال: ألا أخبرك بإدامهم؟ بالأم والنون، قالوا: وما هذا؟ قال: ثور ونون يأكل من زائدة كدهما سبعون ألفا (۱).

ترجمه: « از ابوسعید خدری - رضي الله عنه - روایت است که نبی اکرم - صلى الله عليه وسلم - فرمود: زمین در روز قیامت به یک قرص نان تبدیل می شود، و الله - تبارک و تعالی - جبار آنرا با دست اش می گرداند و بعنوان مهمانی به اهل بهشت، تقدیم می نماید همانطور که یکی از شما نانی را که در سفر پخته می کند، از این دست به آن دست می کند پس از آن، مردی از یهودیان آمد و گفت: ای ابو القاسم! الله متعال تو را مبارک گرداند. آیا از مهمانی اهل بهشت در روز قیامت تو را مطلع نسازم؟ فرمود: «بلی». آن مرد، همانگونه که نبی اکرم - صلى الله عليه وسلم - فرموده بود، گفت: زمین به یک قرص نان تبدیل می شود. نبی اکرم - صلى الله عليه وسلم - بسوی ما نگاه کرد و خندید تا جایی که دندانهای مبارک اش آشکار شد. آنگاه مرد یهودی گفت: آیا از خوراک بهشتیان تو را باخبر نسازم؟ خورش آنها بالام و ماهی است. صحابه پرسیدند: آن، چیست؟ مرد گفت: ماهی و گاوی هستند که از گوشه جگر آنها هفتاد هزار فرمی خورند.»

ملا علی قاری - رحمه الله - در شرح این جزء حدیث: (تكون الأرض يوم القيامة خبزة واحدة يتكفؤها الجبار بيده) چنین می فرماید:

« والمعنى أن الله تعالى يجعل الأرض كالظلمة والرغيف العظيم يكون ذلك طعاما نزلا لأهل الجنة والله على كل شيء قدير، قال: التوربشتي - رحمه الله - أرى الحديث مشكلا جدا غير مستنكر شيئا من صنع الله تعالى ومعجائب فطرته بل لعدم التوفيق الذي يكون موجبا للعلم... » (۲).

ترجمه: « الله - تبارک و تعالی - در روز قیامت زمین را همانند یک کلوله از خمیر تغییر شکل می دهد، و آنرا طعام برای اهل جنت قرار می دهد، امام توربشتی - رحمه الله - می فرماید: این حدیث را بدون اینکه از خلقت الهی چیزی را انکار نمایم از جمله ای احادیث (مشکل) می دانم، بلکه بخاطر عدم تطابق به علمی که

(۱) صحیح بخاری، کتاب الرقاق، باب يقبض الله الارض يوم القيامة، ج ۵، ص ۲۳۸۹، حدیث (۶۱۵۵).

(۲) صحیح بخاری، کتاب صفة القيامة الجنة والنار، ج ۳، حدیث (۵۵۳۳).

موجب به فهم آن می شود؛ امام طیبی - رحمه الله - در شرح این حدیث به تفصیل بیشتر صحبت نموده، تا جاییکه ضرورت به آن نسیت، چنانچه می فرماید: این حدیث (مشکل) است، نه بخاطر انکار قدرت الله متعال بلکه از جهت عدم تطابق و مناسبت آن با حدیث «.

۲- ( عن علي - رضي الله عنه - عن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : « أن جبريل هبط عليه فقال له: خيرهم يعني: أصحابك في أسارى بدر: القتل والفداء على أن يقتل منهم قابلاً مثلهم، قالوا الفداء ويقتل منا »(۱). ترجمه: « از حضرت علی - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: جبرئیل - صلی الله علیه وسلم - برایم آمد و گفت: اصحاب تو در باره اسیران غزوه بدر میان کشتن و فدیة گرفتن مخیر هستند، و هرکس با اقارب اسیر شده خویش معامله نماید، که صحابه کرام فدیة را قبول کردند «.

ملاعلی قاری - رحمه الله - و جه اشکال این حدیث را چنین بیان نموده، می فرماید:

قال التوربشتي: هذا الحديث مشكل جدا، لمخالفته ما يدل على ظاهر التنزيل ولما صح من الأحاديث في أمر أسارى بدر إن أخذ الفداء كان رأياً رأوه فعوتبوا عليه ولو كان هناك تخيير بوحى سماوي لم تتوجه المعاتبه عليه وقد قال الله تعالى ما كان لنبي أن يسرى الأنفال إلى قوله لمسكم فيما أخذتم عذاب الأنفال...»(۲).

ترجمه: « امام توربشتی - رحمه الله - می فرماید: این حدیث مشکل است، زیرا با ظاهر نص قرآن کریم منافات دارد، با وجودیکه در احادیث صحیحه ثابت است که فدیة گرفتن در مقابل اسیران غزوه بدر یک انتخاب بوده است، و از طرف دیگر این یک سرزنش برای آنها بوده که این سرزنش در وحی الهی دیده نمی شده است؛ چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿ مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يُكُونَ لَهُ أُسْرَى حَتَّى يُثَخَّنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ \* لَوْلَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴾(۳).

ترجمه: « هیچ پیامبری حق ندارد که اسیران جنگی داشته باشد، مگر آن گاه که کاملاً بر دشمن پیروز گردد و بر منطقه سیطره و قدرت یابد، (ای مؤمنان!) شما متاع ناپایدار دنیا را می خواهید، در صورتی که الله متعال سرای جاویدان و آخرت و سعادت همیشگی را برای شما می خواهد، و الله عزیز و حکیم است؛ اگر حکم

(۱) سنن الترمذی، کتاب السیر، باب قتل الاساری والفداء، ج ۴، ص ۱۳۵، حدیث(۱۵۶۷)؛ امام ترمذی آنرا غریب گفته است.

(۲) مرقاة المفاتیح، کتاب الجهاد، باب حکم الإسرا، ج ۳، حدیث(۳۹۷۲).

(۳) سوره الانفال، ۶۷-۶۸.

سابق الله متعال نبود ( که بدون ابلاغ امتی را کیفر ندهد، و منخطی در اجتهاد، مجازات نگردد) عذاب بزرگی در مقابل چیزی که ( به عنوان فدیة اسیران گرفته اید و شتابی که ورزیده اید ) به شما می رسد .»

مصنف مرقاة المفاتیح به ادامه می فرماید: وجه اشکال را که امام توربشتی بیان نموده دو جواب دارد:

**جواب اول:** « قال الطیبي: أقول وبالله التوفيق لا منافاة بين الحديث والآية وذلك أن التخيير في الحديث وارد على سبيل الاختبار والامتحان والله أن يمتحن عباده بما شاء امتحن الله تعالى أزواج النبي بقوله تعالى يا أيها النبي قل لأزواجك إن كنتم تردن الحياة الدنيا وزينتها فتعالين أمتعن الأحزاب الآيتين وامتحن الناس بتعليم السحر في قوله تعالى وما يعلمان من أحد حتى يقولوا إنما نحن فتننة البقرة وامتحن الناس بالملكين وجعل المحنة في الكفر والإيمان بأن يقبل العامل تعلم السحر فيكفر ويؤمن بترك تعلمه ولعل الله تعالى امتحن النبي وأصحابه بين أمرين القتل والفداء وأنزل جبريل عليه السلام بذلك هل هم يختارون ما فيه رضا الله تعالى من قتل أعدائه أم يؤثرون العاجلة من قبول الفداء فلما اختاروا الثاني عوقبوا بقوله تعالى ما كان لنبي أن يكون له أسرى حتى يثخن في الأرض الأنفال »(۱).

ترجمه: « امام طیبی - رحمه الله - می فرماید: در بین حدیث و آیه منافات وجود ندارد؛ زیرا اختیار دادن در حدیث شریف در باره (کشتن و یا اخذ فدیة از اسیران جنگی غزوه بدر) بخاطر امتحان و اختبار از جانب الله - جل جلاله - بوده است، و الله متعال هر وقتی که بخواهد بندگانش را مورد آزمایش قرار می دهد، چنانچه الله متعال ازواج نبی - صلی الله علیه وسلم - را آزمایش و تحت امتحان قرار داده می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُمْ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا \* وَإِن كُنْتُمْ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا﴾(۲).

ترجمه: « ای پیامبر - صلی الله علیه وسلم -! به همسران خود بگو: اگر زندگانی دنیا و تجمل آن را می خواهید بیابید تا به شما هدیه ای مناسب بدهم و شما را به طرز نیکویی رها سازم؛ و اگر الله متعال و پیامبرش و سرای آخرت را می خواهید پروردگار برای نیکوکارانتان پاداش بزرگی آماده ساخته است .»

در آیه فوق الله متعال ازواج مطهرات پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را به انتخاب دنیا و یا آخرت امتحان نمود.

(۱) مرقاة المفاتیح، کتاب الجهاد، باب حکم الإسراء، ج، ص، حدیث(۳۹۷۲).

(۲) سوره الاحزاب، آیه ۲۸-۲۹.

همچنان الله - تبارک و تعالی - بندگان را به آموزش سحر و جادو نیز امتحان نموده می فرماید: ﴿ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ﴾ (۱).

ترجمه: « و این دو ملک هیچ کسی را چیزی نمی آموختند مگر آنکه می گفتند: ما وسیله آزمایش شما هستیم، پس کافر نشوید. »

در این آیه الله متعال مردم را با فرستادن دو ملک، در امتحان و آزمایش قرار داد، که عبارت از انتخاب ایمان و کفر بود، آن دو ملک می گفتند: اگر این سحر و جادو را آموختید کافر می شوید (سحر و جادو نکنید)؛ در حدیث فوق نیز پیامبر - صلی الله علیه و سلم - یارانش را در انتخاب آزادی بردگان و قتل آنها مخیر نموده که از این دو هر کدام را انتخاب می کنید اختیار دارید، هنگام که یاران پیامبر - صلی الله علیه و سلم - اخذ فدیة در مقابل آزادی آنها با عجله پذیرفتند، الله متعال فیصله نهایی را توسط جبرئیل امین ناز کرد، (هیچ پیامبری حق ندارد که اسیران جنگی داشته باشد) «.

**جواب دوم:** « قلت بعون الله إن هذا الجواب غير مقبول لأنه معلول ومدخول فإنه إذا صح التخيير لم يجز العتاب والتعير فضلا عن التعذيب والتعزير وأما ما ذكره من تخيير أممات المؤمنين فليس فيه أنهن لو اخترن الدنيا لعذبن في العقبى ولا في الأولى وغايته أنهن يجرمن من مصاحبة المصطفى لفساد اختيارهن الأدنى بالأعلى وأما قضية الملكين وقضية تعليم السحر فنعم امتحان من الله وابتلاء لكن ليس فيه تخيير لأحد ولهذا قال المفسرون في قوله تعالى « من شاء فليؤمن ومن شاء فليكفر » الكهف إنه أمر تهديد لا تخيير وأما قوله أم يؤثرون الأعراض العاجلة من قبول الفدية فلما اختاروه عوقبوا بقوله ما كان لنبي الكهف الآية فلا يخفى ما فيه من الجراءة العظيمة والجنابة الجسمية فإنهم ما اختاروا الفدية إلا للتقوية على الكفار وللشفقة على الرحم والرجاء أنهم يؤمنون أو في أصلابهم من يؤمن ولا شك أن هذا وقع منهم اجتهادا وافق رأيه غايته أن اجتهاد عمر وقع أصوب عنده تعالى فيكون من موافقات عمر رضي الله عنه ويساعدنا ما ذكره الطيبي من أنه يعضده سبب النزول « (۲).

ترجمه: « ملا علی قاری - رحمه الله - می گوید: جواب را که امام طیبی ارائه نموده قابل پذیرش نیست، و برآن ملاحظات وجود دارد، زیرا اگر اختیار در حدیث برای صحابه کرام درست باشد بخاطر سرزنش، آنها جزا داده نمی شود؛ آنچه که پیرامون تخیر ازواج مطهرات بیان شد، چنین نیست که اگر آنها دنیا را انتخاب می کردند در آخرت عذاب داده می شدند، بلکه سرانجام از مصاحبت نبی - صلی الله علیه و سلم - بخاطر این فساد محروم

(۱) سوره البقره، آیه ۱۰۲.

(۲) مرقاة المفاتیح، کتاب الجهاد، باب حکم الإسراء، ج، ص، حدیث (۳۹۷۲).



می شدند، زیرا اختیار اعلیٰ به ادنا می شد؛ لکن درباره تعلیم سحر و جادو توسط آن دو ملک، درست است که امتحان توسط الله متعال است، مگر در این آیه برای هیچ کسی اختیار داده نشده که سحر و یا دوری از سحر را انتخاب نماید، چنانچه الله متعال در جای دیگر می فرماید: ﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « بگو: حق از سوی پروردگارتان آمده است پس هرکس که می خواهد بدان ایمان بیاورد و هرکس می خواهد بدان کافر شود.»

اکثر مفسرین گفته اند که این آیه بخاطر تهدید است نه برای اختیار؛ و این قول امام طیبی که آنها تحت تأثیر خواسته های شان گردید و شتاب زده فدیة را قبول کردند و توسط آیه ۷۶ سوره انفال سرزنش شدند، این یک فیصله ناحق در مورد آنها است زیرا تصمیم مسلمانان به گرفتن فدیة از اسیران بدر، عمل اجتهادی بود زیرا اجتهادشان بر این مبنا استوار بود که زنده نگه داشتن کفار، چه بسا سبب مسلمان شدن آنان گردد و از سویی، با اموال به دست آمده از درک فدیة، می توان بنیه مالی جهاد را تقویت کرد، از جانب دیگر شفقت و مهربانی مسلمانان نیز باعث انتخاب فدیة از آنها گردیده بود؛ خلاصه: این از امور اجتهادی بود که از صحابه کرام صادر شده بود، والله - تبارک و تعالی - در تأیید اجتهاد حضرت عمر - رضی الله عنه - این آیه را نازل نمود.»

از آنچه گفته شد چنین ثابت می گردد که علامه ملاعلی قاری - رحمه الله - به علم مشکل الحدیث توجه جدی نموده و در این باره اقوال و نظریات علماء را پیرامون آن نقل و مناقشه نموده است، و در اخیر نظر خود را نیز بیان نموده است.

### مطلب هفتم: منهج و روش ملاعلی قاری در علم مختلف الحدیث.

قبل از اینکه منهج ملاعلی قاری - رحمه الله - را در علم مختلف الحدیث بررسی نمائیم، بهتر است تا پیرامون معنی لغوی و اصطلاحی مختلف الحدیث معلومات حاصل نمائیم.

### الف: تعریف لغوی (المختلف)

(۱) سوره الکهف، آیه ۲۹.

صاحب لسان العرب و معجم المقاييس اللغة كلمه (اختلاف) را چنین تعریف نموده: «والاختلاف اصله مادة خَلَفَ، وهو مصدر للفعل اختلف، واختلف بكسر اللام اسم فاعل، واختلف بفتح اللام اسم مفعول، من اختلف الامر ان إذا لم يتفقا وكل ما لم يتساو فقد تخالف واختلف»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « اصل كلمه اختلاف (خلف) كه مصدر برای فعل اختلف می شود است، و مختلف به كسر لام اسم فاعل است، و مختلف به فتح لام اسم مفعول آن است، مانند اینکه گفته شود کسیکه در دو امر اختلاف نماید یعنی: نسبت بدان موافقت ندارد، همچنان تمام آنچه که باهم مساوی نباشد اختلافی است؛ چنانچه الله - تبارک و تعالی - می فرماید: ﴿يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ﴾<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « از شکمهای زنبوران (عسل) مایه ای می تراود، که رنگهای مختلفی دارد ».

و یا این قول الله - تبارک و تعالی - که می فرماید: ﴿وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ﴾<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: « و درخت خرما و کشتزارها را پدید آورده است که میوه های آن مختلف اند ».

### ب: تعریف اصطلاحی (المختلف)

واژه المختلف را تعداد از علماء تعریفات گوناگون نموده که برخی از آنها قرار ذیل است:

أ: حاکم نیشاپوری علم مختلف الحدیث را چنین تعریف نموده: « معرفة سنن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يعارضها مثلها »<sup>(۴)</sup>.

ترجمه: « علم مختلف الحدیث علم است که از معرفی سنن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - که با مثل آن در تعارض واقع شده باشد بحث می کند ».

ب: امام النووی - رحمه الله - می فرماید: « هو أن يأتي حديثان متضادان في المعنى ظاهراً فيوفق بينهما أو يرحح بينهما »<sup>(۵)</sup>.

ترجمه: « علم مختلف الحدیث علم است که هرگاه دو حدیث در ظاهر متضاد ذکر شود، مگر در بین آنها امکان جمع وجود داشته باشد، و یا اینکه یکی از آنها ترجیح داده شود ».

(۱) نگاه: لسان العرب، ابن منظور، ص ۱۲۴۰، و معجم مقایس اللغة، ابو الحسن احمد ابن فارس بن زکریا (ت ۳۹۵)، تحقیق: عبدالغنی کحالة الدمشقی (ت ۱۴۰۸)، مؤسسة الرسالة بیروت، ج ۲، ص ۲۱۳؛ و القاموس المحیط، مجد الدین فروز آبادی (ت ۸۱۷)، تحقیق: مکتب تحقیق التراث فی مؤسسه الرسالة، اشراف محمد نعم العرقسوسی، مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت، الطبعة الثامنة ۱۴۲۶هـ، ص ۸۰۸.

(۲) سوره النحل، آیه ۶۹.

(۳) سوره الانعام، آیه ۱۴۱.

(۴) معرفة علوم الحدیث، محمد بن عبدالله الحاکم (ت ۴۰۵)، تحقیق: احمد فارس السلوم، دار ابن حزم بیروت، طبع اول سال ۱۴۲۴هـ، ص ۳۸۲.

(۵) تدرب الراوی فی شرح تقریب النووی، للسيوطی، ص ۹۰.

ج: محمد بن ابراهیم الحلبي الحنفی علم مختلف الحديث را چنین تعریف نموده: « هو الحديثان المقبولان المتعارضان في المعنى ظاهراً مطلقاً، و أن يطلب التاريخ أولاً فإن لم يوجد يطلب الجمع، فإن لم يمكن ترك العمل بهما»<sup>(۱)</sup>.  
 ترجمه: « مختلف الحديث آن است که هرگاه دو حدیث صحیح در ظاهر معنی تعارض محض داشته باشد، لذا تاریخ ورود آن بررسی شود، اگر تاریخ ورود آن پیدا نشد جمع در بین آنها صورت گیرد، و اگر امکان جمع آن دو موجود نبود ترک عمل به هردی آن بهتر است.»  
 د: اما تهانوی آنرا چنین تعریف نموده: « هما الحديثان المقبولان، المتعارضان في المعنى ظاهراً و يمكن الجمع بين مدلوليهما بغير تعسف »<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « مختلف الحديث عبارت از آن دو حدیث است که در معنی ظاهری تعارض داشته باشد، و در بین مدلول (دلالت کرده شده) آنها جمع کردن بدون تکلف امکان پذیر است، البته در صورتی که از هدف خارج نشود.»  
 از خلال تعریفات فوق دانسته می شود که تعریف اخیر نسبت به دیگر تعریفات به صواب نزدیک تر می باشد.  
 ه: نسبت به تعریفات فوق تعریف ذیل راجح دانسته شده است:

« علم يتناول الحديثين اللذين يبدو في ظاهرهما الاختلاف والتعارض والتضاد، فإذا بحثها العلماء أزالوا تعارضها من حيث إمكان الجمع بينها بوجه من وجوه الجمع المعتمدة، أو ببيان الناسخ والمنسوخ، أو بترجيح أحدهما»<sup>(۳)</sup>.  
 ترجمه: « علم مختلف الحديث علم است که از برداشت معنی ظاهری دو حدیث اختلاف، تعارض و تضاد متصور می باشد، لکن هنگامی که علماء فن حدیث پیرامون آن از حیث امکان جمع بین آنها (بوجه از وجوه جمع معتبر) یا بیان ناسخ و منسوخ و یا ترجیح یکی از آنها بردیگر، بحث و مناقشه نماید تعارض آن از بین می رود.»  
 بنابر آنچه در تعریف علم مختلف الحديث گفته شد، ملا علی قاری - رحمه الله - در اثنای شرح احادیث مشکاة المصابیح نکات که مربوط به این علم می گردد را مد نظر گرفته و آنرا رعایت کرده است، که مثالهای آن در مرقاة المفاتیح زیاد است، چنانچه مصنف مرقاة المفاتیح تعارض بین معنی ظاهری دو حدیث را ذکر نموده و وجه جمع بین آنها را شرح کرده است، برخی از مثالهای آن قرار ذیل است:  
 مثال اول:

(۱) فقو الاثر في صفو علوم الاثر، محمد بن ابراهیم الحلبي، و يليه بلغة الغريب في آثار الحبيب، محمد مرتضى الزبيدي، الطبعة الاولى ۱۳۲۶ هـ، مطبعة السعاد، ص ۱۴.

(۲) قواعد في علوم الحديث، ظفر احمد العثماني التهانوي، دار القلم، الطبعة الثالثة لبنان، ۱۳۹۲ هـ، ص ۴۶-۴۷.

(۳) نگاه: مختلف الحديث بين الفقهاء والمحدثين، نافذ حسين حاد، اصدارات وزارة الاوقاف والشؤون الاسلامية، ادارة الشؤون الاسلامية، دولة قطر، الطبعة الثانية ۱۴۳۰ هـ، ص ۱۷.

۱- ( عن أبي هريرة - رضي الله عنه - قال: سمعت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يقول: إن أول ما يحاسب به العبد يوم القيامة من عمله صلاته فإن صلحت فقد أفلح وأنجح وإن فسدت فقد خاب وخسر فإن انتقص من فريضته شيء قال الرب تبارك وتعالى: انظروا هل لعبدي من تطوع؟ فيكمل بها ما انتقص من الفريضة ثم يكون سائر عمله على ذلك )<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت است که گفت: شنیدم که پیامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمودند: اولین چیزی که در روز قیامت بنده بر آن محاسبه می شود، نمازش است؛ پس اگر نمازش بدون مشکل و شایسته بود، او رستگار شده و نجات یافته و اگر نمازش مشکل داشت او ناکام و زیان کار است؛ پس اگر یکی از فرایضش ناقص بود، الله - تبارک و تعالی - می فرماید: بنگرید و ببینید آیا بنده ام عبادتی نمازی اضافی (سنت) دارد؟ تا آنچه که از نمازهای فرض ناقص انجام داده، کامل کند؛ سپس سایر اعمالش نیز بر همین منوال محاسبه می شود.»

۲- ( و عن عبد الله بن مسعود - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم -: أول ما يقضى بين الناس يوم القيامة في الدماء )<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « عبدالله بن مسعود - رضي الله عنه - می گوید: پیامبر - صلى الله عليه وسلم - گفت: اولین چیزی که در قیامت مورد قضاوت قرار می گیرد موضوع خون و قتل است.»

از معنای ظاهری این دو حدیث دانسته می شود که با هم در تعارض و اختلاف قرار دارد، چنانچه در حدیث نخست اولین فیصله و پرسش از نماز گفته شده؛ در حالی که در حدیث دومی اولین فیصله و قضاوت در روز قیامت موضوع خون و قتل خوانده شده.

ملاعلی قاری - رحمه الله - علت تعارض و وجه جمع بین این دو حدیث را شرح نموده می فرماید: « قال: الأبهري وجه الجمع بين هذا وبين قوله عليه الصلاة والسلام أول ما يقضى بين الناس يوم القيامة الدماء أن الأول من حق الله تعالى والثاني من حقوق العباد، أو الأول من ترك العبادات والثاني من فعل السيئات »<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: « امام ابهری - رحمه الله - می گوید: وجه جمع بین این دو حدیث، یعنی: ( اولین پرسش از نماز و اولین پرسش از قتل و خون بها ) این است: که حدیث اولی در باره حق الله - تبارک و تعالی - است (موضوع ترک نماز یا ناقص اداء نمودن آن به حق الله ارتباط دارد) و در حدیث دومی موضوع حقوق عباد مطرح می باشد که

(۱) سنن ابی داود، کتاب الصلاة، باب قول النبی صلی الله علیه وسلم - « كل صلاة لا يتعها صاحبها تم من تطوعه، ج ۱، ص ۳۲۲، حدیث (۸۶۴).

(۲) صحیح بخاری، کتاب الرقاق، باب القصاص يوم القيامة، ج ۵، ص ۲۳۹۴، حدیث (۶۱۶۸).

(۳) مرقاة المفاتیح، کتاب الطهارة، باب التطوع، ج ۲، ص، حدیث (۱۳۳۰).

(موضوع قتل و ریختاندن خون ناحق است)؛ یا اینکه حدیث اولی مربوط به ترک عبادات وارد شده و حدیث دومی در رابطه به افعال سیئه وارد گردیده است.»

مثال دوم:

۱- ( عن النواس بن سمران قال: ذكر رسول الله - صلى الله عليه وسلم - الدجال فقال: إن يخرج وأنا فيكم فأنا حجيجه دونكم وإن يخرج ولست فيكم فامرؤ حجيج نفسه والله خليفتي على كل مسلم إنه شاب قبط عينه طافيه كأني أشبهه بعبد العزى بن قطن فمن أدركه منكم فليقرأ عليه فواتح سورة الكهف؛ وفي رواية فليقرأ عليه بفواتح سورة الكهف فإنها جواركم من فتنته إنه خارج خلة بي الشام والعراق فعات يمينا وعات شمالا يا عباد الله فاثبتوا؛ قلنا: يا رسول الله - صلى الله عليه وسلم - وما لبثه في الأرض؟ قال: أربعون يوماً يوم كسنة ويوم كشهر ويوم كجمعة وسائر أيامه كأيامكم (١).

ترجمه: « نواس بن سمران می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - دجال را چنین معرفی نمود: اگر دجال خروج کند و من در بین شما باشم، من با او طرف دعوا هستم و او را باطل می گم و نیازی به شما نیست و اگر در حالت که من در میان شما نباشم خروج کند، آن وقت هرکس خود مدافع نفس اش خواهد بود و حجت او را رد می کند و الله متعال وکیل و جانشین من بر هر مسلمانی است؛ او (دجال) جوانی است که مویش بسیار مجعد است و یک چشمش کور و برآمده است، من او را به عبدالعزیز بن قطن تشبیه می گم؛ هرکس از شما او را درک کرد، اوایل سوره کهف را بخواند، او از راهی بین عراق و سوریه خروج خواهد کرد و راست و چپ را از فساد پر می کند، ای بندگان الله متعال! محکم و ثابت قدم باشید، گفتیم: ای رسول الله - صلی الله علیه وسلم -! چه قدر در زمین می ماند؟ فرمودند: چهل روز؛ روزی چون سالی است و روزی چون ماهی و روزی چون هفته ای و سایر روزهای مانند او، مثل روزهای عادی شماست.»

۲- ( وعن أسماء بنت يزيد بن السكن قالت: قال النبي - صلى الله عليه وسلم -: يمكث الدجال في الأرض أربعين سنة السنة كالشهر والشهر كالجمعة والجمعة كالיום واليوم كاضطرار السعفة في النار (٢).

ترجمه: « اسما بنت یزید بن السکن می فرماید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: دجال در زمین چهل سال درنگ می کند؛ سال چون ماه است و ماه چون هفته است و هفته چون روز و روز چون زبانه زدن شعله چوب خرما است در آتش، (روز چون یک لحظه و یک ساعت است)».

(١) صحیح مسلم، کتاب الفتن و اشراط الساعة، باب ذکر الدجال وصفته وما معه، ج ٨، ص ١٩٧، حدیث (٧٥٦٠).

(٢) مستند الإمام أحمد بن حنبل، أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط وآخرون، مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثانية ١٤٢٠ هـ، ١٩٩٩ م، ج ٤٥، ص ٥٥٢، حدیث (٢٧٥٧١).

مصنف - رحمه الله - در شرح این دو حدیث وجه اختلاف آنرا بیان نموده، می فرماید:

« قال: النبي - صلى الله عليه وسلم - يمكث الدجال في الأرض أربعين سنة وتقدم أن لبثه في الأرض أربعون يوماً؛ ولعل وجه الجمع بينهما اختلاف الكمية والكيفية كما يشير إليه قوله: السنة كالشهر فإنه محمول على سرعة الانقضاء كما أن ما سبق من قوله يوم كسنة محمول على أن الشدة في غاية من الاستقصاء على أنه يمكن اختلافه باختلاف الأحوال والرجال»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « در این حدیث، که پیامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمود: دجال در زمین چهل سال می ماند، و حدیث دیگر که دجال در زمین چهل روز می ماند؛ وجه جمع آن (اختلاف کمیت و کیفیت است)، چنانچه در ادامه حدیث به آن اشاره گردیده که سال مانند روز است این به سرعت سپری شدن وقت حمل می گردد، چنانچه در این جزء حدیث (یوم کسنة) روزی چون یک سال است ذکر گردیده؛ که این خود بر زیادت بالای اختلاف احوال و اختلاف رجال حمل می شود؛ یعنی: (در حدیث اولی روز به یک سال حمل گردیده، همچنان در حدیث دومی سال به یک ماه حمل شده که این خود به اختلاف کیفیت و کمیت سپری شدن زمان دلالت دارد) ». مثال سوم:

۱- ( عن أبي هريرة - رضي الله عنه - قال: « أتى النبي - صلى الله عليه وسلم - بلحم فرفع إليه الذراع وكانت تعجبه فهس منها نهسة ثم قال: أنا سيد الناس يوم القيامة يوم يقوم الناس لرب العالمين وتدنو الشمس فيبلغ من الغم والكرب ما لا يطيقون فيقول الناس ألا تنظرون من يشفع لكم إلى ربكم؟ فيأتون آدم، وذكر حديث الشفاعة وقال: فأطلق فأتي تحت العرش فأقع ساجدا لربي ثم يفتح الله علي من محامده وحسن الثناء عليه شيئاً لم يفتحه علي أحد قبلي ثم قال: يا محمد ارفع رأسك وسل تعطه واشفع تشفع فأرفع رأسي فأقول أمي يارب أمي يارب فيقال يا محمد أدخل من أمتك من لا حساب عليهم من الباب الأيمن من أبواب الجنة وهم شركاء الناس فيما سوى ذلك من الأبواب، ثم قال: والذي نفسي بيده إن ما بين المصرعين من مصاريع الجنة كما بين مكة وهجر»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که گفت: در یک مهمانی هنگام خوردن غذا، مقداری گوشت برای پیامبر - صلى الله عليه وسلم - آوردند که قسمت دست حیوان بود و پیامبر - صلى الله عليه وسلم - از آن خوشش می آمد، پس کمی از آن را با دندان کردند و فرمودند: روز قیامت من سید و سرور تمامی بشریت هستم، آیا می دانید چرا؟ زیرا در آن روز الله متعال تمامی انسان ها را در یک زمین هموار (دشتی

(۱) مرقاة المفاتیح، کتاب الفتن، باب العلامات بین یدی الساعة و ذکر الدجال، ج ۱۰، ص ۱۴۴-۱۴۵، حدیث (۵۴۸۹).

(۲) صحیح بخاری، کتاب التفسیر، سوره بنی اسرائیل الاسراء، ج ۴، ص ۱۷۴۵، حدیث (۴۴۳۵).



ساجدا فيدعني ما شاء الله أن يدعني فيقول: ارفع محمد وقل تسمع واشفع تشفع وسل تعطه؛ قال: فأرفع رأسي فأثني على ربي بثناء تحميد يعلمنيه ثم أشفع فيحد لي حدا فأخرجهم من النار وأدخلهم الجنة؛ ثم أعود الثانية فأستأذن على ربي في داره فيؤذن لي عليه فإذا رأيته وقعت ساجدا؛ فيدعني ما شاء الله أن يدعني ثم يقول: ارفع محمد وقل تسمع واشفع تشفع وسل تعطه قال: فأرفع رأسي فأثني على ربي بثناء تحميد يعلمنيه ثم أشفع فيحد لي حدا فأخرجهم من النار وأدخلهم الجنة؛ ثم أعود الثالثة فأستأذن على ربي في داره فيؤذني لي عليه فإذا رأيته وقعت ساجدا فيدعني ما شاء الله أن يدعني ثم يقول: ارفع محمد وقل تسمع واشفع تشفع وسل تعطه قال فأرفع رأسي فأثني على ربي بثناء وتحميد يعلمنيه قال ثم أشفع فيحد لي حدا فأخرجهم من الجنة - قال قتادة وقد سمعته يقول فأخرجهم من النار وأدخلهم الجنة - حتى ما يبقى في النار إلا من حبسه القرآن)، أي وجب عليه الخلود؛ قال ثم تلا هذه الآية ﴿عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا﴾ (١).

ترجمه: « از انس بن مالک - رضي الله عنه - از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روایت شده است که فرمودند: مسلمانان روز قیامت آنقدر نگهداشته می شوند تا این که ناراحت و خسته می شوند، پس می گویند: کاش نزد پروردگاران کسی را شفیع قرار می دادیم (بیاپید نزد پروردگاران کسی را شفیع قرار دهیم)، تا ما را از این موقعیت سخت نجات دهد؛ پس نزد آدم - صلی الله علیه وسلم - می آیند و عرض می کنند: تو آدم - صلی الله علیه وسلم - پدر بشریت هستی، الله متعال تو را با دست خود آفرید و تو را در بهشت سکونت داد و فرشتگان را به سجده بر تو امر کرد و به تو نام هایی همه چیز را آموخت، نزد پروردگارت برای ما شفاعت کن تا ما را از این موقعیت سختی که در آن قرار داریم، نجات دهد؛ پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: آدم می گوید: من در جای نیستم که شفاعت کنم؛ پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: او گناهی را که خوردن از درخت ممنوعه بود، یاد می کند، و شرم می کند از این که نزد پروردگارش درخواست شفاعت کند، پس می گوید: نزد نوح - صلی الله علیه وسلم - بروید، زیرا او نخستین پیامبری است که الله - تبارک و تعالی - برای مردم فرستاده است؛ پس نزد او می آیند و درخواست شان را عرض می کنند، نوح - صلی الله علیه وسلم - می گوید: من در جای نیستم که شفاعت کنم، و نیز گناهی را که مرتکب شده بود، یاد می کند؛ درخواستی را که بدون آگاهی، از الله متعال مبنی بر نجات فرزندش از غرق شدن کرده بود، اما می گوید: نزد خلیل پروردگار رحمان ابراهیم - صلی الله علیه وسلم - بروید؛ پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: پس نزد

(١) صحیح بخاری، کتاب التوحید، باب قول الله تعالی ﴿وجوه يومئذ ناضرة . إلى ربها ناظرة﴾، ج ٦، ص ٢٧٠٢، حدیث (٧٠٠٢).



ابراهيم - صلى الله عليه وسلم - مي آيند و درخواست شان را عرض مي کنند، ابراهيم - صلى الله عليه وسلم - مي گويد: من در جاي نيستم که شفاعت کنم و سه کلمه را که به دروغ گفته بود، ياد مي کند سپس مي گويد: نزد موسي - صلى الله عليه وسلم - برويد، او بنده اي است که الله متعال تورات را به او داد و با او سخن گفت و او را نزديک خود گردانيد و با او پنهانی صحبت کرد؛ پيامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمودند: پس نزد موسي - صلى الله عليه وسلم - مي آيند، او مي گويد: من در جاي نيستم که شفاعت کنم و خطايش را که کشتن فرد يهودي بود، به ياد مي آورد اما مي گويد: نزد عيسي - صلى الله عليه وسلم - برويد، او بنده الله متعال و فرستاده اي او تعالی است، الله متعال با گفتن کُن او را به وجود آورد و روح را دراو دميد؛ پيامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمودند: پس نزد عيسي - صلى الله عليه وسلم - مي آيند و درخواست شان را عرض مي کنند، عيسي - صلى الله عليه وسلم - مي گويد: من در جاي نيستم که شفاعت کنم، نزد محمد - صلى الله عليه وسلم - برويد، او بنده ای است که الله - تبارک و تعالی - تمامی گناهان پيشين و پسین اول و آخرش را بخشيده است، پس نزد من مي آيند و درخواست شان را مي گویند، من هم مي روم، اجازه ي ملاقات با پروردگارم را در جاگاهش مي گيرم، به من اجازه داده مي شود که به خدمت الله متعال برسم، وقتي پروردگارم را ديدم، به سجده مي افتم؛ الله متعال مرا در سجده مدتي که خود اراده مي کند، رها مي کند، سپس مي فرمايد: اي محمد! سرت را بردار و بگو [هر آنچه مي خواهی، زیرا گفته هایت شنیده مي شود و شفاعت کن، شفاعتت پذيرفته مي شود و بخواه هر آنچه مي خواهی، زیرا به تو بخشیده خواهد شد؛ پيامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمودند: پس سرم را بري دارم و الله متعال را با کلماتي که به من ياد داده است، سپاس و ستايش مي گويم و سپس شفاعت مي کنم، پس براي من حدي مشخص مي کند (مشخص مي شود که شفاعتم براي چه کسانی پذيرفته شده است)، پس بيرون مي آيم؛ و سپس آن گروه را وارد بهشت مي کنم، راوی می گويد: پيامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمود: پس بيرون مي آيم و گروهي را از آتش جهنم بيرون مي آورم و آن ها را داخل بهشت مي کنم؛ سپس (براي بار دوم) بري گردم، اجازه ای ملاقات با پروردگارم را در جاگاهش مي گيرم، به من اجازه داده مي شود که به حضور الله متعال برسم، وقتي پروردگارم را ديدم به سجده مي افتم، الله مرا در سجده، مدتي که خود اراده مي کند، رها مي کند، سپس مي فرمايد: اي محمد! سرت را بردار و بگو هر آنچه مي خواهی، زیرا گفته هایت شنیده مي شود و شفاعت کن، شفاعتت پذيرفته مي شود و بخواه هر آنچه مي خواهی، زیرا به تو بخشیده خواهد شد؛ پيامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمودند: پس سرم را بري دارم و الله متعال را با کلماتي که به من ياد داده است، سپاس و ستايش مي گويم و سپس شفاعت مي کنم، پس براي من حدي مشخص مي کند، پس بيرون

می آیم و آن گروه را وارد بهشت می کنم؛ سپس برای بار سوم برمی گردم، اجازه می ملاقات با پروردگارم را در جایگاهش می گیرم، به من اجازه داده می شود که به خدمت الله متعال برسم، وقتی پروردگارم را دیدم، نیز چنین می کنم، قتاده می گوید: و شنیدم که انس - رضی الله عنه - گفت: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: پس بیرون می آیم و گروهی را از آتش جهنم بیرون می آورم و آن ها را داخل بهشت می کنم، تا اینکه کسی در آتش نمی ماند، مگر آن که قرآن او را از وارد شدن به بهشت منع کرده باشد، یعنی جاودانه ماندن در آتش بر او واجب باشد. سپس این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾<sup>(۱)</sup>؛ ترجمه: « امید است که الله متعال تو را به مقام محمود و شایسته ای برساند »؛ پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: این مقام محمود، همان مقامی است که به پیامبرتان - صلی الله علیه وسلم - وعده داده شده است.»

ملاعلی قاری - رحمه الله - وجه جمع این دو حدیث را چنین بیان نموده است:  
 « قيل وجه الجمع بينه وبين حديث أنس - رضي الله تعالى - عنه على ربي في داره أن يقال داره الجنة والجنة تحت العرش وقيل حديث أنس في الجنة وحديث أبي هريرة في الموقف »<sup>(۲)</sup>.

### مطلب هشتم: روش ملاعلی قاری در تخریج و حکم بر حدیث

ملاعلی قاری - رحمه الله - در اثنای شرح حدیث کوشیده تا مرجع اصلی آنرا بیان نماید، و سند آنرا به اصل مصدر حدیثی برساند، همچنان احکام را که از حدیث استنباط می شود نیز ذکر کند، لذا در این مطلب هر دو موضوع (تخریج حدیث و حکم بر حدیث) را طی موضوعات ذیل بررسی می نمایم:

#### الف: تخریج حدیث

ملاعلی قاری - رحمه الله - در هنگام شرح حدیث آنرا تخریج نیز می نماید همچنان نام کتاب و مؤلف را که همان حدیث را روایت نموده نیز بیان می دارد، برخی از امثله آن قرار ذیل است:

۱- ( عن عبد الرحمن بن كعب عن أبيه قال: أنه كان يحدث أن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - قال: إنا نسمة المؤمن طير تعلق في شجر الجنة حتى يرجعه الله في جسده يوم يبعثه )<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: « ارواح مومنان به صورت پرندگانی که بر درختان بهشت آویزان اند، در می آیند تا اینکه در روز قیامت الله متعال آنها را به اجسادشان بر می گرداند.»

(۱) سوره الاسراء، آیه ۷۹.

(۲) مرقاة المفاتیح، کتاب صفة القيامة والجنة والنار، باب الحوض والشفاعة، ج ۱۰، ص ۲۳۷-۲۳۸، ( ۵۵۷۴).

(۳) سنن النسائي الكبرى، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى، ۱۴۱۱ - ۱۹۹۱، تحقيق: د. عبد الغفار سليمان البنداري، سيد كسروي حسن، كتاب الجنائز و تمنى الموت، باب ارواح المؤمنين، ج ۱، ص ۶۶۵، حدیث (۲۲۰۰).

مصنف مرقاة المفاتيح - رحمه الله - این حدیث را از کتابهای دیگر چنین تخریج نموده است:

« قال: السيوطي والنسائي بسند صحيح ورواه الترمذي بلفظ أن أرواح الشهداء في طير خضر تعلق من ثمر الجنة أو شجر الجنة، وقال: القرطبي في حديث كعب نسمة المؤمن طائر يدل على أن نفسها يكون طائرا أي على صورته لا أنها تكون فيه ويكون الطائر ظرفا لها، وكذا في رواية عن ابن مسعود عند ابن ماجه أرواح الشهداء عند الله كطير خضر، وفي لفظ عن ابن عباس تحول في طير خضر، ولفظ ابن عمرو في صور طير بيض وفي لفظ عن كعب أرواح الشهداء طير خضر، قال: القرطبي وهذا كله أصح من رواية جوف طير»<sup>(١)</sup>.

ترجمه: « این حدیث شریف را امام سیوطی و امام نسائی - رحمهما الله - با سند صحیح نیز روایت نموده اند، و امام ترمذی آنرا به لفظ (أن أرواح الشهداء في طير خضر تعلق من ثمر الجنة أو شجر الجنة) روایت نموده، همچنان امام القرطبی به روایت کعب آنرا چنین نقل نموده: (نسمة المؤمن طائر يدل على أن نفسها يكون طائرا أي على صورته لا أنها تكون فيه ويكون الطائر ظرفا لها)؛ همچنان این حدیث را ابن ماجه به روایت ابن مسعود - رضی الله عنه - چنین روایت نموده: (أرواح الشهداء عند الله كطير خضر وفي لفظ)؛ و در لفظ روایت ابن عباس - رضی الله عنه - (تحول في طير خضر) و در روایت ابن عمرو - رضی الله عنه - (في صور طير بيض) و در روایت کعب (أرواح الشهداء طير خضر) این حدیث روایت شده است؛ امام قرطبی می گوید: تمام این روایات صحیح و درست است.»

٢- ( وعن عمران بن حصين قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: صل قائما فإن لم تستطع فقاعدا فإن لم تستطع فعلى جنب )<sup>(٢)</sup>.

ترجمه: « نماز را ایستاده بخوان و اگر توانایی نداشتی نشسته بخوان و چون نتوانستی به پهلو و اگر نه، در حالی که به پشت افتاده ای برگزار کن.»

مصنف - رحمه الله - در تخریج این حدیث می فرماید:

« قال: ابن الهمام أخرجه الجماعة إلا مسلما، قال: كانت بي بواسير فسألت النبي - صلى الله عليه وسلم - عن الصلاة، فقال: صل قائما فإن لم تستطع فقاعدا فإن لم تستطع فعلى جنب، زاد النسائي فإن لم تستطع فمستلقيا لا يكلف الله نفسا إلا وسعها»<sup>(٣)</sup>.

(١) مرقاة المفاتيح، كتاب الجنائز، باب ما يقال عند من حضره الموت، ج ٤، ص ١٠٠، حدیث (١٦٣٢).

(٢) صحیح بخاری، كتاب ابواب تقصير الصلاة، باب اذا لم يطق قاعدا صلى على جنب، ج ١، ص ٣٧٦، حدیث (١٠٦٦).

(٣) مرقاة المفاتيح، كتاب الصلاة، باب التقصد، ج ٣، ص ٢٩٠، حدیث (١٢٤٨).

ترجمه: « این حدیث بدون از صحیح مسلم و مسند امام احمد بن حنبل در صحاح سته به این الفاظ روایت شده است: (قال كانت بي بواسير فسألت النبي عن الصلاة فقال صل قائماً فإن لم تستطع فقاعدا فإن لم تستطع فعلى جنب)؛ لکن امام نسائی - رحمه الله - این لفظ را به آن اضافه نموده است: (فإن لم تستطع فمستلقيا لا يكلف الله نفسا إلا وسعها)».

۳- ( وعن جابر - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : بين العبد وبين الكفر ترك الصلاة )<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « از جابر - رضي الله عنه - روایت شده است که گفت: از پیامبر - صلى الله عليه وسلم - شنیدم که فرمود: فرق بین بنده و کفر، ترک نماز است (ترک نماز و سستی در انجام دادن آن، بالاخره انسان را به کفر و بی مبالاتی به دین می کشاند)».

ملاعلی قاری - رحمه الله - در تخریج این حدیث اقوال، عبارات و کتابهای که این حدیث را روایت نموده ذکر نموده می فرماید:

« قال: ميرك ورواه الأربعة وهذا لفظ ابن ماجه ولفظ مسلم بين الرجل وبين الشرك والكفر ترك الصلاة، و رواه أحمد بلفظ بين الرجل وبين الكفر ترك الصلاة، و رواه أبو داود والنسائي بلفظ ليس بين العبد وبين الكفر إلا ترك الصلاة، و رواه الترمذي ولفظه بين الكفر و الإيمان ترك الصلاة»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « مصنف در تخریج این حدیث قول میرک شاه را نقل نموده می فرماید: این حدیث در چهار کتاب سنن (سنن ترمذی، سنن ابن ماجه، سنن ابی داود، و سنن ترمذی) روایت شده است؛ و در روایت ابن ماجه و مسلم چنین آمده است: (بين الرجل وبين الشرك والكفر ترك الصلاة)؛ و در مسند امام احمد بن حنبل به این الفاظ روایت شده: (بين الرجل وبين الكفر ترك الصلاة)؛ و امام ابو داود و امام نسائی - رحمهما الله - این حدیث را چنین روایت نموده اند: (ليس بين العبد وبين الكفر إلا ترك الصلاة) و امام ترمذی - رحمه الله - آنرا به این الفاظ: (بين الكفر والإيمان ترك الصلاة) روایت کرده است».

خلاصه اینکه ملاعلی قاری - رحمه الله - در هنگام شرح احادیث، مسائل مربوط به تخریج حدیث را مدنظر داشته و آنرا در کتابهای معتبر حدیثی تحقیق و بررسی نموده است.

**ب: حکم بر حدیث**

(۱) صحیح مسلم، کتاب الايمان، باب بیان إطلاق اسم الكفر على من ترك الصلاة، ج ۱، ص ۶۱، حدیث (۲۵۶).

(۲) مرآة المفاتیح، کتاب الصلاة، فصل اول، ج ۱۰، ص ۲۵۳-۲۵۴، حدیث (۵۶۹).

ملاعلی قاری - رحمه الله - در هنگام شرح حدیث درجه حدیث را از نگاه قوت وضعف آن همچنان صحت و عدم صحت حدیث و قبول و رد آنرا (روایتاً و درایتاً) بیان نموده، همچنان اقوال و آراء علماء و محدثین را نیز پیرامون آن ذکر نموده است، برخی از مثالهای آن قرار ذیل است:

۱- ( عن سالم عن أبيه - رضی الله عنهما - قال: رأيت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - وأبا بكر وعمر - رضی الله عنهما - يمشون أمام الجنازة )<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « سالم از پدرش - رضی الله عنهما - روایت می کند که پیامبر - صلى الله عليه وسلم -، و ابوبکر و عمر - رضی الله عنهما - را دید که پیشاپیش جنازه راه می رفتند ».

ملاعلی قاری - رحمه الله - در باره این حدیث اقوال تعدادی از علماء را نقل نموده، و بر آن حکم نموده، می فرماید:

« قال: ابن الملك ليس إسناده بقوي وهو غير صحيح، قال: ميرك عبارة الترمذي و أهل الحديث كأنهم يرون أن الحديث المرسل في ذلك أصح وبينهما بون بعيد، و أورد الترمذي الطريق المتصل في كتابه من طريق ابن عيينة وغيره عن الزهري والطريق المرسل عن معمر عن الزهري، قال: كان النبي - صلى الله عليه وسلم - و أبو بكر وعمر - رضی الله عنهما - يمشون أمام الجنازة، وحكى الترمذي عن البخاري أن المرسل أصح، وقال: النسائي هذا خطأ والصواب مرسل؛ و قال: غير هؤلاء سفيان بن عيينة من الحفاظ الإثبات وقد أتى بزيادة على من أرسله فوجب قبولها، وقال: البيهقي ومن وصله واستقر على وصله ولم يختلف عليه سفيان بن عيينة وهو حجة ثقة »<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « ابن ملک سند این حدیث را ضعیف دانسته است، که این نظر ابن ملک درست نمی باشد، میرک شاه می گوید: امام ترمذی و اهل حدیث گفته اند اگر این حدیث را مرسل بگویم صحیح است، در بین این دو قول تفاوت زیادی دیده می شود، چنانچه امام ترمذی سند متصل این حدیث را از طریق ابن عیینة و غیر او ثابت نموده، همچنان آنرا از طریق مرسل از معمر و زهری به ابن الفاضل (عن معمر عن الزهري قال كان النبي وأبو بكر وعمر يمشون أمام الجنازة) روایت نموده است، و امام ترمذی از امام بخاری - رحمهما الله - حکایت می کند که حدیث مرسل حدیث صحیح است؛ همچنان امام نسائی - رحمه الله - نیز این حدیث را مرسل صحیح دانسته؛ بر علاوه از اینها، دیگران نیز سفيان بن عيينة را از جمله ای حفاظ و اثبات خوانده اند و به

(۱) سنن النسائي الكبرى، كتاب الجنائز و تمنى الموت، باب الماشي من الجنازة، ج ۱، ص ۶۳۲، حدیث (۲۰۷۱).

(۲) مرقاة المفاتیح، كتاب الجنائز، باب المشي بالجنازة، ج ۴، ص ۱۳۸، حدیث (۱۶۶۸).

قبولی روایت از او ولو اگر مرسل باشد حکم نموده اند؛ امام بیهقی نیز روایات او را مقبول دانسته است، (ملاعلی قاری) در اخیر می گوید: روایات سفیان ابن عیینه حجت بوده و به ثقه بودن آن حکم می شود.»

۲- ( عن أبي هريرة - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : الإمام ضامن والمؤذن مؤتمن اللهم أرشد الأمة واغفر للمؤذنين )<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « از ابی هریره - رضی الله عنه روایت است، که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: امام یا پیش نماز ضامن است و مؤذن مورد اطمینان، الهی پیش نمازان را هدیت کن و مؤذنین را بیامرز.»

ملاعلی قاری - رحمه الله - پیرامون شرح این حدیث می فرماید:

« قال: الترمذي سمعت أبا زرعة يقول حديث أبي صالح عن أبي هريرة أصح من حديث أبي صالح عن عائشة، قال: وسمعت محمد بن إسماعيل يقول حديث أبي صالح عن عائشة أصح، و ذكر علي بن المديني أنه قال لا يثبت حديث أبي هريرة ولا حديث عائشة في هذا، نقله ميرك و قال: ابن حجر هو حديث ضعيف وبه استدل جماعة من أصحابنا على ما نص عليه الشافعي في الأم من أن الأذان أفضل من الإمامة وعبارته و أحب الأذان»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « امام ترمذی می گوید: از ابا زرعه شنیدم که می گفت روایت ابی صالح از ابی هریره صحیح است نسبت به روایت او از عائشه - رضی الله عنهم اجمعین -، همچنان امام ترمذی می فرماید: از محمد بن اسماعیل شنیدم که می گفت: روایت ابی زرعه از عائشه - رضی الله عنها - صحیح است؛ علی بن المدینی می فرماید که در این مورد از ابی هریره و عائشه - رضی الله عنهما - هیچ روایت ثابت نشده؛ میرک شاه از ابن حجر نقل نموده که این حدیث ضعیف است، لکن جماعت از پیروان امام اعظم از این حدیث در مقابل امام شافعی - رحمه الله - استدلال نموده که می فرماید: (أن الأذان أفضل من الإمامة و أحب الأذان ) یعنی آذان نسبت به امامت فضیلت زیاد دارد و من آذان را دوست دارم.»

### مطلب نهم: منهج ملاعلی قاری در بیان اقوال متصوفه، نصوص ادبی و شعراء

ملاعلی قاری - رحمه الله - در شرح احادیث و توضیح الفاظ آن، آراء متصوفه، اقوال ادبی و اشعار عرب را نیز بیان نموده است، که اینک هر یک را طی موضوعات جداگانه بررسی می نمایم:

### الف: بیان اقوال متصوفه در شرح حدیث

(۱) سنن الترمذی، کتاب ابواب الصلاة، باب ما جاء أن الإمام ضامن والمؤذن مؤتمن، ج ۱، ص ۴۰۲، حدیث (۲۰۷)، شیخ آلبانی این حدیث را صحیح خوانده.

(۲) مرقاة المفاتیح، کتاب الصلاة، باب فضل الأذان واجابة المؤذن، ج ۲، ص ۳۳۵، حدیث (۶۶۳).

مصنف احياناً اقوال متصوفه و آراء آنها را در صورتکه با روح شریعت و ظاهر حدیث در تعارض نباشد بیان نموده می فرماید:

۱- ( وعن سفیان بن عبد الله الثقفي قال: قلت: يا رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قل لي في الإسلام قولاً لا أسأل عنه أحداً بعدك وفي رواية: غيرك قال: قل: آمنت بالله ثم استقم )<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « سفیان بن عبدالله ثقفی - رضي الله عنه - می گوید: عرض کردم: ای رسول الله - صلى الله عليه وسلم -! از اسلام سخنی به من بگو که دیگر از کسی جز تو درباره آن نپرسم، آن حضرت - صلى الله عليه وسلم - فرمود: بگو ایمان به الله متعال آوردم، سپس بر ایمان خود استوار و پایدار باش ». مصنف - رحمه الله - در شرح این حدیث اقوال برخی متصوفه را نقل نموده، می فرماید:

« قالت: الصوفية الإستقامة خير من ألف كرامة، أو تقول: آمنت بالله شامل للإتيان بكل الطاعات والإجتنباب عن كل المنهيات وقوله ثم استقم محمول على الثبات فيهما ولعظمة أمر الإستقامة، قال: عليه السلام شيتني سورة هود لأنه نزل فيها فاستقم كما أمرت وهي جامعة لجميع أنواع التكليف، وقالت: الصوفية لأن الدعوة إلى الله مع كون المدعو على الصراط المستقيم أمر صعب لا يمكن إلا إذا كان الداعي على بصيرة يرى أنه يدعوه من اسم إلى اسم »<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « اهل تصوف می گویند: استقامت و پایداری در امور دین داری و ایمان بهتر از هزار کرامت است؛ یا اینکه به الله متعال ایمان آوردن است، که این ایمان به جميع طاعات واجتناب از تمامی منہیات اطلاق می شود، و این جزء حدیث (ثم استقم) به ثبات در ایمان به الله متعال حمل می گردد، و به خاطر بزرگی وعظمت استقامت است که پیامبر - صلى الله عليه وسلم - می گوید: سوره هود مرا پیر ساخته زیرا کلمه (استقم كما امرت)، یعنی: پایداری نما همان طوریکه امر شده ای در آن نازل شده که بیانگر تمامی دستورات شرع است؛ چنانچه صاحبان تصوف می فرماید: دعوت بسوی دین الله متعال و صراط مستقیم نسبت به هر عبادت یک امر مشکل و صعب است، و بدون از اینکه داعی تمام جوانب دعوت را مد نظر داشت باشد امکان ندارد ».

۲- ( و عن الحارث الأعور قال: مررت في المسجد فإذا الناس يخوضون في الأحاديث فدخلت على علي رضي الله عنه فأخبرته قال: أوقد فعلوها؟ قلت نعم قال: أما إني قد سمعت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يقول: ألا إنها ستكون فتنة؛ فقلت ما المخرج منها يا رسول الله قال: كتاب الله فيه نبأ ما كان قبلكم وخبر ما بعدكم وحكم ما بينكم وهو الفصل ليس بالهزل من تركه من جبار قصمه الله ومن ابتغى الهدى في غيره أضله الله وهو حبل الله

(۱) صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب جامع اوصاف الاسلام، ج ۱، ص ۴۷، حدیث (۱۶۸).

(۲) مرآة المفاتیح، کتاب الایمان، ج ۱، ص ۱۵۵، حدیث (۱۵).

المتين وهو الذكر الحكيم وهو الصراط المستقيم هو الذي لا تزيع به الأهواء ولا تلتبس به الألسنة ولا يشبع منه العلماء ولا يخلق على كثرة الرد ولا ينقضي عجايبه هو الذي لم تنته الجن إذ سمعته حتى قالوا ( إنا سمعنا قرآنا عجبا يهدي إلى الرشد فآمننا به ) من قال به صدق ومن عمل به أجر ومن حكم به عدل ومن دعا إليه هدى إلى صراط مستقيم «(۱)».

ترجمه: « از حارث الاعور روایت است: که از کنار مسجد می گذشتم که تعدادی از مردم در باره احادیث نبی - صلی الله علیه وسلم - باهم بحث و مجادله می کردند، و نزد علی - رضی الله عنه - رفتم و او را از قضیه با خبر کردم، حضرت علی - رضی الله عنه - گفت: آیا آنها این کار را می کردند؟ گفتم بلی، او فرمود: من از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - شنیدم که گفت: آگاه باشید که در آینده نزدیک فتنه ظهور خواهد کرد، من برایش گفتم: که پیرامون چی موضوعی یا رسول الله - صلی الله علیه وسلم -، گفت: قرآن کریم که در آن خبری است که قبل از شما نبوده و اخباری است که بعد از شما واقع می شود، و در آن حکم است که بین شما به حق فیصله می کند، کسی آنرا ترک کند از جمله ستمگران است که از احکام الله متعال دور شده، و کسی که بدون از آن هدایت بجوید الله متعال او را گمراه می ساز، در این قرآن ریسمان و شریعت محکم الله متعال است در آن ذکر حکیم و راه مستقیم است، و همانند کتابهای قبلی هرگز تحریف نمی شود، و بالای زبان ها سختی نمی کند، و هیچ عالم از آن سیر نشده و باوجود که مخالفین آن زیاد است کسی آنرا رد نتوانسته، عجائب و معجزات آن انتها پذیر نیست، و هنگام که آنرا جن بشنود از احکام آن سرکشی نمی کند و می گویند: ﴿ قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قرآنا عَجَبًا ﴾ (۲)؛ یعنی: « بگو: به من وحی شده است که گروهی از جنیات (به تلاوت قرآن) گوش فرا دادند، آنگاه گفتند: بی گمان قرآنی شکفت شنیدیم «؛ کسی که دستورات قرآن کریم را بالای خود عملی سازد صادق است، و کسی به آن عمل کند نزد الله متعال اجر و پاداش دارد، کسی که به آن حکم کرده عدل نموده است، کسی که بسوی آن دعوت نماید به راه راست هدایت شده است «.

مصنف کتاب (مرقاة المفاتیح) در شرح این جزء حدیث: ( ومن ابتغى الهدى في غيره أضله الله وهو حبل الله المتين وهو الذكر الحكيم وهو الصراط المستقيم هو الذي لا تزيع به الأهواء ) که تعریف و معرفی قرآن کریم است می

(۱) سنن الترمذی، کتاب فضائل القرآن، باب فضل القرآن، ج ۵، ص ۱۷۲، حدیث (۲۹۰۶). ترمذی اسناد این حدیث را مجهول دانسته است: حدیث إسناده مجهول وفي الحارث مقال.

(۲) سوره جن، آیه ۱.



فرماید: « قال: الجنيد من لم يحفظ القرآن ولم يكتب الحديث لا يقتدى به ومن دخل في طريقنا بغير علم واستمر قانعا بجهله فهو ضحكة للشيطان مسخرة له لأن علمنا مقيد بالكتاب والسنة »<sup>(۱)</sup>.

از آنچه در شرح احادیث فوق بیان گردید ثابت می شود که ملا علی قاری - رحمه الله - در اثنای شرح احادیث کتاب مشکاة المصابیح اقوال متصوفه را نیز نقل و بیان نموده است.

### ب: حکایت های تربیتی راجع به شرح و توضیح حدیث

همچنان ملا علی قاری - رحمه الله - در شرح احادیث در ناحیه ادبی نیز اهتمام نموده، طوریکه احياناً مطالب را با نقل اقوال ادبی علماء شرح داده است، بعضی از امثله آن قرار ذیل است:

۱- ( وعن عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - قال: كان النبي - صلى الله عليه وسلم - يعطيني العطاء فأقول: أعطه أفقر إليه مني، فقال: خذ فتموله وتصدق به فما جاءك من هذا المال وأنت غير مشرف ولا سائل فخذ، ومالا فلا تتبعه نفسك )<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « حضرت عمر - رضی الله عنه - می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از بیت المال به من کمک کرد، به او گفتم: آن را به کسی که از من محتاج تر است بده، فرمود: هرگاه بدون انتظار و درخواست، چیزی را از بیت المال به تو دادند آن را بپذیر، در غیر آن صورت چشم طمع بدان مبنده و آن را دنبال مکن ».

مصنف - رحمه الله - در شرح این قول رسول الله - صلی الله علیه وسلم - (فلا تتبعه نفسك) می فرماید: « حکى أن الإمام أحمد بن حنبل اشترى شيئاً من السوق فحمله بنان الحمال فلما دخل البيت وكان الخبز منشورا ليبرد أمر ولده أن يعطى قرصاً لبنان فعرض عليه فامتنع ولم يأخذه فلما خرج أمره أن يلحقه ويعطيه فأخذه فتعجب الولد من امتناعه أولاً وأخذه ثانياً فسأل الإمام فقال نعم لما دخل و رأى العيش وقع منه إشراف على مقتضى الطبع البشرى فامتنع لذلك ولما خرج وجاءه الخبز من غير إشراف في تلك الحالة أخذه »<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: « از امام احمد ابن حنبل - رحمه الله - حکایت می کنند، روزی وی از بازار برای ضروریات خانه اشیاء خریداری نمود، و آنرا دو پسر بچه که کسب و کار آنها حمل و انتقال اشیا در بازار بود (جوالی) به خانه او برد، هنگام که در خانه داخل شدند، نانی پخته شده بخاطر یخ شدن پراکنده افتاده بود، امام احمد - رحمه الله - بچه خود را امر نمود تا یک نان به آن دو بچه جوالی بدهد، لکن آن دو بچه از گرفتن نان امتناع ورزیدند و آنرا نگرفتند، هنگام که آنها از خانه بیرون شدند، امام احمد دو باره فرزندش را امر کرد که در بیرون از منزل نان

(۱) مرقاة المفاتیح، کتاب فضائل القرآن عموماً وبعض سوره وآياته خصوصاً، ج ۵، ص ۳۷، حدیث (۲۱۳۸).

(۲) صحیح مسلم، کتاب الزکاة، باب إباحة الأخذ لمن أعطى من غير مسألة ولا إشراف، ج ۳، ص ۹۸، حدیث (۲۴۵۲).

(۳) مرقاة المفاتیح، کتاب الزکاة، من لا تحل له المسألة ومن تحل له، ج ۴، ص ۳۰۷، حدیث (۱۸۴۵).

را به آنها بدهد، آنها در بیرون از منزل نان را گرفتند، بچه امام احمد از امتناع اول آنها و اخذ دو باره آنها تعجب کرد، و از امام صاحب علت آنرا پرسید، امام احمد بن حنبل - رحمه الله - گفت: هنگام که آنها در خانه داخل شدند نان را دیدند و به اساس شرف و مقتضی طبع بشری از اخذ آن امتناع نمودند، مگر وقتی که از خانه بیرون رفتند از آن خود را بی نیاز دانستند در این حالت آنرا اخذ کردند، یعنی: (گویا که در داخل خانه چنین وا نمود می شد که آنها دنبال نان رفته اند، مگر در بیرون از خانه نان را دنبال آنها آوردند که در این صورت آنها دنبال نان نرفته بودند)».

۲- ( وعن أبي هريرة - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : صلاة الرجل في الجماعة تضعف على صلاته في بيته وفي سوقه خمسا وعشرين ضعفا وذلك أنه إذا توضأ فأحسن الوضوء ثم خرج إلى المسجد لا يخرجه إلا الصلاة لم يخط خطوة إلا رفعت له بها درجة وحط عنه بها خطيئة فإذا صلى لم تنزل الملائكة تصلي عليه ما دام في مصلاه اللهم صل عليه اللهم ارحمه ولا يزال أحدكم في صلاة ما انتظر الصلاة؛ وفي رواية: قال: إذا دخل المسجد كانت الصلاة تحبسه (۱).

ترجمه: « نماز جماعت بیست و پنج برابر نمازی که در خانه و بازار خوانده می شود، ثواب دارد؛ این بدان جهت است که هرگاه مسلمان به خوبی وضوء بگیرد، آنگاه به سوی مسجد رهسپار شود، در حالی که فقط برای کسب خشنودی الله متعال برای نماز خارج شده باشد، هر قدمی که برمی دارد به همان میزان بر درجات اعمال نیک او افزوده می شود و به همان اندازه از خطاهایش کاسته می شود، و از زمانی که به نماز می ایستد، تا هنگامی که در مسجد است، فرشتگان رحمت پیوسته بر او درود و رحمت می فرستند و از بارگاه الهی می خواهند که: بار الهی بر او درود بفرست و رحمت عنایت کن، انتظار نماز جماعت نیز در حکم اقامه آن است، و در روایت گفته شده که وقتی شخص داخل مسجد شود نماز آن او را نمی گذارد که از مسجد خارج شود.»

ملا علی قاری - رحمه الله - در شرح این جزء حدیث: ( إذا دخل المسجد كانت الصلاة تحبسه ) می فرماید:

« وجاء في بعض الحكايات أن عبدا استأذن سيده أن يدخل المسجد ويصلي فأذن له ووقف خارج المسجد ينتظره فباطأ العبد عليه، فقال: له اخرج فقال: ما يخليني أخرج فقال: من هو فقال: الذي لا يخليك تدخل» (۲).

ترجمه: « وقتی که شخص داخل مسجد شود نماز آن شخص را نمی گذارد که از مسجد خارج شود، مصنف - رحمه الله - می گوید: در بعضی حکایات وارد شده که روزی یک غلام از آقا وسید خود اجازه خواست تا در

(۱) صحیح بخاری، کتاب الجماعة والامامة، باب وجوب صلاة الجماعة، ج ۱، ص ۲۳۲، حدیث (۶۲۰).

(۲) مرقاة المفاتیح، کتاب الصلاة، باب المساجد ومواضع الصلاة، ج ۲، ص ۳۸۱، حدیث (۷۰۲).

مسجد برای نماز خواندن داخل شود، سید به او اجازه ای داخل شدن را داد، و خودش بیرون از مسجد برایش منتظر شد، در این اثنا غلام در مسجد درنگ کرد، سید او را صدا زد و برایش گفت: بیرون شو غلام گفت: برایم اجازه نمی دهد، سید گفت: کی برایت اجازه نمی دهد، غلام گفت: کسی که برای تو اجازه داخل شدن را نمی دهد.»

### ج: استفاده از نظم و شعر برای توضیح و شرح حدیث

ملاعلی قاری در اثنای شرح حدیث اقوال شعراء را بیان نموده و احياناً از اشعار آنها نیز استدلال نموده است، برخی از مثالهای آن قرار ذیل است:

۱- ( وعن أبي سعيد الخدري - رضي الله عنه - قال: خرج رسول الله - صلى الله عليه وسلم - في أضحى أو فطر إلى المصلی فمر على النساء فقال: يا معشر النساء تصدقن فإني أريتكن أكثر أهل النار فقلن وبم يا رسول الله! قال تكثرن اللعن وتكفرن العشير ما رأيت من ناقصات عقل ودين أذهب للب الرجل الحازم من إحداكن قلن وما نقصان ديننا وعقلنا يا رسول الله! قال: أليس شهادة المرأة مثل نصف شهادة الرجل قلن بلى قال: فذلك من نقصان عقلها أليس إذا حاضت لم تصل ولم تصم قلن بلى قال فذلك من نقصان دينها )<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: ابو سعيد خدري - رضي الله عنه - مي گوید: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - روز عيد قربان يا عيد فطر بسوي مصلا رفت؛ در آنجا، سري به زنان زد و خطاب به آنان فرمود: اي گروه زنان! صدقه دهيد؛ زيرا شما را بيشترين اهل دوزخ ديدم، پرسيدند: چرا؟ اي رسول الله - صلى الله عليه وسلم -! پيامبر اکرم - صلى الله عليه وسلم - فرمود: بخاطر اينکه شما بکثرت نفرين مي کنيد و از شوهران تان نافرمانی نموده و ناسپاسي مي کنيد و هيچ ناقص عقل و ديني ني تواند مانند شما، مردان عاقل را فريب بدهد؛ عرض کردند: اي رسول الله - صلى الله عليه وسلم -! نقصان عقل و دين ما چيست؟ فرمود: مگر نه اين است که گواهي يك زن، نصف گواهي مرد محسوب مي شود؟ گفتند: بلي رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: اين خود، نشانگر نقص عقل شما است، آنحضرت - صلى الله عليه وسلم - باز فرمود: مگر نه اينکه در ايام حيض و قاعدگي، نماز ني خوانيد و روزه ني گيريد؟ عرض کردند: بلي، رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: اين هم دليل بر نقص دين شماست.»

(۱) صحيح بخاری، کتاب الحيض، باب ترك الحائض الصوم، ج ۱، ص ۱۱۶، حديث (۲۹۸).

ملاعلی قاری در شرح این جزء حدیث (ما رأیت من ناقصات عقل و دین أذهب للرجل الحازم من إحدان) شعر (جریر) (۱) را نقل نموده، می فرماید: « وما أحسن قول جریر فی وصف عیوبهن » (۲).

یصرعن ذا اللب حتی لا حراك به

وهن أضعف خلق الله أركاناً

۲- ( وعن ابن عباس - رضی الله عنه - قال: جعل فی قبر رسول الله - صلی الله علیه وسلم - قطیفة حمراء ) (۳).

ترجمه: « از ابن عباس - رضی الله عنه - روایت شده است که بر قبر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - یک قطیفه سرخ انداخته بودند ». «

ملاعلی قاری - رحمه الله - در شرح این حدیث می فرماید: « وقال الشيخ العراقي فی ألفيته فی السيرة » (۴).

وفرشت فی قبره قطیفة

وقیل أخرجت وهذا أثبت

---

(۱) جریر بن الخطفان نسب ایشان تمیمی بوده است، عمر بن عبدالعزیز بدون از وی هیچ شاعری را اجازه شعر سرودن را نمی داد، ابن خلکان می گوید: علماء به این اتفاق دارند که همانند سه شاعر در اسلام دیده نشده مانند، جریر، الفرزدق، و الاختطل؛ جریر در سال (۱۱۰) وفات شده است؛ نگاه: شذرات الذهب، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۴۱.

(۲) مرقاة المفاتیح، کتاب الایمان، ج ۱، ص ۱۶۷، حدیث (۱۹).

(۳) صحیح مسلم، کتاب جنائز، باب جعل القطیفة فی القبر، ج ۳، ص ۶۱، حدیث (۲۲۸۵).

(۴) مرقاة المفاتیح، کتاب الجنائز، باب دفن المیت، ج ۴، ص ۱۵۴، حدیث (۱۶۹۴).

## مبحث دوم

### منهج ملاعلی قاری در نحوه استنباط احکام حدیث در مرقاة المفاتیح

ملاعلی قاری - رحمه الله - در اثنای شرح احادیث موارد و مسائل زیادی را تحقیق نموده است، که شامل استنباط احکام حدیث و مسائل مربوطه آن می شود، مصنف مرقاة المفاتیح این مسائل را طی یک منهج منظم و منطقی تحقیق نموده است، لذا در این مبحث به تفصیل آن طی مطالب جداگانه و مثالهای تطبیقی آن از کتاب (مرقاة المفاتیح) ذیلاً می پردازیم:

#### مطلب اول: منهج ملاعلی قاری در علم اسباب ورود حدیث

ملاعلی قاری - رحمه الله - در اثنای شرح حدیث احياناً به اسباب ورود آن نیز توجه نموده، و در هنگام تشریح وجوهات دیگر حدیثی سبب که همان حدیث پیرامون آن موضوع روایت شده نیز بیان گردیده است، از جمله:

۱- ( وعن ابن عباس - رضي الله عنهما - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : إن عمرة في رمضان تعدل حجة )<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « از ابن عباس - رضي الله عنهما - روایت شده است: که پیامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمودند: عمره ای در رمضان برابر است با یک حج .»

ملاعلی قاری مصنف کتاب مرقاة المفاتیح در سبب ورود این حدیث می فرماید:

« ثم قيل: المراد عمرة آفاقية ولا تجوز العمرة المكية عند الحنبلية ويؤيدهم سبب ورود الحديث وهو أن امرأة شكت إليه تخلفها عن الحج معه، فقال: لها اعتمري وكان ميقات تلك المرأة ذا الحليفة وأيضاً لم يحفظ عنه إيقاعها في رمضان مع إدراكه أياماً منه في مكة بعد فتحها مع ما قيل من أنه دخل مكة من غير إحرام بها وإنما وقع عمرة كلها في ذي القعدة وقيل قد اعتمر في رجب على ما قاله ابن عمر وأنكرته عائشة رضي الله عنها... »<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « گفته شده که مراد از این حدیث عمره آفاقی است ( حاجی آفاقی به کسی گفته می شود که مسکن شان بیرون از مکه موقعیت داشته باشد)، مگر پیروان امام احمد بن حنبل عمره برای اهل مکه را جواز نداده اند، و آنها از سبب ورود این حدیث استدلال نموده اند، سبب ورود حدیث طور است، که یک زن از باز ماندنش

(۱) صحیح مسلم، کتاب الحج، باب فضل العمرة في رمضان، ج ۴، ص ۶۱، حدیث (۳۰۹۷).

(۲) مرقاة المفاتیح، کتاب المناسک، ج، ص، حدیث (۲۵۰۹).

در حج که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در آن حضور داشت، شکایت کرد، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - خطاب به آن زن فرمود: این زن عمره بجا آورد و میقاتگاه او ذا الحلیفه است، همچنان از نبی - صلی الله علیه وسلم - در ماه رمضان عمره ثابت نگردیده، با وجود که بعد از فتح مکه در ایام رمضان در آنجا حضور یافته است، و با آنکه گفته نشده که او بدون احرام به مکه داخل شده است؛ و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - تمام عمره های خود را در ماه ذی القعدة انجام داده است، و گفته شده که در ماه رجب عمره نموده است، چنانچه نسبت این قول به حضرت عبدالله بن عمر - رضی الله عنه - گردیده است، لکن عائشه - رضی الله عنها - آنرا نمی پذیرد...».

۲- ( عن أبي هريرة - رضی الله عنه - قال: قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم -: ( لا يلدغ المؤمن من جحر واحد مرتين ) (۱).

ترجمه: « ابو هریره - رضی الله عنه - می فرماید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: انسان مؤمن دو بار از يك سوراخ گزیده نمی شود.»

مصنف - رحمه الله - در سبب ورود این حدیث اقوال ذیل را نقل نموده است:

« قال: الخطابي هذا يروي على وجهين؛ أحدهما على الخبر وهو أن المؤمن الممدوح هو المتيقظ الحازم الذي لا يؤتى من ناحية الغفلة فيخدع مرة بعد أخرى ولا يفتن هو به وقد قيل إنه الخداع في أمر الآخرة دون أمر الدنيا؛ وثانيهما على النهي أي لا يخدع المؤمن ولا يؤتى من ناحية الغفلة فيقع في مكروه وهذا يصلح أن يكون في أمر الدنيا والآخرة؛ قال: التوربشتي و أرى أن الحديث لم يبلغ الخطابي على ما كان عليه وهو مشهور عند أهل السير... وروى النووي عن القاضي عياض هذه القصة وقال سبب هذا الحديث معروف وهو أن النبي أسر أبا غرة الشاعر يوم بدر فمن عليه وعاهده أن لا يحرض عليه ولا يهجو فأطلقه فلحق بقومه ثم رجع إلى التحريض والهجاء ثم أسر يوم أحد فسأله المن فقال النبي لا يلدغ المؤمن الحديث وهذا السبب» (۲).

ترجمه: « خطابی می گوید: که این حدیث به دو وجه روایت شده است:

اول اینکه، این حدیث از حیث خبر روایت شده، و آن خبر عبارت از صفت مؤمن است که باید در امور زندگی خویش هوشیار و بیدار باشد و هیچگاه غفلت نکند، یعنی: ( از اثر بی پروائی در موضوع واحد چندین مرتبه دچار یک مشکل نباید شود)، و این حدیث در امور آخرت وارد شده نه امور دنیا.

(۱) صحیح بخاری، کتاب الادب، باب لا يلدغ المؤمن من جحر مرتين، ج ۵، ۲۲۷۱، حدیث (۵۷۸۲).

(۲) مرقاة المفاتیح، کتاب الادب، باب الحذر والتأني في الأمور، ج ۳، ص ۵۰۵۳، حدیث (۵۰۵۳).

دوم اینکه، این حدیث در باره آگاهی مسلمانان در امور دنیا و آخرت شان ذکر شده، یعنی: مسلمانان نباید در خواب غفلت فرو روند تا سبب ناکامی آنها در دنیا و عقبی گردد؛ لکن توربشتی می فرماید: مثلاً این حدیث به خطابی نرسیده زیرا سبب ورود این حدیث خیلی مشهور است، سپس مصنف قول امام نووی را از قاضی عیاض در سبب ورود این حدیث نقل نموده می فرماید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و صحابه کرام در روز غزوه بدر، بأغرة «الجمحی» شاعر را اسیر گرفتند، و در بدل خلاصی و رهایی او از اسارت و مرگ بر او منت گذاشت و عهد گرفت، که دیگر شعرهای غیر اسلامی و بدگویی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را نمی کند، هنگامی که ابا غره بعد از آزادی با قوم خود یکجا شد، دو باره آن هرزه گوی و بدگویی نبی - صلی الله علیه وسلم - را پرداخت، در سال غزوه (أحد) دو باره به دست مسلمانان اسیر شد و در خواست آزادی مشروط نمود، (یعنی: دیگر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را هجو نمی کنم)؛ در این اثنا بود که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود (مؤمن از یک سوراخ دو دفعه گزیده نمی شود)، و این است سبب ورود حدیث «.

۳- (عن أبي هريرة - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - : قال الله تعالى: أعددت لعبادي الصالحين ما لا عين رأت ولا أذن سمعت ولا خطر على قلب بشر؛ واقروا إن شئتم: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ﴾ (۱)).

ترجمه: «ابوهریره - رضي الله عنه - از پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - نقل می کند که فرمود: الله - تبارک و تعالی - برای بندگان خود چیزهایی تهیه نموده است که نه چشمی دیده و نه گوشي شنیده و نه به تصور کسی می آید؛ سپس فرمود: این آیه را بخوانید که الله متعال می فرماید: هیچ کس اطلاع ندارد که برای خنکی چشم آنها (بندگان صالح) چه چیز در نظر گرفته شده است.»

ملاعلی قاری - رحمه الله - در باره سبب ورود این حدیث می فرماید:

«وقال: الحافظ ابن حجر العسقلاني رحمه الله سبب هذا الحديث أن موسى عليه الصلاة والسلام سأل ربه من أعظم أهل الجنة منزلة، فقال: غرزت كرامتهم بيدي وختمت عليها فلا عين رأت إلى آخره» (۲).

خلاصه اینکه ملاعلی قاری - رحمه الله - در هنگام شرح حدیث بعضاً سبب ورود حدیث را نیز نقل نموده و اقوال علماء را پیرامون آن بیان می کند.

(۱) صحیح بخاری، کتاب بدء الخلق، باب ماجاء فی صفة الجنة وانما مخلوقة، ج ۳، ص ۱۱۸۵، حدیث (۳۰۷۲).  
(۲) مرقاة المفاتیح، کتاب صفة القيامة والجنة والنار، باب صفة الجنة واهلها، ج ۱۰، ص ۲۸۳، حدیث (۵۶۱۲).

## مطلب دوم: منهج ملاعلی قاری در بیان احکام عقیده

علامه ملاعلی قاری - رحمه الله - از جمله ای دانشمندان و محدثین محسوب می گردد، که هنگام شرح حدیث به مسائل عقیده وی توجه و اهتمام خاص نموده و اقوال و دلائل علماء را پیرامون آن بیان می کند، این از نهایت درجه اخلاص وی در امور عقیدتی پنداشته می شود، زیرا عقیده راسخ به الله متعال و امور غیبی از پایه های بنیادی و اساسی شریعت اسلام است، که بدون آن اسلامیت و ایمان داری بندگان معنی و مفهوم ندارد، به همین خاطر است که مصنف مرقاة المفاتیح در کتاب ایمان نخست معنی لغوی و اصطلاحی ایمان را مفصلاً شرح نموده و بعداً اقوال علماء، فرق و مذاهب اسلامی را پیرامون آن ذکر و مناقشه کرده است، همچنان راجع به اینکه آیا عمل جوارح شامل مجرد تصدیق است و یا نه، و از اقرار که آیا شرط اجزای احکام است و یا صحت ایمان و ذکر اقوال مذاهب پیرامون آن نیز سخن گفته، می فرماید:

« وهو التصديق الذي معه أمن وطمأنينة لغة، وفي الشرع تصديق القلب بما جاء من عند الرب فكأن المؤمن يجعل به نفسه آمنة من العذاب في الدارين، يقال: أمنة إذا صدقه، وقيل: معنى أمنت صرت ذا أمن ثم نقل إلى التصديق ويعدى باللام، نحو: ﴿وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ﴾ يوسف، وقال: فرعون قال ءامنتم له طه وقد يضمن معنى اعترف»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: «ایمان در لغت به معنی تصدیقی است که در آن امن و اطمینان موجود باشد، و ایمان در شرع به معنی تصدیق قلب است بدانچه که از جانب پروردگار تعیین گردیده است، یعنی: مؤمن به کسی گفته می شود، که نفس خود را در دنیا و آخرت از عذاب برحذر داشته است، یا اینکه گفته شود در امان گردید هنگام که تصدیقش نمود، و گفته شده که صاحب امن شدم، بعداً مفهوم آن به تصدیق که متعدی به لام است انتقال میابد، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ﴾<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: «و تو هرگز ما را باور نمی داری هر چند راستگو هم باشیم»؛ و این قول الله تعالی نیز به آن گواه است که می فرماید:

﴿قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ﴾<sup>(۳)</sup>

(۱) مرقاة المفاتیح، کتاب الایمان، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۶.

(۲) سوره یوسف، آیه ۱۷.

(۳) سوره طه، آیه ۷۱.



ترجمه: « فرعون گفت: آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید »؛ در این آیات ایمان تضمین کننده اعتراف است.»

همچنان ملاعلی قاری - رحمه الله - پیرامون توحید در شرح احادیث مشکاة المصابیح مسائل زیادی عقیدوی را شرح و توضیح نموده است، چنانچه در شرح حدیث ذیل گفته است:

( عن عمر بن الخطاب - رضي الله عنه - قال: بينا نحن عند رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ذات يوم إذ طلع علينا رجل شديد بياض الثياب شديد سواد الشعر لا يرى عليه أثر السفر ولا يعرفه منا أحد حتى جلس إلى النبي صلى الله عليه وسلم فأسند ركبتيه إلى ركبتيه ووضع كفيه على فخذيه وقال: يا محمد أخبرني عن الإسلام قال: " الإسلام: أن تشهد أن لا إله إلا الله وأن محمدا رسول الله وتقيم الصلاة وتؤتي الزكاة وتصوم رمضان وتحج البيت إن استطعت إليه سبيلا... ) (١).

ترجمه: « حضرت عمر - رضي الله عنه - می فرماید: روزی ما نزد پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - نشستیم، مردی بر ما وارد شد که جامه بسیار سفیدی بر تن داشت، و موهای سرش بسیار سیاه، و کسی از ما او را نمی شناخت، و هیچ اثر سفر بر او نبود که بگویم از جایی دور آمده است، تا این که نزد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نشست، و دو زانوی خود را به دو زانوی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - چسباند، و دو دستش را بر دو ران او - صلی الله علیه وسلم - نهاد، و گفت: ای محمد! مرا از اسلام خبر کن؟ پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در پاسخ فرمود: اسلام عبارت است از این که گواهی دهی و یقین داشته باشی، معبودی به حق جز الله یکتا نیست، و آن که محمد فرستاده الله متعال است، و نماز برپا داری، و زکات بدهی، و روزه (ماه مبارك) رمضان را بگیری، و اگر توانایی بدنی و مالی و توشه راه و وسیله ای برای سفر داشته باشی حج بیت الله کنی... ».

ملاعلی قاری - رحمه الله - مسائل عقیدوی را در حدیث متذکره چنین شرح نموده، می فرماید:

« والأحسن فيه لا إله معبود بالحق في الوجود إلا الله ... ثم قيل التوحيد هو الحكم بوحداية الشيء والعلم بها » (٢).

### مطلب سوم: توضیح دید فقهاء، همراه با دلائل شان

علامه ملاعلی قاری - رحمه الله - در فقه شریف دست بلندی داشت و در اثنای شرح احادیث کتاب (مشکاة المصابیح) بر علاوه اینکه اقوال محدثین، نحویین، لغویین، شعرا و غیره را بیان می کرد؛ اقوال مذاهب اربعة و فقهای

(١) صحیح مسلم، کتاب الايمان، باب معرفة الايمان والاسلام والقدر و علامة الساعة، ج ١، ص ٢٨، حدیث (١٠٢).

(٢) مرآة المفاتيح، کتاب الايمان، ج ١، ص ١٠٦-١٢٧، حدیث (٢).

دیگر را با استدلال‌ات آنها نیز مناقشه نموده و از میان این نظریات، رأی و نظر راجح را تخریج نموده است؛ و همان طوریکه ملاعلی قاری در فقه پیروی مذهب امام اعظم ابو حنیفه - رحمه الله - می باشد، وی در اکثر موارد مذهب احناف را راجح دانسته و بخاطر نصرت آن جدو جهد زیاد نموده است، همچنان استدلال‌ات فقها کرام را در بسا موارد نیز دفع کرده است، بنابر همین اساس در این مطلب می خواهیم دیدگاه فقهی وی را طی دو موضوع جداگانه ( بیان اقوال فقها و حمایت از مذهب احناف ) مفصلاً بحث نمائیم:

### الف: بیان اقوال فقها و ذکر ادله آنها

به تحقیق که ملاعلی قاری - رحمه الله - همان طوریکه محدث جلیل القدر بوده است وی فقیه کبیر نیز بوده است، که در مسائل فرعی فقهی بشکل عام دسترسی داشته است، لکن از مذهب امام اعظم ابو حنیفه - رحمه الله - به طور خاص دسترسی کامل داشته است، به همین خاطر است که آراء ائمه مذاهب را در مسائل واضح و بیان کرده، و دلایل آنها را در جای که ضرورت شده یکی با دیگر مناقشه نموده است، لکن همان طوریکه گفته شد، وی در اکثر موارد رأی و مذهب ابو حنیفه - رحمه الله - را ترجیح داده است، مگر در موارد که نیاز بوده آراء فقهای دیگر را نیز مقدم دانسته است، برخی مثالهای آن قرار ذیل است:

۱- ( وقد روی أبو هريرة - رضي الله عنه - قال: عن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال: إذا أفضى أحدكم بيده إلى ذكره ليس بينه وبينها شيء فليتوضأ )<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « از ابو هریره - رضی الله عنه - روایت است: که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: هرکس از شما بدون پوشش دستش به آلت تناسلی خود تماس پیدا کرد وضوئی آن شخص باطل می گردد ». ملاعلی قاری - رحمه الله - در شرح این حدیث به تفصیل بیشتر پرداخته و نظریات جمع کثیر از علماء را نقل نموده می فرماید:

« وذكر الخطابي في المعالم أن أحمد بن حنبل كان يرى الوضوء من مس الذكر؛ وكان ابن معين يرى خلاف ذلك وفي ذلك دليل ظاهر على أن لا سبيل إلى معرفة الناسخ والمنسوخ لها؛ كذا نقله الطيبي ونقل بعض عن الخطابي أنه قال: إن أحمد بن حنبل و ابن معين مع بعد شأنهما وجلالة قدرهما في معرفة الحديث ورجاله تذاكرا وتكلميا في الأخبار التي رويت في هذا الباب وكان عاقبة أمرهما أن اتفقا على سقوط الإحتجاج بحديث طلق وبسرة أي لأنها تعارضا فتساقطا وهذا دليل ظاهر على أن لا سبيل إلى معرفة الناسخ والمنسوخ منها، قال: الطيبي فإذا بالأحوط أولى وتبعه ابن حجر لکن فيه أنه إن كان المراد بالأخذ العمل فلا مناقشة فيه وأما إن كان المراد منه الحكم بالنقض فلا نسلم أنه

(۱) سنن الترمذی، ابواب الطهارة، باب الوضوء من مس الذكر، ج ۱، ص ۱۲۶، حدیث (۸۲).

الأحوط، وقال: المظهر على تقدير تعارضها نعود إلى قول الصحابة، قال: علي و ابن مسعود و أبو الدرداء و حذيفة و عمار رضي الله تعالى عنهم إن المس لا يبطل به أخذ أبو حنيفة وقال عمر وابنه و ابن عباس و سعد بن أبي وقاص و أبو هريرة و عائشة رضي الله تعالى عنهم بالبطلان و به أخذ الشافعي؛ قلت: فتعارض أقوال الصحابة أيضا فتساقطت و الأصل عدم النقض مع أن قول بعضهم بالبطلان قابل للحمل على الأحوط في العمل فلا يكون دليلا مع الإحتمال و الله أعلم بالحال؛ ثم الصحيح من مذهب مالك ورواية عن أحمد أنه إن مسه بشهوة انتقض و إلا فلا... وقال: المظهر اختلف العلماء في المسألة فقال: أبو حنيفة رحمه الله تعالى المس لا يبطل بدليل هذا الحديث، وقال: الشافعي و أحمد يبطل بلمس الأجنبية و عند مالك يبطل بالشهوة و إلا فلا»<sup>(١)</sup>.

ترجمه: «خطابی در معالم السنن می گوید: به نظر امام احمد - رحمه الله - مسح ذکر ناقض وضوء است، که ابن معین خلاف آنرا بیان داشته، بناء در این جا باید به علم ناسخ و منسوخ حدیث مراجعه کرد (که آیا این حدیث منسوخ است یا خیر)، طیبی و در یک قولی خطابی می گویند: امام احمد بن حنبل و ابن معین با احترام که به جلالت و منزلت آنها در معرفت حدیث و رجال آن داریم؛ ایشان به این حدیث احتجاج نکرده اند، زیرا آنها باهم در تعارض واقع شدند؛ امام طیبی گفته است که احتیاطاً به این حدیث عمل شود، که در این نظریه ابن حجر نیز با او موافقت دارد، قول دیگر این است که اگر قرار باشد به این حدیث عمل شود در آن صورت مجال مناقشه باقی نمی ماند و اگر مراد از آن حکم با وجود نقض باشد، پس این سخن درست نیست؛ امام مظهر می فرماید: بخاطر تعارض این دو نظریه بهتر است به قول صحابه - رضی الله عنهم - مراجعه شود چنانچه حضرت علی، ابن مسعود، ابو الدرداء، حذیفه و عمار - رضی الله عنهم - می گویند: مسح ذکر وضوء را باطل نمی سازد، که امام ابوحنیفه نیز از همین قول استدلال نموده است؛ لکن حضرت عمر، و عبدالله ابن عمر، عبدالله بن عباس، سعد بن ابی وقاص، ابی هریره و عائشه - رضی الله عنهم اجمعین - به بطلان وضوء در هنگام مسح ذکر حکم نموده اند، که امام شافعی از این قول استدلال نموده، همچنان امام مظهر پیرامون این دو نظریه می فرماید: که در اینجا اقوال صحابه نیز در تعارض است و یکی دیگر را ساقط می کند، لکن نظر اصلی عدم نقض وضوء در اثنای مسح ذکر می باشد، زیرا قول کسانی که به بطلان وضوء هنگام مسح ذکر حکم می کند احتیاطاً در عمل قابل حمل است، و الله اعلم؛ قول صحیح مذهب امام مالک - رحمه الله - و دریک روایت از امام احمد پنداشته می شود، آنها می گویند: اگر مسح ذکر با شهوت باشد در این صورت ناقض وضوء است، در غیر آن

(١) مرقاة المفاتیح، کتاب الطهارة، باب ما یوجب الوضوء، ج ٢، ص ٣٨-٣٩، حدیث (٣٢١ و ٣٢٢).

ناقض وضوء نمی باشد... امام مظهر می فرماید: فشرده اینکه علماء در این مسئله اختلاف نظر دارند که خلاصه آن قرار ذیل است:

- امام ابو حنیفه - رحمه الله - می گوید: مسح ذکر ناقض وضوء نمی باشد.
- امام شافعی و امام احمد - رحمهما الله - می گویند: اگر توسط کسی دیگر مسح گردد در آن صورت ناقض وضوء می باشد.
- امام مالک - رحمه الله - می گوید: اگر ذکر با شهوت مسح گردد ناقض وضوء می باشد، در غیر آن ناقض وضوء گفته نمی شود.»

۲- ( وعن المغيرة بن شعبة - رضي الله عنه - قال: إن النبي - صلى الله عليه وسلم - توضأ فمسح بनावيته وعلى العمامة وعلى الحفين )<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « از مغیره بن شعبه - رضي الله عنه - روایت است که: پیامبر - صلى الله عليه وسلم - وضو گرفت پس بر پیشانی و عمامه و موزه اش مسح نمود.»

ملاعلی قاری - رحمه الله - راجع به مسح بالای عمامه و نقل آراء فقها پیرامون آن، در این حدیث می فرماید: « ففیه دلیل للشافعی علی وجوب مسح قدر ما یطلق علیه اسم المسح و إن جعلت زائدة ففیه دلیل لأبي حنیفة فی التقدير بالربع وهو قدر الناصية وعلى العمامة، قال: بعض الشراح من علمائنا یحتمل أنه مسح بनावيته وسوی عمامته بیديه فحسب الراوي تسوية العمامة عند المسح مسحاً؛ قال: القاضي اختلفوا فی المسح علی العمامة فمنعه أبو حنیفة ومالك رحمهما الله تعالى مطلقاً أي لظاهر التنزیل وجوز الثوري وداود وأحمد رحمهم الله الإقتصار علی مسحها إلا أن أحمد إعتبر التعميم علی طهر كلبس الحف وقال الشافعی رحمه الله لا یسقط الفرض بالمسح علیها لظاهر الآیة»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « در این حدیث دلیل است برای امام شافعی - رحمه الله - زیرا او مسح را همان اندازه می داند که صرف اطلاق مسح بالای آن شود، و اگر هدف از مسح زیاد باشد که پیشانی و عمامه نیز در آن داخل است در این صورت حدیث دلیل است برای امام ابو حنیفه - رحمه الله - زیرا او به مسح چهارم حصه سر حکم می کند، (یعنی: این حدیث برای هر دو امام دلیل شده است)، برخی شراح علماء احناف گفته اند: احتمال دارد که در این حدیث پیامبر - صلى الله عليه وسلم - به پیشانی خود مسح نموده باشد بدون عمامه و راوی پنداشته

(۱) صحیح مسلم، کتاب الطهار، باب المسح علی الناصية والعمامة، ج ۱، ۱۵۹، حدیث (۶۵۹).

(۲) مرقاة المفاتیح، کتاب الطهار، باب سنن الوضوء، ج ۲، ۱۰۳، حدیث (۳۹۹).

که بالای عمامه نیز مسح صورت گرفت؛ قاضی عیاض می فرماید: در مسح بالای عمامه اختلاف است، امام ابوحنیفه و امام مالک - رحمهما الله - مسح بالای عمامه را مطلق منع کرده اند، لکن امام ثوری، امام داود، و امام احمد - رحمهم الله - مسح قصیر بالای عمامه را جواز داده اند، امام شافعی - رحمه الله - می گوید: با مسح بالای عمامه فرض ساقط نمی شود زیرا ظاهر آیه به مسح سر دلالت دارد، چنانچه الله - تبارک و تعالی - می فرماید: ﴿وَأَسْحُوا بُرُءُوسِكُمْ﴾<sup>(۱)</sup>؛ یعنی: و سرهای تان را مسح کنید.»

۳- ( وعن عائشة - رضي الله عنها - قالت: إن رسول الله صلى الله عليه وسلم كفن في ثلاثة أثواب يمانية بيض سخولية من كرسف ليس فيها قميص ولا عمامة )<sup>(۲)</sup>.  
ترجمه: « ترجمه: عایشه - رضي الله عنها - می فرماید: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - در سه قطعه پارچه کتانی یمینی سفید، که در آنها پیراهن و عمامه وجود نداشت، کفن گردید.»

همچنان ملاعلی قاری - رحمه الله - در شرح این حدیث اقوال تعداد از علماء را نقل نموده می فرماید:  
« قال: في المواهب الصحيح أن معناه ليس في الكفن قميص أصلاً، وقيل: أنه كفن في ثلاثة أثواب خارج عن القميص والعمامة وترتب على هذا اختلافهم في أنه هل يستحب أن يكون في الكفن قميص وعمامة أم لا؟ فقال: مالك والشافعي وأحمد يستحب أن تكون الثلاثة لفائف ليس فيها قميص ولا عمامة، وقال: الحنفية الأثواب الثلاثة إزار و قميص و لفافة اه واستحب بعضهم العمامة وقال النووي قال أبو حنيفة ومالك يستحب قميص وعمامة والمعنى ليس القميص والعمامة من جملة الثلاثة وإنما زائدان فليس بمعنى سوى وهو ضعيف إذ لم يثبت أنه كفن في قميص وعمامة قلت ولم يثبت أنه ما كفن فيها أيضا فالمسألة متنازع فيها وهذا الحديث محتمل مع أن نسبة هذا القول إلى أبي حنيفة غير صحيح على إطلاقه وإنما استحسن العمامة بعض مشايخنا»<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: « در کتاب المواهب چنین بیان شده: معنی حدیث این است که در کفن پیراهن اصلاً شامل نمی باشد، وگفته شده که کفن میت عبارت از از سه پارچه بدون پیراهن و عمامه است، اصل اختلاف این است که آیا عمامه و پیراهن برای کفن میت مستحب است یا نه؟

امام مالک، امام شافعی و امام احمد - رحمهم الله - می فرمایند: مستحب است که کفن میت از سه لفافه بدون از پیراهن و عمام ساخته شود.

(۱) سوره المائده، آیه ۶.

(۲) صحیح بخاری، کتاب الجنائز، باب الثياب البيض للكفن، ج ۱، ص ۴۲۵، حدیث (۱۲۰۵).

(۳) مرقاة المفاتیح، کتاب الجنائز، باب غسل الميت وتكفينه ای اداتها، ج ۴، ص ۱۰۴-۱۰۵، حدیث (۱۶۳۵).

در مذهب امام اعظم ابوحنیفه - رحمه الله - کفن میت متشکل از سه قطعه پارچه، ازار، پیراهن و لفافه می باشد و بعضی علماء مذهب احناف عمامه را در آن نیز مستحب دانسته اند.

امام نووی - رحمه الله - می گوید: امام ابوحنیفه و امام مالک - رحمهما الله - پیراهن و عمام را برای کفن میت مستحب دانسته اند، یعنی: پیراهن و عمامه بدون از سه لفافه که ذکر گردید بلکه این زائد است بر آن، مصنف مرقاة المفاتیح می گوید: نسبت این قول به امام اعظم غیر صحیح است، لکن بعضی از مشایخ احناف عمامه را مستحب دانسته است.»

خلاصه آنچه پیرامون منهج ملاعلی قاری - رحمه الله - در ذکر اقوال فقها و استدلالات آنها گفته شد، ثابت می گردد که وی در این باره نهایت کوشا بوده و در اثنای شرح حدیث اقوال فقهای کرام را بیان داشته است.

### ب: حمایت ملاعلی قاری از مذهب حنفی

در این شک نیست که مؤلفات ملاعلی قاری - رحمه الله - از نصرت به مذهب حنفی مملو است، زیرا وی در فقه پیروی از مذهب امام اعظم ابی حنیفه - رحمه الله - نموده است چنانچه در مباحث قبلی به آن اشاره نمودیم که برخی از مثالهای آن قرار ذیل است:

۱- ( وعن جابر - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : بين العبد وبين الكفر ترك الصلاة )<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: « از جابر - رضي الله عنه - روایت شده است که گفت: از پیامبر - صلى الله عليه وسلم - شنیدم که می فرمود: فرق بین بنده و کفر، ترک نماز است (ترک نماز و سستی در انجام دادن آن، بالاخره انسان را به کفر و بی مبالاتی به دین می کشاند)».

ملاعلی قاری - رحمه الله - در شرح این حدیث اقوال علماء را ذکر نموده و در اخیر قول امام ابوحنیفه - رحمه الله - را تقویه نموده است، چنانچه می فرماید:

« وقال صاحب الرأي لا يقتل بل يجبس حتى يصلي؛ وبه قال الزهري، قلت: و نعم الرأي، رأي أبي حنيفة إذ الأقوال باقيةا ضعيفة »<sup>(۲)</sup>.

(۱) صحیح مسلم، کتاب الايمان، باب بيان إطلاق اسم الكفر على من ترك الصلاة، ج ۱، ص ۶۱، حدیث (۲۵۶).

(۲) مرقاة المفاتیح، کتاب الصلاة، فصل اول، ج ۲، ص ۲۵۳-۲۵۴، حدیث (۵۶۹).

۲- ( وعن مجاهد عن عبد الله بن عمر - رضى الله عنهم - أن النبي - صلى الله عليه وسلم - قال: لا يمنع رجل أهله أن يأتوا المساجد؛ فقال: ابن لعبد الله بن عمر: فإننا نمنعهن فقال عبد الله: أحدثك عن رسول الله صلى الله عليه وسلم وتقول هذا؟ قال: فما كلمه عبد الله حتى مات ) (۱).

ترجمه: « مجاهد - رحمه الله - از عبدالله بن عمر - رضى الله عنهما - روایت می کند که پیامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمودند: نباید هیچ مردی، خانم خویش را از رفتن به مساجد منع کند، در این هنگام، پسر عبدالله بن عمر - رضى الله عنه - ، (بلال، خطاب به پدرش) گفت: ما زنان را از آمدن به مساجد منع می کنیم؛ عبدالله بن عمر - رضى الله عنهما - (باشنیدن این سخن، رو به بلال نمود و خطاب به او گفت: من از رسول الله - صلى الله عليه وسلم - به تو خبر می دهم، و آن وقت تو می گویی که مانع آنها از آمدن به مساجد می شویم! مجاهد گوید: به خاطر همین سخن عبدالله بن عمر تا پایان عمر خویش، با پسرش بلال، سخن نگفت ». ملا علی قاری - رحمه الله - در شرح این حدیث می فرماید:

« قال: الطيبي عجت من يتسمى بالسني إذا سمع من سنة رسول الله وله رأي ربح رأيه عليها و أي فرق بينه وبين المبتدع ... قلت يشم من كلام الطيبي رائحة الكناية الاعتراضية على العلماء الحنفية ظنا منه أنهم يقدمون الرأي على الحديث ولذا يسمون أصحاب الرأي ولم يدر أنهم إنما سموا بذلك لدقة رأيهم وحقاقة عقلهم ولذا قال الشافعي كل الناس عيال أبي حنيفة في الفقه وقد قال ابن حزم أن جميع الحنيفة على أن مذهب إمامهم إن ضعيف الحديث أولى عنده من الرأي والقياس ذكره السخاوي وقال ابن حجر في المناقب الحسان اعلم أنه يتعين عليك أن لا تفهم من قول بعض العلماء عن أبي حنيفة وأصحابه أنهم أصحاب الرأي أن مرادهم بذلك تنقيصهم ولا نسبتهم إلى أنهم يقدمون رأيهم على سنة رسول الله ولا على قول أصحابه لأنهم برآء من ذلك فقد جاء عن أبي حنيفة من طرق كثيرة أنه أولا يأخذ بما في القرآن فإن لم يجد فبالسنة فإن لم يجد فبقول الصحابة فإن اختلفوا أخذ بما كان أقرب إلى القرآن أو السنة من أقوالهم فإن لم يجد لأحد منهم قولاً لم يأخذ بقول أحد من التابعين بل يجتهد كما اجتهدوا » (۲).

ترجمه: « امام طيبي - رحمه الله - در شرح این حدیث می گوید: تعجب است به حال کسانی که خود را سنی (اهل سنت) خطاب می کنند، لکن با وجود شنیدن حدیث و سنت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - رأی خود را به آن ترجیح می دهد، ( کدام فرق بین او و بین مبتدع است؟)؛ ملا علی قاری - رحمه الله - می فرماید: از کلام امام طيبي کنایتاً بوی اعتراض بالای علماء مذهب احناف می آید، زیرا به ظن و گمان آنها احناف

(۱) مسند احمد بن حنبل، ج ۸، ص ۵۲۷، حدیث (۴۹۳۳).

(۲) مرقاة المفاتیح، کتاب الصلاة، باب الجماعة، ج ۳، ص ۱۴۹-۱۵۰، حدیث (۱۰۸۴).

رأى و اجتهاد خود را نسبت به حدیث مقدم می دانند، به همین خاطر پیروان مذهب امام ابوحنیفه - رحمه الله - را اصحاب رأی می گویند، غافل از اینکه پیروان مذهب احناف بخاطر دقت رأی، چیره دستی و مهارت عقلی آنها به مسائل مربوطه به اصحاب رأی مسمی شده اند، چنانچه امام شافعی - رحمه الله - می فرماید: تمام مردم در فقه عیال امام ابوحنیفه - رحمه الله - می باشند؛ و امام ابن حزم - رحمه الله - می فرماید: تمامی پیروان ابوحنیفه معتقد اند که مذهب امام شان حدیث ضعیف را از قیاس و رأی مقدم می دانند؛ امام سخاوی از ابن حجر - رحمه الله - نقل نموده: که امام ابی حنیفه - رحمه الله - و پیروانش اصحاب رأی هستند، که این از نواقص آنها محسوب می گردد، لکن ابوحنیفه - رحمه الله - و پیروانش هرگز به تقدیم رأی نسبت به حدیث و قول صحابی متهم نشده اند و آنها از این سخن مبری هستند، و از امام ابوحنیفه - رحمه الله - از طریقه های مختلف ثابت شده که او نخست مسائل را در قرآن کریم جستجو می کرد اگر درقرآن پیدا نمی شد به سنت و احادیث نبوی - صلی الله علیه وسلم - مراجعه می نمود بعد از آن به قول صحابی و اگر اقوال صحابه باهم اختلاف می داشت به نزدیکترین آنها به قرآن و سنت رجوع می کرد؛ لکن اگر احیاناً قول صحابی موجود نمی بود در این صورت از قول تابعی استدلال نمی کرد، و خود به آن اجتهاد می نمود، چنانچه اجتهاد نموده است.»

از آنچه در شرح این دو حدیث بیان گردید ثابت می گردد که ملاعلی قاری - رحمه الله - در اثنای شرح احادیث بر علاوه ذکر نظریات و اختلافات فقهای کرام، رأی و مذهب امام اعظم ابوحنیفه - رحمه الله - را نصرت نموده و دلائل مختلف را جهت تقویه آن نقل نموده است.

### مطلب چهارم: بیان بدعات و ظلم حکام هنگام شرح حدیث

علامه ملاعلی قاری - رحمه الله - در اثنای شرح حدیث احیاناً بعضی بدعت ها و خرافات موجود اجتماع را که وی در آن میزیست نیز بیان کرده، چنانچه در موارد به مظالم حکام عصر اعتراض نموده و بر علیه آنها موقف گیری نموده است، برخی از مثالهای آن قرار آتی است:

۱- ( وعن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده قال: نهى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - عن تناشد الأشعار في المسجد وعن البيع والاشترء فيه وأن يتحلق الناس يوم الجمعة قبل الصلاة في المسجد )<sup>(۱)</sup>.  
ترجمه: « عمرو بن شعيب، از پدرش و او نیز از جدش (عبدالله بن عمرو بن عاص) - رضی الله عنه - روایت می کند که گفت: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از مشاعره و داد و ستد و خرید و فروش در مسجد نهی

(۱) سنن الترمذی، ابواب الصلاة، باب [ ما جاء في ] كراهية البيع والشراء وإنشاد [ الضالة و ] الشعر في المسجد، ج ۲، ص ۱۳۹، حدیث (۳۲۲)، ابو عیسی و شیخ آلبانی این حدیث را حسن گفته اند.



فرموده، و نیز از اینکه در روز جمعه، پیش از نماز، مردم گروه گروه در مسجد دور هم جمع شده و جلسه تشکیل دهند و باهم صحبت نمایند، نهی کرده.»

مصنف - رحمه الله - خرید و فروش در مسجد را یکی از بدعت های شنیع خوانده در شرح حدیث فوق الذکر می فرماید: «ومن البدع الشنیعة بیع ثیاب الکعبة خلف المقام و بیع الکتب و غیرها فی المسجد الحرام و أشنع منه وضع المحفات والقرب والذبش فیہ سیمًا فی آیام الموسم و وقت ازدحام الناس» (۱).

۲- (وعن علي - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : إذا كانت ليلة النصف من شعبان فقوموا ليلها وصوموا يومها فإن الله تعالى ينزل فيها لغروب الشمس إلى السماء الدنيا فيقول: ألا من مستغفر فأغفر له؟ ألا مسترزق فأرزقه؟ ألا مبتلى فأعافيه؟ ألا كذا ألا كذا حتى يطلع الفجر) (۲).

ترجمه: «از حضرت علي - رضي الله عنه - روایت شده است که گفت: پیامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمودند: آنگاه که شب نیمه شعبان فرا رسد، شب آن را قیام کنید و روزش را روزه بگیرید، زیرا الله متعال در آن شب با غروب خورشید به آسمان دنیا می آید و می فرماید: آیا کسی هست که استغفار کند تا او را ببخشم؟ آیا کسی هست که طلب رزق کند تا او را روزی دهم؟ آیا دردمندی هست تا او را التیام بخشم؟ آیا کسی هست که...؟ این جریان ادامه دارد تا زمانی که فجر طلوع می کند.»

ملاعلی قاری - رحمه الله - پیرامون شرح این جزء حدیث (اذا كانت ليلة النصف من شعبان) بعد از مناقشه آراء تعداد زیادی از فقها بدعت های شبهای ماه رمضان را نیز تذکر نموده می فرماید:

«الاجتماع ليلة الحتم في التراویح ونصب المنابر و بین أنه بدعة منكرة قلت رحمه الله ما أظننه وقد ابتلى به أهل الحرمين الشريفین حتى فی لیالی الحتم يحصل اجتماع من الرجال والنساء والصغار والعیید ما لا يحصل فی الجمعة والكسوف والعیید و یترتب علیه الفساد العدید ومنكرات الجدید» (۳).

۳- (وعن أبي عبيدة ومعاذ بن جبل - رضي الله عنهما - : عن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال: إن هذا الأمر بدأ نبوة ورحمة ثم يكون خلافة ورحمة ثم ملكا عضوضا ثم كان جبرية وعتوا وفسادا في الأرض يستحلون الحرير والفروج والخمور يرزقون على ذلك وينصرون حتى يلقوا الله) (۴).

(۱) مرقاة المفاتیح، کتاب الصلاة، باب المساجد ومواضع الصلاة، ج ۲، ص ۴۰۹، حدیث (۷۳۲).

(۲) سنن ابن ماجه، کتاب اقامة الصلاة والسنة فیها، باب ما جاء فی ليلة النصف من شعبان، ج ۱، ص ۴۴۴، حدیث (۱۳۸۸)، شیخ آلبانی این حدیث را بسیار ضعیف و حتی موضوع دانسته است.

(۳) مرقاة المفاتیح، کتاب الصلاة، باب قیام شهر رمضان، ج ۳، ص ۳۵۱، حدیث (۱۳۰۸).

(۴) شعب الإيمان، أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقي، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى، ۱۴۱۰، تحقيق: محمد السعيد، بسيوني زغول، التاسع والثلاثون من شعب الإيمان وهو باب في المطاعم والمشارب وما يجب، ج ۵، ص ۱۶، حدیث (۵۶۱۶).

ترجمه: « از ابی عبیده و معاذ بن جبل - رضی الله عنهما - روایت است: ک رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: این امر (اسلام) نخست با نبوت و رحمت پدید آمد، سپس با خلافت و رحمت می باشد، باز پادشاهی گزیده می شود، باز جبروتیت، سرکشی و فساد در روی زمین به پا می خیزد که ابریشم، شرمگاه و خمر را حلال قرار می دهند، و با وجود این به آن ها رزق عنایت می گردد و باز هم نصرت و حمایت می کردند، تا به ملاقات الله متعال برسند.»

مصنف مرقاة المفاتیح در شرح این جزء حدیث (وعتوا وفسادا فی الأرض) می فرماید:

« كما هو مشاهد في هذه الأيام حيث استقرت الخلافة في أيدي الظلمة بطريق التسلط والغلبة من غير مراعاة شروط الإمامة، أولاً: ثم في زيادة الظلم والتعدي على الرعايا والتحكيم عليهم بأنواع البلايا وأصناف الرزايا، ثانياً: ثم في إعطاء المناصب لغير أربابها المستحق لها وعدم الالتفات إلى العلماء العاملين والأولياء الصالحين، ثالثاً: ثم غالب سلاطين زماننا تركوا القتال مع المشركين وتوجهوا إلى مقاتلة المسلمين لأخذ البلاد وإعطاء الفساد ولذا قال بعض علمائنا من قال سلطان زماننا عادل فهو كافر وما أقبح ما صدر من بعض خوانين الأزيك<sup>(۱)</sup> في زماننا أنه أمر بالقتل العام في بلد عظيم من بلدان أهل الإسلام المشتغل على المشايخ الكرام والسادات العظام وعلماء الإسلام والنساء والضعفاء والأطفال وسائر المرضى والعميان والأهل والعيال ألوف مؤلفة وصنوف مؤتلفة والحال أن أهل البلد المذكور على الملة الحنيفية ومذهب الحنفيه من جملة أهل السنة والجماعة ومدعي السلطنة يزعم أنه على تعظيم العلم والشريعة»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: « سرکشی و فساد در روی زمین به پا می خیزد، چنانچه در این زمان مشاهده می شود که خلافت به دست ظالمان از طریق تسلط و لشکر کشی بالای مردم بدون از مراعات شرایط تعیین خلیفه و امامت تحمیل گردیده است که نتایج زیان بار را به دنبال دارد مانند:

- ۱- زیادت ظلم، تعدی حکم روای کردن بالای ملت با انواع بلاها و پیش آمد های ناگوار.
- ۲- سپردن امور مملکت به افراد غیر مسلکی و غیر مستحق همچنان عدم توجه به علماء و دانشمندان و افراد صالح و کار فهم و توانا و صرف نظر از دخیل ساختن آنها در امور مملکت.

(۱) اشاره ملاعلی قاری به بعضی وقایع است که در زمان سلطنت و پادشاهی خوانین ازبک که در زمان (الغازی) عبدالله خان ازبک معروف به عبد الله خان ثانی که در سنه (۹۵۸) حکروایی داشت و به بخاری در سال (۹۵۹) هجوم برده است، و حکومت بخاری را سقوط داد و دوباره نیز در (۹۶۴) هجوم برده است، همچنان به سمرقند و تاشکند نیز لشکر کشی نموده است، و جمع کثیر از مردم و مسلمین را قتل عام نمود، می باشد؛ نگاه: تاریخ سعید نفیسی، از سعید، مطبعه مبین، سال طبع (۱۳۴۴ هـ)، ج ۱، ص ۴۸۷-۴۸۸، به زبان فارسی.

(۲) مرقاة المفاتیح، کتاب الرقاق، باب فی ذکر الانتذار والتحذیر، ج ۹، ص ۵۶۲، حدیث (۵۳۷۵).

۳- عدم توجه اکثر سلاطین به جهاد و قتال با مشرکین و کفار، برعکس مبذول داشتن توجه به کشتار مسلمین بخاطر تصرف شهر و کشور آنها و پخش فساد در آنجا، به همین خاطر است که بعضی از علماء گفته اند: کسی که بگوید پادشاه زمان ما عادل است آن شخص کافر است، چنانچه قبیح ترین نمونه این ظلم را خوانین ازبک در عصر ما بالای مردم روا داشته، و امر به قتل عام مشایخ کرام، سادات عظام، علماء اسلام، زنان، مردان، ضعفا، اطفال و سائر مریضان و نابینایان در یکی از شهرهای بزرگ اسلامی نموده است، که آنها پیروی مذهب حنفی نیز می باشند، حال آنکه این مذهب از جمله مذاهب اهل سنت و الجماعت است، و ظلم قبیح دیگر این مدعیان سلطنت توجه نمودن ظلم است به دفاع از اسلام و تعظیم علم و شریعت.»

### مطلب پنجم: توجه ملاعلی قاری به ذکر فوائد و نکات

از روش های علمی ملاعلی قاری در شرح حدیث بیان نمودن فوائد و نکته های حدیث می باشد، چنانچه او احیاناً فوائد حدیث را بیان نموده و آراء فقها و محدثین را پیرامون آن نقل کرده است، برخی از مثالهای آن قرار ذیل است:

۱- ( وعن علي - رضي الله عنه - عن النبي - صلى الله عليه وسلم - قال: المسلمون تتكافأ دماؤهم ويسعى بذمتهم أدناهم ويرد عليهم أقصاهم وهم يد على من سواهم ألا لا يقتل مسلم بكافر ولا ذو عهد في عهده )<sup>(۱)</sup>.  
ترجمه: « حضرت علی - رضي الله عنه - روایت نموده که پیامبر - صلى الله عليه وسلم - می گوید: مؤمنان در خون شان برابرند، و پناه و امان دادن کمترین شان کافی است و همه در برابر دیگران (غیر مسلمان) یک دست و متحد هستند، و مؤمن در برابر کافری کشته نمی شود، و کسی که عهد و پیمانی دارد؛ در دوران پیمانش کشته نشود.»

ملاعلی قاری فوائد این حدیث را از کتاب شرح السنة چنین نقل نموده است:  
« فائدته أن النبي - صلى الله عليه وسلم - لما أسقط القود عن المسلم إذا قتل الكافر أوجب ذلك توهين حرمة دماء الكفار فلم يؤمن من وقوع شبهة لبعض السامعين في حرمة دماءهم »<sup>(۲)</sup>.

۲- ( وعن المغيرة بن شعبة: أن النبي - صلى الله عليه وسلم - لبس جبة رومية ضيقة الكمين )<sup>(۳)</sup>.  
ترجمه: « از مغیره بن شعبه - رضي الله عنه - روایت شده که گفت: پیامبر - صلى الله عليه وسلم - لباس جبه رومی را پوشیده بود که آستینهایش تنگ بود.»

(۱) سنن النسائی، کتاب السیر، باب اعطاء العبد الامان، ج ۵، ۲۰۸، حدیث (۸۶۸۱).

(۲) مرقاة المفاتیح، کتاب القصاص، فصل اول، ج، ص، حدیث (۳۴۷۵).

(۳) صحیح بخاری، کتاب اللباس، باب من لبس جبه ضيقة الكمين في السفر، ج ۵، ص ۲۱۸۵، حدیث (۵۴۶۲).

مصنف مرقاة المفاتيح پیرامون فوائد این حدیث می فرماید:

« ومن فوائد الحديث الانتفاع بثياب الكفار حتى يتحقق نجاستها لأنه لبس الجبة الرومية، ولم يستفصل واستدل به القرطبي على أن الصوف لا ينجس بالموت لأن الجبة كانت شامية وكان الشام إذ ذاك دار كفر ومنها جواز لبس الصوف وكره مالك لبسه لمن يجد غيره »<sup>(١)</sup>.

---

(١) مرقاة المفاتيح، كتاب اللباس، ج، ص، حدیث (٤٣٠٥).

## نتایج بحث

الله - تبارک و تعالی - را شاکر هستم که بر بنده حقیر منت گذاشت تا این تحقیق را پیرامون زندگی نامه (علامه، محدث، فقیه و یکی از بزرگان تاریخ امت مسلمه به اتمام رسانم، لذا برخی نتایج مهمی که از این رساله و تحقیق بدست آمده قرار ذیل است:

- ۱- معلومات و آگاهی پیرامون اصل کتاب (مشکاة المصابیح)، سبب تألیف آن و خطیب تبریزی مصنف مشکاة المصابیح) و کتاب (مصایح السنة) تصنیف امام بغوی.
- ۲- شرح حال و زندگی ملاعلی قاری، زیرا او از جمله ای دانشمندان بوده که به اکثریت علوم شرعی دسترسی داشت، و از جمع کثیر علماء جهان اسلام بخصوص معاصرین خود طلب علم نموده است، مانند: شیخ شهاب الدین مشهور به ابن حجر هیثمی، شیخ زین الدین عطیه، شیخ ابو عیسی قطب الدین محمد بن علاء الدین أحمد بن محمد نهرالی هندی، شیخ محمد سعید بن مولانا خواجه حنفی خراسانی مشهور به میر علان و غیره.
- ۳- معلومات در باره شاگردان ملاعلی قاری و جلسات و حلقات علمی وی مانند: شیخ الإسلام قاضی عبدالرحمن حنفی معروف به خاتم العلماء مفتی مکه مکرمه، شیخ محی الدین عبدالقادر بن محمد طبری شافعی مکی امام و خطیب مسجدالحرام، سید معظم حسینی بلخی و امثال اینها.
- ۴- نظریات دانشمندان پیرامون ملاعلی قاری - رحمه الله - زیرا وی نزد معاصرین اش دارای جایگاه منزلت خاص بوده است، چنانچه علامه ابن عابدین در رساله رفع التردد فی عقد الأصابع عندالتشهد می گوید: ملاعلی قاری هروی خاتمه القراء برگزیده فقهاء ومحدثین و برجسته محققین و مدققین بوده است.
- ۵- آگاهی و معلومات از مذهب فقهی و عقیدوی ملاعلی قاری - رحمه الله -.
- ۶- معلومات راجع به تصنیفات ملاعلی قاری، زیرا وی در عقیده وتوحید، تفسیر وعلوم قرآنی، حدیث وعلوم آن، سیرت وتاریخ، فقه و اصول فقه، مناسک و ادعیه، تراجم و فضائل وامثال آن مؤلفات وتصنیفات زیاد دارد.
- ۷- شناخت خدمات ارزنده ملاعلی قاری در بخش علوم فقهی، زیرا وی دسترسی کامل به فقه و اقوال فقهای داشته است همچنان وی از علوم حدیث (روایتاً و درایتاً) نیز آگاهی و علمیت کامل داشته است، چنانچه کتاب مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، دیدگاه حدیثی وی را ثابت می کند.
- ۸- ملاعلی قاری باوجود که یکی از شخصیت های علمی و مجدد قرن دهم هجری بشمار می رود، تعدادی از منتقدین را نیز با خود دارد و از جانب دیگر برخی او را به تعصب مذهبی و اعتراض به ائمه دین متهم کرده اند، لذا در این تحقیق تمامی موارد که ملاعلی قاری در آن نقد علمی گردیده جواب داده شده است.

۹- بزرگ ترین و معتمد ترین کتاب ملاعلی قاری (مرقاة المفاتیح) از مهم ترین شروح (مشکاة المصابیح) است و از طرف تعدادی زیاد از علماء تأیید شده، چنانچه حاجی خلیفه در کشف الظنون می گوید: « ملاعلی قاری شرح بزرگ را بالای کتاب مشکاة المصابیح تحریر نموده است که در آن تمام شروح و حواشی مربوط به شرح حدیث را گنجانیده است»، علامه محمود بن محمد القاضی الحنفی - رحمه الله - می گوید: « ملاعلی قاری - رحمه الله - کتابهای زیاد را به رشته تحریر درآورده وی از تحقیق بسیار پسندیده و همه جانبه استفاده کرده، از جمله این کتاب ها شرح مشکاة المصابیح (مرقاة المفاتیح) می باشد، مرقاة المفاتیح از بزرگترین کتاب های وی می باشد، مصنف در این کتاب مسائل را از تمامی شروح جمع آوری نموده که بالای مشکاة المصابیح نوشته شده ». ۱۰- آگاهی و معلومات از منهج ملاعلی قاری در شرح احادیث (مشکاة المصابیح)، زیرا وی در اثنای شرح حدیث کتابها و ابواب مربوط این کتاب را شرح نموده، غریب الحدیث، اعراب حدیث، نظریات فقهای، قواعد نحوی حدیث، معرفی راوی حدیث، راوی مبهم مشکل الحدیث، مختلف الحدیث، تخریج حدیث و حکم حدیث را شرح و بیان نموده است.

۱۱- معلومات و آگاهی از مذهب گرایش تصوفی ملاعلی قاری، زیرا وی هنگام شرح حدیث از اقوال متصوفه، نصوص ادبی و شعر عربی نیز استفاده نموده.

۱۲- معلومات و آگاهی از طریقه و روش شرح و تفسیر احادیث نبوی - صلی الله علیه وسلم - بخصوص توسط ملاعلی قاری، زیرا وی مسائل عقیدوی، دیدگاه فقها، نظر راجح و ربط احکام حدیث را با مسائل روز نیز بیان کرده است.

## پیشنهادات بحث

در اخیر این رساله پیشنهادات ذیل باید مد نظر گرفته شود:

- ۱- برای طلبه کرام، محصلین، و دانشمندان علوم اسلامی پیشنهاد می گردد، تا پیرامون احوال و کارنامه های ائمه احادیث نبوی - صلی الله علیه وسلم - بخصوص ملاعلی قاری - رحمه الله - و اجتهادات وی در علوم قرآن کریم، حدیث شریف، فقه و غیره تحقیقات علمی نمایند.
- ۲- پوهنتون سلام باید راجع به ملاعلی قاری بخصوص زندگی نامه، و ترجمه تصنیفات او تحقیقات بیشتر انجام دهد، و موضوعات پایان نامه های دوره لیسانس و ماستری محصلین را در این باره انتخاب نماید.
- ۳- پیروان مذهب احناف باید مؤلفات علامه ملاعلی قاری را ترجمه و تحقیق نمایند.
- ۴- آکادمی علوم باید راجع به مؤلفات ملاعلی قاری برنامه های منظم و آکادمیک را مد نظر داشته باشد.
- ۵- برای سائر نهادهای های آکادمیک و وزارت تحصیلات عالی کشور پیشنهاد می گردد، تا راجع به ملاعلی قاری و مؤلفات وی موضوعات تحقیقی و علمی را از طریق بورد ماستری و دکتورا در پوهنتون های کشور برای محصلین مقطع ماستری بخاطر پایان نامه دوره ماستری انتخاب نمایند.
- ۶- همچنان وزارت اطلاعات و فرهنگ، معارف، تحصیلات عالی، حج و اوقاف و وزارت عدلیه باید راجع به شرح حدیث و مناہج آنها بخصوص ملاعلی قاری از طریق استادان پوهنتون ها، دارالعلوم ها، مدارس، مساجد، منابر، رسانه های اسلامی مناقشات و سمینارهای علمی را دائر نمایند.
- ۷- جهت سهولت و دسترسی به کتابهای ملاعلی قاری - رحمه الله - و آسان نمودن تحقیق پیرامون مصنفات وی در صفحه اخیر همین رساله، صفحات نخست برخی از کتابهای ملاعلی قاری را کاپی و ضمیمه نموده ایم. در اخیر همان طوریکه سخن را با حمد و ثنای الله متعال آغاز نمودیم، در ختم نیز می خواهیم که سخن را به آن به پایان رسانیم، (فالحمد لله رب العلمین، الذی أعتنى على إتمام هذا البحث)، وأسأل الله - تبارک وتعالی - أن يجعله خالصاً لوجهه الكريم، وينفع به اللهم آمین یا رب العالمین.

## فهرست آیات

صفحه	سوره	آیات قرآن کریم
۸۳	البقره: (۲)	﴿ ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴾
۱۲۲	البقره: (۱۰۲)	﴿ وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ﴾
۳۶	البقره: (۱۱۹)	﴿ وَلَا تَسْأَلْ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ﴾
۹۴	البقره: (۱۳۱)	﴿ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمُ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴾
۱۰۵	البقره: (۲۷۷)	﴿ وَآتُوا الزَّكَاةَ ﴾
۱۰۶	ال عمران: (۱۰۳)	﴿ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا ﴾
۶۶	ال عمران: (۱۸۸)	﴿ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا ﴾
۱۰	المائدہ: (۳)	﴿ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي ﴾
۱۲۵	المائدہ: (۶)	﴿ وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ ﴾
۶۱	الانعام: (۵۹)	﴿ وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ﴾
۱۲۵	الانعام: (۱۴۱)	﴿ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكُلُهُ ﴾
۱۱۳	الانفال: (۶۴)	﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴾
۱۲۱	الانفال: (۶۷)	﴿ مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَىٰ حَتَّىٰ يُخْرَجَ فِي الْأَرْضِ ﴾
۱۰۳	يوسف: (۱۷)	﴿ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ﴾
۳۵	إبراهيم: (۱۰)	﴿ قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴾
۱۱۰	ابراهيم: (۴۳)	﴿ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ ﴾
۹۶	الحجر: (۴۰)	﴿ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴾
۱۰	النحل: (۴۴)	﴿ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ ﴾
۱۲۴	النحل: (۶۹)	﴿ يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ ﴾



١٣٢	الاسراء: (٧٩)	﴿ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا ﴾
١٢٣	الكهف: (٢٩)	﴿ وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ ﴾
١٤٧-١٠٤	طه: (٧١)	﴿ قَالَ آمَنْتُ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ ﴾
٣٥	لقمان: (٢٥)	﴿ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ﴾
١٤٦	السجدة: (١٧)	﴿ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ ﴾
١٢٢	الاحزاب: (٢٨)	﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴾
١٠٦	الحشر: (٧)	﴿ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ﴾
٩٣	الصف: (٨)	﴿ وَاللَّهُ مُبِينٌ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴾
١٣٩	الجن: (١)	﴿ قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ ﴾
١٠٥	الاعلى: (١٤)	﴿ قَدْ أَفْلَحَ مَن تَرَكَّى ﴾

## فهرست احاديث

شماره	طرف حديث	صفحه
1	إن يخرج وأنا فيكم فأنا حجيجه دونكم	١٢٧
2	إنما الأعمال بالنيات وإنما لكل امرئ ما نوى فمن كانت هجرته إلى الله	١١٠
3	أتى النبي - صلى الله عليه وسلم - بلحم فرفع إليه الذراع وكانت تعجبه	١٢٩
4	أتيت النبي بدلو من ماء زمزم فشرب وهو قائم	٨٩
5	إذا أفضى أحدكم بيده إلى ذكره ليس بينه وبينها شيء فليتوضأ	١٤٩
6	إذا كان الماء قلتين لم يحمل الخبث	٧٨
7	إذا كانت ليلة النصف من شعبان فقوموا ليلها وصوموا يومها	١٥٦
8	استأذنت ربي أن أستغفر لأمي فلم يأذن لي واستأذنته أن أزور قبرها	٣٦
9	الإمام ضامن والمؤذن مؤتمن اللهم أرشد الأئمة واغفر للمؤذنين	١٣٦
10	أمتي هذه أمة مرحومة ليس عليها عذاب في الآخرة	٧٧
11	أمرت أن أقاتل الناس حتى يشهدوا أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله	١٠٠
١٢	إن أحدكم إذا مات عرض عليه مقعده بالغداة والعشي	٩٤
١٣	إن النبي - صلى الله عليه وسلم - توضأ فمسح بناصيته وعلى العمامة	١٥١
١٤	إن أول ما يحاسب به العبد يوم القيامة من عمله صلاته	١٢٦
١٥	أن جبريل هبط عليه فقال له: خيرهم يعني: أصحابك في أسارى بدر	١٢٠
١٦	إن رسول الله صلى الله عليه وسلم كفن في ثلاثة أثواب يمانية	١٥٢
١٧	إن عمرة في رمضان تعدل حجة	١٤٤
١٨	أن لا يمسه القرآن إلا طاهر	١١٧
١٩	إن هذا الأمر بدأ نبوة ورحمة ثم يكون خلافة ورحمة ثم ملكا عضوضا	١٥٦
٢٠	إنا نسمة المؤمن طير تعلق في شجر الجنة	١٣٣
٢١	إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ	١٠٦
٢٢	أول ما يقضى بين الناس يوم القيامة في الدماء	١٢٧

٢٣	الإيمان بضع وسبعون شعبة فأفضلها: قول لا إله إلا الله	١١٣
٢٤	أين أبي؟ قال ( في النار)؛ فلما قفى دعاه فقال:	٣٦
٢٥	بني الإسلام على خمس: شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمدا عبده ورسوله	٩٤
٢٦	بين العبد وبين الكفر ترك الصلاة	١٣٤
٢٧	بيننا نحن عند رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ذات يوم إذ طلع	١٤٨
٢٨	تكون الأرض يوم القيامة خبزة واحدة	١١٩
٢٩	جعل في قبر رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قطيفة حمراء	١٤٢
٣٠	خرج رسول الله - صلى الله عليه وسلم - في أضحى أو فطر إلى المصلى	١٤١
٣١	رأيت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - وأبا بكر وعمر	١٣٥
٣٢	صل قائما فإن لم تستطع فقاعدا فإن لم تستطع فعلى جنب	١٣٤
٣٣	صلاة الرجل في الجماعة تضعف على صلاته في بيته وفي سوقه	١٤٠
٣٤	الصلاة مثني مثني تشهد في كل ركعتين وتحشع وتضرع وتمسك	١٠٩
٣٥	صلى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - في خميسة لها أعلام	١٠٧
٣٦	صليت أنا ويتم في بيتنا خلف النبي	٧١
٣٧	قال الله تعالى: أعددت لعبادي الصالحين ما لا عين رأت ولا أذن سمعت	١٤٦
٣٨	قد وقع في نفسي شيء من القدر فحدثني بشيء لعل الله أن يذهبه	١١٥
٣٩	لا يلدغ المؤمن من جحر مرتين	١٤٥
٤٠	لا يمنع رجل أهله أن يأتوا المساجد	١٥٤
٤١	لبس جبة رومية ضيقة الكمين	١٥٨
٤٢	لم يفقه من قرأ القرآن في أقل من ثلاث	٨٨
٤٣	لما مات عثمان ابن مظعون أخرج بجنازته	٧٢
٤٤	لولا أن لا تدافنوا لدعوت الله أن يسمعكم من عذاب القبر	٨٧
٤٥	ليت شعري ما فعل أبواي؟	٣٧
٤٦	اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي بَصَرِي نُورًا، وَفِي سَمْعِي نُورًا	٨٤

٧٤	اللهم اغفر له وارحمه وعافه واعف عنه	٤٧
١٠٨	ليس منا من ضرب الحدود وشق الجيوب ودعا بدعوى الجاهلية	٤٨
١٣٨	مررت في المسجد فإذا الناس يخرقون في الأحاديث	٤٩
٩٨	المسلم من سلم المسلمون من لسانه ويده	٥٠
١٥٨	المسلمون تتكافأ دماؤهم ويسعى بذمتهم أدناهم ويرد عليهم أقصاهم	٥١
٢٥	من يرد الله به خيراً يفقهه في الدين	٥٢
٧٥	نصر الله امرأ سمع منا شيئاً فبلغه كما سمعه	٥٣
١٥٥	نهى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - عن تناشد الأشعار في المسجد	٥٤
١٣٧	يا رسول الله قل لي في الإسلام قولاً لا أسأل عنه أحداً	٥٥
٩٥	يأتي الشيطان أحداً فيقول: من خلق كذا؟ من خلق كذا؟	٥٦
١٣٠	يجبس المؤمنون يوم القيامة حتى يهيموا بذلك فيقولون:	٥٧
١٣٩	يعطيني العطاء فأقول: أعطه أفقر إليه مني	٥٨
٦٩	يقبل بعض أزواجه ثم يصلي ولا يتوضأ	٥٩
١٢٨	يمكث الدجال في الأرض أربعين سنة السنة كالشهر والشهر كالجمعة	٦٠

## فهرست اعلام

شماره صفحه	اسم	شماره
۱۶	أبو الحسن عبید الله بن محمد عبد السلام المبارکفوري	۱
۱۶	أبو الفضل شهاب الدين العسقلاني، المصري	۲
۱۳	أبو عبد الله محمد شرف الدين المناوی	۳
۱۱	أبو محمد حسين بن مسعود (البغوی)	۴
۱۲	أبو نجيب عبدالقاهر بن عبد الله السهروردي	۵
۱۶	اکمل الدين يوسف بن ابراهيم بن محمد الشروانی	۶
۲۳	سلطان اسماعيل بن حيدر الصفوی	۷
۱۳	عبد الرحمن بن خليل	۸
۱۶	عبدالعزیز بن محمد بن عبدالعزیز الأهری	۹
۱۴	علامه عبدالحق محدث دهلوی	۱۰
۲۶	محمد طاهر الکردی	۱۱
۱۳	مظهرالدين حسين بن محمود بن الحسن الزیدانی	۱۲
۱۲	ناصرالدين ابی سعید عبدالله بن عمر بن محمد بن البيضاوي الشيرازی	۱۳

## فهرست منابع ومصادر

- ١- قرآن كريم.
- ٢- الاحاديث القدسيه الاربعينيه ، لشيخ العلامة ملاعلى قارى ، خرج احاديثه ابو اسحاق الحوينى الاثرى ، الطبع مكتبة الصحابه ، جده الشرقيه.
- ٣- أدلة معتقد أبى حنيفه الاعظم فى أبوى الرسول عليه الصلوة والسلام، على بن سلطان محمد القارى، تحقيق: مشهور بن حسن بن سلمان، مكتبه الغرباء الأثرية، سعودى، چاپ اول سال ١٩٩٣م.
- ٤- ارشاد السارى الى مناسك الملا على القارى، حسين بن محمد سعيد عبدالغنى، دارالكتاب العربى بيروت لبنان.
- ٥- الأسرار المرفوعة فى الأخبار الموضوعة المعروف بالموضوعات الكبرى، نور الدين علي بن محمد بن سلطان المشهور بالملا علي القارى، تحقيق محمد الصباغ، دار الأمانة / مؤسسة الرسالة، سنة النشر ١٣٩١ هـ - ١٩٧١م، مكان النشر بيروت.
- ٦- اصول السرخى، ابوبكر محمد بن احمد بن ابى سهل السرخسى تحقيق: ابو الوفا الافغانى، دارالمعرفة، بيروت.
- ٧- اعراب القارى على اول باب البخارى، ملاعلى قارى، دراسة وتحقيق : وسام عبدالطيف امين الهيتى.
- ٨- الاعلام قاموس تراجم اشهر الرجال والنساء من العرب والعجم والمستعمرين والمستشرقين، خير الدين الزركلى، دارالعلوم الملايين بيروت، لبنا، طبع ششم سال: ١٩٨٤م.
- ٩- افغانستان درمسير تاريخ، غلام محمد غبار، ص ٢٨٩. وكتاب: ميراث ايران، اثر آربرى و خاورشناسان ديگر، ترجمة عزيزالله حاتمي و دستيارانش، چاپ تهران.
- ١٠- البداية والنهاية فى التاريخ، إسماعيل بن عمر بن كثير، تحقيق ومراجعة وتعليق وتصحيح: محمد عبد العزيز النجار، مكتبة الأصمعي، الرياض.
- ١١- البدر الطالع بمحاسن من بعد السابع، الشيخ محمد بن علي بن محمد الشوكانى.
- ١٢- البضاعة المزجاة لمن يطالع المرقاة فى شرح مشكاة، محمد عبد الحليم بن عبد الرحيم (چشتى) الهندى، الطبع: مكتبة الامدادية ملتان پاكستان سال ١٣٩٢.
- ١٣- تاج العروس من جواهر القاموس، محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسينى، أبو الفيض، الملقب بمرتضى، الزبيدي، تحقيق مجموعة من المحققين، دار الهداية.

- ١٤- تاريخ سعيد نفيسي، از سعيد، مطبعه ميهن، سال طبع (١٣٤٤ هـ).
- ١٥- تاريخ الخط العربي وآدابه" للشيخ محمد طاهر بن عبد القادر الكردي المكي الخطاط - رحمه الله - تعالى، طبع في المطبعة التجارية الحديثة بمصر، نشر مكتبة الهلال مصر سال: (١٣٥٨ هـ).
- ١٦- تدريب الراوى في شرح تقريب النواوى، عبدالرحمان بن ابى بكر السيوطى، تحقيق: محمد امين بن عبدالله الشبرواى ، دار الحديث القايره.
- ١٧- التعليق الصبيح على مشكاة المصابيح، محمد ادريس الكاندهلوى، مطبعه الاعتدال دمشق، طبع اول.
- ١٨- توجيه النظر الى اصول الاثر، طاهر بن صالح الجزائرى الدمشقى، دار المعرفة، بيروت.
- ١٩- توضيح الأفكار لمعاني تنقيح الأنظار، أبى إبراهيم محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد المعروف بالأمير الصنعاني ، تحقيق: أبو عبد الرحمن صلاح بن محمد بن عويضة، دار الكتب العلمية، بيروت- لبنان، طبع اول سال: ١٤١٧هـ/١٩٩٧م.
- ٢٠- الجامع الصحيح المختصر، معروف به صحيح بخارى محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت، الطبعة الثالثة ، ١٤٠٧ - ١٩٨٧، تحقيق : د. مصطفى ديب البغا أستاذ الحديث وعلومه في كلية الشريعة - جامعة دمشق.
- ٢١- الجامع الصحيح المسمى بصحيح مسلم، أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري، دار الجليل بيروت + دار الأفاق الجديدة - بيروت.
- ٢٢- الجامع الصحيح سنن الترمذي، محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمي، دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون.
- ٢٣- جمع الوسائل في شرح الشمائل (شرح كتاب شمائل امام ترمذى)، ملاعلى قارى، طبع القسطنطينية سال ١٢٩٠هـ.
- ٢٤- الحطة في ذكر الصحاح الستة، أبو الطيب السيد صديق حسن القنوجي، سنة الولادة ١٢٤٨هـ، دار الكتب العلمية، سال نشر ١٤٠٥هـ / ١٩٨٥م، بيروت.
- ٢٥- خلاصة الأثر في أعيان القرن الحادي عشر، تقي الدين داود المحبي، دار صادر للطباعة والنشر، ط ٢، ١٩٩٠.
- ٢٦- دلائل النبوة، امام بيهقى، موقع جامع الحديث.

- ٢٧-رساله في بيان افراد الصلاة عن السلام هل يكره ام لا؟ على بن سلطان محمد القارى، تحقيق: محمد فاتح قايا، دارالبشائر الاسلاميه، طبع اول سال: ٢٠٠٨م، بيروت لبنان.
- ٢٨-سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة، محمد ناصر الدين بن الحاج نوح الألباني، دارالمعارف الرياض - المملكة العربية السعودية، طبع: اول، سال: ١٤١٢ هـ / ١٩٩٢ م.
- ٢٩-سمط النجوم العوالي في أنباء الأوائل والتوالي، العلامة عبد الملك العصامي، درگذشت: سنة ١١١١هـ، مصدر الكتاب : موقع الوراق.
- ٣٠-سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني، دار الفكر - بيروت، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي.
- ٣١-سنن أبي داود، أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، دار الكتاب العربي - بيروت، مصدر الكتاب : وزارة الأوقاف المصرية وأشاروا إلى جمعية المكنز الإسلامي.
- ٣٢-السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي، مؤلف الجوهر النقي: علاء الدين علي بن عثمان المارديني الشهير بابن التركماني، مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة في الهند ببلدة حيدر آباد، طبع اول - ١٣٤٤ هـ، مصدر الكتاب: موقع وزارة الأوقاف المصرية.
- ٣٣-سنن النسائي الكبرى، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ، ١٤١١ - ١٩٩١، تحقيق : د.عبد الغفار سليمان البنداري ، سيد كسروي حسن.
- ٣٤-شذرات الذهب في اخبار من ذهب، لابن عماد الحنبلي، دارالفكر للطباعة والنشر الطبعة الاولى سنة ١٣٩٩.
- ٣٥-شرح فقه أكبر، ملاعلى قارى، تصحيح مولانا حافظ محمد عبد الاحد، طبع: مطبعه مجتباتى واقع دهلى.
- ٣٦-شرح مشكل الآثار، احمد ب محمد الطحاوى(ت ٣٢١)، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة، بيروت، طبع اول سال: ١٤١٥هـ.
- ٣٧-شعب الإيمان، أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقي، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ، ١٤١٠، تحقيق : محمد السعيد، بسيوني زغلول.
- ٣٨-شَمَّ العوارض في ذمّ الروافض، على بن سلطان محمد القارى، تحقيق: د. مجيد خلف، مركز الفرقان، طبع اول ١٤٢٥، القاهرة.
- ٣٩- عقود الجوهر في تراجم من لهم خمسون تصنيفاً فوائده فاكثراً، جميل بك العظم، طبع: مكتبة الاهليه بيروت، سال طبع: ١٣٢٦هـ.



٤٠- الفوائد البهية في تراجم الحنفية، امام محمد عبدالحى لكتوي متوفاي ١٣٠٤ هـ، انتشارات: دارالارقم للطباعة والنشر، بيروت.

٤١- القاموس المحيط، مجد الدين فروز آبادى، تحقيق: مكتب تحقيق التراث في مؤسسه الرسالة، اشراف محمد نعيم العرقسوسى ، مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع ، بيروت، طبع هشتم سال: ١٤٢٦هـ.

٤٢- قفو الاثر في صفو علوم الاثر، محمد بن ابراهيم الحلبي، ويليه بلغة الغريب في آثار الحبيب، محمد مرتضى الزبيدي، الطبعة الاولى ١٣٢٦هـ، مطبعة السعاده.

٤٣- قواعد في علوم الحديث، ظفر احمد العثماني التهانوى، دار القلم، طبع سوم سال: ١٣٩٢هـ لبنان.

٤٤- كشف اللثام عن أسرار تخریج أحاديث سيد الأنام صلى الله عليه وسلم ، الدكتور عبدالموجود محمد عبدالطيف، استاذ علوم حديث در قاهره، مكتبة الأزهر طبع اول سال: ١٤٠٤هـ ق.

٤٥- كنز العمال في السنن الاقوال والافعال، متقي هندي، بيروت: مؤسسه الرساله، سال: ١٣٩٩ هـ ق.

٤٦- كشف الظنون عن أسامي الكتب والفنون، مصطفى بن عبدالله القسطنطيني الرومي الحنفي، \_ ١٠١٧ - (١٠٦٧)، دار الكتب العلمية، سال نشر: ١٤١٣ - ١٩٩٢، بيروت.

٤٧- اللآلي المنثورة في الأحاديث المشهورة، محمد بن عبد الله بن بهادر الزركشي، دار الكتب العلمية.

٤٨- لسان العرب، محمد بن مكرم بن منظور الأفريقي المصري، دارصادر - بيروت، الطبعة الأولى، مصدر الكتاب: برنامج المحدث المجاني.

٤٩- لمعات التنقيح شرح مشكاة المصابيح، عبد الحق محدث الدهلوى، طبع معارف العلميه لاهور باكستان.

٥٠- الماتريديه وموقفهم من الأسماء والصفات، دكتور شمس الدين السلفى الافغانى، مؤسس جامعه اثريه، الجامعة العالمية، طبع: مكتبة الصديق الطائف، طبع دوم سال: ١٩٩٨م.

٥١- الماتريديه دراستاً و تقويم ها، دكتور احمد بن عوض الله بن داخل الحربى، استاذ مساعد در بخش اصول دين در پوهنتون ملك عبدالعزيز بن سعود الاسلاميه، طبع: دارالعصامة للنشر والتوزيع، چاپ اول سال: (١٤١٣هـ ق).

٥٢- مجلة الداعى الشهرية الصادره عن دارالعلوم ديوبند، طبع: برج شعبان ١٤٣٨ مطابق ٢٠١٧م ، به قلم رفعى الدين حنيف القاسمى.

٥٣- مجموعه الرسائل ابن عابدين، طبع آستانه مطبع: العثمانية سال ١٣٢١ هـ)، رساله ٥.

- ٥٤- مختلف الحديث بين الفقهاء والمحدثين، نافذ حسين حماد، اصدارات وزارة الاوقاف والشئون الاسلامية، ادارة الشؤون الاسلامية، قطر، طبع سوم سال: ١٤٣٠هـ.
- ٥٥- المدخل الى دراسة علم الكلام، دكتور حسن محمود الشافعي، إدارة القرآن والعلوم الاسلامية كراچی پاکستان، و مطبعة النموذجية مصر.
- ٥٦- المذاهب الاسلامية، شيخ محمد احمد ابوزهره، المطبعة النموذجية مصر.
- ٥٧- مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، العلامة الشيخ على بن سلطان محمد القارى، تحقيق الشيخ جمال عيتاني، المكتبة الحبيبية كانسي رود كويته.
- ٥٨- المسألة في البسملة، العلامة على بن سلطان محمد القارى الهروي المكي، (٩٣٠-١٠١٤)، تحقيق د. عبدالحكيم الانيس، الطبع: دائرة الشؤون الاسلامية والعمل الخيري، حكومة الامارات العربية المتحدة دبي.
- ٥٩- مسند الإمام أحمد بن حنبل، أحمد بن حنبل، محقق: شعيب الأرنؤوط وآخرون، مؤسسة الرسالة، طبع: دوم ١٤٢٠هـ، ١٩٩٩م.
- ٦٠- مشكات المصابيح، محمد بن عبد الله الخطيب التبريزي، المكتب الإسلامي - بيروت، طبع سوم سال: - ١٤٠٥ - ١٩٨٥، تحقيق محمد ناصر الدين الألباني.
- ٦١- مشكاة المصابيح، تأليف شيخ ولي الدين محمد بن عبد الله خطيب تبريزي، ترجمه وشرح فيض محمد بلوچ، انتشارات خواجه عبدالله انصاري، چاپ دوم سال (١٣٩٣هـ).
- ٦٢- المصنوع في معرفة الحديث الموضوع (الموضوعات الصغرى) على القارى، تحقيق: عبدالفتاح او غدة، طبع: المطبوعات الاسلامية حلب، و دارالبشائر الاسلامية.
- ٦٣- معجم البلدان، ياقوت بن عبد الله الحموي أبو عبد الله، دار الفكر - بيروت.
- ٦٤- معجم اللغة العربية المعاصرة، الاستاذ الدكتور احمد مختار عمر.
- ٦٥- معجم مقاييس اللغة، ابو الحسن احمد ابن فارس بن زكريا (ت ٣٩٥)، تحقيق: عبدالغنى كحالة الدمشقي (ت ١٤٠٨)، مؤسسة الرسالة بيروت.
- ٦٦- معرفة علوم الحديث، محمد بن عبدالله الحاكم (ت ٤٠٥)، تحقيق: احمد فارس السلوم، دار ابن حزم بيروت، طبع اول سال: ١٤٢٤هـ.
- ٦٧- المقدمة السالمة في خوف الخاتمة، ملاعلى القارى، تحقيق: مشهور حسن سلمان، دار عمار عمان، طبع اول سال: (١٩٨٩م).

- ٦٨- ملا على القارى الهروى محدثاً (رسالة الدكتوراه)، نظام الدين نافع ابوبكر، پوهنتون پنجاب لاهور باكستان.
- ٦٩- الملل والنحل، شهرستانى، الطبعة دوم، مكتبة الانجلو المصرية القاهرة.
- ٧٠- منح الروض الأزهر في شرح الفقه الأكبر، تأليف: ملا على القاري، ومعه: التعليق الميسر على شرح الفقه الأكبر، تأليف: الشيخ وهي سليمان غاوجي، دار البشائر الإسلامية، طبع اول سال: ١٩٩٨م.
- ٧١- المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، أبو زكريا يحيى بن شرف بن مري النووي، دار إحياء التراث العربي - بيروت، طبع: سوم سال: ١٣٩٢.
- ٧٢- منهج النقد في علوم الحديث، نور الدين عتر، دار الفكر دمشق سورية، طبع سوم سال ١٤١٨هـ - ١٩٩٧م، مصدر الكتاب: المكتبة الرقمية.
- ٧٣- الموضوعات الصغرى، ابن الجوزى، طبع: مطبعة المجد مصر سال: ١٣٢٦هـ.
- ٧٤- الموطأ، مالك بن أنس، تحقيق: محمد مصطفى الأعظمي، مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان، طبع: اول سال: ١٤٢٥هـ - ٢٠٠٤م، موقع الإسلام.
- ٧٥- موعظة الحبيب و تحفة الخطيب (من خطب النبي صلى الله عليه وسلم والخلفاء الراشدين)، علامه شيخ على بن سلطان محمد القارى الحنفى المكي، تحقيق: دكتور عبدالحكيم الأنيس، چاپ: دائرة الشؤون الإسلامية و العمل الخيرية، دبي، طبع اول سال: ٢٠٠٩م.
- ٧٦- نزهة الخواطر و بهجة المسامح و النواظر، للشريف عبدالحى الحسنى، الطبع الاول دائرة المعارف العثمانية حيدر آباد الدكن سال: ١٢٧٨هـ.
- ٧٧- النور السافر عن أخبار القرن العاشر، عبدالقادر العيد روسى، مصدر الكتاب: مكتبة العرييه بغداد سال: ١٣٥٣هـ، در يك جلد.
- ٧٨- هديه العارفين في اسماء المؤلفين و آثار المصنفين، اسماعيل باشا البغدادي، طبع مطبعة استانبول سال: ١٩٥١م.

## فهرست موضوعات

خلاصه بحث.....	(ب)
شکران و سپاس گذاری.....	(ج)
مقدمه.....	۳-۱
اسباب اختیار موضوع.....	۳
سوالات تحقیق.....	۴
اهمیت موضوع.....	۴
اهداف تحقیق.....	۵
پیشینه تحقیق.....	۶-۵
روش تحقیق.....	۷-۶
پلان و خطه تحقیق.....	۹-۷
تمهید.....	۱۱-۱۰
اصل کتاب مشکاة المصابیح و سبب تألیف آن.....	۱۱
کتاب ( مصابیح السنة).....	۱۲-۱۱
شرح کتاب (مصابیح السنة).....	۱۳-۱۲
کتاب مشکاة المصابیح.....	۱۴-۱۳
مؤلف مشکاة المصابیح.....	۱۵-۱۴
شرح مشکاة المصابیح.....	۱۶-۱۵
مراجع و مصادر مشکاة المصابیح.....	۱۸-۱۷

### فصل اول

#### ملا علی قاری وجایگاه علمی وی

مدخل:.....	۱۹
مبحث اول: شناخت و معرفی ملا علی قاری رحمه الله.....	۲۰

۲۰.....	نام و نسب، ملاعلی قاری.....
۲۱-۲۰.....	مراجع که در آن نام پدر ملاعلی قاری (سلطان ابن محمد) ذکر شده.....
۲۲-۲۱.....	مراجع که در آن نام پدر ملاعلی قاری (سلطان ابن محمد) ذکر شده.....
۲۳.....	نشأت و پرورش علمی ملاعلی قاری.....
۲۴.....	اوضاع سیاسی در زمان ملاعلی قاری.....
۲۵-۲۴.....	خروج ملاعلی قاری از هرات و سبب آن.....
۲۶-۲۵.....	طلب و تحصیل علمی ملاعلی قاری.....
۲۶.....	سفرهای علمی ملاعلی قاری.....
۲۷-۲۶.....	محل و تاریخ وفات ملاعلی قاری.....
۲۹-۲۷.....	استادان ملاعلی قاری.....
۳۰-۲۹.....	حلقات علمی و شاگردان ملاعلی قاری.....
۳۱.....	اقوال علماء راجع به ملاعلی قاری.....
۳۳-۳۱.....	مدح ملاعلی قاری.....
۳۳.....	منتقدین ملاعلی قاری.....
۳۴-۳۳.....	اعتراض ملاعلی قاری بالای برخی از علماء.....
۳۸-۳۴.....	عقیده ملاعلی قاری در مورد والدین رسول الله.....
۳۸.....	زهد و تقوی ملاعلی قاری.....
۳۹.....	خوشنویسی و قناعت ملاعلی قاری.....
۴۰-۳۹.....	گرایش تصوفی ملاعلی قاری.....
۴۳-۴۰.....	مذهب فقهی ملاعلی قاری.....
۴۵-۴۳.....	مذهب اعتقادی ملاعلی قاری.....
۴۵-۴۷-۴۵.....	مصادر ترجمه و معرفی ملاعلی قاری.....
۴۹-۴۸.....	<b>مبحث دوم: تصنیفات و وظائف علمی ملاعلی قاری.....</b>
۵۰-۴۹.....	تألیفات ملاعلی قاری در توحید و عقیده.....
۵۱-۵۰.....	مؤلفات ملاعلی قاری در تفسیر و علوم قرآنی.....

۵۳-۵۱.....	مؤلفات ملاعلی قاری در حدیث و علوم آن.....
۵۳.....	مؤلفات ملاعلی قاری در سیرت و تاریخ.....
۵۶-۵۴.....	مؤلفات ملاعلی قاری در فقه و اصول آن.....
۵۷-۵۶.....	مؤلفات ملاعلی قاری در مناسک و ادعیه.....
۵۹-۵۸.....	مؤلفات ملاعلی قاری در تراجم و فضائل.....
۵۹.....	وظایف و فعالیت های علمی ملاعلی قاری.....

## فصل دوم

### شناخت مرقاة المفاتیح، و روش ملاعلی قاری در علم حدیث

۶۰.....	مدخل:.....
۶۱.....	مبحث اول: شناخت و آگاهی راجع به مرقاة المفاتیح.....
۶۲-۶۱.....	نام کتاب مرقاة المفاتیح، مزایا، و سبب تألیف آن.....
۶۳.....	سبب تألیف کتاب مرقاة المفاتیح.....
۶۷-۶۵.....	اهمیت کتاب مرقاة المفاتیح.....
۶۹-۶۷.....	جایگاه و منزلت کتاب مرقاة المفاتیح.....
۷۴-۶۹.....	موقف ملاعلی قاری با مصنف کتاب (صاحب مشکاة).....
۷۹-۷۴.....	موقف ملاعلی قاری در قبال شرح مشکاة المصابیح.....
۷۹.....	مصادر و منابع ملاعلی قاری در مرقاة المفاتیح.....
۸۱-۸۰.....	مصادر ملاعلی قاری در عقیده.....
۸۰.....	مصادر ملاعلی قاری در تفسیر و علوم قرآنی.....
۸۱-۸۰.....	مصادر ملاعلی قاری در حدیث و علوم آن.....
۸۲-۸۱.....	مصادر ملاعلی قاری در فقه و فتوی.....
۸۲.....	مصادر ملاعلی قاری در علم الرجال.....
۸۳-۸۲.....	مصادر ملاعلی قاری در زهد و رقاق.....
۸۳.....	مصادر ملاعلی قاری در سیرت.....
۸۳.....	مصادر ملاعلی قاری در لغت.....

۸۳.....	بعضی ملاحظات بالای کتاب مرقاة المفاتیح.....
۸۵-۸۴.....	عدم تخریج بعضی احادیث در مرقاة المفاتیح.....
۸۶-۸۵.....	نقل احادیث ضعیف و موضوع.....
۸۸-۸۶.....	نقل حکایات و قصه های تصوفی و غیره.....
۹۰-۸۸.....	نقل روایات و اقوال مبهم و غریب.....
۹۰.....	<b>مبحث دوم: روش و منهج ملاعلی قاری در علم حدیث.....</b>
۹۰.....	روش و منهج ملاعلی قاری در روایت علم الحدیث.....
۹۱-۹۰.....	تعریف علم روایت الحدیث.....
۹۲.....	موضوع علم درایت الحدیث.....
۹۵-۹۲.....	مثالهای تطبیقی علم روایت الحدیث نزد ملاعلی قاری.....
۹۵.....	روش و منهج ملاعلی قاری در علم درایت الحدیث.....
۹۷-۹۵.....	تعریف علم درایت الحدیث.....
۹۷.....	موضوع علم درایت الحدیث.....
۹۸-۹۷.....	مثالهای تطبیقی علم درایت الحدیث.....

### فصل سوم

#### منهج ملا علی قاری در شرح احادیث مشکاة واستنباط حکم از آن

۱۰۲.....	<b>مبحث اول: منهج ملا علی قاری در شرح احادیث مشکاة.....</b>
۱۰۲.....	توجه ملا علی قاری در شرح کتب و أبواب مشکاة.....
۱۰۴-۱۰۲.....	منهج ملاعلی قاری در شرح کتابهای (کتاب مشکاة المصابیح).....
۱۰۶-۱۰۴.....	منهج ملاعلی قاری در شرح ابواب کتابهای (کتاب مشکاة المصابیح).....
۱۰۸-۱۰۶.....	منهج ملاعلی قاری به الفاظ غریب حدیث و اعراب آن.....
۱۱۰-۱۰۶.....	منهج ملاعلی قاری در بیان قواعد نحوی حدیث.....
۱۱۴-۱۱۰.....	عنایت ملا علی قاری به تراجم راوی حدیث.....
۱۱۷-۱۱۴.....	موقف ملا علی قاری در باره راوی مبهم.....
۱۱۷.....	توجه ملا علی قاری به علم مشکل الحدیث.....

۱۱۸-۱۱۷.....	تعریف علم مشکل الحدیث.....
۱۲۳-۱۱۸.....	مثالهای تطبیقی مشکل الحدیث در کتاب مرقاة المفاتیح.....
۱۲۳.....	منهج ملا علی قاری در علم مختلف الحدیث.....
۱۲۵-۱۲۳.....	تعریف علم مختلف الحدیث.....
۱۳۲-۱۲۵.....	مثالهای تطبیقی علم مختلف الحدیث در کتاب مرقاة المفاتیح.....
۱۳۴-۱۳۲.....	روش ملا علی قاری در تخریج حدیث.....
۱۳۶-۱۳۴.....	روش ملا علی قاری در حکم بر حدیث.....
۱۳۸-۱۳۶.....	منهج ملا علی قاری در بیان اقوال متصوفه.....
۱۴۰-۱۳۸.....	منهج ملا علی قاری در حکایت های دربیستی راجع به شرح و توضیح حدیث.....
۱۴۲-۱۴۰.....	منهج ملا علی قاری در استفاده از نظم و شعر برای توضیح و شرح حدیث.....
۱۴۳.....	<b>مبحث دوم: منهج و روش ملا علی قاری در نحوه استنباط احکام از حدیث در شرح مشکاة.....</b>
۱۴۵-۱۴۳.....	منهج ملا علی قاری در علم أسباب ورود حدیث.....
۱۴۷-۱۴۶.....	منهج ملا علی قاری در بیان احکام عقیده.....
۱۴۸-۱۴۷.....	توضیح دید فقهاء، همراه با دلائل آن.....
۱۵۲-۱۴۸.....	بیان اقوال فقها و نقل دلائل آنها.....
۱۵۴-۱۵۲.....	حمایت ملا علی قاری از مذهب حنفی.....
۱۵۷-۱۵۴.....	منهج ملا علی قاری در بیان بدعات و ظلم حکام هنگام شرح حدیث.....
۱۵۸-۱۵۷.....	توجه ملا علی قاری به ذکر فوائد و نکات.....
۱۶۰-۱۵۹.....	نتایج بحث.....
۱۶۱.....	پیشنهادات.....
۱۶۳-۱۶۱.....	فهرست آیات.....
۱۶۶-۱۶۴.....	فهرست احادیث.....
۱۶۷.....	فهرست اعلام.....
۱۷۳-۱۶۸.....	فهرست منابع و مصادر.....
۱۷۸-۱۷۴.....	فهرست موضوعات.....



## Summary of Argument

The summary of argument which is under title of (Mulla Ali Qari and the way in Marqat Almafatih), it is given to me by Mastery administration of Salam University to get mastery degree, as following;

In the preface of this thesis all affairs of Monograph writing that should be considered as: praise, worship of Almighty Allah, Hail to Prophet (PBUH), reason of adoption of subject, goals of research, the questions that this book will response and territory of argument that is contented; in scheme about genuine and basis of the book ( Mashkat Almasabih) and biography of the author (Khatib Tabrizi –hail to him) as well, argument is done completely about explanations of book (Mashkat Almasabih) because the basis of book ( Mashkat Almasabih) is book (Masabih Alsana) of Imam Baghawi –Hail to him-.

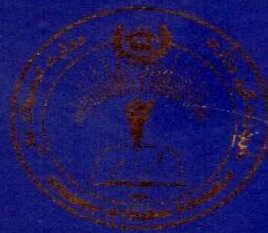
This research is formed of two parts: it means (Mulla Ali Qari ) and ( the way in Marqat Almafatih) so, at this thesis, argument is done completely about biography, Mullah Ali Qari's –Hail to him- introduction, from his preface writings, passages of morality writers about his biography and about essays , ballads of Mullah Ali Qari in various knowledge such as: theism and opinion, interpretation, and Holy Quran's Knowledge, Hadis and its knowledge, morality and history, Fiqh and its principles, behaviors and prayers, translations, accomplishments.

Also argument is done about recognition and introduction of book (Marqat Almafatih, reason of its writing, features of this book, views of scientist/Olama about Marqat Almafatih, resources of Marqat Almafatih and way of Mullah Ali Qari in Hadis knowledge ( reportedly, tactfully) with implemented examples.

At the end so, way of Mulla Ali Qari – Hail to Him- in explaining of Hadis Book (Mashkat Almasabih) included subjects like: Book's description and sections of Mashkat, Words description of Gharibul Hadis and Hadis Difference and Takhrij ul Hadis and sentence is done on Hadis .

As well, Mulla Ali Qari – Hail to Him- in deduction of sentence from Hadis of the book (Mashkat Almasabih), devices of Hadis entry, sentences of his opinion, Fiqh matters of Hadis and matters of usefulness and points of Hadis is mentioned.

At the end of this thesis results of arguments, argument offers , titles of Holy Quran sentences /Ayat , prophet (PBUH), Title of declaration, title of Masadir and References and title of subjects and having of argument is included.



The Government of the Islamic Republic of Afghanistan

Ministry of Higher Education

Salam University

Faculty of Sharia

Department of Islamic studies

Master schooling program

## Mulla Ali Qari and the way in Marqat Almafatih

Masterly thesis

Researcher: Rohullah Rahimi

Under Supervision of: Professor Dr. Abdul Bari Hamidi

Year: 2019/1397